

• شارلوت هرمن • فیلیپ استیل • ریچارد تامس •



تاریخ مصور جهان دنیای باستان

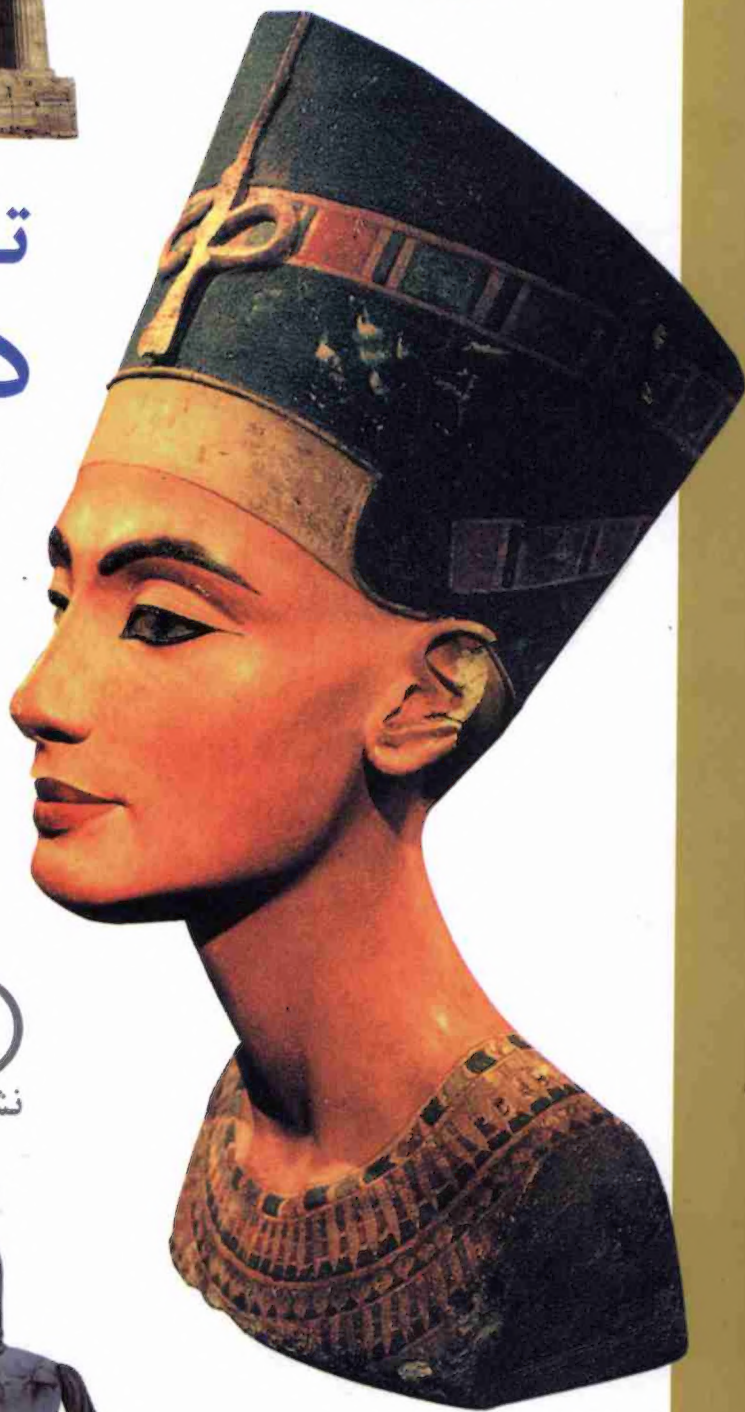
انسان‌های عصر حجر، مصر باستان،
یونان باستان و امپراتوری روم
چگونه زندگی می‌کردند؟



ترجمه تبسم آتشین‌جان



نشرنی



منتدى اقرأ الثقافي

www.iqra.ahlamontada.com



تاریخ مصور جهان دنیای باستان

شارلوت هرمن
فیلیپ استیل
ریچارد تامس



ترجمه تبسم آتشین جان



نشرنی

سرشناسه: هرډمن، شارلوت Hurdman, Charlotte
 عنوان و نام پدیدآور: تاریخ مصور جهان دنیای باستان / شارلوت هرډمن، فیلیپ
 استیل، ریچارد تامس؛ ترجمه تبسم آتشین جان.
 مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۸۸.
 مشخصات ظاهری: ۲۵۵ ص: مصور (رنگی)
 شابک: 978-964-185-065-6
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
 یادداشت: عنوان اصلی: *The encyclopedia of the ancient world: how people lived in the stone...*
 موضوع: تاریخ باستان - ادبیات کودکان و نوجوانان؛ تمدن باستان - ادبیات نوجوانان.
 شناسه افزوده: استیل، فیلیپ، ۱۹۴۸ - م. Steele, Philip
 شناسه افزوده: تیمز، ریچارد Tames, Richard
 شناسه افزوده: آتشین جان، تبسم، ۱۳۴۸ - ، مترجم.
 رده بندی کنگره: ۱۳۸۷ ۲ ت ۴ ۵۷ / D
 رده بندی دیویی: ۹۳۰ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۴۳۳۲۸



نشرنی

تاریخ مصور جهان

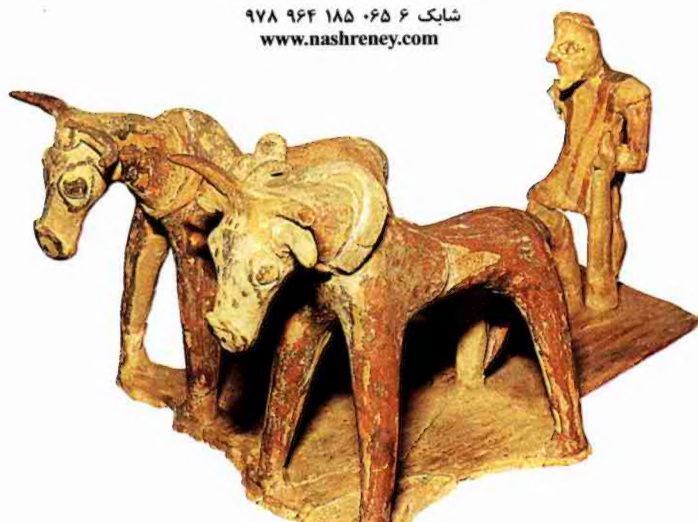
دنیای باستان

شارلوت هرډمن، فیلیپ استیل، ریچارد تامس

مترجم تبسم آتشین جان
 ویراستار لیدا کاووسی
 نمونه‌خوان دلناز سالاربهزادی / مهدی نوید
 چاپ اول ۱۳۸۸ تهران
 تعداد ۵۵۰۰ نسخه
 قیمت ۱۸۰۰۰ تومان
 لیتوگرافی سحرگرافیک
 چاپ شادرنگ
 ناظر چاپ بهمن سراج

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً،
 به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی)
 بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

شابک ۹۷۸ ۹۶۴ ۱۸۵ ۰۶۵ ۶
www.nashreney.com



فهرست مطالب

تولد تمدن

بررسی روشنگرانه بیش از دو میلیون سال تاریخ بشر، از مبارزه سخت وی برای بقا در عصر حجر تا شکوه و جلال دنیای قدیم ۶

عصر حجر

داستان چگونگی اسکان تدریجی نخستین شکارچیان و گردآورندگان غذا و در پی آن، شکل‌گیری نخستین جوامع کشاورزی و روستاها ۱۰

مصر باستان

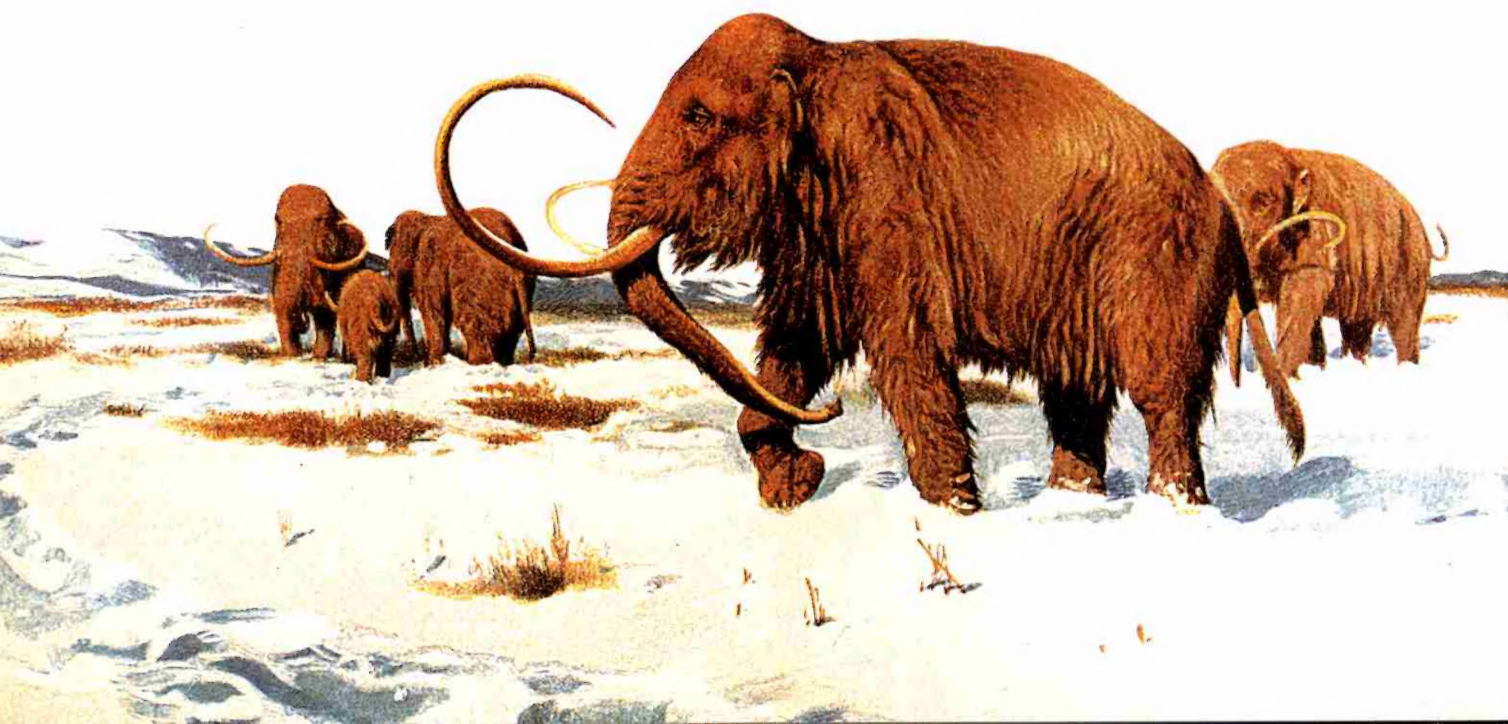
نخستین ساکنان کرانه‌های حاصلخیز رود نیل و تبدیل شدن آن‌ها به مردم ساکن دنیای باشکوه و پیچیده فراغت و اهرام ۷۲

یونان باستان

تمدن پرشکوه یونان باستان، سنگ بنای فرهنگ نو، از تئاتر و هنر و معماری گرفته تا بازی‌های المپیک ۱۳۲

امپراتوری روم

رومیان توانا در جنگاوری و هوشیار در هنگام صلح، سازندگان یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌هایی که دنیا به خود دیده است ۱۹۰



تولد تمدن

این کتاب به بیش از دو میلیون سال تاریخ بشر می‌پردازد، که از نخستین پیشینیان مان در افریقا آغاز می‌شود و با امپراتوری پر قدرت روم پایان می‌یابد. تصور این دوره طولانی دشوار است: چیزی حدود سی هزار برابر میانگین عمر بشر امروزی. در دنیای معاصر روش زندگی ما مدام در حال تغییر است. هر سال مدل‌های جدید لباس، بازی‌های جدید و سبک‌های نوینی در موسیقی پدید می‌آید و صدها کشف علمی به وقوع می‌پیوندد. اما در اغلب مراحل تاریخ بشر، تغییرات بسیار کند رخ داده‌اند.



تصویری از زندگی

انسان‌های نخستین با شکار حیوانات وحشی و جمع کردن گیاهان خودرو روزگار می‌گذراندند. اهمیت شکار در نخستین جلوه‌های هنر بشر مشهود بود، مثل این نقش ۱۵ هزار ساله گاومیش که روی دیوار غاری در آلتامیرا (Altamira) در اسپانیا کشف شده است.

تیغه و نوک پیکان

چند ابزار چوبی و سنگی مثل این تیغه‌های چاقو و نوک‌های پیکان، به علاوه آتش و لباس‌هایی از پوست حیوانات و نیز سر پناه، همه آن چیزی بود که نیاکان ما برای بقا نیاز داشتند.



شکارچیان و گردآورندگان غذا

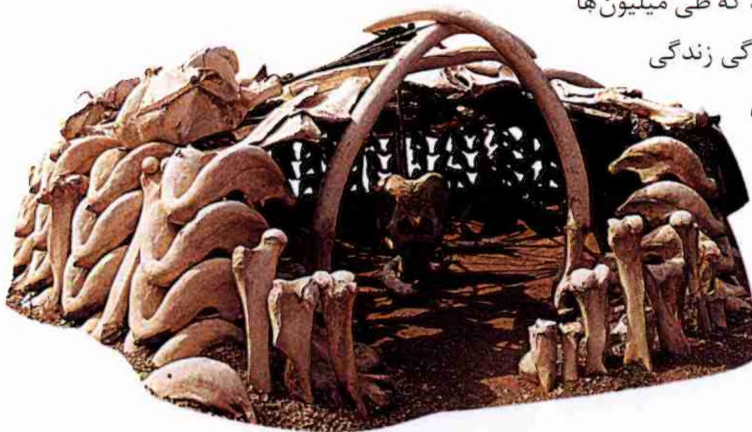
تا حدود ۱۱ هزار سال قبل، انسان‌ها به شیوه ساده‌ای می‌زیستند که طی میلیون‌ها سال به تدریج پیشرفته شد. مردم در گروه‌های کوچک خانوادگی زندگی می‌کردند و با جمع‌آوری گیاهان خودرو و شکار حیوانات وحشی روزگار می‌گذراندند. هرگز اقامت‌شان در جایی طولانی نمی‌شد و مدام در پی یافتن منابع خوراکی جدید یا گله‌های حیوانات وحشی در حرکت بودند. بشر اولیه شکارچی و گردآورنده غذا مدت‌های مدیدی از ابزاری مشابه استفاده می‌کرد.

اسکان

نخستین نمونه بشر کاملاً مدرن، که هوش و ظاهرش درست مثل ما بود، حدود صد هزار سال پیش در مناطق گرمسیری افریقا می‌زیست. در مقایسه با گونه‌های قبلی، این گونه بهتر می‌دانست که چطور باید در محیط‌های جدید زندگی کند.

خانه‌ای از استخوان‌های ماموت

این تصویر شکل بازسازی شده خانه یک شکارچی ماموت است که حدود ۱۳ هزار سال قبل از میلاد در اوکراین (Ukraine) ساخته شد. سه هزار سال بعد، بشر تقریباً در همه‌جای کره خاکی، حتی در قطب یخ بسته، زندگی می‌کرد.



پرورش محصول

این انسان‌های نخستین به سرعت از آفریقا به راه افتادند و جانشین گونه‌های پیشین، مثل نئاندرتال‌های (Neanderthals) ساکن اروپا و آسیا، شدند. به مرور، تعدادشان آن قدر زیاد شد که نمی‌توانستند فقط به شکار حیوانات یا جمع کردن گیاهان خودرو برای ارتزاق بسنده کنند. و بدین ترتیب، بشر زندگی کشاورزی را آغاز کرد. نخستین کشاورزان حدود ۱۱ هزار سال قبل در خاورمیانه سکنا گزیدند. چند هزار سال بعد، کشاورزی در مصر، هند و چین نیز رواج یافت. تا روزگار رومیان (۲۰۰۰ سال قبل) اغلب مردم ساکن آسیا، آفریقا و اروپا برای تهیه خوراک‌شان به کشاورزی وابسته بودند.



آسیاب کردن غلات

این آسیاب سنگی ۶۰۰۰ سال قدمت دارد. از این وسیله برای آسیاب کردن غلات و تهیه آردی درشت برای پختن نان و پوره استفاده می‌شد. با کاشت دانه گیاهان خوراکی و نیز نگهداری رمة‌های حیوانات وحشی در حصار، انسان شکارچی تبدیل شد به انسان کشاورز.

راه‌های جدید زیستن

کشاورزی منجر به پیدایش تغییرات عمده‌ای در روش زندگی اغلب مردم شد. به این ترتیب که بشر دیگر می‌توانست همیشه در یک جا ساکن باشد. پس شروع کرد به ساختن خانه‌های چوبی، خشتی و سنگی مقاوم و دیرپا. بشر یادگرفت که خاک رس را حرارت دهد و با آن، برای نگهداری و پختن غذا، ظرف‌های سفالی بسازد. بعدها یادگرفت که با حرارت دادن سنگ‌ها، از آن‌ها فلزاتی مثل طلا، نقره یا مس به دست آورد. ابزار فلزی حتی بهتر از ابزار سنگی بود.

انفجار جمعیت

کشاورزی منجر به تغییرات عمده‌ای شد. کشاورزانی که بیش‌تر کار می‌کردند و زمین بهتری داشتند، از بقیه موفق‌تر بودند و بیش از نیاز خانواده خود محصول به دست می‌آوردند.



دستبند شانس

صنعتگران همیشه تحت حمایت حکمرانان بودند و به همین علت، می‌توانستند مهارت‌های خود را بی‌پروا کنند و اشیائی حیرت‌انگیز خلق کنند، مثل این دستبند مصری که چشم مقدس مصریان (Udjat) روی آن نقش بسته است.



آسان کردن زندگی

این سفالینه یافته شده در شهر تبس (Thebes) در یونان، کشاورزی را در حال شخم زدن با دو گاو نشان می‌دهد. ابزارهای جدید و متنوعی برای آسان‌تر کردن کشاورزی اختراع شد، ابزاری مثل تبر برای قطع کردن درختان، کج بیل برای کشت زمین و بعدها، خیش و وسایل چرخ‌دار برای حمل بارهای سنگین.

آن‌ها می‌توانستند مازاد مصرف خود را با وسایلی تجمعاتی چون جواهرات زیبا و اسلحه عوض کنند یا برای کسب قدرت و نفوذ بر دیگران از آن سود بجویند. چنین شد که نابرابری ثروت و قدرت در میان مردم جوامع کشاورزی پدیدار شد. قدرتمندان می‌توانستند رئیس باشند، بر دیگران حکم برانند و بر زمین‌های‌شان نظارت کنند. از آن‌جا که کشاورزی باعث فراوانی غذا شد، جمعیت بشر به سرعت افزایش یافت. در روزهای نخستین رواج کشاورزی، جمعیت بشر در سراسر دنیا حدود ۱۲ میلیون نفر بود. امروزه دنیا بیش از ۵ میلیارد نفر جمعیت دارد که اغلب آن‌ها هنوز برای تهیه غذاهای‌شان به کشاورزی وابسته‌اند.

شهرها، شاه - خدایان و تمدن

در مناطقی که خاک بسیار حاصلخیزی داشت، مثل کرانه رودخانه‌های بزرگ، جمعیت بسیار سریع‌تر از جاهای دیگر رشد می‌کرد. کرانه‌های رود نیل در مصر، دجله و فرات در عراق، سند در پاکستان و رودخانه زرد در چین از این نواحی بودند. نخستین تمدن‌ها (جوامع بزرگ دارای حکومت) در حدود ۵۵۰۰ تا ۳۵۰۰ سال قبل در این نواحی پدید آمدند. رئیس‌ها آن قدر قدرت نداشتند که چنین جوامع پهناوری را که در واقع حکم شهر را داشتند کنترل کنند، پس لاجرم نوع جدیدی از حکمرانی پدید آمد: پادشاهی. شاهان برای تحکیم قدرت خود قانون‌هایی وضع کردند.



شاه - خدا

وقتی آخن‌آتن (Akhenaten) در مصر به قدرت رسید، پرستش خدایی واحد را باب کرد. خدای واحد او قرص خورشید، آتن (Aten)، بود. پادشاهان باستان برای تحکیم قدرت و مسند خود مدعی می‌شدند که تحت حمایت خدایان حکومت می‌کنند. برخی نیز، مثل فرعون‌های مصر باستان، مدعی می‌شدند که خود به واقع، خدایند.

نوشتن

مردی از اهالی یونان باستان روی لوحی مومی نامه می‌نویسد. از مهارت نوشتن، در ابتدا، فقط برای فرستادن پیغام‌های رسمی، ثبت هزینه‌ها و مالیات‌های دولتی و نیز نوشتن قوانین استفاده می‌شد. مدت‌ها گذشت تا خط و نوشتن به کار ثبت تاریخ، افسانه، داستان و افکار و عقاید آمد.



ابداع خط

کشاورزان مازاد محصول خود را به شهر می‌بردند تا آن‌ها را در حکم مالیات به شاه بدهند. شاه نیز از این محصول برای حمایت از کسانی استفاده می‌کرد که کارهای تخصصی تمام وقت انجام می‌دادند، کسانی مثل دولتمردان، سربازان، بناها و دیگر مردان و زنان صنعتگر. تمام این کارگران متخصص برای سیر کردن خود محتاج توانایی کشاورزان در پرورش محصول مازاد بر مصرف خود بودند. حکمرانی بر چنین جوامع پهناوری کار بسیار پیچیده‌ای بود. نظام‌های نوشتاری به این علت ابداع شد که به حکمرانان و دولتمردان کمک کند تا هر آنچه برای بهتر انجام دادن کارشان احتیاج داشتند به خاطر بسپارند.

اهرام جیزه (Giza) یا اهرام ثلاثه

اهرام نماد قدرت عظیم فرعون‌های مصرند. فراغت بر ثروت و مازاد محصولات مصر نظارت کامل داشتند و از این مازاد محصول برای سیر کردن هزاران کارگری که این مقبره‌های عظیم را می‌ساختند، استفاده می‌کردند.



نخستین ملت

نخستین تمدن را سومری‌ها (Sumerians) در حدود ۵۵۰۰ سال قبل در خاورمیانه شکل دادند. حدود ۴۰۰ سال بعد، تمدن دیگری در مصر شکل گرفت. تمدن مصر باستان یکی از موفق‌ترین تمدن‌های تاریخ است. این تمدن بیش از ۳۰۰۰ سال پابرجا ماند. سومری‌ها در چندین شهر ساکن بودند و این شهرها هر یک شاه خود را داشتند، اما مصری‌ها تحت حکمرانی واحدی روزگار می‌گذراندند. مصریان نخستین ملت دنیا بودند. بعدها تمدن‌های جدیدی در خاورمیانه، آفریقا و اروپا شکل گرفت.



سبک کلاسیک

یونانیان باستان برخی از زیباترین بناهای جهان را ساخته‌اند که معبد پارتنون (Parthenon) در آتن (۴۴۷ - ۴۳۸ ق.م.) یکی از آن‌هاست. در دنیای باستان از سبک معماری یونان بسیار تقلید می‌شد. تأثیر این سبک معماری در دنیای امروز نیز مشهود است.

تولد تمدن اروپایی

مهم‌ترین تمدن در میان تمدن‌های جدید، متعلق به یونان بود که از مصر در امتداد دریای مدیترانه گسترده شده بود. تمدن یونان باستان یکی از مبتکرترین تمدن‌های تاریخ شد. دولت شهرهای یونان باستان نخستین شهرهایی بودند که در آن‌ها شهروندان اجازه داشتند بر خود حکم برانند. آن‌ها نام این نظام را دموکراسی گذاشتند. برخی از نخستین دانشمندان، فلاسفه و مورخان دنیا برخاسته از تمدن یونان باستان‌اند. یونانیان تئاتر را ابداع کردند. امروزه هنوز هم از هنر و سبک معماری یونان باستان تقلید می‌شود.



عشق پول

یونانیان باستان از نخستین کسانی بودند که از پول استفاده کردند.

یونانیان باستان مسافران و مهاجران بزرگی بودند. آن‌ها شهرهای متعددی در سراسر مدیترانه و خاورمیانه ساختند. رومی‌های ایتالیا به شدت تحت تأثیر یونانیان بودند. تا دوران مسیح، آن‌ها یکی از بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ را ساخته بودند.

یونانیان و مصریان هر دو تحت سلطه رومیان قرار گرفتند. امپراتوری روم ۱۵۰۰ سال قبل به پایان رسید، اما هنوز هم تأثیر آن بر زندگی ما مشهود است. بسیاری از زبان‌های جدید از زبان لاتین، که زبان رومیان بود، مشتق شده‌اند. الفبای انگلیسی را هم رومی‌ها ابداع کردند. آلمان و فرانسه قوانینی دارند که بر اساس قوانین روم وضع شده است. لندن و پاریس را نیز رومیان بنا نهادند.

دکتر جان هیوود

رشد یک امپراتوری



لژیونر

لژیونری رومی با زرهی کامل. جنگ برای تمام تمدن‌های باستان اهمیت داشت، اما در این میان، رومیان به خاطر داشتن سپاه حرفه‌ای کارآمد و بسیار آموزش‌دیده که حقوق بسیار خوبی هم می‌گرفت، موفق‌ترین بودند.

عصر حجر



شارلوت هر دمن

مشاور:

دکتر رایین هالگیت، موزه لوتن



عصر حجر دوره‌ای دو میلیون ساله است و این یعنی بخش عمده تاریخ بشر. این دوره را عصر حجر می‌نامند چون اغلب ابزار و سلاح‌های رایج در زندگی روزمره در آن دوران از سنگ و سنگ چخماق ساخته می‌شدند. در این دوره، مردم در گروه‌های خانوادگی کوچک زندگی می‌کردند و برای تهیه خوراک خود گیاهان خودرو جمع می‌کردند و دست به شکار حیوانات وحشی می‌زدند. نخستین انسان‌های عصر حجر خانه دائمی نداشتند، بلکه در پی یافتن شکارگاه‌های تازه، مدام در حال جابه‌جایی بودند. در طول دوره‌ای بسیار طولانی، وقتی بشر کشاورزی آموخت و به اهلی کردن حیوانات پرداخت، به تدریج در مکانی ماندگار شد. در این دوران، انسان نخستین شروع کرد به ساختن خانه و روستا و درست کردن ظروف سفالی و خیش.

پیدایش بشر

نخستین دوره تاریخ بشر را عصر حجر می‌نامند. در این دوره از سنگ (حجر) برای ساختن ابزار و اشیاء مختلف استفاده می‌شد. برخی از آن اشیاء سنگی تا امروز باقی مانده‌اند. در آن دوره از چوب و استخوان و الیاف گیاهان نیز برای ساختن اشیاء استفاده می‌شد، اما آن‌ها فاسد شدند و اثر چندانی از خود بر جا نگذاشتند.

نخستین نیاکان ما دست کم دو میلیون سال قبل ابزار سنگی می‌ساختند، اما داستان ما در واقع از هنگامی آغاز می‌شود که انسان جدید، با نام هومو ساپینس ساپینس (*Homo Sapiens Sapiens*) — یا انسان هوشمند — در حدود ۱۰۰ هزار سال قبل پا به عرصه وجود گذاشت. عصر حجر در واقع بخشی از دوره ماقبل تاریخ است، یعنی دوره‌ای است پیش از پیدایش خط. باستان‌شناسان واقع ناچارند مثل کارآگاهانی باشند که رخدادهای کناره هم می‌گذارند. این کار با استفاده از فنون خاصی مثل تعیین قدمت با رادیوکربن صورت می‌گیرد و به متخصصان کمک می‌کند تا نشان دهند زندگی در هزاران سال قبل چگونه



اسکلت‌ها و خاکسپاری

این اسکلت یک انسان نئاندرتال است که حدود ۶۰ هزار سال قبل به خاک سپرده شد. بقایای جسد و اشیائی که همراه آن‌ها دفن شده‌اند می‌توانند به متخصصان اطلاعات فراوانی در مورد انسان‌های نخستین بدهند.

بود. علاوه بر این، با بررسی فرهنگ‌هایی که در دوران مدرن همچنان از راه شکار و جمع‌آوری غذا روزگار می‌گذرانند می‌توان سرنخ‌هایی از نحوه زندگی مردم در دنیای باستان به دست آورد.



نقاشی‌های روی دیوار غارها

تصویر زیبایی این گاومیش روی دیوار غاری در آلتامیرای اسپانیا نقش زده شده است. این تصویر را شکارچیان ماقبل تاریخ در حدود ۱۳,۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح کشیده‌اند، موضوع نقاشی غارها اغلب حیواناتی بودند که در آن دوران شکار می‌شدند.

خط سیر زمانی ۱۲۰,۰۰۰ - ۱۰,۰۰۰ ق.م.

مولای بودن دوره زندگی ماقبل تاریخ بشر باعث شده است که حتی با تاریخ‌نگاری علمی نیز تعیین تاریخ‌ها تقریبی باشد.

۱۲۰,۰۰۰ قبل

از میلاد، انسان‌های

نئاندرتال، یا هومو ساپینس

نئاندرتالسیس (*Homo Sapiens*)

Neanderthalensis)، در اروپا و

غرب آسیا زندگی می‌کنند. شواهدی

در عراق یافت شده است که نشان

می‌دهد آن‌ها مردگان خود را دفن

می‌کنند.

زن نئاندرتال

۱۲۰,۰۰۰ ق.م.

۱۰۰,۰۰۰ قبل از میلاد، انسان جدید، یا هومو ساپینس ساپینس، در شرق و جنوب آفریقا زندگی می‌کنند.



جمجمه انسان هومو ساپینس نئاندرتالسیس

۸۰,۰۰۰ ق.م.

۵۰,۰۰۰ قبل از میلاد، انسان‌های ساکن آسیای جنوب شرقی در استرالیا سکنا می‌یابند.

۴۲,۰۰۰ قبل از میلاد، خاک سرخ رنگ

(رُس) از دل زمین‌های سوازیلند

(Swaziland) در آفریقا به دست

می‌آید.

۳۸,۰۰۰ قبل از میلاد، انسان جدید

در کروماگنون (Cro-magnon) فرانسه

زندگی می‌کند.



جمجمه انسان هومو ساپینس ساپینس

۶۰,۰۰۰ ق.م.

۳۰,۰۰۰ ق.م.

مجسمه‌ها

کنده‌کاری‌های کوچک به شکل زنان ماقبل تاریخ را پیکره‌های ونوس می‌نامند. این پیکره حدود سال ۲۳,۰۰۰ ق.م. ساخته شده است. مجسمه‌های متعددی که از آن دوران به دست آمده‌اند نشانه‌هایی از باورها و عقاید مردم عصر حجر به دست می‌دهند.



صحنه‌هایی از زندگی

در این کنده‌کاری روی سنگ که در نامیبیا (Namibia) کشف شده است، دو زرافه می‌بینیم. شکارچیان ساکن جنوب آفریقا حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد این کنده‌کاری را انجام داده‌اند. آمریکای شمالی تنها قاره‌ای است که اثری از هنر ماقبل تاریخ هنوز در آن یافت نشده است.

ابزار

با بررسی ابزار به‌جامانده از عصر حجر می‌توان به نحوه ساخت و کاربرد آن‌ها پی برد. از ابزاری مثل این تیر دستی و کاردک برای آماده کردن غذا و دباغی پوست حیوانات استفاده می‌شد.



نشانه‌هایی در غارها

بشر هزاران سال در پناهگاه‌ها و غارهای طبیعی، مثل این غار در مالتا (Malta)، زندگی کرده است. بخش عمده دانش ما در مورد مردمان ماقبل تاریخ حاصل حفاری دقیق لایه‌های سنگ و خاک در چنین مکان‌هایی است. ظاهراً بشر پیش از رها کردن این خانه‌های سنگی هزاران سال در آن‌ها زندگی کرده بود.



۱۵,۰۰۰ قبل از میلاد، ظریف‌ترین نقاشی‌های دیواره غارها و کنده‌کاری‌های روی استخوان و شاخ حیوانات که تاکنون یافت شده است، در اروپا ساخته می‌شوند.



۱۰,۵۰۰ قبل از میلاد، سفالگری در زاین رواج دارد. آسیایی‌هایی که به سمت قاره آمریکا راه افتاده‌اند، حالا به آمریکای جنوبی رسیده‌اند. برخی در مونت ورده (Monte Verde) شیلی زندگی می‌کنند.

۱۶,۰۰۰ قبل از میلاد، آخرین دوره یخبندان، که گاهی به آن آخرین عصر یخی (Ice Age) می‌گویند، سردترین دوران خود را سپری می‌کند.

۲۴,۰۰۰ قبل از میلاد، شکارچیان ماموت در دولنی وستونیک (Dolni Vestonice) در جمهوری چک سکنا می‌گیرند.

عده‌ای دیگر به استرالیا می‌روند و در آن‌جا ساکن می‌شوند.

مجسمه‌های کوچکی از زنان (پیکره ونوس) در اروپا ساخته می‌شود.

ماموت



۱۰,۰۰۰ ق.م.

۱۵,۰۰۰ ق.م.

۲۰,۰۰۰ ق.م.

۲۵,۰۰۰ ق.م.

۳۰,۰۰۰ ق.م.

دنیای عصر حجر

عصر حجر طولانی‌ترین دوره تاریخ بشر است. این دوره چنان طولانی است که بر اساس نوع ابزاری که بشر در هر دوره از آن استفاده می‌کرد، آن را به مقاطع گوناگون تقسیم کرده‌اند. نخستین و تاکنون طولانی‌ترین دوره، دوران پارینه‌سنگی (Palaeolithic period) یا عصر حجر قدیم است که حدود دو میلیون سال قبل آغاز شد. بشر در این دوران نخستین ابزار سنگی را ساخت. پس از آن، دوره مزولیتیک (Mesolithic period) یا عصر حجر میانه از حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد، آغاز شد. در این دوران، بشر از ابزار جدیدی چون تیر و کمان برای شکار گوزن و خوک وحشی استفاده می‌کرد. از حدود سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، دوره نوسنگی (Neolithic period) یا عصر حجر جدید با رواج کشاورزی شروع شد. به هر حال، طول عصر حجر در بخش‌های مختلف جهان متفاوت بوده است، پس این تقسیم‌بندی همیشه کارایی ندارد. عصر حجر زمانی پایان یافت که مردم به شکلی گسترده از فلز استفاده کردند.

امروزه بشر مدرن در سراسر کره زمین زندگی می‌کند، اما در مورد چگونگی وقوع این رویداد، اتفاق نظر وجود ندارد. برخی از صاحب‌نظران معتقدند که ما در افریقا تکامل یافتیم و بعد راهی آسیا و اروپا شدیم. عده‌ای نیز بر این باورند که در نواحی مختلف به طور جداگانه تکامل یافتیم. نخستین کسانی که به امریکا رسیدند، احتمالاً در دورانی که تنگه برینگ (Bring Strait) خشکی بود از منطقه سیبری (Sibria) در روسیه گذشتند. این قضیه، ۱۳,۰۰۰ سال قبل از میلاد یا حتی پیش از آن رخ داد. به هر ترتیب، در حدود سال ۱۰,۰۰۰ قبل از میلاد، بشر به قلب امریکای جنوبی رسیده بود.



خط سیر زمانی ۱۰,۰۰۰ ق.م. - ۵,۰۰۰ ق.م.

۱۰,۰۰۰ قبل از میلاد، آخرین عصر یخی پایان می‌یابد و هوا گرم‌تر می‌شود. در این دوره، بشر به پاتاگونیا (Patagonia) در دل امریکای جنوبی رسیده‌است. در مصر و نوبه (Nubia) در شمال افریقا از سنگ آسیاب برای درست کردن آرد استفاده می‌شود. نسل ماموت و کرگدن پشمالو در مرکز و غرب اروپا منقرض شده‌است.

گندم

۱۰,۰۰۰ ق.م.

۹,۰۰۰ قبل از میلاد، فرهنگ کلاویس (Clovis) در شمال امریکا شکل می‌گیرد.

گندم در سوره کاشته می‌شود.

نسل چند پستاندار بزرگ در امریکا منقرض شده‌است.

۸,۵۰۰ قبل از میلاد،

گوسفندان و بزها در بین‌النهرین (عراق کنونی) اهلی شده‌اند.

کدو و سبزیجات دیگر در پرو کاشته می‌شوند.

کدو و ذرت

۸,۰۰۰ ق.م.

۸,۰۰۰ قبل از میلاد،

غلات در خاور نزدیک کشت می‌شود.

ارپحا (Jericho)

تبدیل به محل اسکانی دائمی می‌شود. دامنه

این اسکان گسترش

می‌یابد و به تدریج

نخستین شهر پدید

می‌آید.

ابزار دوره مزولیتیک

۷,۰۰۰ ق.م.





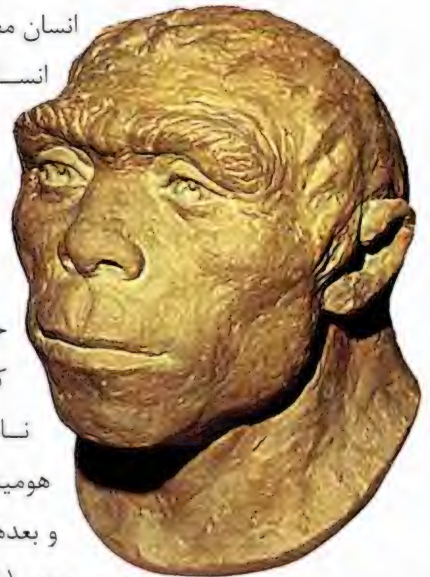
انسان‌هایی از گذشته

انسان معاصر و چند نسل قبل از وی را هومینید (Hominid) می‌نامند. نخستین هومینیدها (یا گونه‌های انسانی) به دو گروه تقسیم می‌شوند: آئوسترالوپیتکوس (*Australopithecus*) و هومو (*Homo*). گروه نخست حدود چهار میلیون سال قبل پدیدار شد و یک میلیون سال پیش از میان رفت. نخستین هومو، که آن را هومو هابیلیس (*Homo Habilis*) می‌نامند، حدود ۲/۵ میلیون سال قبل می‌زیست و همچون گروه قبلی، در جنوب و شرق آفریقا ساکن بود.



انسان کروماینون

کروماینون‌ها نخستین انسان‌های معاصر بودند که در حدود ۴۰۰۰ سال قبل در اروپا سکنا گزیدند. در این تصویر مراسم خاکسپاری یک کروماینون جوان را می‌بینید که بقایای او در غاری در ویلز (Welsh) یافت شده است. بدن جسد با ابرای سرخ رنگین شده بود و گردنبد و دستبندی ساخته شده از دندان حیوانات نیز داشت.



مرد پکنی

در این تصویر صورت بازسازی شده نوعی انسان هومو (رکتوس) را می‌بینید که بقایای جسد وی در چین پیدا شده است. انسان پکنی در حد فاصل ۴۶۰,۰۰۰ سال تا ۲۳۰,۰۰۰ سال قبل در این ناحیه می‌زیسته. صاحب‌نظران معتقدند که انسان هومو (رکتوس) نخستین گونه بشر بود که مدام از آتش استفاده می‌کرد.

حدود دو میلیون سال قبل، گروه جدیدی از هومینیدها پدیدار شد که هومو (رکتوس) (*Homo Erectus*) نام گرفت. این گروه اولین دسته از هومینیدها بودند که از آفریقا به آسیا و بعدها اروپا مهاجرت کردند. به تدریج، هومو (رکتوس) تکامل یافت و تبدیل شد به هومو ساپینس (انسان هوشمند) که این گونه نیز در طی طریق تکامل، به هومو ساپینس ساپینس یا انسان مدرن تغییر شکل داد. در حدود سال ۱۰۰۰۰ قبل از میلاد هومو ساپینس ساپینس در تمام قاره‌ها به جز قطب جنوب (Antarctica) ساکن شده بود.

خط سیر زمانی ۵۰۰۰ ق.م. - ۲۰۰۰ ق.م.

۲۵۰۰ قبل از میلاد، لاما در پرو اهلی می‌شود.
نخستین شهرها در سومر، در بین‌النهرین، ساخته می‌شوند.
خیش و چرخ در خاور نزدیک اختراع می‌شود و به اروپا راه می‌یابد.
۲۴۰۰ قبل از میلاد، شهرهای محصور در مصر ساخته می‌شوند.
۲۲۰۰ قبل از میلاد، مصریان در رود نیل از کشتی‌های بادبانی استفاده می‌کنند.

۴۰۰۰ قبل از میلاد، ریخته‌گری مفرغ در خاور نزدیک آغاز می‌شود.
استخراج سنگ چخماق در شمال و غرب اروپا افزایش می‌یابد.

نخستین اسب اهلی شده



۴۵۰۰ قبل از میلاد، کشت برنج در هند شروع شده است.
کشاورزی در شمال غربی اروپا آغاز می‌شود.
۴۴۰۰ قبل از میلاد، اسب‌های وحشی در استپ‌ها یا جلگه‌های روسیه اهلی می‌شوند.
۴۲۰۰ قبل از میلاد، مقبره‌های خرسنگی (Megalithic) با سنگ‌هایی عظیم در غرب اروپا ساخته می‌شوند.
۴۱۰۰ قبل از میلاد، ذرت خوشه‌ای و برنج در سوئان، واقع در آفریقا، کشت می‌شوند.

با بالا آمدن آب دریا، نواحی گسترده‌ای از آسیای شرقی از هم جدا شده‌اند. گتة نو و تاسمانی (Tasmania) از استرالیا جدا شده‌اند.

برنج خودرو

۳۲۰۰ ق.م.

۳۵۰۰ ق.م.

۴۰۰۰ ق.م.

۴۵۰۰ ق.م.

۵۰۰۰ ق.م.

آوسترالوپیتکوس
۴/۵ تا ۲ میلیون سال قبل



به باور دیرینه‌شناسان، نخستین پیشینیان ما افریقایی بودند. گروهی به نام آوسترالوپیتکوس (Australopithecus Africanus)، با قامتی صاف و روی دو پا راه می‌رفتند.

هومو هابیلیس
۲ تا ۱/۶ میلیون سال قبل



انسان هومو هابیلیس صاف راه می‌رفت، اما بازوهای دراز داشت. هابیلیس احتمالاً نخستین گونه انسانی بود که ابزار سنگی برای شکار ساخت.

هومو ارکتوس



این گونه مغزی بزرگ‌تر از انسان هابیلیس داشت و احتمالاً هم‌قد و قواره و هم‌وزن انسان‌های کنونی بود. انسان ارکتوس شکارچی به‌جای می‌بود.

انسان بروکن هیل (Broken Hill)



گونه‌ای دیگر از انسان هومو ارکتوس. انسان بروکن هیل ابزار جدیدی اختراع کرد، از آتش استفاده می‌کرد، در پناهگاه‌های سنگی می‌زیست و برای خودش جلی‌ساز می‌ساخت.

انسان نئاندرتال
۱۲۰,۰۰۰ تا ۴۳,۰۰۰ سال قبل



گونه هومو ساپینس نئاندرتال‌نسیس (یا همان نئاندرتال) با سنگ چخماق ابزار می‌ساخت. گویا انسان نئاندرتال نخستین گونه بشر بوده است که اجساد مردگان خود را دفن می‌کرد.

انسان امروزی
۱۰۰,۰۰۰ سال قبل



زیرگونه نژاد بشر امروزی هومو ساپینس (انسان هوشمند) بود که از حدود ۱۰۰,۰۰۰ سال قبل می‌زیست.

انسان نئاندرتال

نئاندرتال‌ها زیرگونه‌ای از نژاد هومو ساپینس بودند که در اروپا و غرب آسیا می‌زیستند. دوران زندگی آن‌ها از حدود ۱۲۰ هزار تا ۳۳ هزار سال قبل، یعنی در طول آخرین عصر یخی بود. نئاندرتال‌ها مغزی بزرگ‌تر از انسان امروزی، پیشانی شیب‌دار و ابروانی برآمده داشتند.



هومو ساپینس

این مجموعه متعلق به انسانی از نژادهای نخستین بشر است. گونه هومو ساپینس احتمالاً حدود ۴۰۰,۰۰۰ سال قبل می‌زیست.

استون‌هنج، دایره‌ای متشکل از سنگ‌های ایستاده متعلق به ماقبل تاریخ در انگلستان



۲۶۰۰ قبل از میلاد، چندین بشم‌گوسفندان، دوشیدن شیر، اسب‌سواری و گاوآهن از خاور نزدیک به اروپا راه می‌یابد. اروپا به شکلی گسترده رواج می‌یابد.

۲۰۰۰ ق.م.

۲۴۰۰ ق.م.

۲۸۰۰ قبل از میلاد، نخستین ساخته‌های خاکی در ناحیه استون‌هنج (Stonehenge) در انگلستان شکل می‌گیرند.

سنگ چخماق از مقبره‌های گرایمز (Grimes) در انگلستان استخراج می‌شود.



۲۶۰۰ ق.م.

۳۲۰۰ قبل از میلاد، گور دالانی در نیوگرینج (Newgrange) در ایرلند ساخته می‌شود.

۳۱۰۰ قبل از میلاد، نخستین خط، به نام خط میخی در بین‌النهرین ایجاد می‌شود.

۳۰۰۰ قبل از میلاد، کشت ذرت در آمریکای مرکزی رواج می‌یابد. ساحل سکارا (Sakara) در جزایر اورکنی (Orkeny) مسکونی می‌شود.

تکامل ذرت

۲۸۰۰ ق.م.

۳۲۰۰ ق.م.

آب و هوا و بقا



پوشیده از یخ

هنوز هم نواحی آلاسکا پوشیده از یخچال‌های دوران قدیم است. آخرین عصر یخی حدود ۱۸,۰۰۰ سال قبل رخ داد. در آن دوران، حدود ۳۰ درصد کره زمین پوشیده از یخ بود. این درصد شامل بخش عمده‌ای از آمریکای شمالی، اروپا، آسیا، و نیز نیوزلند و جنوب آرژانتین بود. در این دوران درجه دما کاهش یافت و سطح دریاها هم بیش از صد متر پایین رفت.

یکی از وجوه متغیر کره خاکی ما بیش از هر چیز دیگری بر انسان عصر حجر اثرگذار بود: آب و هوا. در طول هزاران سال، آب و هوا به تدریج سردتر شد و بعد، به همان نسبت رو به گرمی گذاشت. این چرخه بارها تکرار شد و با هر بار تغییر، چشم‌انداز مناطق و گونه‌های گیاهی و حیوانی آن هم تغییر می‌کرد.

در طول دوران سرما، که عصر یخی نامیده می‌شود، آب دریا فروکش می‌کرد و خشکی بیش‌تر می‌شد. گله‌های حیوانات در علفزارهای وسیع و دشت‌های بی‌درخت و سرد نواحی شمالی می‌چریدند. وقتی درجه هوا افزایش می‌یافت، سطح آب هم بالا می‌آمد و با بالا آمدن سطح آب، ارتباط ساکنان جزایر نو پدید قطع می‌شد. به تدریج جنگل‌ها دشت‌ها را پوشاندند.



شکارچی گوزن

در دوره‌های گرم‌تر، حیوانات جنگلی مثل این گوزن سرخ، جای گاو میش، ماموت و گوزن شمالی را، که از شمال کوچیده بود، گرفتند. بشر یا به دنبال گله‌ها راه افتاد یا شروع کرد به شکار حیوانات جنگلی.

حیوانات سرما

ماموت‌ها بزرگ‌ترین پستان‌دارانی بودند که با آب و هوای سردتر خو گرفتند و در چراگاه‌های دشت‌های شمالی به چرا پرداختند. این ماستودون در شمال آمریکا یافته شد. گوزن شمالی، اسب، گاو عنبر، کرگدن، پشمالو و گاو میش نیز از جانوران این دوران بودند.





انقراض نسل حیوانات

این تصویر ماموت روی دیواره غاری در جنوب غربی فرانسه یافته شده است. تا ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد، نسل ماموت و کرگدن پشمالو در غرب و مرکز اروپا منقرض شد. آهوی شمالی و گاومیش نیز منقرض شدند. در آمریکای شمالی نیز نسل ماموت‌ها، شترهای بی کوهان، ماستودون‌ها و دیگر گونه‌های حیوانات درشت‌پیکر نیز به شکلی غیرمنتظره تا سال ۹۰۰۰ قبل از میلاد از بین رفت. حتی در آفریقای استوایی هم از گونه‌های متنوع حیوانات صحرایی در پایان آخرین عصر یخی کاسته شد.



گراز وحشی

نژاد خوک، از جمله گراز وحشی، خود را با زندگی در جنگل وفق داده است. آن‌ها از پوزه و پای خود برای کندن زمین و پیدا کردن غذا در جنگل استفاده می‌کنند. خوک‌ها از اولین حیواناتی بودند که اهلی شدند، چون تقریباً همه چیز می‌خوردند.



پل‌های خشکی

در این نقشه، چگونگی اتصال دو قاره با دشت‌های پهناور و بی‌درخت در آخرین دوران عصر یخی نشان داده شده است. انسان نخستین می‌توانست از طریق این گذر، که در تنگه برینگ پدید آمده بود، از آسیا به آمریکای شمالی برود. پس از ذوب شدن یخ‌ها عبور دیگر ممکن نبود و بدین ترتیب، قاره‌ها با آب از هم جدا شدند. در طول عصرهای یخی، پل‌های زمینی (خشکی) فراوانی در سطح کره زمین وجود داشت. یکی از این پل‌ها بریتانیا را به قاره اروپا متصل می‌ساخت.



جزایر تک‌افتاده

صخره‌های سفید دوور (Dover) در ساحل جنوب شرقی انگلستان نشانه‌هایی بسیار پرآوازه‌اند، اما همیشه چنین نبوده است. در آخرین عصر یخی انگلستان، ایرلند و فرانسه به هم متصل شدند. وقتی یخ‌ها شروع کردند به آب شدن، در نواحی کم ارتفاع سیلاب جاری شد و به این ترتیب، انگلستان در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد به جزیره بدل شد.

مهاجرت و کوچ نشینان



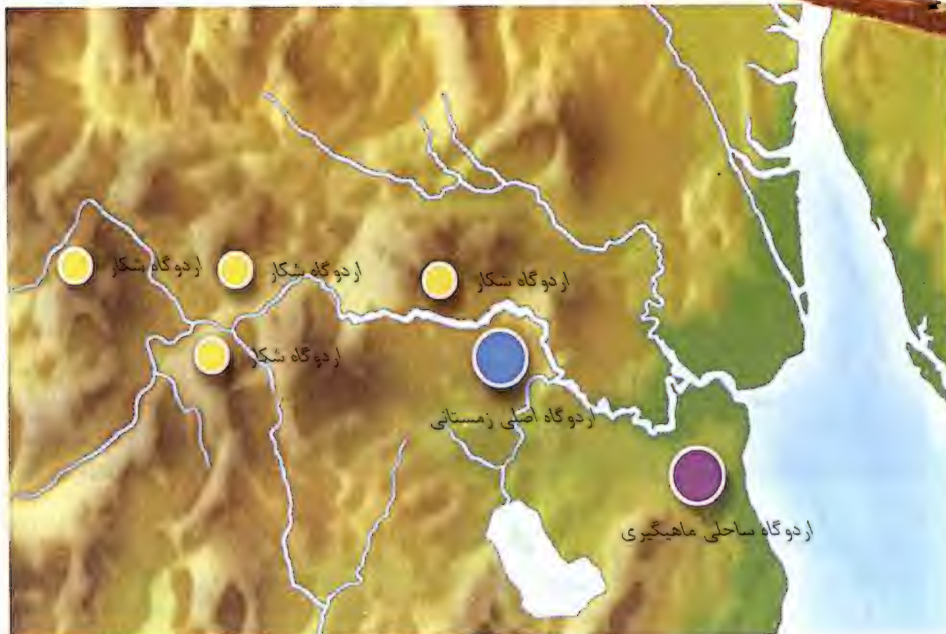
گله‌های کوچنده

گله عظیمی از گوزن‌های شمالی کوچ بهاره خود را در بخش‌های شمالی نروژ آغاز می‌کند. سامی‌ها (The Sami) یا ساکنان شمال اسکندیناوی (Lapp) از دیرباز ساکن نواحی قطبی سوئد و نروژ بوده‌اند. آن‌ها گوزن شمالی پرورش می‌دهند تا از گوشت و شیرش استفاده کنند. در بهار، در پی گله به شمال می‌کوچند و در چادرهایی که لاووس (Lavos) نامیده می‌شود زندگی می‌کنند.

نخستین انسان‌ها زندگی متمرکزی نداشتند و یک‌جا ساکن نمی‌ماندند. آن‌ها کوچ‌نشین بودند و در طول سال برای پیدا کردن غذا مدام جابه‌جا می‌شدند. انسان‌های نخستین کشاورزی و دامداری نمی‌کردند. آن‌ها حیوانات وحشی را شکار می‌کردند و میوه‌های خودرو و دانه‌های خوراکی و دیگر گیاهان را جمع می‌کردند. انسانی که به این شیوه زندگی می‌کرد شکارچی-گردآورنده غذا نامیده می‌شود. نقل مکان از جایی به جایی را مهاجرت می‌گویند. برخی از مهاجرت‌های عصر حجر فصلی بود و برای تعقیب گله‌های شکار صورت می‌گرفت. علت برخی دیگر نیز بلایای طبیعی، مثل آتش‌سوزی جنگل یا فوران آتشفشان بود. تغییر آب‌وهوا و افزایش جمعیت نیز مردم را مجبور می‌کرد که برای یافتن مناطق جدید مهاجرت کنند. پس از آن که بشر کشاورزی آموخت، بسیاری در خانه‌هایی دائمی سکنا گرفتند و به کشت و زرع پرداختند.

نیزه ساخته‌شده از شاخ گوزن (نیزه شاخی)

این نیزه که از شاخ گوزن ساخته شده، در ناحیه استار کار (Star Carr) در شمال یورکشایر (Yorkshire) انگلستان پیدا شده است. شاخ گوزن را به راحتی می‌تراشیدند و زائده‌هایی خار مانند روی آن درست می‌کردند و با آن نیزه می‌ساختند. این سرنیزه‌ها را به نیزه می‌بستند و با آن ماهیگیری و شکار می‌کردند.



اردوگاه‌های فصلی

در دوره‌های مزولیتیک (عصر حجر میانی) انسان شکارچی-گردآورنده غذا در سال چندین بار کوچ می‌کرد و چادر می‌زد. در اواخر بهار و تابستان نواحی ساحلی و غیر ساحلی محل اتراق وی بودند. در این دوره‌ها، گوزن‌های کوچک و گوزن‌های قرمز را در جنگل‌ها شکار می‌کردند. ماهی و حلزون و خوک آبی و پرندگان وحشی نیز شکار یا جمع‌آوری می‌شدند. گوشت و پوست و شاخ، بریده و آماده مصرف و پس از آن به اقامتگاه‌های زمستانی محفوظ‌تر منتقل می‌شد.

درختان

تغییر آبوهوا منجر به تغییر گونه‌های گیاهی شد. در سراسر توندرا سردسیر که در طول عصر یخی بیش‌تر پوشیده از خاک بود، خارین، خزه و گل‌سنگ می‌رویید. در حاشیه توندرا، جنگل درختان کاج، سیاه کاج و کاج میلاد می‌رویید. با گرم‌تر شدن هوا، نخستین گونه درختی که در فضای باز به شکلی انبوه رویید، درخت غان بود. به تدریج، درخت بلوط، فندق و نارون جایگزین درخت غان شدند. در پی رویش و انبوه شدن جنگل‌ها، بشر دریافت که آن‌قدر شکار و گیاه در یک ناحیه دارد که نیازی به مهاجرت نیست.



خزه



کاج



بومیان امریکا

بومیان صحرائشین شمال امریکا چادرنشین بودند و در چادرهایی مخروطی شکل که از پوست بوفالو می‌ساختند، زندگی می‌کردند. این چادرها تپی (Tepee) نامیده می‌شد. بومیان ساکن دشت‌های شرقی، مثل بومیان داکوتا (Dakota) که در تصویر مشاهده می‌کنید، معمولاً یک جا ساکن بودند و از تپی‌های خود در تابستان و پاییز برای شکار استفاده می‌کردند. در سده نوزدهم، دولت ایالات متحد بومیان صحرائشین را وادار کرد که در اردوگاه زندگی کنند. آن‌ها چادرهای‌شان را با خود بردند و سعی کردند بخشی از سنت‌های کهن خود را زنده نگه دارند.

چادرنشینان در صحرا

بادیه‌نشین‌ها، که تعدادشان رو به کاهش است، همچنان در چادرهایی در نواحی خشک خاور نزدیک و افریقا به گله‌داری مشغول‌اند. آن‌ها برای تأمین گوشت و شیر مورد نیاز خود شتر، گوسفند و بز پرورش می‌دهند. گاهی نیز برای تهیه دیگر مایحتاج خود از قبیله آرد، خرما یا قهوه، این حیوانات را می‌فروشند. بادیه‌نشین‌ها در چادرهایی ساخته شده از بافته‌های موی بز زندگی می‌کنند. آن‌ها از جایی به جای دیگر می‌کوچند تا چراگاهی مناسب برای گله‌های خود بیابند و این کاری است که بشر از هزاران سال پیش تاکنون کرده است.



ساختار اجتماعی

در عصر حجر تعداد ساکنان کره زمین بسیار کم بود. کارشناسان تخمین زده‌اند که جمعیت کره زمین در ۱۳,۰۰۰ قبل از میلاد، تنها ۸ میلیون نفر بود. امروزه جمعیت کره زمین حدود ۶ میلیارد نفر است. با بررسی جوامعی که هنوز هم از راه شکار و جمع‌آوری غذا روزگار می‌گذرانند، می‌توان در مورد نحوه زندگی اجتماعی بشر در عصر حجر حدس‌هایی زد.

در آن دوران نیز مردم مثل ما در خانواده زندگی می‌کردند و خانواده‌ها نیز گروهی را تشکیل می‌دادند که «طایفه» نامیده می‌شد. تمام افراد طایفه معمولاً از طریق خانواده مادری یا از راه وصلت، با هم نسبتی داشتند. این طایفه‌ها به اندازه کافی بزرگ بودند که بتوانند از اعضای خود محافظت و غذای‌شان را تأمین کنند، اما نه آن‌قدر بزرگ که کنترل‌ناپذیر باشند. همه اعضای طایفه، حتی بچه‌ها، باید در جمع‌آوری غذا به دیگران کمک می‌کردند. احتمالاً طایفه بخشی از قبیله بزرگ‌تری بود که اعضای آن در زمان‌های خاصی از سال، مثلاً در شکار تابستانی، دور هم جمع می‌شدند. اهالی هر قبیله زبانی مشترک و شیوه زندگی مشابهی داشتند. وقتی بشر کشاورزی آموخت، جمعیت افزایش یافت و جوامع به طرق پیچیده‌تری شکل گرفتند.



خدای بانوی مادر

این مجسمه سفالی پخته شده حدود سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد در ترکیه ساخته شد. احتمالاً آن را در مقام خدای بانوی مادری می‌پرستیدند. معمولاً خانواده‌ها با نسب مادری‌شان شناخته می‌شدند، چون فرزند از مادر متولد می‌شد، در حالی که پدرها ممکن بود ناشناس باقی بمانند.

رهبران شمن

در این نقاشی که در دهه اول سده نوزدهم کشیده شده، شمن‌های بومی آمریکا را در حال اجرای رقصی آیینی می‌بینیم. شمن‌ها رهبران روحانی قباایل بودند. آن‌ها رقص، آفسون، دعا و آیین‌هایی بلد بودند که خوشبختی می‌آورد و ارواح را خشنود می‌کرد. امروزه نیز در سراسر دنیا، در جوامعی که با شکار و جمع‌کردن غذا روزگار می‌گذرانند، شمنیسم رواج دارد. این باور در دوران ماقبل تاریخ هم طرفدارانی داشت.



صحنه‌هایی از روزگاران گذشته

در نقاشی روی دیواره صخره‌ها در ناحیه صحرای افریقا تصاویری از شکار کرگدن و رمه‌دارانی که رمه‌های خود را هدایت می‌کنند، دیده می‌شوند. در تصاویر دیگر زنی در حال آسیاب کردن غلات، و نیز مراسم ازدواج یا حتی خانواده‌ای همراه با سگ‌شان دیده می‌شوند. این تصاویر نشان می‌دهد که در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد، صحرا خاکی حاصلخیز و جامعه‌ای بسیار منسجم داشت.



رئیس قبیله

این مرد رئیس قبیله زولو (Zolo) در افریقای جنوبی است. برتری مقام اجتماعی او از طرز لباس پوشیدنش هویداست. در روزگاران ماقبل تاریخ، رهبری قبایل را رئیس قبیله یا شورای ریش‌سفیدان به عهده داشت. پیرمردی که حدود ۲۳۰۰۰ قبل از میلاد در روسیه در ناحیه سونگیر (Sungir) به خاک سپرده شده بود، احتمالاً رئیس قبیله بود. جسد وی با آرایه‌هایی از دندان روباه و مهره‌هایی از جنس عاج ماموت تزئین شده بود.



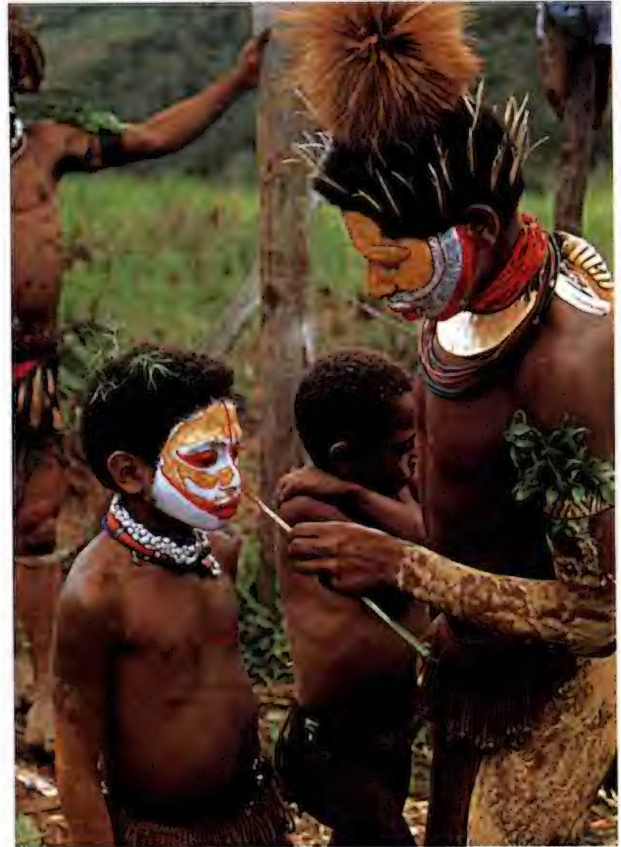
مجسمه

سیکلادی (Cycladic)

در فاصله ۳۰۰۰ سال‌های ۲۰۰۰ قبل از میلاد، مجسمه‌های بسیار ظریفی در جزایر سیکلاد یونان ساخته می‌شد. این مجسمه مرمری مات پیکره زنی باریک اندام است که بازوانش را دور کمرش حلقه کرده است. در این ناحیه، مجسمه‌هایی از نوازندگانی با فلوت و چنگ نیز یافت شده است. چنین مجسمه‌هایی در جوامع پیچیده ساخته می‌شدند.

روش سنتی زندگی

این مرد پسری را برای مراسم بلوغش در پاپوا (Papua) در گینه نو آماده می‌کند. در این کشور، که دارای قبایل دور افتاده متعددی است، هنوز راه و رسم‌های سنتی حاکم است. در برخی از روستاها، مردها به جای این که در کنار زنان و فرزندان‌شان زندگی کنند، با هم زندگی می‌کنند. آن‌ها به این ترتیب می‌توانند راحت‌تر در مورد کارهایی مثل شکار برنامه‌ریزی کنند.



ارتباطات و شمارش

خراش‌های روی چوب یا همان‌طور که در این تصویر می‌بینید، روی استخوان ساق پای یابون، احتمالاً وسیله‌ای برای محاسبه یا نوعی تقویم ساده بود. این تقویم متعلق به ۳۵,۰۰۰ سال قبل از میلاد است. امروزه برخی از اهالی جنوب آفریقا از این وسیله برای شمارش استفاده می‌کنند.



چوب خط

پیشینیان ما تا حدود ۳۰۰ هزار سال قبل از میلاد با استفاده از کلمات و حرکات با هم ارتباط برقرار می‌کردند. سرانجام، زبان‌های پیچیده برای انتقال مهارت‌ها و دانسته‌ها به وجود آمد. شکارچیان احتمالاً از زبان اشاره خاصی برای یافتن شکار استفاده می‌کردند و مسیر مورد نظر خود را علامت می‌گذاشتند و از صدای پرندگان و حیوانات تقلید می‌کردند. از حدود ۳۷,۰۰۰ سال قبل از میلاد، بشر شروع کرد به علامت‌گذاری روی استخوان و استفاده از قلمه‌سنگ به منزله ابزار ساده‌ای برای شمارش. حساب روزها را احتمالاً با تقویم‌های چوب‌خطی نگه می‌داشتند. کارشناسان در برخی از تصاویر نقش‌بسته روی دیوار غارها نقطه‌ها و علائمی را یافته‌اند که احتمالاً یا چوب‌خط است یا اولین گام‌های اختراع خط.

در حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد، بازرگانان خاور نزدیک وسیله‌ای داشتند که روی آن نمادهایی برای نشان دادن اعداد و اشیاء نقش می‌کردند. چنین وسایلی به پیدایش نخستین متن‌نوشته‌ها انجامید. این روش در حدود سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد گسترش یافت و منجر به پیدایش خطی تصویری به نام خط میخی شد.



تصاویر و نمادها

تصویر این اسب وحشی روی دیواره غار لاسکو (Lascaux) در جنوب غرب فرانسه یافت شده است. این تصویر حدود ۱۵,۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده است. اطراف تصویر اسب پوشیده از نمادهایی است که در کنار نقطه‌ها و خراش‌ها، احتمالاً روشی برای ردیابی حیوانات مهاجر بودند.

نقاشی دست

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار برش، سمباده، رنگ اکریلیک قرمز و زرد، آب، دو آبپاش.



۳. رنگ اکریلیک را با آب رقیق کنید و درون آبپاش بریزید. دست‌تان را روی صفحه سفالی بگذارید و با آبپاش حاوی رنگ زرد، دور دست‌تان را رنگ کنید.



۲. صبر کنید سفال خشک شود. بعد با سمباده سطح را صاف کنید تا از شر لبه‌های توک‌تیز آن خلاص شوید و سطحی صاف داشته باشید.



۱. گل سفالگری را روی تخته پهن کنید. کاری کنید که سطح سفال ناصاف، مثل دیواره غارها، به نظر برسد. با ابزار برش اطراف آن را صاف کنید تا لوحه‌ای سبکی داشته باشید.





علامت با دود

در این حکاکی متعلق به اواخر دهه نخست قرن نوزدهم، سرخ‌پوستان آمریکایی را می‌بینیم که با دود با هم ارتباط برقرار می‌کنند. بشر بخش عمده تاریخ خود را بدون خط سپری کرده است. اما این به آن معنا نیست که آن‌ها نمی‌توانستند با هم ارتباط برقرار کنند یا اطلاعات مهم را ثبت کنند.

پیشرفت خط

این لوح سفالی را سومریان حدود سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد ساخته‌اند. در این لوح از نشانه‌های مبتنی بر نمادهای تصویری برای نگهداشتن حساب محصول سالانه استفاده شده است. هم‌گام با توسعه خط میخی، بشر می‌خواست مفاهیم انتزاعی مثل خوبی و بدی را هم بیان کند. برای این کار، سمبل‌های قبلی را اغلب با افزودن علامتی تغییر می‌داد.



دست‌های روی دیوار

این نقوش دست که با استفاده از روش استنسیل ساخته شده روی دیواره غاری در آرژانتین پیدا شده است. این تصویر مشابه تصاویری است که در اروپا، آفریقا و استرالیا پیدا شده‌اند. شاید انسان‌های نخستین با این روش کار خود را امضا می‌کردند.

هنرمند به‌ویژه آرژانتینی برای زدن نقش دست خود دور آن رنگ می‌پاشد. برای پاشیدن رنگ، آن را درون نی می‌ریخت و دور دست فوت می‌کرد یا با دهان روی دیوار می‌پاشید!



۴. دست‌تان را همان‌جا نگه دارید و با آب پاش حاوی رنگ قرمز دور دست‌تان را رنگ بپاشید. به این ترتیب، تصویر شفاف و واضحی از دست‌تان خواهید داشت.
۵. پس از پاشیدن رنگ، دست‌تان را بردارید. مراقب باشید رنگ آسیب نبیند، صبر کنید صفحه خشک شود.

جان پناه

مردم همیشه به حفاظی در برابر تغییرات آب و هوا احتیاج داشته‌اند. در بخش عمده‌ای از صدهزار سال گذشته، هوای کره زمین بسیار سردتر از حالا بود. مردم در طول تابستان در پناهگاه‌هایی در فضای باز زندگی می‌کردند، اما با هجوم هوای سرد، خانواده‌ها به غارها پناه می‌بردند. آن‌ها جلوی ورودی غار بادگیر سنگی نصب می‌کردند و پناهگاه‌هایی درون غارها می‌ساختند تا از توفان و سرما بیش‌تر در امان باشند. در تابستان شکارچایی که به دنبال شکار راهی می‌شدند، از شاخ و برگ درختان برای خود سرپناه می‌ساختند. خانواده‌ها به صورت جمعی در چادرهایی که از شاخ و برگ درختان و پوست حیوانات می‌ساختند، زندگی می‌کردند. در بخش‌های شمالی‌تر، که غاری در کار نبود و درختان انگشت‌شمار بودند، مردم سرپناه‌های‌شان را از استخوان پای ماموت و عاج می‌ساختند. به هر حال، بشر هر جا که ساکن می‌شد، حتماً باید ذخایر آب شیرین در نزدیکی خود می‌داشت.



غارها و جان پناه‌های سنگی

در تصویر، ورودی جان پناهی سنگی را در جنوب غرب فرانسه می‌بینید. نخستین ساکنان این غار، انسان‌های نئاندرتال بودند که در حدود صدهزار سال قبل از میلاد در آن مأوا گرفتند. آن‌ها معمولاً نزدیک دهانه غار زندگی می‌کردند که بیش‌ترین میزان نور را داشت و گرمای خورشید هم به آن می‌رسید.

خانه‌ای از استخوان ماموت

در این تصویر، خانه بازسازی شده یک شکارچی ماموت را می‌بینید. این خانه در حدود سال ۱۳,۰۰۰ قبل از میلاد در اوکراین ساخته شد. فضای خالی بین استخوان‌ها را با خزه و شاخ و برگ و بوته پر می‌کردند. سپس کل ساختار را با پوست ماموت یا چمن می‌پوشاندند.



خانه شکارچی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، ابزار برش، مقوای رنگ آکرلیک سبز-قهوه‌ای، ظرف آب، قلم‌مو، شاخه درخت، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، علف مصنوعی یا پارچه سبز رنگ.



۳. گل سفالگری را روی مقوایی به شکلی ناهموار بپهن کنید. به آن رنگ سبز-قهوه‌ای بزنید و صبر کنید خشک شود.



۲. انتهای استخوان‌ها را با ابزار برش به گونه‌ای شکل دهید که کاملاً شبیه عاج و استخوان شود و سنگ‌ها را هم با همین ابزار شکل دهید. قطعات را کاملاً جدا از هم بچینید تا کاملاً خشک شوند.



۱. گل سفالگری را لوله کنید و قطعاتی به شکل عاج فیل و استخوان‌های کوچک و بزرگ ماموت بسازید. چندین سنگ هم در اندازه‌های مختلف درست کنید.





جان پناهی از سنگ و سبزه

در این تصویر نمای بیرونی خانه‌ای از عصر نوسنگی (نئولیتیک) را در روستایی در ساحل سکارا (Skara) در جزایر اورکنی (Orkney Islands) می‌بینید. این خانه حدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. ساختمان‌ها در دل زمین ساخته می‌شدند و دورشان با چمن پوشانده می‌شد تا حفاظی در مقابل توفان‌های سهمگین داشته باشند. معابر سرپوشیده‌ای این خانه‌ها را به هم وصل می‌کرد.

خانه قابل حمل

این تپی (Tepee) را سرخ‌پوستان قبیله شایان (Cheyenne)، که ساکن دشت‌های پهناور ایالات متحد بودند، در سال ۱۹۰۴ ساختند. احتمالاً مردم ماقبل تاریخ در کلبه‌ها و چادرهایی شبیه این زندگی می‌کردند که از شاخ و برگ درختان ساخته می‌شد و روکشی از پوست حیوانات داشت. این چادرها به سرعت برپا و جمع می‌شدند و موقع حمل و نقل نیز می‌شد آن‌ها را تا کرد. برای مردمانی که در پی شکار مدام در حال مهاجرت بودند، داشتن چنین خانه‌هایی ضروری بود.



مکانی مدفون

خانه‌های روستایی ساحل سکارا در جزایر اورکنی از سنگ ساخته می‌شدند، چون در این ناحیه درختی برای ساخت و ساز یافت نمی‌شد. حتی اثاثیه منزل نیز سنگی بود. در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد کل روستا بر اثر توفان شنی زیر شن مدفون شد و همه چیز همان‌طور ماند، تا این که توفان عظیم دیگری در سال ۱۸۵۰ شن‌ها را از روی خانه‌ها کنار زد.



در جایی که چوب کمیاب بود، از استخوان‌های سنگین ماموت برای ثابت نگه‌داشتن علف‌ها و پوست روکش کلبه شکارچیان استفاده می‌شد.



۷. استخوان‌های بلند عاج را روی سقف بچینید و بچسبانید. فاصله‌های موجود را با استخوان‌های کوچک‌تر پر کنید. سیر کنید. کاردستی تان خشک شود.



۶. روی شاخه‌ها علف مصنوعی یا پارچه‌ای سبزرنگ بچسبانید. یادتان باشد که سنگ‌های قاعده مخروط را نبوشانید.



۵. شاخه‌ها را به گونه‌ای درون سطح خمیری فرو کنید که چهارچوبی مخروطی شکل به دست آید. در محل اتصال شاخه‌ها به سطح، چند سنگ بچسبانید.



۴. شاخه‌ها را با قیچی به طول تقریبی ۱۵ سانتی‌متر ببرید. در کل، به هشت شاخه تقریباً هم‌اندازه احتیاج دارید.

آتش و نور

نیاکان هومو اِرکتوس ما استفاده از آتش را حداقل ۷۰۰,۰۰۰ سال قبل یاد گرفتند. آن‌ها غذای پخته می‌خوردند و شب‌هنگام از نور و گرمای آتش برخوردار بودند. از آتش برای دور نگه داشتن حیوانات و مقاوم کردن نوک نیزه‌های چوبی استفاده می‌شد. شکارچیان با تکان دادن شاخه‌های سوزان حیوانات عظیم‌الجثه را به سوی دام می‌رانند. انسان هومو اِرکتوس احتمالاً نمی‌دانست چطور آتش درست کند، اما پس از آتش‌سوزی‌های طبیعی جنگل، چوب‌های شعله‌ور را یافت. آتش گاه با مراقبت فراوان روشن نگه داشته می‌شد و احتمالاً هنگام نقل مکان، خاکسترهای داغ با دقت به جای جدید منتقل می‌شدند. بالاخره بشر یاد گرفت که با ساییدن دو تکه چوب خشک به هم آتش درست کند. بعدها بشر دریافت که با زدن سنگ بر نوعی سنگ که به آن سنگ نور (pyrite) می‌گفتند می‌تواند جرقه تولید کند. در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، مت‌کمانی اختراع شد. با این وسیله افروختن آتش بسیار ساده‌تر شد.



چراغ سنگی

هنرمندان ماقبل تاریخ در حدود ۱۷,۰۰۰ سال قبل هنگام تزئین دیواره غارها از چراغی سنگی مثل این استفاده می‌کردند. در گودی این صفحه سنگی چربی حیوانات را می‌ریختند و گلوله مشتعلی از خزه، نخ یا پشم را روی آن می‌گذاشتند. برای این کار از تراشه‌های چوب یا حصیر آغشته به موم یا رزین نیز استفاده می‌شد.



دور اجاق

تصویری از نمای درونی منزلی متعلق به دوران نوسنگی در ساحل سکارا در جزایر اورکنی. در مرکز خانه اجاقی هست که دور تا دور آن چند تخت خواب، چند صندلی و یک قفسه دیده می‌شوند که همگی از سنگ ساخته شده‌اند. دود آتش از سوراخی بیرون می‌رفت که در سقف غلیظ این خانه تعبیه می‌شد. سنگ‌های بزرگی که دور اجاق می‌گذاشتند از آتش در برابر باد محافظت می‌کرد.

مت‌کمانی

مواد مورد نیاز: یک تکه چوب قطور، کاتر، رنگ چوب، سمباده، ظرف آب، قلم‌مو، چوب بالزا (منظور چوب نرم است)، مغار (بازار بزش چوب)، گل سفالگری، پیچ، قیچی، جیر، الیاف درخت یا پوشال.



۳. در مرکز پایه چوبی با مغار سوراخی درست کنید. سوراخ ایجاد شده باید اندازه نوک چوب‌تان باشد.



۲. چوب را کمی سمباده بکشید و با رنگ چوب آن را رنگ‌آمیزی کنید. از بزرگ‌تر خود بخواهید که پایه‌ای از چوب نرم بالزا برای تان درست کند. پایه را هم رنگ کنید.



۱. از بزرگ‌تر خود بخواهید که یک سر تکه چوب قطور را با کاتر نوک‌تیز کند. تیغه کاتر باید همیشه دور از بدن گرفته شود.



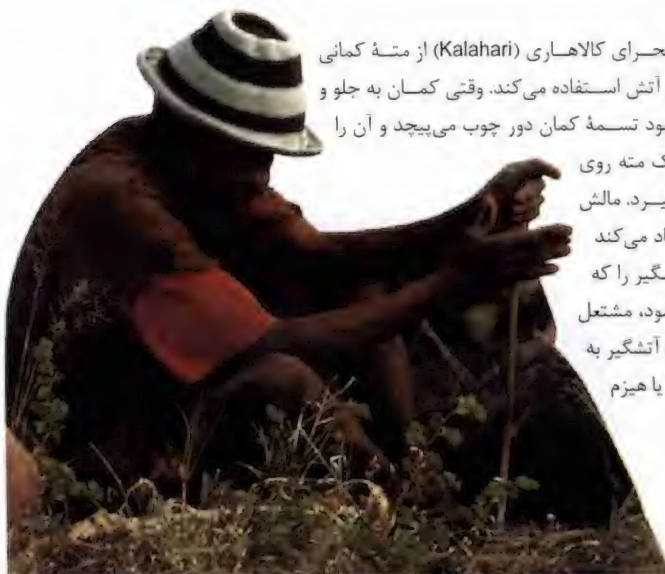
بوته سوزان

پیش از آن که بشر درست کردن آتش را یاد بگیرد، از آتش‌های طبیعی و اتفاقی استفاده می‌کرد، مثل آن چه در این تصویر که در آفریقا گرفته شده، می‌بینید. عامل این حریق احتمالاً اصابت صاعقه یا گرمای آفتاب بوده است. بشر نخستین یاد گرفت که از آتش برای پختن غذا استفاده کند. بسیاری از سبزیجات خام سمی‌اند، اما وقتی پخته می‌شوند کاملاً بی‌خطرند. از آتش برای شکار هم استفاده می‌شد. شکارچیان خطی از آتش درست می‌کردند و به این ترتیب حیوانات رمیده را شکار می‌کردند.



آتش افروز

یکی از اهالی بومی صحرای کالاهاری (Kalahari) از مته کمائی مدرنی برای افروختن آتش استفاده می‌کند. وقتی کمان به جلو و عقب حرکت داده می‌شود تسمه کمان دور چوب می‌پیچد و آن را به حرکت درمی‌آورد. نوک مته روی پایه‌ای چوبی قرار می‌گیرد، مالش مته روی پایه گرما ایجاد می‌کند و این گرما پوشال آتشگیر را که روی پایه گذاشته می‌شود، مشتعل می‌سازد. سپس این توده آتشگیر به توده‌ای از گیاهان خشک یا هیزم افزوده می‌شود.



بشر ماقبل تاریخ برای مستقیم نگه داشتن مته از سنگ یا تکه‌ای چوب در قسمت بالای کمان استفاده می‌کرد. برخی از دهان گیری چوبی برای نگه داشتن مته استفاده می‌کردند تا دست دیگرشان برای نگه داشتن پایه آزاد باشد.



۷. روی پایه چوبی را با الیاف درخت یا پوشال بپوشانید. تسمه جیر را دور چوب بپیچانید و نوک چوب را درون سوراخ روی پایه قرار دهید.



۶. دو سر نوار را به دو سوراخ استخوان وصل کنید و محکم گره بزنید.



۵. با قیچی نواری باریک از جیر به اندازه دو برابر طول استخوان ببرید. این تسمه‌ای است که برای پیچاندن مته از آن استفاده می‌شود.



۴. گل سفالگری را روی تخته‌ای پهن کنید و از آن تکه‌ای به شکل استخوان ببرید. سوراخی در دو سر این استخوان ایجاد کنید. دو لبه استخوان را با انگشتان تان صاف کنید. صبر کنید خشک شود.

گردآوری غذا

انسان شکارچی-گردآورنده غذا در عصر حجر عادت‌های غذایی متنوعی داشت. او به تدریج کشف کرد که کدام گیاهان خوراکی‌اند و کجا می‌رویند. از بهار تا پاییز، زنان و کودکان به دنبال دانه‌ها، میوه‌ها و ریشه‌های خوراکی بودند. آن‌ها تخم پرندگان و برگ و بار سبزیجات را جمع می‌کردند. در تابستان، گیاهانی همچون لوبیا، غلات، کدو و خیار را می‌چیدند و دانه گیاهان خودرو را نیز جمع‌آوری می‌کردند. آفتاب تابستان باعث رسیدن خرما، انگور، انجیر، سنبل کوهی و قره‌قاپ نیز می‌شد. پاییز فصل روییدن دانه‌های خوراکی بود: بادام، بلوط، فندق، گردو و میوه کاج. این دانه‌ها زیر خاک نگه داشته می‌شدند، اما گیاهان و میوه‌ها را برای نگه‌داری خشک می‌کردند. حشراتی مثل حلزون و کرم ابریشم هم خوراکی بودند! برای افزودن مزه به غذا از شانه عسل و گیاهان خودرو استفاده می‌شد. کسانی که به جست‌وجوی غذا می‌رفتند برای بیرون آوردن ریشه گیاهان خوراکی از وسیله‌ای چوبی استفاده می‌کردند و غذاها را درون کیف‌های چرمی یا سبدهای حصیری نگه می‌داشتند.



کلنگ دو سر

این کلنگ دو سر یا ابزار حفاری در فاصله ۸۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد، از شاخ گوزن ساخته شده است. سوختی در سر آن تعبیه شده که احتمالاً دسته‌ای چوبی در آن قرار می‌گرفت.

تخم پرندگان

انسان‌های ماقبل تاریخ تخم انواع پرندگان، از تخم‌های ریز بلدرچین گرفته تا تخم‌های بزرگ شترمرغ را می‌خوردند. در تصویر، تخم قرقاول را می‌بینید که یکی از پرندگان بومی آسیاست. تخم‌مرغ سرشار از پروتئین، ویتامین‌ها و مواد معدنی است و به همین علت ارزش غذایی بسیار بالایی دارد. از پوسته تخم‌مرغ هم برای ساختن مهره‌های تزئینی استفاده می‌شد.



کرم حشره

این کرم حشره، لارو بزرگ سفیدرنگ بید است. بومیان استرالیا این کرم‌ها را مثل غذایی لذیذ می‌خوردند. حشراتی همچون مورچه، ملخ، سوسک و مورانه برای مردم عصر حجر غذاهایی سالم و سرشار از پروتئین محسوب می‌شدند.

میوه پخته شده

مواد مورد نیاز: ماهی تابه بزرگ، ۵۰۰ گرم قره‌قاپ، ۵۰۰ گرم شاه‌توت، ۲۰۰ گرم فندق، قاشق چوبی، عسل، قاشق غذاخوری، ملاقه و بشقاب.



۳. بعد فندق را اضافه کنید و میوه‌ها را به آرامی هم بزنید تا همه مواد با هم مخلوط شوند.

۲. بعد شاه‌توت را اضافه کنید. با قاشق چوبی آهسته، به گونه‌ای که میوه‌ها آسیب نیندند، این دو را با هم مخلوط کنید.

۱. همیشه از میوه‌های سفت و تازه استفاده کنید. قبل از شروع کار، میوه‌ها و دسته‌های تان را بشویید. نخست قره‌قاپ را درون ماهی‌تابه بریزید.



موهبت‌های پاییز

بخش عمده غذای انسان ماقبل تاریخ از گیاهان تأمین می‌شد. هر طایفه (قبیله) حد و مرز جغرافیایی خاصی برای خود تعیین کرده بود و درون آن گشت و گذار می‌کرد. آن‌ها در هر فصلی برای رسیدن به گیاهان خوراکی مورد نیاز خود در مسیری خاص حرکت می‌کردند. برگ قاصدک و گزنه در نواحی روستایی می‌روید. در پاییز جنگل‌ها سرشار از مواد غذایی بودند، از میوه‌های جنگلی خودرو گرفته تا میوه‌های مغزدار مثل فندق. انواع و اقسام قارچ‌های خوراکی نیز در زمین‌های مرطوب جنگلی، به خصوص در فصل پاییز، می‌رویدند.



فرسودگی

این جمجمه نئاندرتال حدود ۶۰,۰۰۰ سال قدمت دارد. متخصصان می‌توانند با بررسی بقایایی چون این جمجمه به نکات فراوانی در مورد عادت‌های غذایی انسان‌های ماقبل تاریخ پی ببرند. مردم عصر حجر به ندرت چیزهای شیرین می‌خوردند، به همین علت دندان‌های‌شان خراب نمی‌شد، اما دندان‌های انسان‌هایی که غلات مصرف می‌کردند، اغلب به دلیل یوسته سخت این مواد، بسیار آسیب دیده و ترک خورده است. بعدها غلات آرد شده، ریگ‌هایی داشت که آن هم به دندان آسیب می‌رساند.



به دنبال عسل

در تصویر، مردی از اهالی قبیله مبوئی (Mbuti) در جمهوری کنگو را می‌بینیم که می‌خواهد با دود زنبورها را از کندو بیرون بکشد تا راحت‌تر عسل جمع کند. احتمالاً انسان ماقبل تاریخ هم از آتش برای دور کردن زنبورها استفاده می‌کرد. جمع کردن عسل به زحمت و خطرش می‌ارزید، چون عسل سرشار از کربوهیدرات‌های انرژی‌زاست و مزه شیرین آن غذاهای دیگر را نیز خوشمزه می‌کرد.

انسان‌های ماقبل تاریخ احتمالاً به همین روش میوه‌ها را می‌پختند و آن‌ها را به شکل مربا نگه می‌داشتند: در آن دوران به جای ظروف فلزی، از ظرف‌های سفالی برای پختن و نگهداری غذا استفاده می‌شد.



۵. مخلوط میوه و فندق باید ۲۰ دقیقه به آرامی بجوشد، پس از سرد شدن، با ملاقای دسر آماده را در کاس‌های بریزید.

۴. شش قاشق غذاخوری عسل به مخلوط اضافه کنید. حالا از بزرگ‌تر خود بخواهید که ظرف را روی اجاق بگذارد تا آهسته به جوش آید.

ماهی‌ها و صدف‌ها

در اواخر آخرین عصر یخی، در حدود ۱۲,۰۰۰ سال قبل، هوای زمین شروع کرد به گرم شدن. آب حاصل از ذوب شدن یخ‌ها در دشت‌های کم ارتفاع جریان یافت و دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و مرداب‌ها را پرآب‌تر ساخت. درختان در صحراها و علفزارها روییدند و گروه‌های شکارچی به تدریج در اردوگاه‌ها مستقر و برخی در ساحل دریاها، رودخانه‌ها و دریاچه‌ها ماندگار شدند. برای بسیاری از مردم، ماهی و حلزون به تدریج تبدیل به مهم‌ترین منبع غذایی شد. بشر در ساحل دریاها به دنبال انواع و اقسام صدف‌ها و حلزون‌ها بود، از صدف دو کفه‌ای گرفته تا صدف حلزونی و صدف خوراکی و خرچنگ. بشر آن دوران ماهی و فک و مرغ دریایی هم شکار می‌کرد. رودخانه‌ها و دریاچه‌ها مملو از انواع ماهی و حیوانات دریایی از قبیل ماهی آزاد و اردک‌ماهی و لاک‌پشت و خرچنگ خاردار و اردک و دیگر پرندگان آبی بودند. ماهیگیری معمولاً روی قایق یا از ساحل با استفاده از نیزه و چنگ و تور انجام می‌شد. معمولاً دام را که سبدي بافته شده از شاخه‌های بید بود، کنار سدی می‌گذاشتند که روی جریان آب ساخته می‌شد. وقتی ماهی به این قسمت می‌رسید، در دام می‌افتاد.

شکارچی فک

روش‌های سنتی زندگی اسیکموها احتمالاً بسیار شبیه عادت‌های شکارچی-ماهیگیران ماقبل تاریخ است. آن‌ها هزاران سال است که در حاشیه اقیانوس منجمد شمالی زندگی می‌کنند.



نیزه‌های استخوانی

این سرنیزه‌های استخوانی که در جنوب غربی فرانسه پیدا شده‌اند متعلق به ۱۲,۰۰۰ سال قبل از میلادند. این سرنیزه‌ها احتمالاً دسته‌ای چوبی داشتند و دنباله‌هایی ساخته شده از چرم یا رگ و پی حیوانات به آن‌ها وصل بود.

نیزه

مواد مورد نیاز: یک تکه چوب، کاتر، رنگ چوب، گل سفالگری، تخته چوبی، خط کش، مداد، قیچی، مقوای سفید، مغار، قلم‌مو، چسب چوب، رنگ، ظرف آب، نوار چرمی یا مفتول محکم.



۱. از بزرگ‌تر خود بخواهید یک سر چوب را با کاتر بتراشید. کاتر را دور از بدن خود نگه دارید.



۲. چوب را با رنگ چوب رنگ کنید و بگذارید خشک شود. رنگ باعث می‌شود چوب تیره شود و کهنه‌تر و محکم‌تر به نظر برسد.



۳. تکه‌ای از گل سفالگری را روی تخته لوله کنید و زبانه‌ای به طول ۱۵ سانتی‌متر بسازید. یک سر این زبانه را گرد کنید.





جنگنده ترسناک

اردک ماهی در دریاچه‌ها و رودخانه‌ها زندگی می‌کند. او ماهی قوی‌بنیه و شکارچی مهبیسی است. انسان‌های ماقبل تاریخ در بهار و اوایل تابستان با بلم به صید اردک‌ماهی می‌رفتند.

ابزار ماهیگیری

قلاب‌های ماهیگیری از جنس استخوان، چوب، شاخ، صدف، یا سنگ چخماقی به ریسمانی محکم وصل می‌شدند. ماهی صیدشده پیش از آن‌که به قایق انداخته شود با چماقی بی‌هوش می‌شد.



انسان‌های ماقبل تاریخ از نیزه برای صید ماهی و شکار گوزن و گاؤ نو وحشی استفاده می‌کردند.



غذاهایی از ساحل دریا

در ساحل دریا در تمام مدت سال انواع مواد خوراکی یافت می‌شد. در سواحل صخره‌ای و ماسه‌ای انواع جانورهای خوراکی از قبیل صدف دو کفه‌ای، انواع صدف خوراکی، حلزون دریایی، خرچنگ و لابستر (خرچنگ دراز) یافت می‌شد. گیاهان دریایی و برگ‌های گوشتی رازیانه آبی نیز از دیگر مواد خوراکی بود که بشر در صخره‌ها و تخته‌سنگ‌ها می‌یافت و جمع‌شان می‌کرد.



خرچنگ خوراکی



صدف دو کفه‌ای



رازیانه آبی

توده صدف

این‌ها بقایای توده‌ای از صدف‌های مخروطی نواحی گرمسیری است که در استرالیا یافته شده است. به بقایای صدف، ماهی و استخوان اصطلاحاً توده می‌گویند. باستان‌شناسان می‌توانند از این مواد به حقایق ارزشمندی دست یابند. با بررسی این توده‌ها، علاوه بر آگاهی یافتن از نوع خوراک انسان‌های دیرین، گاهی ابزارهای شکسته نیز پیدا می‌شود که همراه صدف یا استخوان دور ریخته شده است.



۷. زبانه را با مفتول یا نوار چرمی محکم به انتهای پرش خورده چوب‌تان ببندید.



۶. پس از آن‌که چسب خشک شد، زبانه سرنیزه خود را با رنگی مناسب برای سنگ، مثلاً قهوه‌ای مایل به خاکستری، رنگ کنید.



۵. با معیار روی زبانه سفالی را به حدی گود کنید که دندان‌ها داخل آن قرار گیرند. صبر کنید سفال خشک شود، بعد دندان‌ها را به آن چسبید.



۴. مقوای سفید را مثل تصویر به شکل دندان‌دار ببرید. طول این نوار باید ۳×۱۰ سانتی‌متر باشد. دندان‌ها را به دقت ببرید.

شکار حیوانات

در آخرین عصر یخی، طایفه‌ها گله‌های بزرگ گاو نر، اسب، گوزن و ماموت را که در مزارع و صحرا پراکنده بودند شکار می‌کردند. در ابتدا، آن‌ها از تیرهای سنگی و نیزه‌های چوبی برای شکار استفاده می‌کردند. بعدها استفاده از نیزه‌هایی با دندانه‌هایی از سنگ چخماق یا استخوان رایج شد و پرتاب‌کنندگان نیزه عادت کردند که نیزه‌های خود را با شتاب هر چه بیش‌تر تا مسافت‌های دورتری پرتاب کنند. یا مستقیماً به حیوانات حمله می‌شد یا آن‌ها را در تله می‌انداختند. راه دیگر آن بود که گله‌ای به سمت دام یا صخره‌ای رمانده شود. این روش برای فراهم آوردن گوشت فراوان مناسب بود. با گسترش جنگل‌ها، حیوانات جنگلی با تیر و کمان شکار می‌شدند. در حدود ۱۲,۰۰۰ سال قبل از میلاد، شکارچیان از سگ‌های تربیت‌شده برای تعقیب شکار استفاده می‌کردند.

از همه اعضای حیوانات شکار شده استفاده می‌شد. گوشت حیوان یا پخته و مصرف می‌شد یا خشک می‌شد تا بعدها مصرف شود. از پوست حیوان برای درست کردن لباس و از چربی آن برای روشنایی استفاده می‌کردند. از شاخ و استخوان وی نیز سلاح و ابزار می‌ساختند.



کنده‌کاری نقش حیوانات

تصویر گاو نری که پشتش را می‌سید حدود سال ۱۲,۰۰۰ قبل از میلاد روی شاخ گوزنی کنده شده است. این شیء احتمالاً بخشی از وسیله پرتاب نیزه بود. شکارچیان معمولاً سلاح‌های خود را با نقش حیواناتی که شکار می‌کردند، می‌آراستند.

نقش گاو نر روی دیواره غار

این دو گاو نر حدود ۱۶,۰۰۰ سال قبل از میلاد روی دیواره غاری در فرانسه نقش زده شده‌اند. روی دیواره غارهایی در جنوب غربی فرانسه و شمال اسپانیا تصاویر بزرگی به اندازه واقعی حیواناتی که در آن دوران شکار می‌شدند کشیده شده است. شکارچیان ماقبل تاریخ مسیر معمول مهاجرت حیوانات بزرگ جثه مثل گاو نر و گوزن را می‌شناختند. آن‌ها دنبال حیوانات ضعیف و مریض بودند تا در لحظاتی خاص، مثلاً هنگام عبور حیوانات از رودخانه، به آن‌ها حمله کنند.



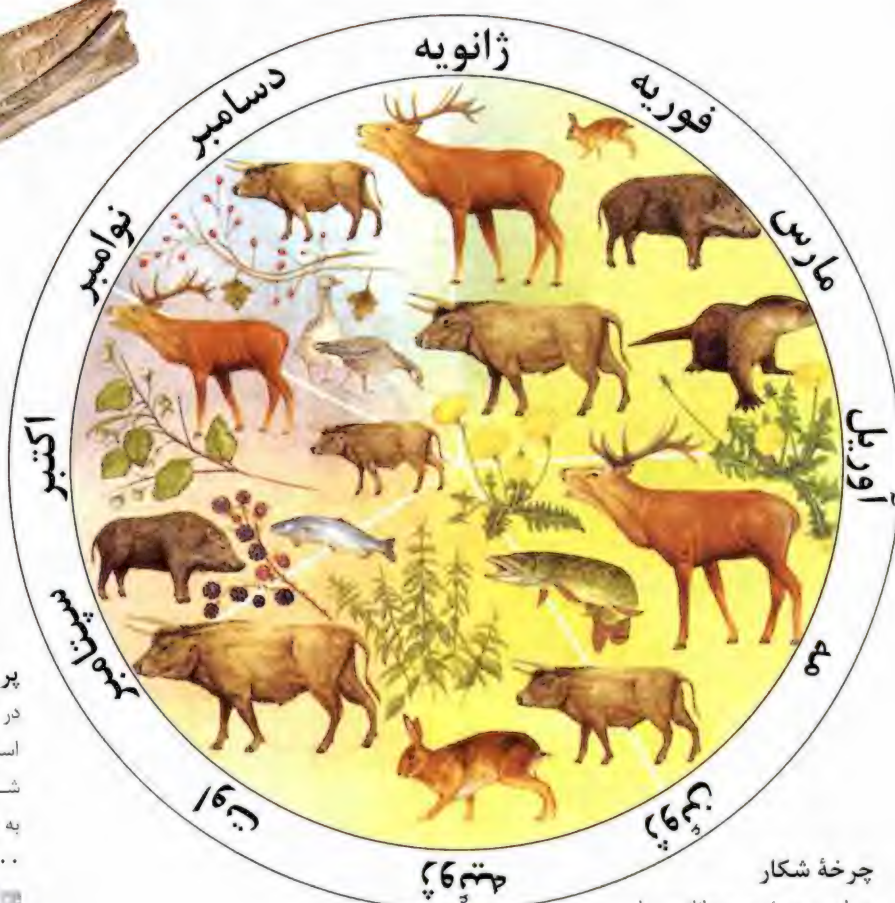


شکارچی ماموت

پیکره این ماموت پشمالو از استخوان کتف یک حیوان تراشیده شده است. شکارچیان به صورت گروهی به شکار این پستان‌داران عظیم‌الجثه می‌رفتند که هر یک غذای یک خانواده را تا ماه‌ها تأمین می‌کرد.

پرتگاه مرگ

در تصویر حکاکی شده زیر، گروهی شکارچی را می‌بینیم که گله‌ای اسب را به سمت صخره‌ای بلند در فرانسه رانده‌اند. احتمالاً شکارچیان به آرامی سراغ گله می‌رفتند و بعد، با علامتی، شروع به جست‌و‌خیز می‌کردند و فریاد می‌زدند تا گله رم کند. اسکلت ۱۰,۰۰۰ اسب وحشی در این ناحیه پیدا شده است.



چرخه شکار

در این چرخه حیواناتی را

می‌بینید که انسان‌های نخستین ساکن جنوب غربی فرانسه در فاصله سال‌های ۳۳,۰۰۰ تا ۱۰,۰۰۰ قبل از میلاد شکار می‌کردند. تنوع حیوانات شکاری بسیار زیاد بود. انسان‌ها، در فصول مختلف سال، مسیر معمول مهاجرت حیوانات مختلف را می‌پستند و آن‌ها را شکار می‌کردند.



گاو عنبر

امروزه یکی از معدود پستان‌داران بزرگی که می‌تواند از زمستان‌های سخت صحرا جان به در ببرد گاو عنبر است. اندام حجیم این حیوان را لایه ضخیمی از پشم زبر و انبوه پوشانده است. در طول آخرین عصر یخی، شکار گاو عنبر به شدت در اروپا، آسیا و شمال آمریکا رواج داشت.

نخستین کاشته‌ها

در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد، انسان ساکن خاور نزدیک برای تأمین خوراک خود شروع کرد به پرورش محصولات زراعی. بشر به جای جمع‌آوری صرف دانه‌های گیاهان خودرو، مثل جو و گندم، قسمتی از آن را نگه می‌داشت. سپس سال بعد این دانه‌ها را می‌کاشت تا محصولی به دست آورد. نخستین کشاورزان به محض این‌که به فکر کنترل منابع غذایی خود افتادند، دریافتند که با یک زمین زراعی کوچک می‌توان غذای جمعیت زیادی را تأمین کرد. بشر برای پرورش محصول و حفظ کاشته‌های خود زندگی در مکانی ثابت را آغاز کرد. در طول ۵۰۰۰ سال بعد، زراعت از خاور نزدیک به غرب آسیا، اروپا و آفریقا راه یافت. علاوه بر این، کشاورزی در دیگر نقاط آسیا در حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد و در آمریکا حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد رواج یافت.

نخستین کشتزارها در روستاهای مرتفع شکل گرفتند، جایی که گندم و جو خودبه‌خود می‌روید و آن‌قدر باران می‌بارید که محصول رشد کند. با افزایش جمعیت، روستاهایی کنار رودخانه‌ها شکل گرفت و کشاورزان در این نواحی در اوقات خشک سال با استفاده از آب رودخانه می‌توانستند مزارع خود را آبیاری کنند.



برنج خودرو

برنج گیاهی است که در نواحی گرم و مرطوب، همچون مرداب، می‌روید. برنج برای نخستین شکارچیان-گردآورندگان غذای ساکن نواحی ساحلی جنوب آسیا غذای بسیار مناسبی بود. دانه‌های رسیده برنج جمع‌آوری می‌شد و آن را نگه می‌داشتند تا در فرصتی مناسب، در مواقعی که منابع غذایی دیگر کمتر در دسترس بودند از آن استفاده کنند. دانه برنج را می‌توانستند ماه‌ها نگه دارند.



ابزار سنگی

این تکه چخماق تیغه‌ای،

لبه یک کج‌بیل است و در حدود سال‌های ۹۰۰ تا ۱۲۰۰ میلادی از آن در آمریکای شمالی استفاده می‌شد. این ابزار بسیار شبیه کج‌بیلی است که کشاورزان اولیه برای کندن زمین از آن استفاده می‌کردند. با چنگک‌هایی که از شاخ گوزن ساخته می‌شد روی دانه‌های کاشته‌شده را می‌پوشاندند. محصول را نیز با داس‌های تیزی که از سنگ چخماق ساخته می‌شد، درو می‌کردند.



تیغه داس

این تیغه چخماقی داس را روی دسته چوبی جدیدی سوار کرده‌اند. خوشه‌های رسیده گندم یا با دست چیده می‌شد یا با وسیله‌ای شبیه این داس.

کاشته‌های دنیا

نخستین گیاهانی که پرورش یافتند یا کاشته شدند، گیاهانی بودند که به شکلی خودرو در منطقه‌ای می‌روییدند. گندم و جو خودرو در خاور نزدیک می‌رویید. در هندوستان، چین و آسیای غربی در حدود سال ۵۰۰۰ قبل از میلاد برنج کاشته و خیلی زود به منبع اصلی غذای ساکنان این نواحی بدل شد. در حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد در مکزیک کشاورزان به پرورش کدو، ذرت و لوبیا پرداختند. در قسمت جنوبی‌تر رشته‌کوه‌های آند (Andes) محصولات اصلی عبارت بودند از سیب‌زمینی، سیب‌زمینی شیرین و ذرت.



ذرت

کدو تنبل



آسیاب کردن غلات

این آسیاب سنگی — یا آسیاب دستی — ۶۰۰۰ ساله است. از این آسیاب برای تهیه آردی ناخالص از غلات برای پختن نان یا پوره استفاده می‌شد. غلات را روی سطح سنگ زیرین می‌گذاشتند و با حرکت دادن سنگ سنگین رویی آن را آرد می‌کردند. آردی که به این ترتیب تهیه می‌شد، اغلب مقدار زیادی ریگ داشت. برای درست کردن نان، به آرد آب می‌افزودند. بعد مخلوط را به شکل ورقه‌ای درمی‌آوردند و در اجاقی سفالی می‌پختند.



مسیر مستقیم

در فاصله سال‌های ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ قبل از میلاد گذرگاه‌های متعددی در میان مرداب‌های جنوب انگلستان ساخته شد. در برخی موارد، این گذرگاه‌ها نواحی مسکونی را به مزارع مجاور متصل می‌کردند. الوارهای باریک و بلندی که در تصویر می‌بینید، اطلاعات فراوانی در مورد جنگل‌های مجاور به دست می‌دهد. درختان به صورت پشته‌ای رویانده می‌شدند، به این ترتیب که جوانه‌های باریک روئیده بر درخت‌های قطع شده فندق هر چند سال یک بار برداشت می‌شدند.

پلکان

این تپه پلکانی در کوه‌های آند پرو شکل گرفته است. در نواحی کوهستانی باران‌خیز، برخی از کشاورزان نخستین دامنه شیب‌دار تپه‌ها را به شکل پلکانی درست می‌کردند. این پله‌ها باعث می‌شد که از تمام خاک برای کاشت محصول استفاده شود. بدین ترتیب، از ساییش و فرسایش خاک جلوگیری می‌شد. هدف دیگر کشاورزان از پلکانی کردن تپه‌ها تسهیل آبیاری محصولات بود. یکی از نخستین محصولات کاشته شده در پرو سیب‌زمینی بود که به راحتی در نواحی مرتفع بالاتر از سطح دریا می‌رویید.



رام کردن حیوانات

تقریباً هم‌زمان با رواج کشاورزی، بشر به رام کردن حیوانات وحشی هم پرداخت. هزاران سال پیش از آن که بشر به فکر نگهداری حیوانات بیفتد، گله‌های وحشی بز، گوسفند، خوک و گاو را شکار می‌کرد. شاید هدف شکارچیان از نگهداری حیوانات وحشی، دسترسی آسان به آن‌ها بود. این حیوانات به تدریج به بشر خو گرفتند و اهلی‌تر شدند. احتمالاً نخستین بار حدود ۸۵۰۰ سال قبل از میلاد انسان‌های ساکن خاور نزدیک از گوسفند و بز به این شیوه نگهداری کردند.

دامپروران چندی بعد متوجه شدند که بچه‌های حیوانات

بزرگ نیز اغلب عظیم‌الجثه‌اند. به همین علت، تصمیم گرفتند فقط به بهترین نوع حیوانات اجازه جفت‌گیری دهند. بدین ترتیب، حیوانات خانگی به تدریج قوی‌تر و بزرگ‌تر از گونه‌های وحشی خود شدند. علاوه بر حیوانات چهارپا، ماکیان هم برای استفاده از تخم و گوشت‌شان اهلی شدند. در آمریکای جنوبی، علاوه بر اردک و خوکچه هندی، لاما را برای استفاده از گوشت و پشمش پرورش می‌دادند. در جنوب شرقی آسیا خوک مهم‌ترین حیوان اهلی به شمار می‌آمد.

گاوهای وحشی

این گاو، نوعی گاو نر وحشی است. این حیوان جد کبیر گاوهای اهلی امروزی است. رام کردن این حیوان عظیم‌الجثه و خشمگین بسیار سخت‌تر از نگهداری گوسفند و بز بود. احتمالاً گاوهای وحشی در حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد رام شدند. نسل گاو مذکور در سال ۱۶۲۷ میلادی منقرض شد. در دهه سی‌ام سده بیست، یک زیست‌شناس آلمانی با اختلاط نژادهای اهلی‌ای مانند فربه‌سیان (Friesian) و هایلند (Highland) این گونه منقرض شده را دوباره به وجود آورد.

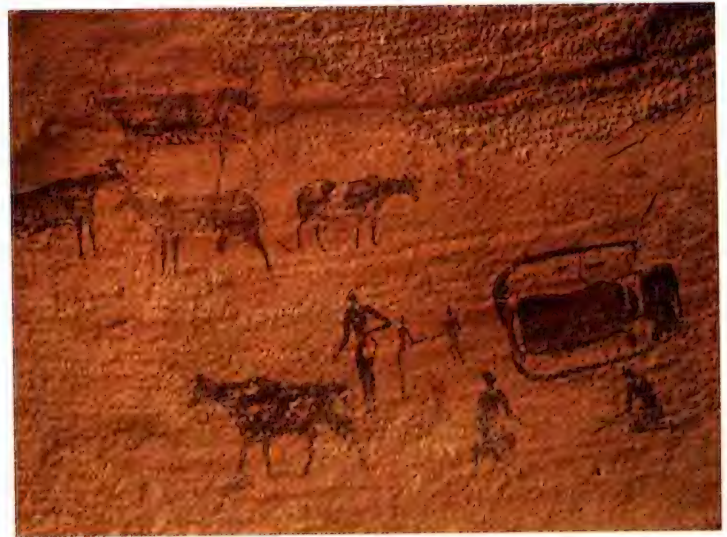
اسب وحشی

اسب غذای مورد علاقه انسان شکارچی-گردآورنده غذا در ماقبل تاریخ بود. مجسمه این اسب وحشی در آلمان پیدا شده است. سال ساخت آن را حدود سال ۴۰۰۰ قبل از میلاد تخمین زده‌اند. تصویر اسب اغلب بر دیواره غارها نیز دیده می‌شود. احتمالاً بشر نخستین بار در حدود سال ۴۴۰۰ قبل از میلاد در روسیه به رام کردن اسب پرداخت. در آمریکا نسل اسب وحشی به علت شکار مفرط در سال ۹۰۰۰ قبل از میلاد منقرض شد. کاشفان اروپایی در سال‌های ۱۵۰۰ میلادی دوباره اسب را به آمریکا بردند.



دینگو و سگ

دینگو سگ وحشی استرالیاست. این سگ از نسل سگ‌های رامی است که بومیان استرالیا در حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل با خود به این ناحیه بردند. احتمالاً سگ‌ها نخستین حیواناتی بودند که اهلی شدند. پیشینیان گرگ آن‌ها برای کمک به شکارچی‌ها و بعدها برای کمک در دامداری و حفاظت از اموال رام شده بودند. در شمال آمریکا، از سگ‌ها برای حمل و نقل و کشیدن سورتمه استفاده می‌شد.



دامپروران صحرانشین

احتمالاً گله‌های کوچک گاوهای وحشی نخستین بار در صحرا و خاور نزدیک اهلی شدند. این نقاشی روی سنگ در ناحیه تسیلی نجر (Tassili N'Ajjer) در صحرا یافت شده است. این نقاشی در حدود سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد در دورانی کشیده شده که بخش اعظم ناحیه صحرا پوشیده از علفزار و دریاچه‌های کم‌عمق بود. در این تصویر دامپرورانی را کنار گله گاوهای شان در بیرون از خانه می‌بینیم.

بز و گوسفند

تصاویر نقش‌بسته روی صخره‌های ناحیه صحرا نشان می‌دهند که بز و گوسفند از اولین حیوانات اهلی بودند. هدف بشر از نگهداری این حیوانات استفاده از شیر، گوشت، پوست و پشم‌شان بود. این حیوانات هنوز هم از اصلی‌ترین دام‌های ساکن مزارع‌اند.



لاما

لاما حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در مرکز پرو اهلی شد. هدف از پرورش لاما استفاده از گوشت و پشم این حیوان بود، اما بعدها از آن برای حمل و نقل غذا و کالا به نواحی دور دست نیز استفاده شد. بشر، آلیاکا (Alpaca)، شتر بی کوهان ساکن آمریکا را نیز که از خویشاوندان لاماست رام کرد تا از پشمش استفاده کند.

تکنولوژی سنگ

ابزار اولیه

این قله‌های سنگ‌های قطعه‌قطعه شده که در تانزانای افریقا کشف شده‌اند از کهن‌ترین ابزاری‌اند که تاکنون یافت شده‌اند. انسان هومو هابیلیس در حدود دو میلیون سال قبل این ابزار ابتدایی را ساخت.



انسان عصر حجر ابزارساز ماهری بود. او از تیغه‌های سنگ چاقو، سرنیزه، پیکان، ابزار حفاری و ابزار مخصوص سوراخ کردن و خراش دادن می‌ساخت. حدود دو و نیم میلیون سال قبل، بشر نخستین دریافت که با شکستن سنگ لبه‌های تیزی به دست می‌آید. بعدها متوجه شد که سنگ چخماق برای این منظور بهترین نوع سنگ است. او با پتکی سنگی آن قدر به تکه سنگ‌های چخماق ضربه می‌زد تا به شکل و تیزی مورد نظرش برسد. نخستین ابزار سنگی تبرهای دستی بودند که از آن‌ها برای حفاری زمین و قطعه‌قطعه کردن حیوانات استفاده می‌شد. با افزایش مهارت بشر، ساختن ابزار کوچک‌تر مثل اسکنه‌های ریز نیز شروع شد. با این ابزار ظریف نیز از شاخ و استخوان، نیزه، سرنیزه، سوزن و کمان می‌ساختند.



معادن سنگ چخماق

این‌جا معدن چخماق گرایمز گریو (Grimes Graves) در ناحیه نورفولک (Norfolk) انگلستان است که در حدود سال ۲۸۰۰ قبل از میلاد سنگ چخماق از آن استخراج می‌شد. معدنچیان چخماق را به جاهایی که این سنگ در آن‌ها وجود نداشت می‌بردند و با آن داد و ستد می‌کردند.

ورقه‌ورقه کردن

انسان‌های نئاندرتال و هومو سایپنس در ابزارسازی به مراتب ماهرتر از پیشینیان خود بودند. آن‌ها با ورقه‌ورقه کردن قطعات سنگ چخماق تبر دستی (تصویر چپ و وسط) و ابزار برش (تصویر راست) می‌ساختند. تبرهای دستی نوک‌تیز و بیضی شکل مصارف گوناگونی داشتند.

ساختن تبر

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، ابزار برش، سمباده، رنگ اکریلیک خاکستری، رنگ چوب، ظرف آب، قلم‌مو، یک تکه چوب ضخیم، کاتر، خط‌کش، جیر و قیچی.



۲. سر تبر را با رنگی شبیه رنگ سنگ، مثلاً طلوسی، رنگ کنید در صورت تمایل می‌توانید از چندین سایه رنگ استفاده کنید. صبر کنید رنگ خشک شود.



۳. پس از این که سفال کاملاً خشک شد، به آرامی سطح آن را با سمباده بسابید تا ناهمواری‌ها صاف شوند.



۴. سفال را با ابزار برش به شکل قطعه‌ای قطور در آورید. یک سر قطعه سفالی را به شکل سر تبر ببرید و سر دیگرش را تیز کنید.





آموزش ابزارسازی

انسان عصر حجر به تدریج به کیفیت ابزار خود وابسته و وابسته‌تر می‌شد. در این صحنه بازسازی شده، پدری را می‌بینید که مهارت خود را در ساخت ابزار به پسرش منتقل می‌کند.

نوک نیزه

انسان کروماگنون از ورقه‌های باریک و بلند چخماق ابزار می‌ساخت. این سرنیزه برگی شکل را ابزارسازان بسیار ماهری در حدود ۲۰,۰۰۰ سال قبل ساخته‌اند. شکل ظریف و مسطح آن با زدن ضربه‌هایی ظریف و یکنواخت بر کل سطح به دست آمده است.



سنگ‌هایی برای ساختن ابزار

قلوه‌سنگ چخماق اغلب در صخره‌های آهکی، به‌خصوص صخره‌های گچی، یافت می‌شود، پس دسترسی به آن نسبتاً آسان بود. اما از سنگ‌های دیگر هم برای ساختن ابزار استفاده می‌شد. در خاور نزدیک و مکزیک از سنگ آتشفشانی آبسیدین (Obsidian)، که از گدازه‌های سرد شکل می‌گرفت، به وفور استفاده می‌شد. این سنگ به راحتی می‌شکست و لبه‌های تیزی داشت. در بخش‌هایی از آفریقا، از سنگ کوارتز تبرهای دستی و ساطورهایی بادوام و زیبا می‌سازند. در دوران نوسنگی از سنگی به نام دیوریت (Diorite) برای ساختن سرتبرهای صیقل‌یافته استفاده می‌شد.



تبرهای سنگی

در اواخر عصر نوسنگی، این تبرهای سنگی ظریف مهم‌ترین اسلحه در ناحیه اسکاندیناوی محسوب می‌شدند. تبر حدود سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساخته شد.



کوارتز

چرت (نوعی سنگ چخماق)

انسان ماقبل تاریخ از تبر برای بریدن چوب و گوشت استفاده می‌کرد. آن‌ها تیغه‌های سنگی می‌ساختند و بعد این تیغه را باریسمانی به دسته‌ای چوبی می‌بستند.



۷. نوار را سفت بکشید و دو سر آن را دوبار دور دسته بپیچانید و گره بزنید. اضافه نوار را قیچی کنید.



۶. سر تبر را روی سر تراشیده تکه چوب قرار دهید و نوار جیر را به شکل هفت و هشت (زیگزاگ) دور سر تبر و دسته‌اش ببندید.



۵. از پارچه جیر نوار بلندی به قطر ۲/۵ سانتی‌متر ببرید تا با آن بتوانید سر تبر را به دسته ببندید.



۴. از بزرگ‌تر خود بخواهید که یک سر تکه چوب‌تان را کمی بتراشد. برای این کار از کاتر استفاده کنید و مراقب باشید. با رنگ چوب آن را رنگ بزنید و بگذارید خشک شود.

کنده کاری روی چوب و استخوان

این عصر، عصر حجر نامیده می‌شود، اما در آن چوب و استخوان و شاخ و عاج نیز در ساخت ابزار و وسایل همان قدر اهمیت داشتند که سنگ. نه تنها با ابزاری سنگی می‌شد روی این مواد کنده کاری کرد، بلکه از چوب و استخوان و شاخ نیز برای کنده کاری روی سنگ استفاده می‌شد. با این وسایل، لبه‌های تیزتر و ورقه‌های نازکی از سنگ به دست می‌آمد. شاخ، عاج، چوب و استخوان مصارف گوناگونی داشتند. از نوک شاخ برای بیرون آوردن ریشه گیاهان و شکستن تکه‌های سنگ استفاده می‌شد. از استخوان و شاخ نیزه‌انداز درست می‌شد و برای درست کردن سوزن، قلاب ماهیگیری، سرنیزه و چاقو نیز از عاج و شاخ و استخوان استفاده می‌کردند. از چوب برای نیزه‌ها، تبرها، داس‌ها و تیشه‌های شان دسته می‌ساختند و این ابزار را برای شکل دادن به چوب و نیز ساختن تیر و کمان به کار می‌بردند. از استخوان کتف گاو وحشی بیل می‌ساختند و از استخوان‌های کوچک‌تر درفش درست می‌کردند که ابزار مخصوص ایجاد سوراخ‌های ظریف بود. از استخوان‌های ریزتر سوت و ظروف کوچکی برای نگه داری رنگ می‌ساختند. روی تمام این ابزار اغلب تصاویر زیبایی از حیوانات شکار شده و طرح‌های تزئینی حک می‌شد.



نیزه‌انداز

این برش از استخوان سر گوزن احتمالاً بخشی از یک نیزه‌انداز است. روی سطح چوب، استخوان و شاخ شکاف‌ها و ترک‌هایی طبیعی وجود دارد. حکاکان ماقبل تاریخ با استفاده از این شکاف‌ها و ترک‌ها تصاویر مورد نظر خود را به شکل حیوانات حکاکی می‌کردند یا نقش بینی، چشم‌ها و دهان حیوانی را با خطوط طبیعی روی سطح این مواد ربط می‌دادند. در کنده کاری‌های دیواره غارها نیز از شکل طبیعی صخره استفاده می‌شد.



تیشه

تیشه کمی شبیه تبر بود، با این تفاوت که تیغه آن به صورت قائم به دسته وصل می‌شد. تیغه سنگی این تیشه ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. دسته و ریسمان متصل کننده تیغه به دسته پوسیده بود، به همین علت، دسته و ریسمان جدیدی جایگزین آن‌ها شده است. از این ابزار با حرکت دست به سمت بالا و پایین برای کارهایی نظیر خالی کردن تنه درخت به منظور ساختن بلم استفاده می‌شد.

تبر

کشاورزان نخستین برای آماده کردن زمین برای کاشت محصول به تبر احتیاج داشتند. تجربه‌ای در دانمارک با استفاده از تبری ۵۰۰۰ ساله ثابت کرد که بشر می‌تواند یک هکتار جنگل را در عرض پنج هفته برای کشت و زرع آماده کند. به این سرتبر که قدمت آن به ۴۰۰۰ تا ۲۰۰۰ سال پیش از میلاد می‌رسد، دسته چوبی جدیدی اضافه شده است.





نوک شاخ

شاخ برای انسان ماقبل تاریخ همان قدر مفید بود که برای صاحب اصلی‌اش! این ابزار در مکانی متعلق به دوران نوسنگی در ایوبوری (Avebury) انگلستان پیدا شده است. از نوک تیز شاخ برای حفاری و کندن سنگ استفاده می‌شد. شاخ وسیله‌ای بود که کاربردهای گسترده‌ای داشت. می‌شد از آن نیزه و سرنیزه و سوزن و کمان ساخت.

صنعتگران

در این حکاکی، ذهنیت یک هنرمند اوایل قرن نوزدهم را از زندگی عصر حجر مشاهده می‌کنید. در این تصویر می‌بینیم که بشر از ابزار استفاده می‌کرد و کارهایش را با دقت انجام می‌داد. حتی لوازم روزمره هم اغلب با دقت و ظرافت کنده‌کاری می‌شدند و صنعتگران سازنده این ابزار به دقت آن‌ها را تزئین می‌کردند.



عصای حکاکی شده

این شیء عجیب به «عصای حکمرانی» معروف است. عصاهای فراوانی از این دست، به خصوص در فرانسه، پیدا شده است اما کسی نمی‌داند مورد مصرف دقیق این وسیله چه بوده است. برخی از کارشناسان معتقدند که عصا نشانه تشخیص و حمل آن بیانگر اهمیت فرد بود. برخی دیگر معتقدند که از سوراخ‌های روی این شیء برای مستقیم نگه‌داشتن تیر کمان استفاده می‌شد. مورد استفاده عصا هر چه بود، اغلب با نقوش ظریف حیوانات و اشکال هندسی تزئین می‌شد.



کاربرد شاخ

دو گوزن نر با هم می‌جنگند. گوزن نر شاخ‌های بزرگی دارد که از آن در جنگ بر سر زمین و جفت استفاده می‌کند. این شاخ‌ها هر سال می‌افتند و جای‌شان شاخ جدیدی می‌روید. پس هنرمندان و شکارچیان ماقبل تاریخ همواره مواد اولیه‌ای برای کار خود داشتند.

صنایع دستی

احتمالاً نخستین صنایع دستی بشر سبدهایی با نی‌های رودخانه‌ها و شاخ و برگ درختان بود. سبدها سریع بافته و راحت هم حمل می‌شدند، اما عمر چندانی نداشتند. سفال دوام بیش‌تری داشت. کشف این که پختن سفال عمر آن را طولانی‌تر می‌کند احتمالاً اتفاقی بوده است، شاید روزی یک سبد سفالی آویخته شده تصادفی داخل آتش افتاده باشد. پیکره‌های سفالی پخته‌شده از ۲۴,۰۰۰ سال پیش از میلاد ساخته می‌شدند، اما هزاران سال طول کشید تا بشر فهمید که می‌تواند از سفال برای پختن غذا، و نگهداشتن مواد غذایی و نوشیدنی هم استفاده کند. نخستین کوزه‌ها حدود ۱۰,۵۰۰ سال قبل از میلاد در ژاپن ساخته شدند. کوزه‌ها را از حلقه‌های سفالی یا تکه‌های سفال می‌ساختند. سطح خارجی کوزه‌ها پیش از حرارت دیدن در اجاق‌های سر باز یا کوره صاف می‌شد و رویش نقوشی را نقش می‌زدند. از دیگر اختراعات انسان عصر نوسنگی دستگاه بافندگی بود که در حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد اختراع شد. احتمالاً نخستین پارچه‌ای که بافته شد از جنس پشم، پنبه یا کتان بود که می‌شد از آنان پارچه نخی بافت.



گلدان چینی

تصور این که از این گلدان چینی ظریف در ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد هر روز استفاده می‌شد، حیرتانگیز است. این گلدان در ناحیه بانپو (Banpo) نزدیک شانگهای (Shanghai) ساخته شده است. اهالی بانپو از نخستین کشاورزان چین بودند. آن‌ها ارزن می‌کاشتند و سب و خوک پرورش می‌دادند تا از گوشت‌شان تغذیه کنند. سفالگران برای موقعیت‌های مهم، ظروف سفالی سیاه رنگ مرغوبی می‌ساختند و این ظرف‌های سفالی ارزان و خاکستری رنگ را برای مصرف روزمره به کار می‌بردند.



مجسمه سفالی پخته‌شده

این یکی از کهن‌ترین اشیایی است که از سفال پخته درست شده است. این مجسمه یکی از چندین مجسمه‌ای است که در حدود ۲۴,۰۰۰ سال قبل از میلاد در ناحیه دولنی و ستونیس (Dolni Vestonice) جمهوری چک ساخته می‌شد. در این ناحیه، مردم ماقبل تاریخ ماموت و کرگدن پشمالو و اسب شکار می‌کردند. آن‌ها خانه‌هایی می‌ساختند که دارای اجاق‌های کوچک بیضی شکلی بود و در آن‌ها این مجسمه‌ها را حرارت می‌دادند.

ساختن گلدان سفالی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته چوبی، ابزار برش، گلدان پلاستیکی، ابزار تزئین، وری، سمباده، قلم‌مو.



۱. لوله‌ای بلند و باریک از گل سفالگری روی تخته درست کنید. قطر این لوله باید حداقل یک سانتی‌متر باشد.
۲. لوله را به صورت حلقه بیجانید تا قاعده گلدان درست شود. اگر قاعده کوچک باشد گلدان ساخته خواهد شد و اگر بزرگ‌تر باشد کاسه.
۳. حالا یک لوله کلفت‌تر درست کنید. آن را با دقت روی پایه سوار کنید تا دیواره‌های گلدان ساخته شود.



بتی از سنگ صابون

برای ساختن این بت، که در جزایر سیکلاد یونان پیدا شده، از سنگ صابون استفاده شده است. سنگ صابون بسیار نرم است و به راحتی می‌توان روی آن کنده‌کاری کرد. از مجسمه‌هایی شبیه این اغلب در مراسم تدفین استفاده می‌شد. گاهی نیز شیئی این‌چنینی را می‌پرستیدند، یا آن را به خدایان پیشکش می‌کردند. دور گردن این مجسمه صلیبی دیده می‌شود. قطعاً این صلیب مفهوم مسیحی ندارد، اما هیچ‌کس به درستی نمی‌داند معنای آن چیست.



ظروف خانگی

بسیاری از ظروف سفالی قدیمی به شکل سبدترین می‌شدند. این گلدان، که طرح هندسی ساده‌ای دارد، در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد در تایلند ساخته شد. از ظروف سفالی مثل این، برای پختن غذا، حمل آب و نگهداری مواد خوراکی استفاده می‌شد.



تارهای بافته‌شده

نخستین بافته‌های بشر احتمالاً شبیه این حصیر بود که در بافت آن از نی و ریسمان استفاده شده است. این حصیر حدود سال ۱۰۰۰ میلادی در نازکا (Nazca) در پرو بافته شده است. انسان‌های ماقبل تاریخ برای بافتن سبد و کیف از ریسمان‌های ساخته شده از بافت‌های گیاهی استفاده می‌کردند. قدیمی‌ترین بافت حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد بافته و در چاتال‌هویوک ترکیه پیدا شده است. به دلیل فسادپذیری سریع این دست‌بافته‌ها، نمونه‌های انگشت‌شماری از آن‌ها باقی مانده است.



ظروف سفالی پخته‌شده تنها در نواحی‌ای ساخته می‌شدند که در آن‌ها ذخایر طبیعی خاک رس یافت می‌شد. به همین علت به نظر می‌رسد که مردم برخی نواحی در ساخت مجسمه‌ها و ظروف سفالی تخصص و مهارت بیش‌تری یافته باشند. در هر ناحیه از اشکال خاصی برای تزئین ظروف سفالی استفاده می‌شود.



۷. صبر کنید گلدان خشک شود. بعد از خشک شدن، سطح خارجی آن را با لعاب براق کنید. سطح داخلی گلدان را سمیاده بکشید تا صاف شود.

۶. اگر لوله دیگری به کارتان اضافه کردید لبه‌های آن را هم صاف کنید. بعد با کاردکی دنداندار طرح‌های مختلفی روی گلدان بزنید.

۵. گلدانی را که ساخته‌اید روی گلدانی پلاستیکی قرار دهید، به گونه‌ای که گلدان پلاستیکی نقش محافظ گلدان سفالی را بازی کند. چند لوله سفالی دیگر به گلدان‌تان اضافه کنید تا دیواره گلدان شکل بگیرد.

۴. با ابزار برش دیواره ظرف را صاف کنید تا سطحی هموار و بدون برآمدگی داشته باشید. مراقب باشید هیچ فضایی باز باقی نماند.

پوشاک

شکارچیان آخرین عصر یخی احتمالاً نخستین کسانی بودند که لباس می پوشیدند. آن‌ها برای حفظ خود در برابر سرما به لباس احتیاج داشتند. لباس‌ها متشکل بودند از تکه‌های چرم و پوست حیوانات که با نوارهایی چرمی به هم دوخته می شدند. نخستین لباس‌ها شامل شلوارهایی ساده، تونیک و ردا بودند که آن‌ها را با سنگ‌های رنگی، دندان حیوانات و صدف می آراستند. پوشیدن چکمه‌های خز که با ریشمانی چرمی به دور پا بسته می شد، نیز رایج بود.

پوست را می کشیدند و سطح آن را تمیز می کردند و از آن پوستین می ساختند. تکه‌های پارچه را می بریدند و در لبه‌های آن با شیء سنگی نوک تیزی که درفش نام داشت سوراخ‌هایی درست می کردند. سوزن‌های استخوانی از این سوراخ‌ها راحت‌تر رد می شد. از پوست‌های پاک شده

(دباغی شده) برای ساختن چادر، کیف و رخت‌خواب نیز استفاده می شد. مدتی

پس از رواج دامداری در خاور نزدیک، از پشم در بافت پارچه استفاده

شد. در دیگر نقاط جهان، برای این کار از الیاف گیاهی مثل کتان،

پنبه، کاکتوس و پوست درخت گنگنه نیز استفاده می شد. برای

رنگ آمیزی و تزیین لباس از رنگ‌های گیاهی استفاده می کردند.

آماده کردن پوست

زنی اسکیمو با دندان‌ش پوست

خوک آبی را نرم می کند. انسان ماقبل تاریخ هم

که شکارچی-گردآورنده غذا بود، احتمالاً از همین روش

برای نرم کردن پوست استفاده می کرد. پوست حیوانات

را نخست سفت می کشیدند و با میخ محکم می کردند و

بعد سطح آن را می تراشیدند و تمیزش می کردند. سپس

آن را می شستند، روی قابی چوبی می کشیدند تا وقتی

خشک می شد چروک نشود. بعد چرم خشک را نرم می کردند

و برای دوختن لباس آن را به قطعات مختلف می بریدند.

سنجاق و سوزن

این سنجاق‌های استخوانی ۵۰۰۰ ساله در ساحل سکارا در جزایر اورکنی کشف شده‌اند. بشر ماقبل تاریخ از قطعات ریز استخوان و شاخ، سوزن و سنجاق می ساخت. با ساییدن این وسایل روی سنگ سطح آن‌ها صاف و صیقلی می شد.



رنگ آمیزی پارچه

مواد مورد نیاز: رنگ‌های طبیعی مثل گردو، آفتی و رنگ کافیش، آب کش، ماهی تابه، آب، قاشق غذاخوری، گاه، مٹیای سفید، جیر، تی شرت سفید، قاشق چوبی، (رنگ‌های گیاهی را می توان از عطاری ها تهیه کرد)



۳. برای امتحان یک تکه جیر را در رنگ فرو کنید و چند دقیقه آن را توی رنگ نگه دارید. بهتر است دستکش پلاستیکی به دست کنید.

۲. از بزرگ‌تر خود بخواهید رنگ را بجوشانند و یک ساعت آن را روی اجاق نگه دارد. بعد از سرد شدن، جوشانده را از آب کش رد کنید تا تقاله آن جدا شود

۱. یکی از رنگ‌ها را انتخاب کنید و ۸ تا ۱۲ قاشق غذاخوری از آن را توی تابه کهنه‌ای بریزید. شاید لازم باشد آن را قبلاً خرد و یا تکه تکه کنید.

رنگ‌های طبیعی

انسان عصر حجر از ساقه، برگ، ریشه و گل بسیاری از گیاهان برای ساختن رنگ استفاده می‌کرد. گل‌های گل چارو و بابونه طیفی از رنگ‌های درخشان زیبا، از زرد روشن گرفته تا خاکی، ایجاد می‌کنند. از گیاهانی مثل نیل و ایساتیس طیف‌های آبی تیره و از پوسته، ریشه و برگ درخت گردو قهوه‌ای سیر به دست می‌آید. از گیاهان برای آماده کردن پوست نیز استفاده می‌شد. برای نرم کردن پوست آن را همراه چند تکه از پوست درخت بلوط درون ظرف آبی می‌انداختند.



مواد اولیه

در این حکاکی یک شکارچی اسکیمو را در حال شکار فک در قطب می‌بینیم. از پوست حیوانات برای تهیه پوشاک، از رگ و پی‌شان برای درست کردن ریسمان و از استخوان‌های شان برای ساختن سوزن استفاده می‌شد. لباس‌های ساخته شده از پوست حیوانات جلوی نفوذ آب و سرما را می‌گرفتند و باعث می‌شدند مردم بتوانند در نواحی شمالی تر کره زمین زندگی کنند.



گرم نگه داشتن

این زن اهل ناحیه ننت (Nenet) در سیبری روسیه کتی از جنس پوست گوزن به تن دارد که به آن یاگوشکا (Yagushka) می‌گویند. احتمالاً انسان‌های ماقبل تاریخ هم برای در امان نگه داشتن خود از سرما چنین لباسی می‌پوشیدند. پوشیدن شلوارهای ضد آب و نیم‌تنه‌های کلاه‌دار و چکمه و دستکش‌های تکانگشتی نیز رایج بود.



جوراب‌های علفی

تا همین چندی پیش، اسکیموهای شمال آمریکا در تابستان علف جمع می‌کردند تا بعدها از آن جوراب بیافند. جوراب‌ها به شکلی درست می‌شدند که کاملاً قالب پا بودند. این جوراب‌ها را زیر چکمه‌هایی می‌پوشیدند که از چرم فک ساخته می‌شد.

برای رنگ‌آمیزی لباس، گل‌های کافیشه را به محض گل دادن می‌کنند و خشک می‌کردند.



۶. رنگ دلخواه خود را آماده کنید و تی‌شرت سفید رنگ را با آن رنگ کنید. مراقب باشید تی‌شرت یک‌دست رنگ شود.



۵. دو رنگ دیگر را هم به همین روش تهیه و امتحان کنید. با مقایسه نمونه رنگ‌ها، رنگ دلخواه خود را انتخاب کنید.



۴. تکه چیر را روی مقوایی سفید بگذارید تا خشک شود. مراقب باشید رنگ روی لباس با وسایل تان نریزد.



زیورآلات و تزیینات

در عصر حجر، هم مردان و هم زنان از زینت آلات استفاده می کردند. از هر چه در طبیعت یافت می شد گردنبد و آویز می ساختند. سنگریزه های خوش رنگ، لاک حلزون، استخوان ماهی، دندان حیوانات، صدف، پوسته تخم مرغ، میوه های مغزدار و دانه های گیاهان همه و همه جنبه تزیینی داشتند. بعدها، کهربای نیمه قیمتی، یشم، کهربای سیاه فسیل شده و دانه های سفالی دست ساز نیز برای این منظور ساخته شدند. دانه ها را با استفاده از ریسمانی چرمی یا ساخته شده از بافت های گیاهی به نخ می کشیدند.

از دیگر جواهرات می توان به دستبند ساخته شده از تکه های عاج ماموت و فیل اشاره کرد. از رشته های صدف و دندان حیوانات سربندهای زیبایی می ساختند. زنان موهای خود را می بافتند و با شانه و سنجاق آن را روی سر جمع می کردند. مردم احتمالاً بدن و دور چشمان شان را با رنگ دانه هایی چون اخراي سرخ می آراستند. برخی هم بدن خود را خال کوبی یا سوراخ می کردند.



لباس آیینی

سربندهای عجیب، نقاشی های روی صورت و جواهرات حیرت انگیزی را که هنوز هم در آیین های خاص ناحیه پاپوا در گینه نو کاربرد دارند می توان یادآور غنای زیورآلات در عصر حجر دانست.



استخوان و دندان

این گردنبد که از استخوان و دندان یک گراز ماهی ساخته شده، در سواحل سکارا در جزایر اورکنی کشف شده است. در هر یک از مهره ها با ابزاری سنگی یا با میخی چوبی و مته ای کمانی، سوراخی تعبیه می شد. بعد دانه ها را با رشته ای چرمی یا الیاف گیاهان به نخ می کشیدند.

رنگ آمیزی بدن

این بچه های بومی استرالیایی با خاک رس بدن شان را رنگ آمیزی کرده اند. برای این کار از طرح هایی استفاده کرده اند که قدمتی هزاران ساله دارند.



درست کردن گردنبد

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه و تخته، ابزار برش، سمباده، رنگ های آکرلیک، استخوانی و سیاه، قلممو، ظرف آب، خاک کش، قیچی، گیر، مقوای نوار چسب نورو، چسب چوب، نوارهای چرمی.



۳. چهار نوار چرمی به طول و عرض ۳×۹ سانتی متر ببرید. از لبه مقوایی برای کشیدن خطوطی به شکل هاشور روی نوارهای تان استفاده کنید.

۲. سطح هلال ها را به آرامی سمباده بکشید و با رنگ استخوانی رنگ شان بزنید. بعداً می توانید روی شان روغن جلا بزنید تا براق شوند.

۱. خمیر را با وردنه روی تخته پهن کنید و با ابزار برش چهار قطعه به شکل هلال ماه از آن ببرید و بگذارید همان جا روی تخته خشک شوند.

تزئینات طبیعی

از نقاشی‌های دیواره غارها و نیز زیورآلات کشف‌شده در مقبره‌ها اطلاعاتی در مورد تنوع موادی که در عصر حجر جنبه تزئینی داشتند به دست می‌آید. در آن دوران، صدف بسیار ارزشمند بود و داد و ستد آن در مکان‌های دوردست رواج داشت. از دیگر موادی که کاربرد تزئینی داشتند می‌توان به دندان گوزن، عاج ماموت و شیرماهی، استخوان ماهی و پر پرندگان اشاره کرد.



مجموعه‌ای از صدف‌های دریایی



سربند سلحشور

این سلحشور اهل قبیله یالی (Yali) در اندونزی ریسای از دندان گراز وحشی به سر بسته است و گردنبندی از صدف و استخوان به گردن دارد. احتمالاً سربندها و گردنبندهای ساخته شده از دندان حیوانات برای انسان عصر حجر بار معنوی خاصی داشت. کسی که از این زیورآلات استفاده می‌کرد لابد اعتقاد داشت که با به‌همراه داشتن دندان حیوانی وحشی می‌تواند از جرئت و جسارت و قدرت آن حیوان بهره‌بردار.

خلخال و گوشواره

این زینت‌آلات در ناحیه هاراپا (Harappa) در پاکستان پیدا شده‌اند. زمان ساخت آن‌ها حدود سال‌های ۲۳۰۰ تا ۱۷۰۰ قبل از میلاد است. جنس این مصنوعات صدف و سفال رنگ شده است. باستان‌شناسان در هاراپا بقایای چندین مغازه فروش زیورآلات را کشف کرده‌اند.



انسان عصر حجر معتقد بود که اگر گردنبندی از پنجه پلنگ به گردن کند، نیرویی جادویی خواهد یافت.



۷. پنجه‌های پلنگ را به نخ بکشید و جای آن‌ها را با فواصل منظم روی ریسمان مشخص کنید.



۶. سه نوار چرمی را به هم ببافید تا ریسمانی درست شود. این ریسمان باید آن قدر بلند باشد که دور گردن تان گره بخورد.



۵. با قلم‌مو به وسط هلال‌ها چسب بزنید و نوار چرمی هاشوردار را دور آن ببجایانید و به این ترتیب حلقه‌ای درست کنید.



۴. پس از آن‌که خشک شدند، دو لایه نوار را خم کنید و با نوار چسب دو رو آن را محکم ببجایانید.

هنرها



پیکره ونوس

این پیکره کوچک، که به ونوس لسپاگو (The venus of Lespugue) مشهور است، در فرانسه پیدا شده است. سال ساخت آن حدود ۲۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد تخمین زده شده است. کل این تندیس احتمالاً نشانه باروری یکی از خدای بانوان بود، شاید هم این تندیس را به امید برخورداری از شانس خوب همراه خود نگه می‌داشتند.

هنرمندان عصر حجر به شکل شگفت‌انگیزی در کار کردن با سنگ، شاخ، استخوان، عاج و سفال مهارت داشتند. آن‌ها روی دیواره‌های سنگی نقاشی می‌کردند، روی سنگ و عاج حکاکی می‌کردند و آلات موسیقی می‌ساختند و تصاویری از حیواناتی که شکار می‌کردند و نیز پیکره‌های انسان و طرح‌های انتزاعی خلق می‌کردند. هیچ کس واقعاً نمی‌داند چرا انسان عصر حجر این قدر خلاق بود.

نخستین آثار هنری بشر حدوداً متعلق به ۴۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد است و روی صخره‌هایی در استرالیا حک شده است. در اروپا کهن‌ترین آثار هنری نقاشی‌های غارهایند که ۲۸,۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده‌اند. اما اغلب آثار هنری کشف‌شده روی دیواره غارها حدود ۱۶,۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده شده‌اند. دیواره غارهایی در شمال اسپانیا و جنوب غربی فرانسه پوشیده از نقاشی‌ها و حکاکی‌هایی از حیوانات است. هنرمندان عصر حجر پیکره‌هایی از زن نیز می‌ساختند که به پیکره‌های ونوس مشهورند و ابزار و سلاح‌های خود را تزیین می‌کردند. این فوران هنری حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد رو به افول نهاد.



موسیقی و رقص

نقاشی‌های صخره‌ای متعلق به عصر حجر، که در اروپا و آفریقا یافت شده‌اند، افرادی را در حال اجرای حرکاتی رقص‌مانند نشان می‌دهند. این حکاکی روی سنگ که متعلق به ۹۰۰۰ سال قبل از میلاد است بر دیواره غاری در جزیره سیسیل (Sicily) پیدا شده است. آیین‌های عصر حجر به قطع و یقین شامل رقص و موسیقی بود و احتمالاً طبل و سوت هم در آن‌ها نواخته می‌شد.

نقاشی دوران غارنشینی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، وردنه، ابزار برش، سمپاده، رنگ اکریلیک، قلم‌مو و ظرف آب.



۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته پهن کنید، سعی کنید سطحی ناهموار همچون سطح دیواره غارها ایجاد کنید. با ابزار برش اطراف خمیر را صاف ببرید.

۲. پس از خشک‌شدن گل، سطح آن را به آرامی سمپاده بکشید تا کمی صاف شود و سطح مناسبی برای نقاشی کردن به دست آید.

۳. طرح کلی حیوان مورد نظر خود را با رنگ سیاه روی گل بکشید. این تصویر گوزنی است شبیه نقاشی‌های عصر حجر.

دستمایه هنرمند

هنرمندان ماقبل تاریخ رنگ‌هایشان را از سنگ‌های نرم و موادی معدنی از قبیل زغال و خاک رس به دست می‌آوردند. آن‌ها این مواد را آسیاب می‌کردند و بعد پودر حاصل را با آب یا چربی حیوانات می‌آمیختند. برای رسم کردن خطوط اولیه و سایه روشن‌های تیره از زغال استفاده می‌شد. خاک رنگی‌ای که به آن آخرا می‌گفتند، سایه‌های قهوه‌ای، قرمز، زرد و آخرایبی داشت. از خاک رسی به نام کانولین (Kaolin) رنگ سفید می‌ساختند. رنگ‌ها را در استخوان‌هایی توخالی نگه می‌داشتند. قلم‌مو نیز از موی حیوانات، خز و شاخه‌های پوسیده ساخته می‌شد.



سفالینه‌های اولیه

این دو پیکره زنانه از کهن‌ترین یافته‌های سرامیکی (سفال پخته شده) در آمریکای جنوبی است. قدمت این پیکره‌ها به حدود ۴۰۰۰ تا ۱۸۰۰ سال قبل از میلاد می‌رسد. شکل خاص و آرایش موی این دو حاکی از آن است که سازندگان این دو متعلق به فرهنگ والدیویا (Valdivia) بودند. گویا در برخی نقاط جهان، سال‌ها پیش از آن که سفال را برای ساخت ظروف نگهداری غذایی و دیگ و تابه برای پختن غذا به کار ببرند، از آن در مجسمه‌سازی استفاده می‌کردند.



طرح‌های مارپیچ

این سنگ‌ها با حکاکی‌های مارپیچ که در معبد تارشین (Tarxien) در جزیرهٔ مالتا (Malta) پیدا شده است، حدوداً متعلق به ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد است. بسیاری از بناهای سنگی باستانی در اروپا که از ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد باقی مانده‌اند، با اشکال هندسی تزئین شده‌اند.



انسان عصر حجر
در نقاشی‌های
خود از رنگ‌های
سیاه و سفید
و رنگ‌های خاکی
استفاده می‌کرد.



۶. بعد برخی از قسمت‌های بدن حیوان را با قهوه‌ای مایل به سرخ که یادآور رنگ آخرایبی است، سایه روشن کنید.

۵. پس از خشک شدن طرح، رنگ‌های قرمز، زرد و سیاه را با هم مخلوط کنید تا رنگی گرم به دست آید و با آن بدن حیوان را رنگ کنید.

۴. بارزترین ویژگی حیوان مسوره نظر خود را به شکلی اغراق‌شده روی طرح اجرا کنید، شاخ بزرگ منحنی‌شکل این گوزن بسیار جالب توجه است.



تجارت و توزیع

انسان عصر حجر، برخلاف ما، از سکه و اسکناس استفاده نمی کرد. در عوض کالاها را داد و ستد می کرد یا تاخت می زد. مثلاً اگر کسی کاسه لازم داشت، باید چیزی در ازای کاسه به صاحب کاسه می داد - شاید مثلاً ابزاری یا زیورآلاتی. اما در اواخر عصر حجر مردم از صدف یا حلقه های سنگی به جای وجه معامله استفاده می کردند.

حتی تکافتاده ترین شکارچیان - گردآوردندگان غذا نیز با یکدیگر ارتباط و دادوستد داشتند و مثلاً صدف، ابزار یا پوست مبادله می کردند. با این حال، با رواج کشاورزی در شرق نزدیک در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد داد و ستد با مکان های دورتر رایج و تجارت به نظامی سامان یافته تر بدل شد. فعالیت های نوپدید، مثل کشاورزی، سفالگری و بافندگی احتیاج به ابزاری تخصصی داشتند، به همین علت به برخی از سنگ ها که کارکردی مناسب داشتند، ارزشی والا داده می شد. در غرب اروپا با استخراج سنگ چخماق تیغه تبر ساخته شد و این ابزار کارآمد بسیار با اقبال روبه رو شد و تجارت آن در نواحی دوردست رواج یافت. گاهی کالاها هزاران کیلومتر دورتر از محل ساخت شان داد و ستد می شدند.



صدف کاوری

دردوران ماقبل تاریخ، صدف صیقل یافته کاوری (Cowrie) از محبوب ترین تزئینات لباس و جواهرات بود. این صدف ها در کنار اسکلت ها در مقبره هایی پیدا شده اند که فاصله آن ها تا ساحل صدها کیلومتر است. بعدها در آفریقا و بخش هایی از آسیا از صدف کاوری به جای پول استفاده می شد.



با دارایی ها دفن شدن

در این گور دسته جمعی که در حفاری هایی در جزایر سلیمان (Solomon Islands) در اقیانوس آرام پیدا شده است، در کنار مردگان صدف ها و زیورآلاتی نیز دیده می شود. هزاران هزار سال صدف برای بشر حکم پول را داشت - درواقع، خیلی بیش تر و گسترده تر از هر نوع پولی، حتی مسکوکات. قدمت مجموعه ای از صدف ها، که در عراق کشف شده است، به بیش از ۱۸۰۰۰ سال قبل از میلاد برمی گردد.



تبر

یک تبر خوش دست و محکم از دارایی های با ارزش محسوب می شد، به خصوص برای کشاورزان که از آن برای بریدن درختان و مسطح کردن زمین برای کشت و زرع استفاده می کردند. سرتبرهایی که از سنگی خاص ساخته می شدند، در مسافت های دوردست دادوستد می شدند.

تجارت سنگ

در عصر نوسنگی، تجارت سنگ برای استفاده در تبر بسیار فراگیر بود. در ناحیه گِـرگ (Graig) در کلویـد (Clwyd) واقع در ولز، سنگ از زمین‌های شیب‌دار سنگی به دست می‌آمد و در سراسر انگلستان آن روزگار معامله می‌شد. تیغه صیقل‌نیافته تبر در این ناحیه تهیه و بعد به نواحی دیگر کشور منتقل می‌شد. در آن‌جا تیغه‌ها پرداخت، صیقلی و تبدیل به تبر می‌شدند. تبرهای ناتمام و پرداخت‌نشده‌ای در ناحیه گرگ پیدا شده‌اند.



شکارچی خز

یک شکارچی اهل ناحیه کری (Cree) در منطقه قطبی کانادا در حلقه‌ای از پوست سمورهایی که شکار کرده دیده می‌شود. قطعاً خز برای انسان ماقبل تاریخ بسیار باارزش بود، به خصوص برای شکارچیان - گردآورندگانی که ماحصل شکار خود را به کشاورزانی که زندگی متمرکزی داشتند می‌فروختند. در این نوع فروش یا دادوستد، شکارچی در قبال خز و پوست، غذا یا اشیاء با ارزشی مثل کهریا یا ابزار می‌گرفت.

پوست و تخته پوست

پوست روباه‌های سفید قطبی را در هوای سرد آویخته‌اند تا خشک شود. در زمستان، بر بدن روباه قطبی پوست ضخیم سفیدرنگی می‌روید که در سرمای قطب جنوب به خوبی از این حیوان محافظت می‌کند. پوست‌هایی از این دست از دیرباز، به خصوص برای قطب‌نشینان، ارزشمند بوده‌اند. چون هم از آن‌ها پوشاکی تهیه می‌شود که زندگی در قطب را ممکن می‌سازد و هم آن‌ها را دادوستد می‌کنند.



نقل و انتقال روی خشکی و دریا

نخستین وسیله حمل و نقل - البته غیر از پا برای پیاده روی - قایق بود. نخستین انسان‌هایی که احتمالاً ۵۰,۰۰۰ سال قبل از میلاد به استرالیا سفر کردند، باید از قایق‌های چوبی یا بامبویی برای گذر از دریا استفاده کرده باشند. بعدها از کایاک (kayak) (قایقی که از تنه درختی توخالی ساخته می‌شد)، بلم‌هایی که روکش پوست حیوانات (coracle) داشتند و نیز قایق‌های ساخته شده از نی و حصیر استفاده می‌شد. در خشکی برای جابه‌جا کردن بار از سورتمه‌های چوبی ابتدایی (صفحات مثلثی شکل مرکب از تیرک‌های متصل به هم) استفاده می‌کردند. برای انتقال بارهای سنگین تنه درختان را به صورت غلتک مورد استفاده قرار می‌دادند. رام کردن اسب، الاغ و شتر در حدود ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد حمل و نقل زمینی را متحول کرد. نخستین جاده‌ها و گذرگاه‌های اروپا نیز تقریباً در همان دوران ساخته شدند. در حدود ۳۵۰۰ سال قبل از میلاد، اهالی بین‌النهرین، که با فلز سروکار داشتند، چرخ را اختراع کردند. چیزی نگذشت که استفاده از چرخ در اروپای عصر حجر نیز رواج یافت.



سر اسب

این کنده‌کاری سنگی در غاری در فرانسه پیدا شده است. برخی از کارشناسان بر این باورند که بشر از ۱۲,۰۰۰ سال قبل از میلاد اسب رام می‌کرده است. در برخی از کنده‌کاری‌های سنگی، دور گردن اسب‌ها افسار دیده می‌شود، شاید هم این علائم نشانهٔ یال باشد.

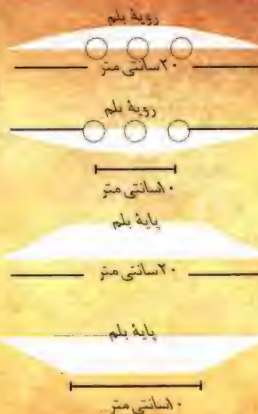


بلم پوستی

مردی را در حال ماهیگیری بر بلمی پوستی می‌بینید که یکی از قدیمی‌ترین مدل‌های قایق است. احتمالاً از حدود ۷۶۰۰ سال قبل از میلاد از این نوع قایق، که برای ساخت آن پوست حیوانی را روی قالبی چوبی می‌کشیدند، استفاده می‌شده است.

درست کردن بلم

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، قلم‌موی چسب، چسب کاغذی، گل سفالگری، چسب دورو، جیر، پرگار، نخ و سوزن.



۱. مقوا را با اندازه‌های نشان داده شده ببرید. یادتان نرود که سه نیم‌دایره روی هر دو سر الگوی رویه بلم ببرید.
۲. قسمت‌های زیر بلم را به هم بچسبانید و رویه‌ها را هم همین‌طور. برای این کار از چسب کاغذی استفاده کنید. رویه و زیر بلم را هم به همین صورت به هم بچسبانید.



قایق پارویی

نمونه‌ای از قایقی قدیمی که با پوست حیوانات روکش شده است. این نوع قایق، که یومیاک (Umiak) نامیده می‌شد، وسیله حمل و نقل اسکیموهای ساکن شمال امریکا بود. کسی که ته قایق نشسته، سکان دار و وظیفه‌اش هدایت قایق است. دیگران پاروزن‌اند. احتمالاً مصریان باستان نخستین کسانی بودند که حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد از قایق استفاده می‌کردند.

کایاک اسکیموها نشان می‌دهد که احتمالاً قایق انسان‌های عصر حجر به چه شکل بود. جداره‌های خارجی قایق را با پوست می‌پوشاندند.



پل سنگی

پل والا بروک (Walla Brook) در دارتمور (Dartmoor) یکی از قدیمی‌ترین پل‌های سنگی بریتانیا است. پل‌ها باعث می‌شدند سفرها آسان‌تر، بی‌خطرتر و کوتاه‌تر شوند. نخستین پل‌ها تنه‌های درختانی بودند که برای گذر از رودخانه روی آب گذاشته می‌شدند، یا سنگ‌های مسطحی که کف جویبارهای کم‌عمق قرار می‌گرفتند.



چارچوب کایاک

این چارچوب چوبی کایاک را یک ماهیگیر اسکیمو ساخته است. در ساخت این چهارچوب هیچ میخی به کار نرفته است. اتصالات با نوارهای چرمی به هم بسته شده‌اند. قایق‌هایی این چنینی هزاران سال است که مورد استفاده قرار می‌گیرند.



۶. لپه‌های جیر روکش قایق را با نخ و سوزن بدوزید. محل نشستن قایقران‌ها را روی قایق تعیین کنید و آن‌ها را بچسبانید.

۵. کل قایق را با جیر بپوشانید. جای دایره‌های محل نشستن را خالی بگذارید. جیر را با چسب محکم روی همه قسمت‌های قایق بکشید.

۴. روی حلقه سفالی و حلقه‌های مقوایی را با چسب دورو بپوشانید. این سه حلقه محل نشستن قایقران‌اند.

۳. سه دایره به اندازه دایره‌های رویه قایق و سه دایره کوچک‌تر برای فضای درونی ترسیم کنید و ببرید. با گل سفالگری حلقه‌هایی به اندازه سوراخ‌ها بسازید.

جنگ و اسلحه

نبرد و کشمکش قطعاً بخشی از زندگی در عصر حجر بود. در اسکلت‌های به جا مانده از دوران ماقبل تاریخ اغلب زخم‌هایی مشاهده می‌شود که در نبرد برداشته شده‌اند. مثلاً در گورستانی در مصر متعلق به ۱۲,۰۰۰ سال قبل از میلاد، اسکلت ۵۸ مرد، زن و کودک پیدا شده است که در بیش‌تر آن‌ها هنوز تیغه سنگی‌ای که باعث مرگ‌شان شده دیده می‌شود. در افریقای جنوبی، حکاکی سنگی نادری پیدا شده است که متعلق به ۸۰۰۰ تا ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است و در آن دو گروه دیده می‌شوند که با تیر و کمان با هم می‌جنگند. هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مردم با هم می‌جنگیدند. پس از سال ۸۰۰۰ قبل از میلاد، با افزایش جمعیت کشاورزی، درگیری بین گروه‌های کشاورز بر سر زمین رواج یافت. دور زمین‌های کشاورزی اولیه را اغلب، برای محافظت، با خاکریز دیوارهای خشتی یا پرچین‌های چوبی بلند حصار می‌کشیدند.



پیکان‌های مرگبار

نخستین پیکان احتمالاً چوبی بود و آن را حرارت می‌دادند تا سخت‌تر شود. اما با سنگ چخماق می‌شد نوک پیکانی به مراتب تیزتر ساخت. این دفرینه در بریتانی (Brittany) فرانسه پیدا شده است. سلاح نوک تیز احتمالاً نشانه تفاوت مرگ و زندگی بود، پس قطعاً ارزش والایی داشت.

سرنیزه امریکایی

شکارچیان-گردآورندگان غذا در شمال آمریکا با این نوع اسلحه سنگی گاو میش شکار می‌کردند. این نوع سلاح، که سرنیزه فالسام (Folsom) نام دارد، بالغ بر ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است.

تیر و کمان

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته و وردنه، ابزار برش، سمیاده، رنگ اکریلیک، قلم‌مو، دو چوب بلند باریک (حدود ۶۰ و ۴۰ سانتی‌متر)، کاتر، چسب دورو، قیچی و بند.



۳. با نوار چسب دورو دور نوک پیکان را به دسته وصل کنید، بند را دور نوار چسب بچسبانید تا شبیه بست چرمی شود.



۲. از بزرگ‌تر خود بخواهید یک سر تکه چوب کوتاه‌تر را با کاتر ببرد. این دسته تیر است.



۱. گل سفالگری را روی تخته پهن کنید و با ابزار برش شکل نوک پیکان را روی آن در آورید. وقتی گل خشک شد، آن را سمیاده بزنید و با رنگ خاکستری رنگش کنید.



مرگ‌های خوشونت‌بار

بسیاری از انسان‌های عصر حجر
قربانی مرگ‌های خوشونت‌بار
می‌شدند. در این تصویر
جمجمه انسان
بخت‌برگشته‌ای را می‌بینید
که احتمالاً در تیردی،
تیری از بینی‌اش وارد
دهانش شده و او را کشته
است.



تیغه‌ها و سرنیزه‌ها

گلچینی از نوک پیکان‌ها و تیغه‌های
چاقویی که در مصر کشف شده‌اند نشان از
مهارتی چشم‌گیر دارند. از تیغه‌های سنگ
چخماق با طول تقریبی ۴۰ سانتی‌متر
سرنیزه می‌ساختند. از تیغه‌های
کوتاه‌تر نیز نيزه دستی، چاقو و تیر
کمان درست می‌کردند. سرنیزه را با چسبی
که از صمغ درختان می‌گرفتند و یا نوارهای چرمی
به دسته نيزه وصل می‌کردند.



شکارچیان یا جنگجویان؟

در این نقاشی روی دیواره‌ای سنگی که حدود ۶۰۰۰ سال قبل از میلاد کشیده
شده است، شکارچیان یا جنگجویانی را می‌بینیم که با تیر و کمان در
فضای باز در حال حمله‌اند. در حدود ۱۳۰۰۰ سال قبل از میلاد،
شکارچیان ماقبل تاریخ دریافته بودند که تیر و کمان بسیار
دقیق‌تر و کاراتر از نيزه است.



شکارچیان - گردآورندگان
غذا در عصر حجر همیشه
کمان سبک‌وزن کوچکی با
خود داشتند که می‌توانستند
با استفاده از آن با سرعت
تیراندازی کنند.



۷. با چسب دورو، یک قطعه بند را به میانه
کمان ببندید تا محل قرار گرفتن تیر روی
کمان باشد.

۶. برای محکم‌کاری، بند را چند بار در
محل اتصال ببجایید. بعد آن را گره بزنید و
قطع کنید.

۵. از بزرگ‌تر خود بخواهید چوب را خم
کند و بعد سر دیگر بند را به سر دیگر چوب
ببندید، با چسب کاغذی دو سر بند را محکم
به چوب ببندید.

۴. از تکه چوب بلندتر کمان بسازید. یک سر
بند را به یک سر کمان محکم ببندید.

مذهب و جادو

در مورد اعتقادات مردم عصر حجر تنها باید به حدس و گمان بسنده کنیم. نخستین گونهٔ انسانی که می‌دانیم اجساد مردگانش را دفن می‌کرد، نئاندرتال بود. این امر نشان می‌دهد که آن‌ها به دنیای ارواح اعتقاد داشتند. احتمالاً انسان‌های نخستین ارواح حیوانات شکارشده و پدیده‌های طبیعی را می‌پرستیدند. برخی از نقاشی‌ها و حکاکی‌های روی صخره‌ها یا دیوارهٔ غارها احتمالاً بار مذهبی یا جادویی دارند. مجسمه‌های کوچکی که به آن‌ها پیکره‌های ونوس می‌گویند، احتمالاً نماد خدای بانوی حاصلخیزی و وفور بودند و پرستیده می‌شدند. انسان ماقبل تاریخ شاید نیروهای



تدفین باستانی

روی جمجمهٔ این اسکلت که در مقبره‌ای در فرانسه به دست آمده است خاک آخایی سرخ‌رنگ پاشیده شده است. شاید از نظر مردم عصر حجر رنگ سرخ نماد خون یا زندگی بود. اجساد را معمولاً به پهلو دفن می‌کردند و زانوهای به سمت چانه خم می‌شد. همراه جسد ابزار، زیورآلات و غذا و اسلحه هم دفن می‌کردند. بعدها انسان عصر حجر مقبره‌های باشکوهی برای مردگان خود ساخت.

شیطانی را عامل بیماری و حادثه

می‌دانست. احتمالاً کسی که به او شمن می‌گفتند باید با ارواح صحبت می‌کرد و چاره‌ای می‌اندیشید.

هم‌زمان با رواج کشاورزی و شکل گرفتن شهرهای کوچک

برای اسکان، مذاهب منسجم‌تری شکل گرفتند.

زیارتگاه‌هایی مزین به تصاویر مذهبی در چاتال

هویوک ترکیه — شهری باستانی و دست‌نخورده

که قدمت آن به ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد

برمی‌گردد — پیدا شده است.



خدای بانوی سفالی

این پیکرهٔ زنانهٔ سفالی در بازار دزیک

(Pazardzik) بلغارستان کشف شده است. بسیاری از جوامع ماقبل تاریخ

تصاویر خدای بانوی زمین یا «مادر بزرگ» را می‌پرستیدند. به باور

آن‌ها، او که مادر جهانیان بود، به درختان، حیوانات و نژاد بشر حیات

می‌بخشید و به این ترتیب آیندهٔ نژاد بشر را تضمین می‌کرد.



شاخ‌هایی آیینی

این شاخ گوزن سرخ در ناحیهٔ استار کار (Star Carr)

در انگلستان پیدا شده است. برخی از کارشناسان

معتقدند که روحانی‌ای که به او شمن می‌گفتند در

آیین‌های بلوغ یا برای طلب شانس در فصل شکار

کلاهی از شاخ گوزن نر بر سر می‌گذاشت.

ترفین

ترفین یعنی سوراخ کردن جمجمه. این کار از ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد در دوران ماقبل تاریخ رواج داشت. با تیغه سنگ چخماق سوراخی بزرگ در جمجمه درست می‌کردند تا بیماری از بدن بیرون برود. جمجمه‌های بسیاری پیدا شده است که در آن‌ها استخوان جمجمه پس از این برش شروع به ترمیم کرده و این نشان می‌دهد که بعضی بیماران تا مدتی بعد از این عمل خونین سخت هم زنده می‌ماندند!



پرستش نیاکان

این جمجمه متعلق به ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد در شهر اریحا (Jericho) در اردن (Jordan) (خاور نزدیک) پیدا شده است. اهالی اریحا پیش از دفن اجساد مردگان خود، جمجمه جسد را درمی‌آوردند. جمجمه را با گچ پر و با رنگ ترمیم می‌کردند تا صورت کمی شبیه شکل اصلی فرد در گذشته باشد. به جای چشم‌ها دو صدف کاوری گذاشته‌اند. برخی از کارشناسان معتقدند که این کار به نوعی پرستش نیاکان بود.

رقص آیینی

در این نقاشی معاصر بومیان استرالیا را در حال رقصیدن می‌بینیم. آیین‌های سنتی بخش مهمی از زندگی بومیان است. شواهدی از حضور آن‌ها در یافته‌های ماقبل تاریخ در استرالیا در دست است. باورهای بومی به گونه‌ای طراحی می‌شوند که بتوانند هماهنگی ظریف بین مردم و محیط را حفظ کنند.



طلسم و معجون

در بسیاری از جوامع شکارچی-گردآورنده غذای امروزی، شمن (طبيب جادوگر) می‌تواند با ارواحی که از دنیای مردگان می‌آیند صحبت کند. در فرهنگ‌هایی مثل فرهنگ بومیان آمازون، شمن برای شفای بیمار معجونی از گیاهان مختلف درست می‌کند. گنه‌گنه، کوکابین و کورار در این مورد کاربرد دارد. انسان عصر حجر هم احتمالاً چنین شیوه‌ای داشت. شواهدی در دست است که نشان می‌دهد انسان عصر نوسنگی، که در شمال غرب اروپا کشاورزی می‌کرد، شاهدانه و خشخاش می‌کاشت و از این گیاهان احتمالاً در جادو و ساخت معجون استفاده می‌شد.



خشخاش

بناهای یادبود چوبی و سنگی

نخستین بناهای یادبود سنگی عظیم در حدود ۴۲۰۰ سال قبل از میلاد در اروپا ساخته شدند. به این بناها مگالیت می‌گویند که در زبان یونانی به معنای سنگ بزرگ است. سازندگان این بناها ساکنان نخستین جوامع کشاورزی ساکن اسکاندیناوی تا مدیترانه بودند. برخی از نخستین مگالیت‌ها تشکیل شده‌اند از چند ستون سنگی عمودی که یک تخته سنگ بزرگ مسطح روی آن‌ها قرار گرفته است. به این ساختار دولمن (Dolmen) می‌گویند. این بناها بقایای مقبره‌های باستانی‌اند که به آن‌ها گورهای طاق‌دار می‌گویند. گاهی نیز از این ساختار برای مشخص کردن حدود و ثغور یک اجتماع استفاده می‌شد. نوع دیگر مقبره، گورهای دالانی است. این گورها جمع‌اند و اجساد زیادی در آن‌ها دفن می‌شدند. بعدها بناهای عظیم‌تری ساخته شد. بناهایی مدور از جنس سنگ و چوب، مثل استون‌هنج در انگلستان، را ساختند. کسی نمی‌داند چرا این بناهای مدور ساخته شده‌اند. شاید معبد بودند، یا محل گردهم‌آیی یا شاید هم تقویمی غول‌پیکر، چون شکل آن‌ها با حرکت ماه و خورشید و ستارگان بی‌ارتباط نیست.



دولمن

تخته‌سنگ‌های ناآراسته‌ای که در تصویر می‌بینید، بقایای مقبره‌ای طاق‌دارند که زمانی با تل عظیمی از خاک پوشانده شده بود. این بنا که دولمن نامیده می‌شود، با این سنگ‌های عظیمش زمانی حفاظ گوری دالانی بود.



دوایر چوبی

شکل بازساخته بنای چوبی مدوری را مشاهده می‌کنید که در حفاری‌هایی در ناحیه سارنی - برن - کالد (Sarn-y-Bryn-Caled) در ویلز پیدا شده است. در حدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد ساخت بناهای چوبی مدور رواج یافت. این مکان‌ها مرکز زندگی مذهبی و اجتماعی بودند.

بنای مدور چوبی

مواد مورد نیاز: مقوا، خط‌کش، پرگار، مداد، قیچی، گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار پرش، چوب‌هایی به قطر ۱ سانتی‌متر و ۵ میلی‌متر، سباده، رنگ آکرلیک، قلم‌مو، علف مصنوعی، چسب چوب، رنگ چوب.



۱. روی مقوا دایره‌ای به قطر ۳۵ سانتی‌متر ببرید. گل سفالگری را روی تخته یا وردنه پهن کنید. مقوا را روی گل بگذارید و گل را به اندازه مقوا ببرید.



۲. با چوبی به قطر یک سانتی‌متر دور محیط دایره جای تیرک‌ها را با فاصله‌های یکسان مشخص کنید. درون دایره اول دایره کوچک‌تری به قطر ۱۰ سانتی‌متر بکشید.



۳. دور محیط دایره کوچک‌تر با ته چوب ۵ جای تیرک با فواصل مساوی درست کنید. بگذارید گل خشک شود. بعد روی آن را سباده بکشید و با رنگ قهوه‌ای رنگش کنید.





سنگ‌های ایستاده

ساخت مقبره‌های مدور سنگی قرن‌ها (در فاصله سال‌های ۲۸۰۰ تا ۱۴۰۰ قبل از میلاد) رواج داشت. نخستین نوع این بنا سازه مدوری بود متشکل از یک گودال و حاشیه. بعدها از قطعات بزرگ سنگ‌های شنی تراش‌خورده استفاده می‌شد. محل قرار گرفتن سنگ‌ها بر اساس طلوع خورشید در روزهای میانی تابستان و غروب خورشید در روزهای میانی زمستان و نیز مکان قرار گرفتن ماه تعیین می‌شد.



معبد سنگی

در تصویر معبد حجر قائم (Hgar Qim) واقع در جزیرهٔ مالتا را می‌بینید. در فاصله سال‌های ۳۶۰۰ تا ۲۵۰۰ قبل از میلاد تعداد زیادی معبد سنگی در مالتا ساخته شد. قدیمی‌ترین بنا از این دست، دیواره‌هایی با حداقل ۶ متر طول و ۳/۵ متر ارتفاع داشت. تأثیرگذارترین این معبد‌ها معبد زیرزمینی یا هایپوجیوم (Hypogeum) است که در سه طبقه در اعماق زمین ساخته شده است.

مقبرهٔ دالانی

این سنگ در ورودی مقبره‌ای دالانی در نیوگرنیج (Newgrange) در ایرلند پیدا شده است. این مقبره توده‌ای دایره‌شکل است که دالانی طولانی به مرکز آن راه دارد و در مرکز آن تنها یک گور دیده می‌شود. روی بسیاری از ستون‌های سنگی دو طرف دالان کنده‌کاری‌هایی به شکل مارپیچ و دایره دیده می‌شود.



در برخی از مقبره‌های مدور، تعداد دایره‌ها تو در تو گاه به پنج دایره هم می‌رسید که طول تیرک‌هایشان از بیرون به درون بیش‌تر می‌شد.



۶. تیرک‌ها را درون جای خود نصب کنید. جای آن‌ها را از روی سوراخ‌ها پیدا کنید. پس از خشک‌شدن، چوب‌های افقی را روی تیرک‌ها بچسبانید تا دایرهٔ چوبی‌تان کامل شود.



۵. تیرک‌ها را به اندازهٔ مساوی ببرید. هفت تیرک باید بلندتر از بقیه باشند. تیرک‌ها را قهوه‌ای کنید و صبر کنید رنگ خشک شود.



۴. پایهٔ مذکور را با علف مصنوعی به صورت نامنظم بپوشانید و علف‌ها را به آن بچسبانید. مراقب باشید جای پایهٔ تیرک‌ها را نپوشانید.



سفری در طول زندگی

انسان عصر حجر در موقعیت‌های خاصی از زندگی مراسمی به پاس داشت آن برپا می‌کرد. تولد، بلوغ، ازدواج و مرگ از جمله این موقعیت‌ها بودند. آیین‌های بلوغ هنگامی برپا می‌شدند که پسر یا دختری وارد دورهٔ بزرگسالی می‌شد و از آن پس نقشی عمده در زندگی طایفهٔ خود به عهده می‌گرفت. طول عمر انسان عصر حجر بسیار کوتاه‌تر از طول عمر انسان معاصر بود. پیران ارج و قرب فراوانی داشتند، چون می‌توانستند دانش و مهارت خود را به دیگران منتقل کنند. اکثر مردم دههٔ سوم عمر را پشت سر می‌گذاشتند، اما عدهٔ بسیار کمی به دههٔ ششم عمر خود می‌رسیدند. تعداد

انگشت‌شماری می‌توانستند در مقابل بیماری‌ها و عفونت‌ها دوام بیاورند و بسیاری از نوزادان هنگام تولد جان می‌سپردند. اما وقتی شکار و غذا فراوان شد، زندگی انسان شکارچی-گردآورندهٔ غذا احتمالاً راحت‌تر از شرایط کشاورزانی بود که کاری سخت و بی‌پایان داشتند.



پیکرهٔ دوگو

این پیکرهٔ سفالی موسوم به پیکرهٔ دوگو (Doggu) که متعلق به دورهٔ جومون (Jomon) است، در فاصلهٔ سال‌های ۲۵۰۰ تا ۱۰۰۰ قبل از میلاد در ژاپن ساخته شده است. از این پیکره‌ها اغلب در آیین‌های تدفین استفاده می‌شد و در برخی مواقع آن‌ها را همراه جسد دفن می‌کردند.



محل تدفین

این گور که در شمال شرقی فرانسه یافت شده است قدمتی بالغ بر ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد دارد، یعنی در روزگاری که کشاورزی در آن سرزمین داشت رواج می‌یافت. کشاورزان ماقبل تاریخ در گورهایی کوچک دفن می‌شدند و اغلب زیورآلات صدفی، تیشه و سنگ آسیاب هم همراه‌شان دفن می‌شد.

گور دالانی

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، پرگار، خط‌کش، فیچر، وردنه، تخته، گل سفالگری، ابزار برش، گل مجسمه‌سازی سفید، چسب چوب، قلم‌موی چسب، قاشق، پارچهٔ سبز رنگ، خاک برگ.



۳. گل سفید را روی تخته پهن کنید و آن را به شکل چهار گوش‌های نه چندان منظم ببرید. برخی از قطعات را به شکل گلولهٔ سنگ درست کنید و بقیه را به شکل ورقه‌های سنگی درآورید.



۲. دایرهٔ کوچک‌تر را روی دایرهٔ بزرگ بگذارید و روی هر دو را با سفال بپوشانید. با ابزار برش جای دالان و مقبره را روی دایرهٔ کوچک‌تر مشخص کنید.



۱. دو دایرهٔ مقوایی به قطر ۲۰ و ۲۵ سانتی‌متر ببرید. سفال را روی تخته یا وردنه صاف کنید و با ابزار برش دایره‌ای به اندازهٔ مقوای بزرگ‌تر روی سفال ببرید.



مقبره خانوادگی

این مقبره که در حدود سال ۳۷۰۰ قبل از میلاد ساخته شده، در وست کنت (West Kennet)، واقع در جنوب انگلستان، پیدا شده است. در این مکان، آیین‌های مربوط به مرگ را برپا می‌داشتند. در دالان‌های سنگی درون تل خاک استخوان‌های حداقل ۴۶ نفر دفن است. جنازه‌ها را مستقیماً درون خاک نمی‌گذاشتند، بلکه صبر می‌کردند تا گوشت بپوسد، بعد استخوان‌ها را جدا می‌کردند و آن‌ها را دفن می‌کردند. برخی از مجموعه‌ها و استخوان‌های بلند را برمی‌داشتند تا شاید در مراسمی در جای دیگر از آن‌ها استفاده کنند. بعد معبر را می‌بستند و در طول هزار سالی که از معبر استفاده می‌شد، آن را (برای تدفین جنازه یا جنازه‌های دیگر) می‌گشودند.



با حفز گودال‌هایی دور
سنگ چین خاک لازم برای
ساختن تل را فراهم
می‌آوردند. در چنین
مقبره‌ای می‌شد
عده زیادی را
دفن کرد.



۷. گلوله‌های سفید کوچک را دور سازه‌تان قرار دهید. اگر از جای‌شان راضی نبودید، آن‌ها را بچسبانید.



۶. یک تکه پارچهٔ سبز رنگ را به اندازهٔ این تل خاک ببرید. آن را داخل چسب غوطه‌ور کنید و بعد به آرامی روی تل بچسبانیدش.



۵. خاک برگ را با قاشق روی سطح مقبره بریزید و آن را به شکل توده‌ای بزرگ درآورید. روی سفال فشار وارد نکنید.



۴. بعد از آن که سفال خشک شد، دیواره و سقف دالان و مقبره را با ورقه‌های سنگی درست کنید. ورقه‌ها را مثل تصویر با دقت به پایه بچسبانید.

روستاهای عصر نوسنگی

وقتی بشر کشاورزی را روش زندگی خود کرد، مجبور شد مدتی طولانی در مکانی ساکن شود. در برخی مناطق، کشاورزان درختان را قطع می‌کردند و می‌سوزاندند تا مزارع خود را برپا دارند، اما به محض این‌که پس از چند بار برداشت محصول خاک توان خود را از دست می‌داد، می‌کوچیدند. در برخی مکان‌ها، خانه‌های کشاورزی آن‌قدر زیاد شد که روستاهایی ۵ تا ۱۰ برابر بزرگ‌تر از روستاهای محل اسکان انسان‌های شکارچی-گردآورنده غذا شکل گرفت. در ابتدا، کشاورزان همچنان حیوانات وحشی را شکار می‌کردند و به دنبال غذا از جایی به جای دیگر می‌رفتند، اما به تدریج گله‌هایشان آن‌قدر زیاد شد که بخش عمده‌ی مایحتاج‌شان را فراهم می‌کرد. آن‌ها در روستاهایی با خانه‌های چهارگوش یا مدور یک طبقه زندگی می‌کردند که از سنگ، الوار یا خشت و کاهگل ساخته می‌شد. خانه‌ها از طریق کوچه‌هایی باریک یا حیاط با هم ارتباط داشتند. اکثر روستاها در زمین‌های پست و حاصلخیز نزدیک منابع آب شکل می‌گرفتند. با آبیاری و آیش محصول، کشاورزان به تدریج توانستند مدتی طولانی‌تر بر سر زمینی باقی بمانند.



درون خانه‌ای دراز

خانه‌های دراز هم محل کار بودند و هم پناهگاهی برای افراد خانواده و حیوانات‌شان. در اطراف اجاق این خانه‌ی بازسازی‌شده سیدهایی یافته‌شده از نی و پوست روی زمین به چشم می‌خورد. جای ابزار کنار دیوارها بود.

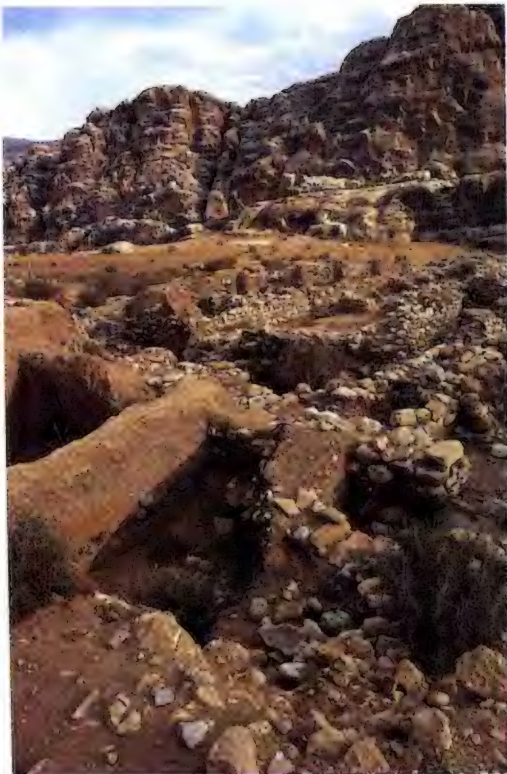
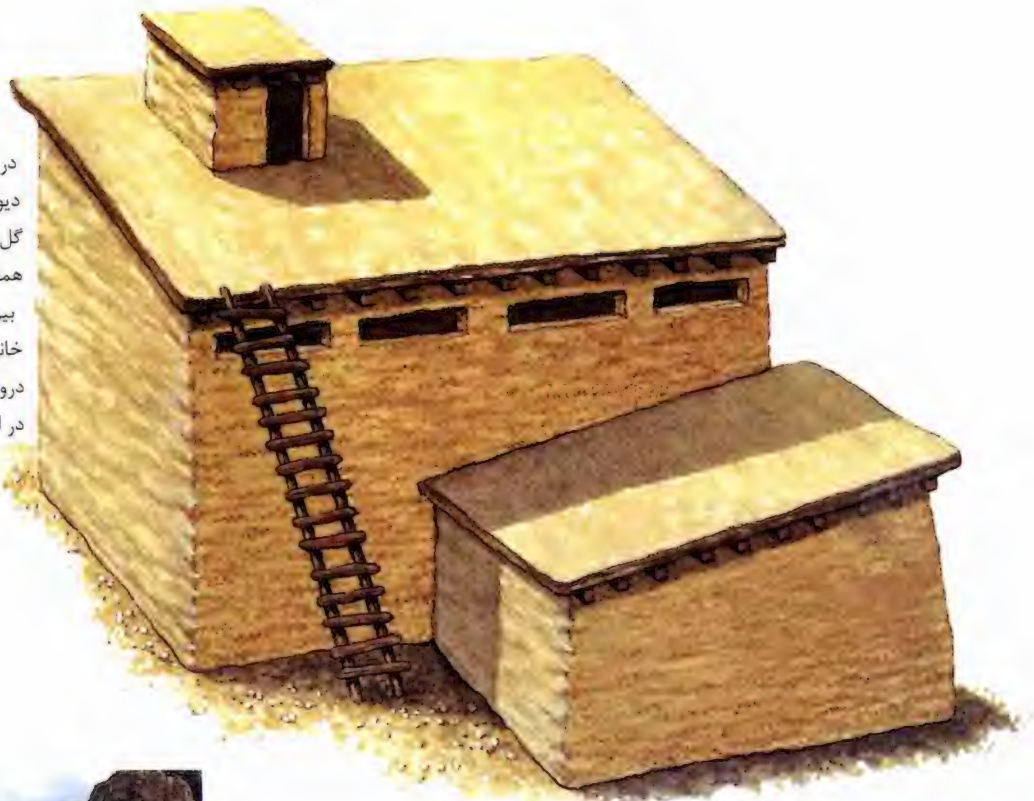
خانه دراز

این خانه‌ای بازسازی‌شده به شکل خانه‌های دراز نخستین روستاهای کشاورزی در اروپاست. زمان ساخت این روستا حدود ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد است.



خانه شهری

در این تصویر، شکل احتمالی خانه‌ای را در چاتال هویوک ترکیه مشاهده می‌کنید. دیوارها خشتی بودند و تیرک‌هایی را با نی و گل می‌پوشاندند و با آن‌ها سقف می‌ساختند. همه خانه‌ها به هم راه داشتند و خیابانی بین‌شان نبود. مردم برای رفت و آمد به خانه روی سقف می‌رفتند و با نردبان به درون خانه می‌رفتند یا از آن خارج می‌شدند. در اتاق اصلی خانه سکویی برای نشستن یا خوابیدن تعبیه می‌شد. در ناحیه چاتال هویوک، بیش از هزار خانه مثل این در کنار هم یافت شده است.



دیوارهای سنگی

این‌ها بقایای دیوارهای خانه‌ای در نخستین روستاهای کشاورزی در اردن است. این خانه حدود ۷۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. دیوارها را از سنگ‌هایی ساخته‌اند که از نواحی مجاور جمع می‌شد. نخستین شهرها و روستاهای کشاورزی در خاور نزدیک شکل گرفتند. در ساخت و ساز اغلب خانه‌ها از خشت استفاده می‌شد. در طول صدها سال این خانه‌ها بارها و بارها در همان مکان بازسازی می‌شدند.



اجاق

در بسیاری از خانه‌ها از اجاق یا کوره برای پختن نان و حرارت دادن سفال استفاده می‌شد. حرارت کوره به مراتب بیش‌تر از اجاق روباز بود و به این ترتیب، ظروف سفالی مرغوب‌تری هم در آن به عمل می‌آمد. احتمالاً در هر روستایی ظروف سفالی خاصی ساخته می‌شد.

پایان یک عصر

رواج شهر و روستا نقطه پایانی بود بر دوران عصر حجر. احتمالاً نخستین شهر، اریحا در خاور نزدیک بود. در حدود ۸۰۰۰ سال قبل از میلاد، روستایی کشاورزی در آنجا، که محل اسکان اولیه بشر بود، شکل گرفت. تا حدود ۷۸۰۰ سال قبل از میلاد، حدود ۲۷۰۰ نفر در اریحا زندگی می‌کردند. چاتال هویوک در ترکیه شهر بسیار بزرگ‌تری بود که ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شد و حدود ۵۰۰۰ نفر سکنه داشت. ساکنان چنین شهرهایی فقط کشاورز نبودند و صنعتگر و بازرگان و روحانی هم در میان‌شان دیده می‌شد. با رواج صنعت فلز، تولید ابزارهای بهتر امکان تولید غذای بیش‌تر را برای مردم به وجود آورد. گسترش و پیشرفت کشاورزی منجر به پیدایش نخستین تمدن‌ها شد که نیروهای کاری و ارتشی سازمان‌یافته‌تر داشتند و شاهان و روحانیان بر آن‌ها حکم می‌راندند. این تمدن‌ها در نواحی حاصلخیز عراق، مصر، هندوستان و چین شکل گرفتند و بدین ترتیب، پایان عصر حجر رقم خورد.

اریحا

در حدود ۸۰۰۰ سال پیش از میلاد، کشاورزان در اریحا، واقع در خاور نزدیک، برای خود خانه‌ای ساختند. دور خانه گودالی کنده بودند و دیوارهای سنگی عظیم هم محافظ خانه بودند. برج مدور بزرگی در دل دیوارها ساخته می‌شد که بقایای آن را در تصویر می‌بینید. اهالی اریحا با شکارچیان-گردآورندگان غذای ساکن صحرا داد و ستد داشتند.



پیکره باریک

این پیکره باریک زنانه در حدود ۲۰۰۰ سال قبل از میلاد در جزایر سیکلادی یونان ساخته شد. پیکره نحیف او با پیکره‌های قره مؤنث اولیه تفاوت‌هایی دارد. احتمالاً این مجسمه را به نشانه تداوم سنت ساخت پیکره‌های نماد باروری، یا خدای بانوی مادری، در جوامع جدید شهرمحور ساخته‌اند.



ساختن مجسمه‌ای کوچک

مواد مورد نیاز: تخته، گل سفالگری، ابزار برش، چوب چوب (همراه آب تا براق شود)، قلم‌مو، استکان شیشه‌ای.



۳. دست‌ها را به بدن بچسبانید. محل اتصال را بپوشانید، با نوک ابزار برش محل شانه را روی تخته مشخص کنید.



۲. به اندازه دو دست مجسمه از لوله ببرید. از بقیه لوله پاها را درست کنید.



۱. نخست برای درست کردن بدن مجسمه تکه‌ای گل سفالگری را به صورت قالبی نسبتاً پهن و هرمی‌شکل درآورید. بعد برای درست کردن دست و پا یک لوله کلفت به شکل سوسیس درست کنید.



سفالینه ظریف

این گلدان سفالی زیبا در حدود سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در عصر جومون در ژاپن ساخته شده است. ژاپنی‌ها از ۱۰,۵۰۰ سال قبل از میلاد سفالگری می‌کردند و فرهنگ جومون ژاپن تا حدود ۳۰۰ سال قبل از میلاد زنده بود. خاک رس از دیرباز از مواد اولیه ساخت سرامیک بوده است.



یکی از مجسمه‌های سفالی ماقبل تاریخ را که شبیه به این است «متفکر» نام داده‌اند. این مجسمه حدود ۵۲۰۰ سال قبل از میلاد در رومانی ساخته شده است.

سارگن اکدی

این اثر حکاکی سومری متعلق به ۲۳۰۰ سال پیش از میلاد، سر سارگن پادشاه اکد (Sargon of Akkad) است. سومر نخستین تمدن دنیا بود. این تمدن در حدود ۳۲۰۰ سال پیش از میلاد در جنوب بین‌النهرین (عراق کنونی) شکل گرفت. سومری‌ها تاجران بزرگی بودند.



وزن و واحد وزن

هم‌زمان با رواج تجارت، بشر به سیستم وزن و واحد وزن مناسبی احتیاج پیدا کرد. این ترازو و وزنه‌ها در شهر موهنجو-دارو (Mohenjo-Daro) مرکز تمدن هاراپان (Harappan) در پاکستان پیدا شده‌اند.



۷. صبر کنید تا گل خشک شود. بعد به آرامی استکان را بردارید. روی مجسمه روغن جلا بزنید و تا خشک نشده تکانش ندهید.



۶. دست‌ها را به گونه‌ای خم کنید که آرنج‌ها روی زانو‌ها باشد و دست‌ها سر را نگه دارند.



۵. تنه مجسمه را به استکانی تکیه دهید. انتهای پاها را مانند تصویر خم کنید و به پاها شکل بدهید و آن را به تنه وصل کنید.



۴. یک تکه سفال را به صورت گردن و یک گلوله سفال را به شکل سر درآورید. اجزای صورت را درست کنید. سر و گردن را به بدنه وصل کنید.

عصر حجر امروزی

رواج فلز و کشاورزی روش زندگی مردم را عوض کرد، اما این کار به کندی صورت پذیرفت. زندگی به شیوه عصر حجر همچنان در بخش عمده‌ای از جهان ادامه داشت. در بسیاری مناطق، بشر به رغم آشنایی با فوت و فن کشاورزی همچنان شکارچی-گردآورنده غذا باقی ماند. افزون بر این، بخش‌های عمده‌ای از دنیا تا همین اواخر از هم بی‌خبر و جدا بودند. انسان عصر حجر بدون استفاده از فلز هم جامعه‌ای پیچیده و پیشرفته داشت. شگفت آن‌که حدود هزار سال قبل از میلاد، اهالی آسیای جنوب شرقی با عبور از ۶۰۰ کیلومتر اقیانوس خود را به جزایر اقیانوس آرام رساندند و در بسیاری از آن‌ها ساکن شدند. و این بسیار فراتر از حد و اندازه جرئت بشر بود که بی‌آن‌که اثری از خشکی بینند رهسپار سفر دریایی طولانی شود. جوامع عصر حجر تا امروز به همان شکل باقی مانده‌اند. اسکیموهای قطب‌نشین، بومیان استرالیا و شکارچی-گردآورندگان غذای قبیله سان (San) در افریقای جنوبی هنوز هم به شیوه‌ای زندگی می‌کنند که هزاران سال قدمت دارد.



اهالی قبیله پاپوآ در گینه نو

این مردان در حال اجرای یکی از رقص‌های آیینی در قبیله پاپوآ در گینه نوآند. نواحی مرتفع در پاپوآ موانعی طبیعی بین گروه‌های مختلف مردم به وجود آورده‌اند. این امر موجب حفظ فرهنگ و زبان‌های بسیار متنوعی شده است. بسیاری از ساکنان روستاهای کوچک این ناحیه محصولات کشاورزی خود را مصرف می‌کنند و به شکار حیوانات در دل جنگل‌های انبوه می‌پردازند.

ساکنان قطب

این تصویر مردی از ناحیه ننت (Nenet) در سبیری روسیه را نشان می‌دهد. شیوه سنتی زندگی ساکنان ننت بسیار شبیه راه و رسم زندگی اسکیموهای شمال امریکاست. امروزه اکثر آن‌ها در آبادی‌ها یا شهرهای کوچک زندگی می‌کنند، اما به فرهنگ خود می‌بالند. آن‌ها زبان، هنر و آوازهای خود را همچنان حفظ کرده‌اند و شکار را اصلی‌ترین رکن زندگی خود می‌دانند.



بومیان استرالیا

امروزه در استرالیا، دویست سال بعد از آمدن اروپاییان به این ناحیه، برخی از بومیان می‌کوشند روش‌های سنتی زندگی خود را همچنان حفظ کنند. هزاران سال قبل، نیاکان این مردم احتمالاً به خوبی می‌دانستند که چگونه می‌توان کشت و زرع کرد و مثلاً سیب‌زمینی کاشت، اما تصمیم گرفتند همچنان شکارچی باقی بمانند و غذا جمع کنند. به اقتضای محیط زندگی‌شان، آن‌قدر شکار و گیاهان خوراکی در اختیار داشتند که کشاورزی برای‌شان غیرضروری و دشوار جلوه می‌کرد.



اعجاز در سنگ‌ها

سرهای سنگی غول‌پیکری که حدود ۱۲ متر طول دارند حدود سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۶۰۰ میلادی، در جزیرهٔ ایستر (Easter) از سنگ‌های آتشفشانی ساخته شده‌اند. جزیرهٔ ایستر یکی از دورافتاده‌ترین جزایر اقیانوس آرام است.

بنای سنگی

بخشی از تصویری متعلق به سدهٔ پانزدهم میلادی را مشاهده می‌کنید که در آن عده‌ای در حال تکمیل بنای سنگی عظیمی‌اند. کثرت نیروی کار و رواج ابزار فلزی به تدریج باعث شد سنگ در حکم مصالح ساختمانی نقشی تازه پیدا کند. به راحتی می‌شد سنگ را برید، شکل داد و تعداد زیادی از آن را حمل کرد. در سراسر جهان بناهای سنگی تأثیرگذاری احداث شدند که برخی از آن‌ها در گذر هزاران سال همچنان پابرجا مانده‌اند.



واژه‌نامه

الف

آئوستراالوپیتکوس (میمون جنوبی): نخستین گونه میمون‌نمای انسان که روی دو پا راه می‌رفت.
آزمایش رادیوکربن: روشی دقیق برای تعیین قدمت اشیاء.
اسکنه حکاکی: ابزاری قلم‌مانند، ساخته شده از سنگ چخماق.
آخرا: خاکی به رنگ زرد یا سرخ که برای نقاشی از آن رنگ‌دانه می‌گیرند.
انقراض: محو یا نابودی کامل یک گونه گیاهی یا حیوانی.

ب

بادیه‌نشین: عضوی از یک گروه که مدام از جایی به جایی دیگر در حال حرکت است.
باستان‌شناسی: مطالعه علمی روزگار گذشته با بررسی چیزهایی مثل ابزار به‌جامانده از انسان‌ها.
بلم گرد: قایق کوچک گردی که از حصیر و نی درست می‌شود و رویش پوششی ضد آب می‌کشند.
بلم یک‌تکه: قایقی از تنه درخت توخالی.
بیشه‌زار: جنگلی حفاظت‌شده که درختانش را هرس می‌کنند تا باروبر تازه بهتری بدهد.



بلم یک‌تکه

بین‌النهرین: ناحیه حاصلخیز بین دو رود دجله (Tigris) و فرات (Euphrate) که در آن نخستین شهرها شکل گرفت.

پ

پالانولیتیک (عصر کهن سنگی): دوره‌ای از تاریخ که حدود دو میلیون سال قبل با ساخت نخستین ابزار سنگی آغاز شد.
پل خشکی (خاکی): نواری خاکی که دو ناحیه خشکی را به هم متصل می‌کند. این نوار اغلب پس از پایین آمدن سطح آب دریا پدیدار می‌شود.

پوشال: خار و خاشاک ریز

خشکی که به آسانی مشتعل می‌شود.

پیکره ونوس: پیکره کوچک

زنانه که معمولاً کفل، پستان و سر بزرگی دارد و شکمش کاملاً برجسته است. این مجسمه‌ها را نماد حاصلخیزی و باروری می‌دانستند و می‌پرستیدند یا به منزله طلسم خوش‌بختی آن را همراه خود نگه می‌داشتند.

پیکره ونوس

ت

تبر دستی: ابزاری سنگین و مناسب برای گرفتن در دست.

ترفین: سوراخ کردن جمجمه؛ در روزگار ماقبل تاریخ برای خارج کردن بیماری از بدن چنین می‌کردند.

تکامل: تغییراتی که گونه‌ای حیوانی یا گیاهی طی میلیون‌ها سال طی می‌کند تا پیچیده‌تر شود.

توندر: ناحیه‌ای عاری از درخت که خاک آن در لایه‌های زیر سطح زمین مدام یخ می‌زند. در این نواحی تابستان کوتاه است و زمستان سخت و طولانی.

تپی: چادر مخروطی سرخ‌پوستان شمال آمریکا.

تیشه: ابزاری برای بریدن چوب، تیغه این ابزار با زاویه‌ای قائم به دسته وصل می‌شود.

چ

چوب‌خط: تکه چوب یا

استخوانی که با ایجاد خراش روی آن حساب چیزی را نگه می‌داشتند.

چوب‌خط

خ

خاکریز، پشته: تلی از خاک که همچون دیواری محافظ دور اقامتگاه انسان نخستین ساخته می‌شد.

خاور نزدیک: ناحیه‌ای شامل کشورهای شرق مدیترانه.

خدای بانوی حاصلخیزی: خدای بانویی که مردم اعتقاد داشتند به همه گیاهان، حیوانات و آدمیان حیات می‌بخشد.

خط میخی: نخستین سیستم نوشتاری که سومریان بین‌النهرین مخترع آن بودند.

د

داس: ابزاری با تیغه‌ای منحنی‌شکل که برای دروی محصول از آن استفاده می‌شد.

درفش: ابزاری کوچک و نوک‌تیز که برای سوراخ کردن پوست از آن استفاده می‌شد.

دستاس: آسیاب دستی برای آرد کردن غلات.

دسته تبر: بخشی که به تیغه تبر وصل می‌شود.

دولمن: بقایای مقبره‌هایی به شکل چند ستون سنگی که تخته‌سنگ بزرگ مسطحی روی آن قرار می‌گرفت.

ر

رگ‌وپسی: تاندون متصل‌کننده ماهیچه حیوان به استخوان؛ انسان ماقبل تاریخ از آن برای دوخت و دوز استفاده می‌کرد.

ز

زوبین: سلاح نوک‌تیز نیزه‌مانندی که سرش جداشدنی است و به ریسمانی وصل می‌شود.

س

سنگ چخماق: سنگی سخت که به راحتی ورقه‌ورقه می‌شود و از لبه‌های تیز آن می‌توان ابزار و اسلحه ساخت.

سورتمه: وسیله‌ای چوبی برای حمل بار متشکل از تیرک‌هایی که کنار هم بسته می‌شدند و کسی آن را می‌کشید یا به پشت سگ یا اسبی بسته می‌شد.

ش

شکارچی-گردآورنده: انسانی که زندگی‌اش از راه شکار حیوانات و جمع کردن گیاهان خوراکی می‌گذرد.

شمن: حکیم قبیله (مذکر یا مؤنث) که می‌تواند بیماری‌ها را شفا دهد و با ارواح ارتباط برقرار کند.



ط

طایفه: گروهی از مردم که دارای خویشاوندی سببی یا نسبی اند.

ع

عصر یخی: دوره‌ای در تاریخ زمین که در آن بخش عمده دنیا پوشیده از یخ بود. به آن عصر یخبندان نیز می‌گویند. دوره‌های گرم‌تر بین دو عصر یخی را عصر فترت یخی می‌نامند.

ق

قبیله: گروهی از مردم با زبان و سیره زندگی مشترک.

ک

کتان: گیاهی با ریشه‌های رشته‌رشته که از آن پارچه کتان درست می‌کنند.

کردگن پشمالو: گونه‌ای پستاندار منقرض شده متعلق به ماقبل تاریخ.

کرم حشره: لاروید که خوراک بومیان استرالیاست.

کروماگنون: نخستین گونه جدید انسانی ساکن اروپا.

گ

گور دالانی: گوری جمعی ساخته‌شده از پشته‌ای خاک؛ در این نوع گور، دالانی طولانی از ورودی به مقبره داخلی منتهی می‌شود.

گونه: گروهی از حیوانات (یا گیاهان) با خصوصیتی مشابه که زاد و ولد می‌کنند.

م

ماموت: پستاندار منقرض‌شده‌ای شبیه به فیل.



ماموت

ماقبل تاریخ: متعلق به دوران پیش از اختراع خط.

ی

یومیاک: قایقی پارویی که از استخوان نهنگ ساخته و با پوست شیرماهی روکش می‌شد و با روغن به‌دست‌آمده از پوست خوک آبی آن را ضدآب می‌کردند. این قایق یک بادبان داشت و اسکیموهای شکارچی نهنگ از آن استفاده می‌کردند.



مته کمائی

مبادله: دادن و گرفتن کالا.

مته کمائی: ابزاری برای سوراخ کردن استخوان و صدف و نیز وسیله‌ای برای تولید گرما به منظور درست کردن آتش.

مزولیتیک (عصر میان‌سنگی): دوره‌ای در تاریخ بشر که حدود ۱۲,۰۰۰ سال قبل آغاز شد و با رواج کشاورزی پایان یافت.

مگالیت: بنای یادبود عظیم سنگی.

ن

نئاندرتال: گروهی از گونه هومو ساپینس (انسان هوشمند). این‌ها نخستین انسان‌هایی بودند که اجساد مردگان خود را دفن می‌کردند.

نئولیتیک (عصر نوسنگی): دوره‌ای از تاریخ بشر که حدود ۱۰,۰۰۰ سال قبل آغاز شد و تا رواج ابزار فلزی ادامه داشت.

نماد: علامتی در نقاشی یا روی سنگ که معنای خاصی دارد.

نیاکان: عضوی از خانواده که سال‌ها پیش در گذشته است.

نیزه‌انداز: ابزاری که مثل حرکت کششی دست عمل می‌کرد تا شتاب بیش‌تری به نیزه دهد.

ه

هنج: بنایی مدور که از چوب یا سنگ ساخته می‌شد.

هومو ارکتوس (انسان راست‌قامت): نخستین گونه انسانی که از آتش و سرپناه برای زندگی در آب و هوای سرد استفاده کرد.

هومو ساپینس (انسان هوشمند): گونه‌ای که همه انسان‌های معاصر و نئاندرتال‌ها به آن تعلق دارند.

هومو هابیلیس (انسان ابزارساز): نخستین گونه انسانی که ابزار ساخت.

هومینید: انسان و نخستین پیشینیانش.

مصر باستان



فیلیپ استیل

مشاور:
فلیسیتی کابینگ



به جهان فراعنه پا بگذارید و سرزمین حاصلخیز کنار رود نیل را کشف کنید. تمدن مصر باستان یکی از موفق‌ترین تمدن‌های تاریخ بشر بوده است. این تمدن بیش از ۳۰۰۰ سال برپا بود.

به کنکاش دربارهٔ فرهنگ و چهارچوب‌های اعتقادی مصریان باستان بپردازید. ببینید که اهرام عظیم سنگی چگونه با تعداد کمی ابزار ساده به دست هزاران کارگر غیرمتخصص ساخته شدند. دریابید که مصریان باستان در آن هوای داغ کشنده چگونه خود را خنک می‌کردند. به دنیای شگفت‌انگیز دفینه‌های طلا، فرعون‌های مومیایی شده، آیین‌های عجیب خاکسپاری و دزدان باهوش مقبره‌ها پا بگذارید.



امپراتوری نیل

مصر سرزمینی است در تقاطع آفریقا، اروپا و آسیا. اگر بتوانید به ۵۰۰۰ سال قبل برگردید، تمدنی شگفت‌انگیز را کشف خواهید کرد، امپراتوری مصر باستان.

قسمت عمده خاک مصر صحرای داغ و تفتیده شنی است. رود نیل (Nile)، همچون ماری در دل این صحرا، به سوی شمال می‌رود و به دریای مدیترانه می‌ریزد. هر سال، سیلاب‌ها حاشیه نیل را گل‌آلود

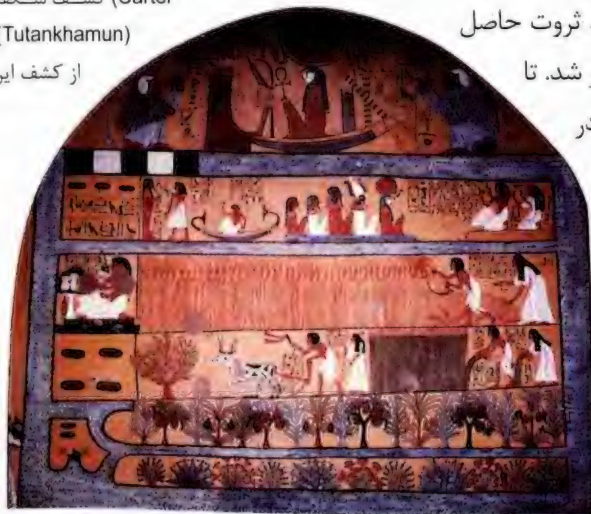


چشم هوروس

این نماد، که روی اکثر آثار هنری مصری می‌توان دید، چشم خدایی است به نام هوروس (Horus).

کشفیات اعجاب‌انگیز

در سال ۱۹۲۲، باستان‌شناسی انگلیسی به نام هوارد کارتر (Howard Carter) کشف شگفت‌انگیزی کرد: مقبره فرعون جوان، توتان‌خامون (Tutankhamun). هیچ یک از کشفیات مصر باستان سودمندتر از کشف این گور دست‌نخورده نبوده است.



زندگی در جوار نیل

نقاشی‌های مقبره‌ها نشان‌دهنده نحوه زندگی مصریان باستان است. در این تصویر، مردم را در حال آبیاری محصول خود با آب رود نیل می‌بینید.

می‌سازند. در این خاک حاصلخیز، گیاه به خوبی رشد می‌کند. ۸۰۰۰ سال پیش در این ناحیه کشاورزان کشت و زرع می‌کردند. ثروت حاصل از کشاورزی به دادوستد و شهرسازی منجر شد. تا سال ۳۱۰۰ قبل از میلاد، امپراتوری بزرگی در مصر شکل گرفت که خاندان‌های سلطنتی بر آن حکم می‌راندند.

مصر باستان ۳۰۰۰ سال پا برجا بود، یعنی حتی بیش‌تر از امپراتوری روم. اهرام، معابد و آثار هنری به جا مانده از آن دوران نشان‌دهنده شیوه زندگی مردم سرزمین فراغه است.



قایق یادبانی



گوسفند

سیر زمانی ۶۰۰۰ ق.م. تا ۲۰۰۰ ق.م.

امپراتوری مصر باستان بیش از ۳۰۰۰ سال برپا بود. موفق‌ترین دوره‌های تاریخ معاصر عبارت‌اند از: امپراتوری کهن، امپراتوری میانه، و امپراتوری جدید.

گندم

حدود سال ۶۰۰۰ قبل از میلاد، انسان‌های نخستین در زمین‌های حاصلخیز دره نیل سکنا می‌گزینند. آن‌ها گندم و جو می‌کارند.

حدود سال‌های ۵۰۲۰ تا ۴۵۰۰ سال قبل از میلاد صنعتگران با خاک رس مجسمه‌های ظریف و ظروف سفالی می‌سازند و با عاج فیل وسایل تزئینی درست می‌کنند.

حدود سال ۴۸۰۰ سال قبل از میلاد کشاورزان از گوسفند، گاو و سایر حیوانات نگهداری می‌کنند.

حدود سال ۴۰۰۰ قبل از میلاد نخستین یادبان بر کشتی‌ای مصری نصب می‌شود.

۴۰۰۰ ق.م.

۴۵۰۰ ق.م.

۵۰۰۰ ق.م.

۵۵۰۰ ق.م.

۶۰۰۰ ق.م.



بازماندگان صحرا

فرعون بزرگ رامسس دوم (Ramesses II) به ما خیره شده است. پیکره عظیم رامسس بخشی از معبدی است که در دل صخره‌ها در ابوسمبل (Abu Simbel) در سال ۱۲۶۹ قبل از میلاد ساخته شد. در دهه شصت قرن بیستم، این مجسمه‌ها روی پایه‌ای بلند قرار داده شدند تا سد جدید آسوان (Aswan) در این ناحیه از نیل دریاچه‌ای بسازد. این نوع معابد، مقبره‌ها و مجسمه‌های واقع در ابوسمبل هزاران سال است که در دل صحرای سوزان پابرجايند. اخیراً بسیاری از این بناها، به دلیل آلودگی هوا در اطراف شهرهای مدرنی چون لوخور (Luxor)، رو به تخریب نهاده‌اند.



امپراتوری مصر

در این نقشه، شهرها و مراکز مهم مصر باستان مشخص شده است. مصریان باستان اغلب در حاشیه رود نیل و زمین‌های حاصلخیز و سرسبز دلتای نیل ساکن بودند. طی قرن‌ها، مصریان معابد باشکوه متعددی برای بزرگداشت خدایان خود و مقبره‌های اسرارآمیزی برای مردگان خود می‌ساختند. اکثر این معابد و مقبره‌ها نزدیک دو شهر عمده مصر، ممفیس (Memphis) و تبس (Thebes)، ساخته می‌شدند.



ابوالهول

۲۵۰۰ قبل از میلاد خفرع (Khafra)، پسر خوفو، می‌میرد. در دوران پادشاهی وی، ابوالهول در جیزه ساخته می‌شود.

۲۱۸۱ قبل از میلاد امپراتوری کهن رو به افول می‌نهد. دوره امپراتوری میانه آغاز می‌شود. پادشاهان کوچک به قدرت می‌رسند.

۲۶۸۶ قبل از میلاد، دوره امپراتوری کهن. ۲۶۶۷ قبل از میلاد، نثرخت (Zoser) فرعون می‌شود.

۲۶۵۰ قبل از میلاد، اهرام پله‌ای در سقاره (Saqqara) ساخته می‌شوند.

اهرام پله‌ای

۲۶۰۰ قبل از میلاد، اهرام در میدوم (Maidum) ساخته می‌شود.

۲۵۸۹ قبل از میلاد خوفو (خنوس، Khufu) فرعون می‌شود. او بعدها اهرام بزرگ را در جیزه (غزه) می‌سازد.

حدود سال ۳۴۰۰ قبل از میلاد، شهرهای محصور یا دیوار در مصر ساخته می‌شوند.

۳۱۰۰ قبل از میلاد نخستین خاندان بزرگ سلطنتی بر مصر حاکم و دوره حکومت موروثی آغاز می‌شود.

نارمر شاه (King Narmer) مصر را متحد می‌کند و در ممفیس پایتخت خود را بنا می‌نهد. مصریان خط هیروگلیف را به کار می‌برند.

حدود سال ۴۰۰۰ تا ۳۵۰۰ قبل از میلاد، معابدی با نی و حصیر ساخته می‌شوند.

نخستین ساختمان‌های خشتی ساخته می‌شوند.

استادکاران نخستین نقاشی‌های دیواری را می‌کشند و مجسمه‌های سنگی می‌سازند.



یکی از بیش از ۷۵۰ نماد هیروگلیف در نظام نوشتاری مصر

۲۰۰۰ ق.م.

۲۵۰۰ ق.م.

۳۰۰۰ ق.م.

۳۵۰۰ ق.م.

۴۰۰۰ ق.م.

تمدنی بزرگ

قصه مصر باستان از حدود ۸۰۰۰ سال قبل آغاز شد، یعنی از زمانی که کشاورزان در حاشیه نیل شروع کردند به کشت و زرع و دامداری. حدود ۳۴۰۰ سال قبل از میلاد، مصریان شهرهایی محصور با دیوار می‌ساختند. اندکی بعد، شمال مصر (مصر سفلی) با سرزمین‌های بالای نیل (مصر علیا) متحد شد و کشوری تحت یک امپراتوری واحد شکل گرفت. پایتخت این امپراتوری جدید ممفیس بود. نخستین دوره تمدن مصر امپراتوری کهن نام دارد که از سال ۲۶۸۶ قبل از میلاد تا ۲۱۸۱ قبل از میلاد طول کشید. در این دوران، فراغه اهرام را ساختند. اهرام مقبره‌هایی عظیم به شکل هرم‌اند که هنوز هم در صحرای مصر پابرجا مانده‌اند.

در دوره امپراتوری میانی (۱۷۸۶ - ۲۰۵۰ ق.م.)، پایتخت از ممفیس به شهری جنوبی در مصر به نام تبس منتقل شد. مصریان نوبه (Nubia) را تحت سلطه گرفتند و نواحی کشاورزی خود را گسترش دادند. این دوره، دوره موفقیت‌باری برای حکمرانان بود، با این حال، گاهی بی‌نظمی‌هایی رخ می‌داد که در حکمرانی خاندان‌های سلطنتی خلل ایجاد می‌کرد. در سال ۱۶۶۳ قبل از میلاد، کنترل کشور به دست نیروهای خارجی افتاد. هیکسوس‌ها (Hyksos) که از ساکنان آسیا بودند، حدود صد سال کنترل مصر را در دست گرفتند.

در ۱۵۶۷ قبل از میلاد، هیکسوس‌ها به دست شاهزادگان تبس از تخت به زیر کشیده شدند. پس از آن، اهالی تبس امپراتوری جدیدی تأسیس کردند. این برجسته‌ترین نقطه تاریخ تمدن مصر است. بازرگانان و سربازان به افریقا، آسیا و سرزمین‌های مجاور مدیترانه سفر می‌کردند. با این حال، در سال ۵۲۵ قبل از میلاد، قدرت و شکوه مصریان رو به افول گذاشت و مصر بخشی از امپراتوری ایران شد. در سال ۳۳۲ قبل از میلاد، حکمرانی مصر به یونانیان رسید. سرانجام در سال ۳۰ قبل از میلاد فتح مصر با غلبه رومیان بر سرزمین فراغه کامل شد.



سیر زمانی ۲۰۰۰ ق.م. تا ۱۲۰۰ ق.م.

۲۰۵۰ قبل از میلاد امپراتوری میانی - سلسله‌ای از شاهزادگان مصر علیا - بر این سرزمین حکم می‌راند. پایتخت به تبس منتقل می‌شود.

حدود ۲۰۰۰ قبل از میلاد اسب به مصر راه می‌یابد.



از حکاکانی‌های مصر باستان با نقش اسب

حدود ۱۹۰۰ قبل از میلاد، نخستین ستون هرمی (obelisk) ساخته می‌شود. حدود ۱۹۰۰ تا حدود ۱۸۰۰ قبل از میلاد، دوره ساخت اهرام کوچک‌تر آغاز می‌شود.



ستون هرمی

مصریان نوبه را فتح می‌کنند و بسیاری از اهالی آن را به اسارت می‌گیرند. مصریان یا ساکنان سوریه و فلسطین داد و ستد می‌کنند.

۱۷۸۶ قبل از میلاد، پایان امپراتوری میانی. آغاز دومین دوره میانی.



هیکسوس

۱۷۰۰ - ۱۸۰۰ قبل از میلاد، اهرام خشتی در مصر میانی و دهشور (Dahshur) ساخته می‌شوند.

در مصر میانی مقبره‌هایی در دل سنگ و صخره ساخته می‌شود.

۱۶۶۳ قبل از میلاد، هیکسوس‌ها، ساکنان آسیا، در مصر به قدرت می‌رسند. آن‌ها از مقر خود در آواریس (Avaris) در شرق دلتای نیل بر مصر حکم می‌راند.

۱۶۰۰ ق.م.

۱۷۰۰ ق.م.

۱۸۰۰ ق.م.

۱۹۰۰ ق.م.

۲۰۰۰ ق.م.



نقشه خاور نزدیک

در ۱۲۷۹ ق.م. در روزگار اوج امپراتوری جدید، مصر نیرویی عمده در خاور نزدیک محسوب می‌شد. مصر کشوری موفق و غنی بود و با تمدن‌های اطراف از قبیل تمدن کرت مینوسی (Minoan Crete)، سوریه، شرق مدیترانه و نوبه داد و ستد داشت. با این حال، دشمنانی خارجی مثل حیتی‌ها این سرزمین را تهدید می‌کردند.



نوبه

آخناتن (Akhenaten)			
<p>۱۲۹۱ قبل از میلاد ستی اول (Seti I) به قدرت می‌رسد. او تالار هیپوستایل (Hypostyle) را در کرنک (Karnak) بنا می‌نهد.</p> <p>۱۲۷۹ قبل از میلاد، رامسس دوم فرعون مصر می‌شود.</p> <p>۱۲۷۴ قبل از میلاد، رامسس دوم در نبرد قادش به مصاف حیتی‌ها (Hittites) می‌رود.</p>	<p>۱۳۷۹ قبل از میلاد، آخن‌آتن پرستش خدای خورشید، آتن (Aton)، را تنها مذهب مصر معرفی می‌کند. پایتختی جدید در العمارنه (el-Amarna) تأسیس می‌شود.</p> <p>حدود ۱۳۳۴ قبل از میلاد سمنخ‌کارع (Smenkhkare) جانشین آخن‌آتن، پایتخت را به ممفیس برمی‌گرداند.</p> <p>۱۳۲۵ قبل از میلاد، توتان‌خامون در دره شاهان به خاک سپرده می‌شود.</p>	<p>۱۴۹۸ قبل از میلاد، ملکه هاتشپسوت (Hatshepsut) نایب‌السلطنه توت‌موس سوم می‌شود که فرعون‌نوی خردسال است.</p> <p>۱۴۸۳ قبل از میلاد، هاتشپسوت می‌میرد.</p> <p>۱۴۷۸ قبل از میلاد، شاهزاده طعیانگر قادش (Kadesh) در نبرد مجدو (Megiddo) در شرق مدیترانه از توت‌موس سوم شکست می‌خورد.</p> <p>کتیبه توتان‌خامون</p>	<p>در حدود ۱۵۶۷ قبل از میلاد، هیکسوس‌ها از مصریان ساکن تبس در جنوب مصر شکست می‌خورند.</p> <p>۱۵۵۰ قبل از میلاد، امپراتوری جدید آغاز می‌شود. آرامگاه حکمرانان در دره شاهان ساخته می‌شود.</p> <p>۱۵۳۵ قبل از میلاد، امن‌هوتپ (Amenhotep) فرعون می‌شود.</p> <p>۱۵۰۰ قبل از میلاد، روستایی در ناحیه دیرالمدینه (el-Medina)، مجاور دره شاهان، شکل می‌گیرد.</p> <p>توت‌موس سوم (Thutmose III)</p>



هاتشپسوت

(دوره حکمرانی ۱۴۸۳ - ۱۴۹۸ ق.م.)

هاتشپسوت خواهر ناتنی و همسر توت‌موس دوم بود. او بعد از مرگ همسرش، موظف شد تا زمان بلوغ پسر ناتنی‌اش، توت‌موس سوم، حکمرانی مصر را بر عهده بگیرد. اما او آن قدر قدرت طلب و مغرور بود که خود را فرعون نامید. دلیل شهرت و آوازه وی سفرهای تجاری مکرر به سرزمین پونت (Punt) است. تصاویری از سفرهای عجیب وی بر دیوارهای مقبره‌اش در دیرالبحری (Deir el-Bahri) نقش شده است.

فراعنة نام‌دار

خاندان‌های سلطنتی هزاران سال بر مصر حکم راندند. به یمن وجود مقبره‌های باشکوه ایشان و بناهای یادبودی که به افتخارشان برپا شده است، اطلاعات فراوانی در مورد شاهان و ملکه‌های مصر باستان در دست است. نخستین حکمران مصر نارمر شاه بود که این کشور را در حدود ۳۱۰۰ ق.م. متحد ساخت. نام فرعون‌های بعدی، نَرخت (Zoser)، خوفو، به دلیل مقبره‌های هرمی شکل عظیمی که برای خودشان ساختند در یادها مانده است.



خفرع

(دوره حکمرانی ۲۵۳۲ - ۲۵۵۸ ق.م.)

خفرع پسر خوفو بود. نام او به این دلیل در یادها مانده است که مقبره باشکوهش دومین اهرام در جیزه و ابوالهول عظیم محافظ آن است.

سلطنت در میان فرعون‌ها موروثی بود. با

این حال، گاهی فرماندهان نظامی مثل حارمحب (Horemheb)، نیز به سلطنت می‌رسیدند. حکمرانان مصر اغلب مرد بودند، اما چند زن مقتدر نیز بر مسند فرعونی تکیه زدند که مشهورترین آن‌ها کلئوپاترا (Cleopatra) ملکه یونانی است که در سال ۵۱ ق.م. بر مصر حکم می‌راند.

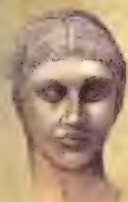


آمن‌هوتپ اول

(دوره حکمرانی ۱۵۰۴ - ۱۵۲۵ ق.م.)

فرعون آمن‌هوتپ سیاه مصر را در نبرد با اهالی نوبه رهبری کرد. او همچنین روستای کارگران را در دیرالمدینه احداث کرد.

سیر زمانی ۱۲۰۰ ق.م. تا ۱۹۶۰ میلادی



۵۱ قبل از میلاد، کلئوپاترای هفتم، دختر بطلمیوس دوازدهم، در مصر به سلطنت می‌رسد.



کلئوپاترای هفتم

۳۰ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری روم به رهبری امپراتور آگوستوس (Augustus) می‌شود.

سال صفر میلادی

۵۲۵ قبل از میلاد، آغاز آخرین دوره امپراتوری.

۵۲۵ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری ایران می‌شود.

۳۳۲ قبل از میلاد، اسکندر کبیر به مصر حمله می‌کند و این کشور تحت سلطه یونانیان درمی‌آید. اسکندریه ساخته می‌شود.

۳۰۵ قبل از میلاد، بطلمیوس اول (Ptolemy I).

از رهبران سپاه اسکندر کبیر، بعد از مرگ او قدرت را به دست می‌گیرد.

۳۰۰ ق.م.

۹۰۰ تا ۷۰۰ قبل از میلاد، دوره کوتاه آرامش بین فتوحات ارتش‌های مهاجم.

۶۷۱ قبل از میلاد، آسوریان تا ممفیس پیش می‌روند و مصر را فتح می‌کنند.



داریوش اول

۶۰۰ ق.م.

۱۱۹۸ قبل از میلاد، اهالی کرانه مدیریتانه به مصر حمله می‌کنند.

۱۱۸۲ قبل از میلاد، رامسس سوم، آخرین فرعون سلحشور مصر، به قدرت می‌رسد. او اهالی مدیریتانه را در نبردی شکست می‌دهد.

۱۱۵۱ قبل از میلاد، آخرین فرعون بزرگ مصر، رامسس سوم، می‌میرد.

حدود ۱۰۷۰ قبل از میلاد، امپراتوری جدید پایان می‌یابد. آغاز سومین دوره میانی.

۱۲۰۰ ق.م.



رامسس سوم



رامسس دوم

(دوره حکمرانی ۱۲۱۲ - ۱۲۷۹ ق.م.)

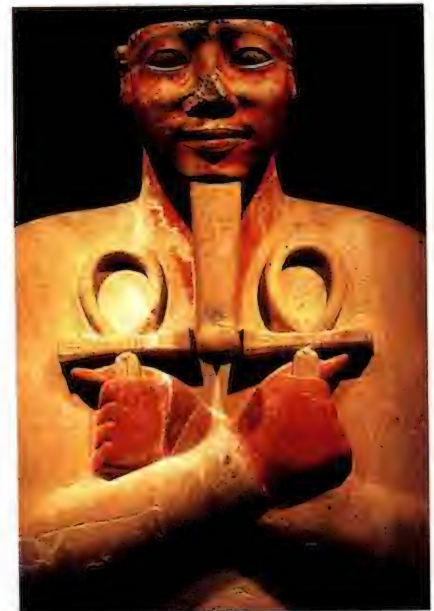
یکی از پرآوازه‌ترین فرارانه مصر رامسس دوم، پسر ستی اول (Seti I) بود. او معابد باشکوه بسیاری ساخت و در ۱۲۷۴ قبل از میلاد حتی‌ها را در نبرد قادش شکست داد. نامی‌ترین ملکه او نفرتاری (Nefertari) بود. نقوشی از صورت این ملکه باشکوه بر دیواره‌های معبد رامسس دوم در ابوسمیل دیده می‌شود. رامسس عمری طولانی داشت و در ۹۲ سالگی درگذشت. او در دره شاهان به خاک سپرده شد.



توتان خامون

(دوره حکمرانی ۱۳۲۵ - ۱۳۳۴ ق.م.)

توتان خامون وقتی بر اریکه فرعون تکیه زد فقط ۹ سال داشت. او در ۱۸ سالگی درگذشت. دلیل شهرت او مقبره‌اش در دره شاهان است که دفینه‌ای حیرت‌انگیز در آن مدفون شده بود.



توت‌موس سوم

(دوره حکمرانی ۱۴۲۵ - ۱۴۷۹ ق.م.)

توت‌موس سوم، فرعون سلحشور مصر، به شجاعت معروف بود. او بارها به سوریه در خاور نزدیک لشکر کشید. تاریخ‌گوی این است که توت‌موس بی‌محایا سردمدار سپاهیان خود در نبردها بود و از مرگ پستی نداشت. بزرگ‌ترین پیروزی‌های وی نبرد مجدو و بعدها قادش است. توت‌موس سوم در دره شاهان به خاک سپرده شد.

آخناتن

(دوره حکمرانی ۱۳۳۴ - ۱۳۷۹ ق.م.)

مصریان به خدایان متعددی ایمان داشتند. اما وقتی آخناتن به پادشاهی رسید همگان را واداشت یک خدا را بپرستند: خدای خورشید، آتن. او پایتختش را از ممفیس به آخناتن (Akhetaten) العمارنه کنونی منتقل کرد. همسر اصلی او ملکه نفرتی (Nefertiti) زیبا بود.



صلب مسیحی



۱۵۱۷ میلادی مصر از سپاه مهاجم ترک شکست

می‌خورد. مصر در دست ترکان باقی

می‌ماند تا این‌که در دهه شصت

قرن بیستم دوباره حکومت مصر

به مصریان می‌رسد.



قیه‌الصخره، از مراکز مذهبی مهم دین اسلام

۶۴۱ میلادی اعراب اسلام را

به مصر می‌برند.

۳۲۴ میلادی مصر

رسماً دین مسیح

را می‌پذیرد و تمام

معابد تبدیل می‌شوند

به کلیسا و صومعه‌های قبطی.



سربازان رومی

۳۹۵ میلادی پایان دوره حکمرانی

رومیان بر مصر. مسیحیت در کل

کشور مصر رواج می‌یابد.

۶۴۱ میلادی اسلام دین ملی و زبان

عربی زبان رسمی مصر می‌شود. شهر

جدید القاهره پایتخت مصر می‌شود و

به قاهره تغییر نام می‌دهد.

۱۹۶۰ م.

۱۰۰۰ م.

۶۰۰ م.

۳۰۰ م.

سال صفر میلادی

سرزمین خدایان

مصریان باستان معتقد بودند جهان منظمی که در آن می‌زیستند از هیچ به وجود آمده است، از این رو اگر آیین‌های مذهبی درست انجام نشود هرج و مرج و تاریکی دوباره مستولی خواهد شد. روح خدایان در کالبد فراعنه حلول می‌کرد و فرعون‌ها شاه‌خدا بودند. آن‌ها از این دنیا برای خدایان محافظت می‌کردند. بیش از ۲۰۰۰ خدا در مصر باستان

پرستیده می‌شدند. بسیاری از ایشان به محلی خاص ربط داشتند. آمون (Amun) قدرتمند خدای تبس بود. برخی از خدایان به شکل حیوانات ظاهر می‌شدند — سبک (Sobek) خدای آب، کروکودیل بود. خدایان با مشاغل و علایق نیز ربط داشتند: خدای بانوی اسب آبی، تاوارت (Tawaret)، حامی کودکان و زایمان بود.

بسیاری از مردم عامی مصر از مذهب درباریان و اشراف سر در نمی‌آوردند. آن‌ها به جادو، ارواح محلی و خرافات باور داشتند.

هوروس

هوروس، خدای شاهین، پسر ایزیس (Isis) بود، او خدای آسمان‌ها و حامی فرعون وقت بود. هوروس یعنی «همان که بالای بالاست». در این تصویر هوروس، آنخ (Ankh) یا نماد زندگی را در دست دارد. دارنده آنخ می‌توانست حیات ببخشد و جان بگیرد. فقط خدایان و فراعنه اجازه داشتند این نماد را با خود حمل کنند.

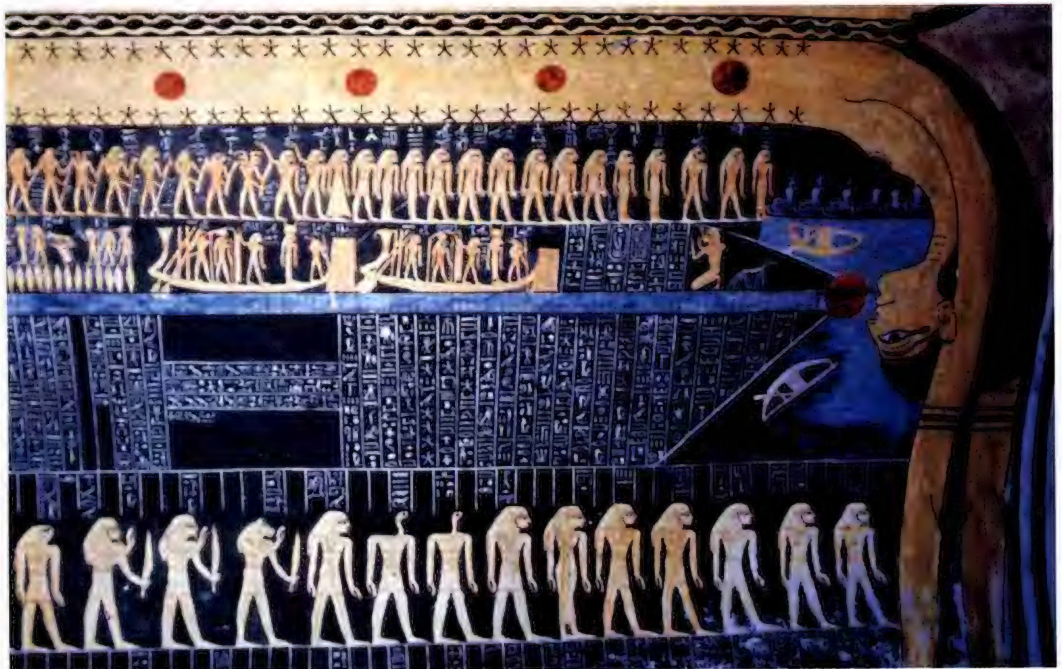


گل لوتوس (نیلوفر آبی)

گل لوتوس برای مصریان بسیار اهمیت داشت. این نماد مقدس نشانه مصر علیا بود.

خدای بانوی نوت

نوت (Nut)، با پوششی از ستارگان، خدای بانوی آسمان‌ها بود. اغلب او را به حالتی به تصویر می‌کشند که اندامش در آسمان کشیده شده است. به باور مصریان، نوت هر روز غروب خورشید را می‌بلعد و فردا دوباره آن را می‌زاید. او با خدای زمین گب (Geb) وصلت کرد و ایزیس و اوزیریس (Osiris) از این وصلت به دنیا آمدند.





آمون، خدای تبس

آمون در اصل خدای شهر تبس بود. بعدها در سراسر مصر او را خدای آفرینش می‌دانستند. در امپراتوری جدید، آمون با خدایان قدرتمندی همچون رع (خدای خورشید) ادغام شد و به آمون - رع شهرت یافت. مصریان او را قدرتمندترین خدا می‌پنداشتند. آمون را گاهی به صورت قوچ نشان می‌دهند.

سوسک مقدس

سرگین غلتان سوسک مقدس مصریان باستان بود. سرگین غلتان‌های سفالی و سنگی نشانه طلسم و خوشبختی بودند و

از آن‌ها به صورت

مهر و نگین انگشتر

نیز استفاده می‌شد.

پشت اشیایی که به

شکل سوسک ساخته

شده‌اند داستان‌هایی

در مورد رویدادهای

مهم حک شده است.



اوزیریس، پادشاه جهان زیرین

اوزیریس، خدای بزرگ مصریان، لباس شاهی به تن دارد. او از مهم‌ترین خدایان مصر باستان بود و فرمانروای زندگی و جهان ارواح به حساب می‌آمد. او خدای زراعت نیز بود. در افسانه‌ها آمده است که اوزیریس به دست برادرش ست (Seth)، خدای آشوب، کشته و مثله شد. انوبیس، خدای شغال‌سر، که خدای مومیایی مصریان است، قطعات پیکر اوزیریس را از جاهای مختلف جمع کرد و خواهرش ایزیس او را به زندگی برگرداند.

گره مومیایی

از روزگار امپراتوری کهن به بعد، مصریان خدایان را به شکل حیوانات می‌پرستیدند. خدای بانوی گربه، باست (Bastet)، ظاهراً دختر خدای خورشید رع (Ra) بود. گربه چنان برای مصریان مقدس بود که در دوره‌ای تعداد زیادی از آن‌ها در نوارهای نخی پیچانده و مومیایی می‌شدند. احتمالاً مجسمه‌های مفرغی گربه و گربه‌های مومیایی مثل آن چه در این تصویر دیده می‌شود، پیشکشی به باست در معبدش بودند.



میوی گربه

گربه حیوان مقدس

مصریان باستان بود. این

حیوان حتی خدایی مخصوص

به خودش داشت! علاقه فراوان

مصریان به گربه به روزگاری برمی‌گردد

که کشاورزان گربه در خانه نگه می‌داشتند

تا از انبار محصولات‌شان در مقابل موش‌ها مراقبت

کند. گربه‌ها خیلی زود تبدیل به حیوانات خانگی محبوب

مصریان شدند. در زبان مصری به گربه می‌گفتند میو که

بی‌شباهت به صدای این حیوان نیست.



راهب، دولتمرد و خدا

کلمه فرعون از واژه مصری *per-aa* به معنای خانه بزرگ یا قصر گرفته شده است. بعدها فرعون معنایی دیگر یافت: کسی که درون قصر زندگی می‌کند، پادشاه. در تصویرها و مجسمه‌ها، فرعون‌ها با علائم خاص سلطنتی مثل تاج، سرپوش، پرندگان مصنوعی، عصای سلطنتی و یک جفت عصای سرکج و خرمن‌کوب در هر دست دیده می‌شوند. فرعون مهم‌ترین فرد در مصر بود. او که خدای-شاه لقب داشت، رابط مردم و خدایان‌شان بود. پس باید از او حمایت و مراقبت می‌شد. فرعون زندگی شلوغ و پردردسری داشت. او هم راهب اعظم بود، هم قانون‌گذار اصلی، هم فرمانده سپاه و هم خزانه‌دار. در ضمن، باید سیاستمدار باهوشی هم می‌بود. به باور مصریان باستان، فرعون پس از مرگش خدا می‌شد.

فرعون‌ها معمولاً مرد بودند، اما گاهی وقت‌ها که فرعونی جدید به سن قانونی نرسیده بود، ملکه‌ای بر مسند فرعونی تکیه می‌زد. فرعون می‌توانست چندین زن بگیرد. در خاندان سلطنتی ازدواج پدر با دختر و برادر با خواهر مرسوم بود. گاهی فرعون‌ها برای متحد شدن با کشوری، با شاهزاده آن کشور وصلت می‌کردند.

خدای بانوی مادر فراغنه

هاتور (Hathor) خدای بانوی مادر هر فرعون بود. در این تصویر او را می‌بینیم که به پیشواز حارم‌ب در جهان مردگان رفته است. حارم‌ب نجیب‌زاده‌ای بود که فرمانده دلیری شد و در سال ۱۳۲۳ قبل از میلاد بر مسند فرعونی تکیه زد.

عصای سرکج و خرمن‌کوب

این دو نشانه اوزیریس بودند که بعدها نماد اقتدار فراغنه شدند. عصای سرکج نشانه پادشاهی است و خرمن‌کوب نماد حاصلخیزی زمین.



خرمن‌کوب

عصای سرکج

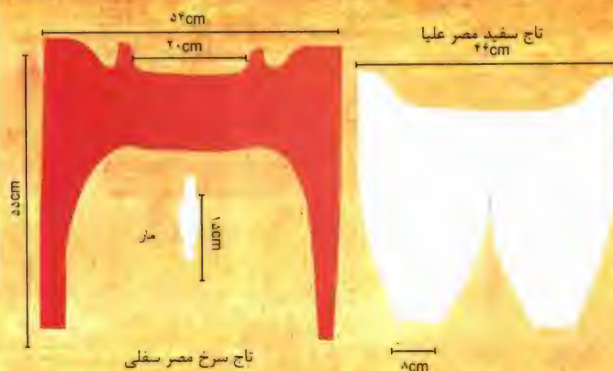


تاج بسازید

مواد مورد نیاز: دو برگ مقوای A۴ (به رنگ‌های سرخ و سفید)، مداد، خط‌کش، قیچی، نوار چسب، لوله مقوایی، باند، چسب چوب و قلم‌مو، رنگ اکریلیک (طلایی و سفید)، قلم‌مو، مهره، سنجاق، ظرف آب.



۱. مانند تصویر قالب مقوای سفید را به شکل استوانه در آورید. با نوار چسب دو طرف مقوا را محکم به هم بچسبانید.



تاج سرخ مصر سفلی

این علامت‌ها را روی مقوای سرخ و سفید رنگ خود منتقل کنید. دور خطوط را با قیچی ببرید.

رامسس به دیدار خدایان می‌رود

در این تصویر رامسس اول، فرعون درگذشته، را می‌بینیم که به دیدار هوروس (چپ) و آنوبیس (راست) رفته است. فرعون‌ها باید به سلامت از جهان پس از مرگ گذر می‌کردند، و گرنه ارتباط خدایان و جهان هستی تا ابد قطع می‌شد.



معبد ملکه

این معبد عظیم به افتخار ملکه هاتشپسوت در دامنه صخره‌های مرتفع دیرالبحری، در کرانه غربی رود نیل، نزدیک دره شاهان برپا شد. ملکه دستور داده بود این معبد را بسازند تا کالبد وی در آن جا آماده خاکسپاری شود. اهرام، مقبره‌ها و معبد‌ها از نمادهای مهم قدرت در مصر بودند، هدف هاتشپسوت از ساختن معبد مذکور این بود که مردم او را همیشه در کسوت فرعون‌نی به یاد داشته باشند.



هاتشپسوت

فرعون شدن زنان آن‌قدر نامتداول بود که هاتشپسوت با تمام نشانه‌های فراغت مذکر به تصویر کشیده می‌شد، حتی با ریش مصنوعی! در این تصویر او تاج فراغت را به سر دارد. مار کبری روی تاج وی نشانه مصر سفلی است.



تاج دو تکه‌ای که فراغت بر سر می‌گذاشتند پسچنت (Pschent) نام داشت. این تاج نشانه اتحاد دو امپراتوری بود: بخش سفید در بالا، هجت (Hedjet) نماد مصر علیا و بخش سرخ در پایین دشرت (Deshret) نماد مصر سفلی.



۵. حالا مار را طلایی‌رنگ کنید و به جای چشم‌هایش مهره بچسبانید، وقتی خشک شد روی تته‌اش خطوطی بکشید. مار را خم کنید و مانند تصویر روی کلاه بچسبانید.



۴. باند را دور مقوای سفید بپیچید. روی باند را با مخلوط مساوی چسب و رنگ سفید رنگ کنید. تاج را جای گرمی بگذارید تا خشک شود.



۳. باند را دور مقوای سفید بپیچید. روی باند را با مخلوط مساوی چسب و رنگ سفید رنگ کنید. تاج را جای گرمی بگذارید تا خشک شود.



۲. لوله مقوایی را روی سر تاج نصب کنید. با نوار زخم‌بندی نوک تاج را ببندید. با چسب نوار را به مقوا بچسبانید و لبه‌ها را هم چسب بزنید.

دربار و درباریان

قصر مصریان مجموعه‌های پیچیده و گسترده‌ای بودند. هر قصر ساختمانی عمومی داشت که فرعون در آنجا فرستادگان کشورهای دیگر را ملاقات می‌کرد و مراسم سلطنتی را برپا می‌داشت. اعضای خاندان سلطنتی در شهر در خانه‌های اشرافی زیبایی با دیوارهای نقاشی‌شده و کف‌های کاشی‌کاری در جوار قصر زندگی می‌کردند.

حکمرانان مصر نیز مثل شاهزادگان زندگی می‌کردند و فرعون‌ها همیشه باید مراقب می‌بودند که حکمرانان بیش از حد ثروتمند و قدرتمند نشوند. دربار شامل عده زیادی از مقامات کشوری و مشاوران سلطنتی، از جمله وکلا، معماران، مأموران مالیات، راهبان و سران ارتش بود. وزیر مهم‌ترین مهره دربار بود که بسیاری از وظایف فرعون را به جای وی انجام می‌داد.

مقامات درباری و اشراف در رأس جامعه مصر جا داشتند. اما اغلب کارهای سختی که چرخ کشور را به آرامی در گردش نگه می‌داشت به دوش بازرگانان، صنعتگران، کشاورزان، کارگران و بردگان بود.



زن بزرگ

آهموس - نفرتاری (Ahmose-Nefertari)
همسر آهموس اول بود. او گل نیلوفر آبی و خرمن کوب در دست دارد. پادشاه می‌توانست چندین زن داشته باشد و داشتن حرم‌سرای از زنان زیبا نیز رایج بود.



شکوه دربار

در تصویر، تخت رامسس سوم را در قصرش واقع در مدینه هابو (Medinet Habu) در کرانه غربی رود نیل نزدیک تیس می‌بینیم. فرعون‌ها معمولاً چندین قصر داشتند و قصر مدینه هابو یکی از کوچک‌ترین قصرهای رامسس سوم بود. بقایای دیوارها و کاشی‌ها و تزئینات نشان می‌دهد که دربار چقدر باشکوه بود. اتاق گوشه بارگاه احتمالاً نوعی رختکن حمام بود!

مرد درباری و همسرش

مجسمه سنگ آهکی زوج اشراف‌زاده ناشناسی از اهالی تیس را می‌بینید. مرد احتمالاً شغل والایی داشت، مثلاً پزشک، دولتمرد یا مهندس بود. زنان اشراف‌زاده کار نمی‌کردند، اما کاملاً مستقل بودند. چیزهای که زن به خانه همسرش می‌برد، متعلق به خودش می‌ماند.





استراحت

آنخرهائو (Ankherhau)، سرکارگر ثروتمند مصری، در خانه با همسرش استراحت می‌کند. آن دو به نوای چنگ نوازنده‌ای گوش می‌دهند. زندگی برای کسانی که استطاعت مالی داشتند بسیار لذت‌بخش بود. پادشاهان و درباریان رقاصان و نوازندگان و آکروباتیست‌هایی داشتند که سرگرم‌شان می‌کردند. آشپزان در آشپزخانه غذاهای لذیذ می‌پختند. حال آن‌که مردم معمولی غذاهایی ساده می‌خوردند و غذاهای گوشتی‌شان محدود بود به حیوانات کوچکی که خودشان شکار می‌کردند.



آرایش مو

خدمتکاران خانگی کارهای روزمرهٔ خاندان سلطنتی را انجام می‌دادند. در این جا ندیمهٔ ملکهٔ جوان، کاویت (Kawit) همسر فرعون منتوهوتپ دوم (Mentubotep II)، را در حال آراستن موی وی می‌بینیم. اکثر خدمتکاران مؤنث خانواده‌های ثروتمند کنیز خانه بودند، اما عدهٔ زیادی از این افراد آزاد بودند. این بدان معنی بود که خدمتکاران مذکور هر وقت که می‌خواستند می‌توانستند ارباب خود را ترک کنند.

خانه ارواح

مدل‌های سفالی تصویر کاملی از خانه فقرای مصر به دست می‌دهند. در امپراتوری میانی، خانه‌هایی این چنینی، موسوم به خانه ارواح، در مقبره‌ها پیشکش مردگان می‌شد. مصریان در حیاط خانه برای روح فرد درگذشته غذا می‌گذاشتند.



بالا تر از سطح سیلاب

خانه ثروتمندان اغلب روی سکویی ساخته می‌شد که جلوی نفوذ رطوبت را به دیوارهای خشتی خانه می‌گرفت. بدین ترتیب، خانه تا حدی مرتفع‌تر از سطح جریان سیلاب بنا می‌شد.



خشت گلی

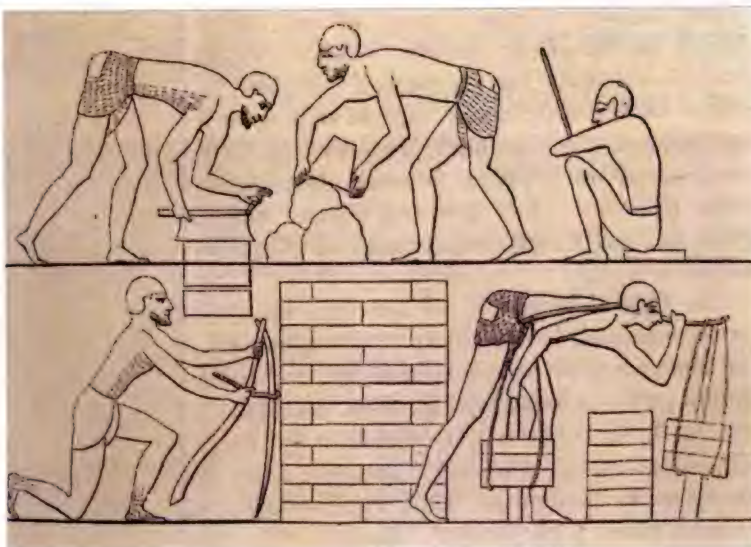
مصریان از رس غلیظ برجا مانده از گذر سیلاب‌های نیل خشت می‌ساختند. خاک رس را در کارگاه با آب، سنگ‌ریزه و خرده کاه می‌آمیختند. در مصر هنوز هم از خشت برای خانه‌سازی به همان روش استفاده می‌کنند.



خشت

درست کردن خشت

گروهی از کارگران در حال درست کردن خشت به تصویر کشیده شده‌اند. نخست گل را با سطل‌های چرمی به محل ساخت می‌بردند. آن‌جا آن را با سنگ‌ریزه و کاه مخلوط می‌کردند. بعد مخلوط را داخل قالب می‌ریختند. در این مرحله، گاهی روی خشت اسم فرعون وقت یا نام صاحب ملک را حک می‌کردند. برای چند روز این قالب‌ها را در آفتاب می‌گذاشتند تا خشک شوند. سپس با کوله آن‌ها را جابه‌جا می‌کردند.



خانه مصریان یک اتاق بزرگ اصلی داشت که مستقیم رو به خیابان باز می‌شد. در بسیاری از خانه‌ها، پلکان به پشت‌بام می‌رسید. ساکنان خانه در شب‌های گرم تابستان روی پشت‌بام می‌خوابیدند.



۲. حالا پلکان و طبقه دوم را به هم بچسبانید. دوساره از چسب کاغذی برای محکم کردن اتصال‌ها استفاده کنید. وقتی طبقه بالا خشک شد آن را به طبقه پایین بچسبانید.
۳. ستون‌های چوبی را به قسمت‌های جلوی طبقه دوم بچسبانید. وقتی کل کار خشک شد، لایه نازکی از گچ روی آن بمالید. ستون‌ها را با رنگ قرمز یا هر رنگی که دل‌تان می‌خواهد رنگ کنید.
۴. کل خانه را به رنگ خاک رنگ‌آمیزی کنید. بعد نوار سبز رنگی دور خانه بکشید. برای صاف‌شدن لایه‌های رنگ از نوار چسب استفاده کنید. گوشه‌ها را سمیاده بکشید.
۵. حالا برای سقف سایبان درست کنید. چهار بست چوبی را پایه سایبان قرار دهید. می‌توانید برای ساختن سقف روی مقوایی کاه بچسبانید. سایبان را بر جایش نصب کنید.

کارگران ماهر

در مصر باستان، کارگران ماهر طبقه میانی، بین ثروتمندان و کارگران فقیر بودند. در نقوش روی دیوار کارگران مصری را در حال حکاکی سنگ، تراشیدن چوب، کار با فلزهای قیمتی یا ساختن سفالینه مشاهده می‌کنیم. برخی از این طبقه نیز در کار ساخت کشتی و درشکه بودند.

هنرمندان و کارگران ماهر در قبال کار خود دستمزد خوبی می‌گرفتند و برخی نیز در کار خود آوازه‌ای به‌هم می‌زدند. خانه و کارگاه مجسمه‌سازی به نام توت‌موس (Thotmose) در سال ۱۹۱۲ در ناحیه العمارنه طی کاوش‌های باستان‌شناسی از خاک بیرون کشیده شد. وی هنرمندی موفق و محبوب دربار بود. کارگران ماهر در بخش خاصی از شهر زندگی می‌کردند. روستایی مخصوص سازندگان مقبره‌های باشکوه — اما مرموز — فرعون‌ها در دیرالمدینه، نزدیک تبس، ساخته شده بود. در حفاری حدود صد خانه این روستا، باستان‌شناسان رسید تحویل کالا و طرح‌هایی را یافتند که روی سفال‌های شکسته کشیده شده بودند. شرایط کار همیشه خوب نبود چون شواهدی نشان می‌دهند که کارگران مصر یک‌بار اعتصاب کرده بودند. آن‌ها احتمالاً در دستبرد به مقبره‌هایی که خودشان ساخته بودند، دست داشتند.

شیشه در طلا

این آویز نشانه مهارت صنعتکاران مصر است. آویز به شکل نخبت (Nekhbet)، کرکس خدای بانوی مصر علیا، درست شده است. قطعات شیشه رنگی روی قالبی از طلا به شیوه میناکاری نصب شده است. این شیء گرانیه‌ها نیز مثل اشیاء گرانیه‌های دیگر، در مقبره توتان‌خامون کشف شده است.



جواهرسازان در حال کار

در این نقاشی متعلق به سال ۱۳۵۹ ق.م. جواهرسازان را پشت میز کار خود می‌بینید. یکی در حال درست کردن یقهای مرصع است و دیگری در حال تراش دادن سنگ و مهره‌های قیمتی. از کمان برای تقویت مته فلزات استفاده می‌شد.



کانون صنعت

کارگران ماهر در این کارگاه شلوغ سخت مشغول کارند. نجاران چوب را اره می کنند و مته می زنند. سفالگران سفالینه رنگ می کنند و بتاها سنگ خرد می کنند. ناظری کیفیت نهایی را کنترل می کرد.



دیرالمدينه

پی های سنجی خانه های روستایی دیرالمدينه هنوز هم در کرانه باختری رود نیل پایرجاست. این روستا حدود ۳۵۰۰ سال قدمت دارد. روزگاری دیرالمدينه مأوای کارگران ماهری بود که دستاندرکار ساخت مقبره فرعون در دره شاهان بودند. کارگران هشت روز از ده روز کاری را کار می کردند. این روستا چهارصد سال وسیع و موفق برپا بود. با این حال، روستای کارگران آب نداشت و باید آب را از جاهای دیگر می آوردند و در ظرفی حفاظدار ذخیره می کردند.



مساحی زمین

مأموران دور مزرعهای ریسمان می کشند تا محیطش را محاسبه کنند. این عده به استخدام دولت درآمدهاند تا زمینی را برای ثبت آمار حکومتی مساحی کنند.



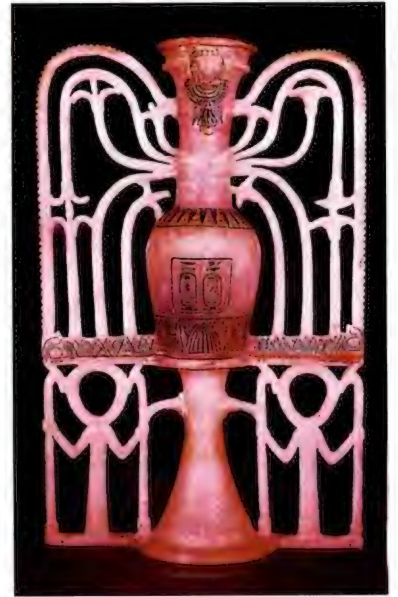
ابزار کسب

ابزار نجاری شامل اره، اسکنه، تبر، چاقو و پتک بود. برای سوراخ کردن قبل از استفاده از مته، از درفش استفاده می شد. ابزار معمولاً چوبی و مسی بودند. نجاران با این ابزار ظریف صندلی، صندوق، تخت خواب، جعبه و تابوت های زیبایی می ساختند.

هنر و صنایع دستی

مصریان باستان عاشق چیزهای زیبا بودند و دست‌ساخته‌هایی از آن روزگاران که تاکنون بر جای مانده است هنوز چشم هر بیننده‌ای را خیره می‌کند. از آن میان، می‌توان به حلقه‌ها و آویزهای درخشان طلا، گردنبندهایی با روکش شیشه و سفالینه‌های لعاب‌دار آبی به نام سرامیک اشاره کرد. گلدان‌های ساخته شده از سنگ مرمر سفید نرم که با کیفیتی بسیار عالی برجا مانده‌اند و صندلی‌ها و صندوق‌هایی از چوب سدار که از خاور نزدیک وارد می‌شد از این شمارند.

مصریان سبدها و ظرف‌هایی زیبا می‌ساختند. بعضی از این سفالینه‌ها از خاک رس کرانه نیل ساخته می‌شد، اما ظریف‌ترین سفالینه‌ها از خاک رس گچی ناحیه کوئنا (Quena) ساخته می‌شدند. سفالینه‌ها را معمولاً با دست شکل می‌دادند. اما بعدها چرخ سفالگری رواج یافت. سطح برخی از سفالینه‌ها را با ریگ می‌ساییدند تا درخشان شود. از هنر دستی مصریان بسیار می‌دانیم، چون نمونه‌های زیبای فراوانی در مقبره‌های شاهان به نشانه پیشکش به خدایان دفن شده است تا فرد در گذشته بتواند در آن جهان از آن‌ها استفاده کند.



هنر مرمری

این گلدان ظریف مرمری از آثار برجسته یافت‌شده در مقبره توتان‌خامون است. ظرف‌های این چنینی احتمالاً ظرف روغن یا عطرهاي گرانبها بودند.

ماهی شیشه‌ای

این ماهی راه‌راه زیبا گویی در میان صخره‌های دریای سرخ در حال شنا کردن است. این ماهی در حقیقت ظرفی شیشه‌ای است که در آن روغن می‌ریختند. شیشه‌گری بعد از سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد، در مصر رواج یافت. شیشه از ماسه و کریستال‌های نمک ساخته می‌شد. بعد آن را با فلزات رنگ می‌کردند و در حالی که هنوز داغ بود به آن شکل می‌دادند.



کاشی نیلوفری

مواد مورد نیاز: دو برگ مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، گل سفالگری، ابزار برش، سیم‌پایه، رنگ اکریلیک (آبی، طلایی، سبز، زرد اخرايي)، ظرف آب و قلم‌مو (استفاده از تخته و وردنه اختیاری است).



۱. گلبرگ‌هایی مشابه آن‌چه در تصویر نهایی می‌بینید روی مقوا بکشید و آن‌ها را ببرید. کل الگوی کاشی‌ها را روی مقوا پیاده کنید و ببرید.
۲. با وردنه یا بطری گل سفالگری را روی تخته پهن کنید. کل شکل را روی سفال بگذارید و دورش را با ابزار برش جدا کنید. اضافه‌های خمیر را نگه دارید.
۳. روی قالب کلی سفال طرح هر گلبرگ را با دقت ببرید، و نقشه را با دقت رعایت کنید. روی خطوط را ببرید اما گلبرگ‌ها را از هم جدا نکنید.



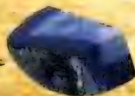
کاشی‌های سلطنتی

باستان‌شناسان در حفاری‌های خود کاشی‌های زیبایی کشف کرده‌اند. گمان می‌رود از این کاشی‌ها برای تزیین کف قصرها و اثاثیه کاخ‌ها در مصر دوران قراعنه استفاده می‌شد.

سرمایه‌های صحرا

ساکنان دره سرسبز نیل از صحرا می‌ترسیدند و آن را دوست نداشتند. آن‌ها صحرا را سرزمین سرخ می‌نامیدند. اما همین صحرا ثروت معدنی عظیمی به ایشان داد: سنگ‌های معدنی گرانبها مثل فیروزه سبزآبی، آمیتیس بنفش و عقیق آبی.

عقیق آبی



فیروزه



آمیتیس



صندوق جنگ توتان‌خامون

روی بدنه این صندوق توتان‌خامون را در نبرد با اهالی سوریه و نوبه می‌بینیم. روی در صندوق پادشاه جوان را در حال شکار در صحرا می‌بینیم. جزئیات هنرمندانه این نقاشی خبر از مهارت فوق‌العاده هنرمند آفریننده آن می‌دهد. وقتی مقبره توتان‌خامون باز شد، این صندوق را پر از لباس بچه‌گانه یافتند. هوای صحرا آن قدر خشک بود که نه چرم در آن می‌پوسید، نه چوب خراب می‌شد و نه پارچه از بین می‌رفت.



یقه نخب

این یقه باشکوه یکی از ۱۷ یقه‌ای است که در مقبره توتان‌خامون کشف شده است. بال‌های تماشایی این خدای بانوی کرکس - نخب - شامل ۲۵۰ پر است که هر یک را با شیشه‌ای که روی طلا کار گذاشته شده، تزیین کرده‌اند. نوک و چشمان کرکس از اوسیدین، نوعی سنگ شیشه‌ای آتشفشانی سیاه‌رنگ، ساخته شده است. این شیء و دیگر اشیاء حیرت‌آوری که در مقبره این فرعون جوان پیدا شده‌اند، نشان از مهارت وصف‌ناپذیر استادکاران مصری دارند.



مشابه این کاشی‌ها در کاشی در تیس یافت شده است. این طرح بسیار شبیه طرح برگ و گلبرگ‌های نیلوفر آبی (نوتوس) است که گل مقدس مصر باستان است.



۶. حالا می‌توانید قطعات را رنگ کنید. با دقت قطعات را سبز، زرد اخرازی، قرمز، طلایی و آبی کنید. آن‌ها را در جای گرمی بگذارید تا خشک شوند.



۵. وقتی یک روی گلبرگ‌ها خشک شد، برشان گردانید تا روی دیگرشان هم خشک شود. بعد لپه‌های قطعات را سمباده بکشید تا صاف شوند.



۴. حال، مطابق تصویر نقش برگ‌ها و گلبرگ‌ها را به دقت روی گل نرم بکشید. قطعه‌ها را از هم جدا کنید و از روی تخته بردارید و بگذارید تا خشک شود.

سازندگان اهرام

اهرام مقبره‌های چهاروجهی عظیمی بودند که برای فراغنه امپراتوری کهن مصر بر پا داشته شدند. هر وجه به شکل مثلث است که در رأس به هم می‌پیوندند. نخستین هرم در مصر در سقاره در حدود ۲۶۵۰ سال قبل از میلاد ساخته شد. وجوه این هرم پلکانی شکل است. اعجاب‌انگیزترین اهرام که صد سال بعد در جیزه ساخته شدند، دارای وجوه صاف بودند. احتمالاً روی نوک هر هرم پوششی طلایی می‌گذاشتند. درون هرم‌ها مقبره‌ها و راهروهای مخفی ساخته می‌شد. هیچ‌کس نمی‌داند که چرا مصریان مقبره شاهان را به شکل هرم می‌ساختند اما شاید آن را پلکانی به سوی ملکوت می‌پنداشتند که رسیدن فرعون به زندگی ابدی را تسهیل می‌کرد.

اهرام با مهارتی حیرت‌انگیز و طبق اصول دقیق و محاسبات بی‌نقص ریاضی به همت گروهی از ماهرترین معماران و مهندسان و سنگ‌تراشان ساخته شده‌اند. آن‌ها تا امروز پابرجایند. کارگران سازنده اهرام برده نبودند، بلکه برای این کار حدود ۱۰۰,۰۰۰ تن از مردم عادی به خدمت گرفته شدند. این کارگران غیرحرفه‌ای هر سال موظف بودند هنگام طغیان رود نیل، که کشاورزی را غیرممکن می‌کرد، در کارهای ساختمانی خدمت کنند.



تخریب ناشی از باد

این مقبره هرمی شکل در دهشور برای فرعون آمنمحات سوم (Amenemhat III) ساخته شد. پس از آن که روکش سنگ آهک آن را دزدیدند، بنای خشتی اصلی در معرض وزش بادهای تند صحرا قرار گرفت و نابود شد. پس از ساخت نخستین هرم پلکانی در سقاره، ساخت اهرام در مصر رواج یافت. نمونه‌هایی از مقبره‌های هرمی شکل در میدوم (Maidum)، دهشور و جیزه موجود است. به هر حال، مقبره آمنمحات نمونه ساخت‌وساز در دروه امپراتوری میانی مصر است که در آن مصالح بناسازی نامرغوب بودند.

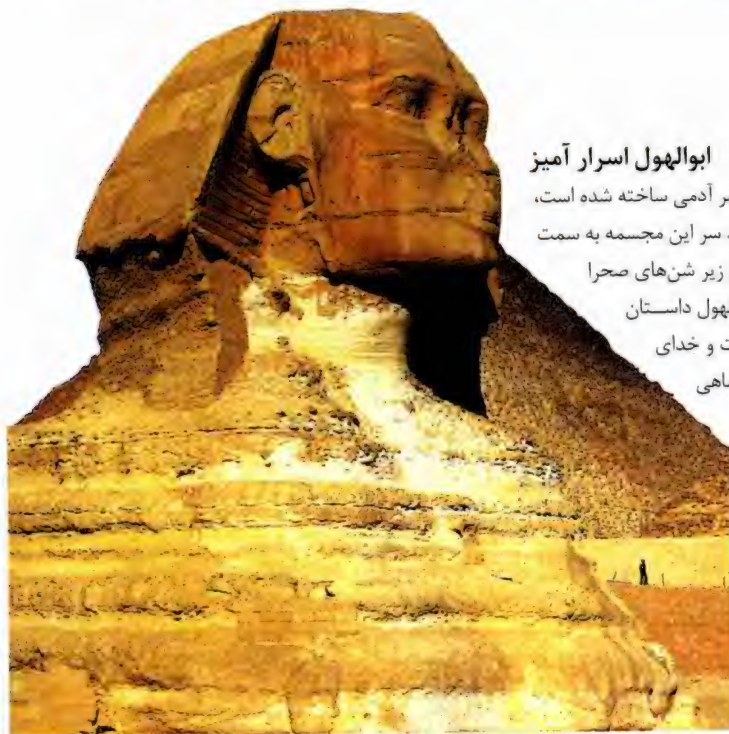
معمار دربار

ایمهوتپ (Imhotep) وزیر یا خزانه‌دار دربار فرعون نرخت کبیر بود. او طراح هرم عظیم پلکانی در سقاره بود. این هرم نخستین بنای یادبود بزرگی است که کاملاً از سنگ ساخته شده است. ایمهوتپ فردی فرهیخته و کاتب و منجم و طبیب و راهب و معمار برجسته بود. در دوران آخر امپراتوری مصر وی را خدای درمان و معماری تلقی می‌کردند و می‌پرستیدند.



هرم پلکانی

نخستین هرم پلکانی در سقاره برای فرعون نرخت ساخته شد. احتمالاً ابتدا گور را به سبک قدیمی مصریان به شکل بنایی مستطیل شکل با دیوارهای شیب‌دار آجری روی قبری که در زیرزمین قرار می‌گرفت، می‌ساختند. سطح خارجی گور نرخت بعدها به شکل هرمی با شش پله عظیم سنگی بازسازی شد. این هرم گور زیرزمینی فرعون و ۱۱ مقبره دیگر اعضای خاندان سلطنتی را در خود جای می‌داد.



ابوالهول اسرار آمیز

ابوالهولی عظیم محافظ اهرام جیزه است. این مجسمه عظیم سنگی با بدن شیر و سر آدمی ساخته شده است، که احتمالاً سر خفرع است. گویا ابوالهول عظیم به فرمان خفرع ساخته شده است. سر این مجسمه به سمت شرق است و طلوع خورشید را می‌نگرد. در بخش عمده‌ای از ۴۵۰۰ سال اخیر ابوالهول زیر شن‌های صحرا پنهان بود. در سنگ‌نوشته‌ای به تاریخ ۱۴۱۹ قبل از میلاد روی بخشی از پیکره ابوالهول داستان شاهزاده توت‌موس چهارم را می‌خوانیم که بین دو پنجه عظیم مجسمه به خواب رفت و خدای خورشید بر او ظاهر شد و به او گفت که اگر خاک روی مجسمه را بزداید قطعاً به شاهی خواهید رسید. او نیز چنین کرد و فرعون شد!



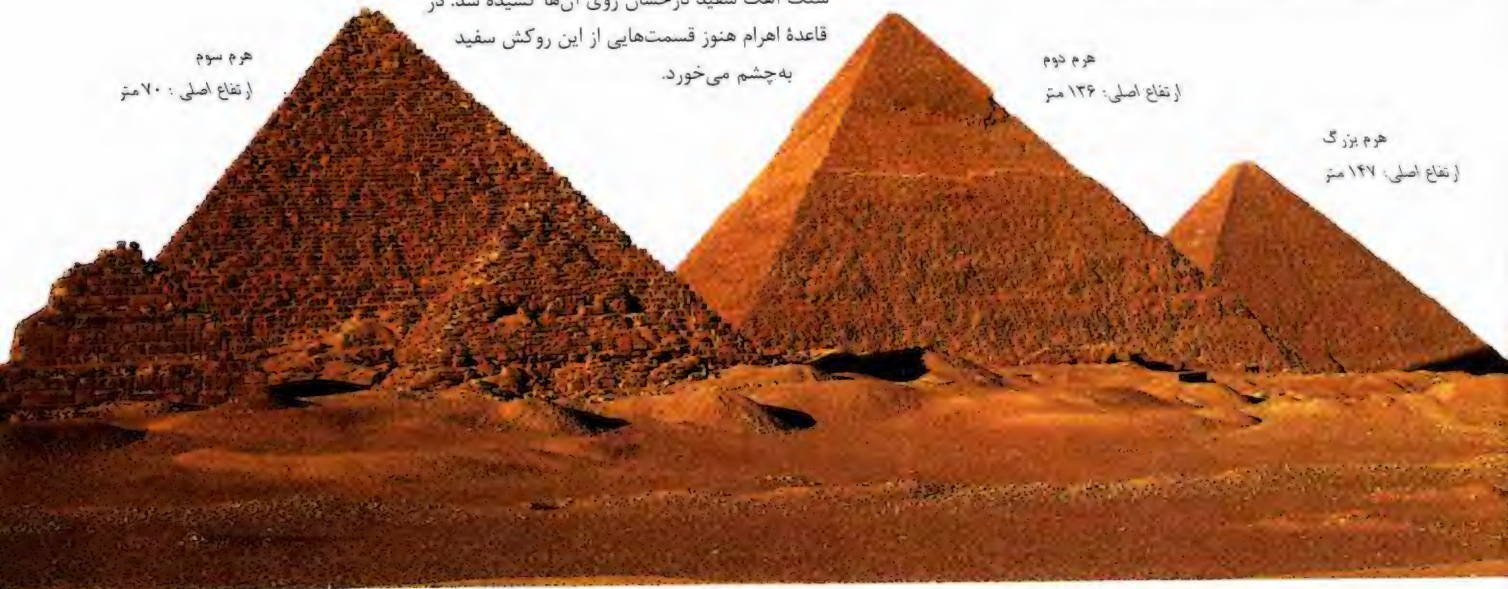
اهرام جیزه

سه هرم بزرگ جیزه مقبره فرعون خوفو، پسرش خفرع و فرعون منکائورع (Menkaura) است. هرم خفرع که هرم وسطی است بلندترین هرم به‌نظر می‌رسد، اما در واقع خاک این قسمت مرتفع‌تر از خاک پایه دو هرم دیگر است. بزرگ‌ترین هرم، هرم خوفو (سمت راست) است که به آن هرم بزرگ نیز می‌گویند. جلوی این اهرام سه بنای کوچک‌تر برای همسران منکائورع ساخته شده است. پس از ساخت اهرام، روکشی از سنگ آهک سفید درخشان روی آن‌ها کشیده شد. در قاعده اهرام هنوز قسمت‌هایی از این روکش سفید به چشم می‌خورد.

هرم سوم
ارتفاع اصلی: ۷۰ متر

هرم دوم
ارتفاع اصلی: ۱۳۶ متر

هرم بزرگ
ارتفاع اصلی: ۱۴۷ متر



عجایب دنیا

جهانگردان اولیه

در سده نوزدهم جهانگردان بسیاری از پلکان هرم بزرگ بالا می‌رفتند. بهترین چشم‌انداز جیزه را از بالای این هرم می‌شد دید. اما بالا رفتن از هرم بسیار خطرناک بود و بعضی از گردشگران از آن سقوط می‌کردند و جان خود را از دست می‌دادند.



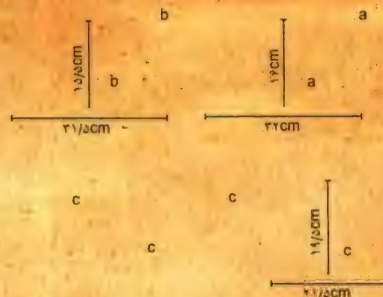
تالار بزرگ

این معبر شیب‌دار را تالار بزرگ نامیده‌اند. این معبر به محل دفن فرعون در هرم بزرگ می‌رسد. پس از تدفین خوفو، بلوک‌های سنگ گرانیت را به این تالار انتقال دادند و ورودی مقبره را مسدود کردند. با این حال، دزدان مقبره در مصر باستان توانستند به مقبره راه یابند و به آن دستبرد بزنند.

سال‌های سال هرم بزرگ جیزه مرتفع‌ترین بنای دنیا بود. قاعده این بنا ۲۳۰ متر مربع است و ارتفاع اولیه آن ۱۴۷ متر بود. حدود دو میلیون و سیصد هزار بلوک سنگی که هر یک ۲/۵ تن وزن دارند در ساخت آن به کار رفته است. این بنا قدیمی‌ترین بنا از عجایب هفتگانه است و تنها بنا از این هفت بنای اعجاب‌انگیز که هنوز پابرجاست. از دیرباز جهانگردان از دیدن عظمت این بنا شگفت‌زده می‌شدند. هنوز هم عده زیادی از سراسر دنیا برای دیدن این بنای شگرف به جیزه می‌روند. هرم بزرگ هم قدمتی مثال زدنی دارد و هم اندازه‌ای بی‌مانند. این هرم برای فرعون خوفو، که در سال ۲۵۶۶ قبل از میلاد درگذشت، ساخته شد. نزدیک این هرم معبد بزرگی نیز به افتخار او ساخته شده بود. هدف از ساخت هرم محافظت از بدن خوفو در سفرش پس از مرگ به سوی خدایان بود. راهرویی به طول ۴۷ متر از ورودی به سمت یکی از سه مقبره داخل هرم احداث شده است، اما جسد فرعون هرگز در این مقبره پیدا نشد. مدت‌ها قبل آن را دزدیده بودند.



۱. دو نیمه هرم را با چسب به هم بچسبانید. مثل تصویر محل‌های اتصال را با چسب نواری به هم بچسبانید. حال نیمه دیگر را به همین ترتیب درست کنید.



هرم را دو قسمت کنید. یک مثلث (a) برای قاعده ببرید، یک مثلث (b) برای درون هرم و دو مثلث (c) برای وجوه هر یک از نیمه‌ها.



هرم

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، قلم‌مو، ظرف آب، نوار چسب، رنگ اکریلیک (طلایی، زرد، سفید)، مایه گچ، سمپاده.

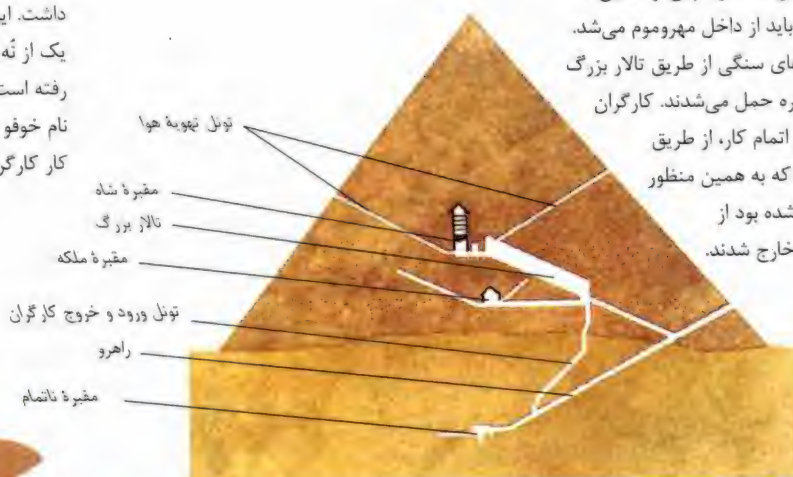


درون هرم

در این برش مقطعی فضای داخلی هرم بزرگ را می‌بینید. طرح داخلی چندین بار در حین ساخت عوض شد. مقبره‌ای زیرزمینی احتمالاً برای دفن خوفو تعبیه شده بود. ساخت این مقبره نیمه‌کاره ماند. مقبره دوم - که مقبره ملکه نامیده می‌شود - نیز خالی پیدا شد. فرعون در اصل در مقبره شاه دفن شده بود. پس از تدفین، مقبره باید از داخل مهر و موم می‌شد. بلوک‌های سنگی از طریق تالار بزرگ به مقبره حمل می‌شدند. کارگران پس از اتمام کار، از طریق کانالی که به همین منظور تعبیه شده بود از مقبره خارج شدند.

مقبره شاه

محل دفن فرعون در هرم بزرگ «مقبره شاه» نام گرفته است. این جا آخرین مقر تابوت سنگ آهکی‌ای بود که پیکر خوفو را در خود داشت. این مقبره از گرانیت ساخته شده است. هر یک از تخته‌سنگی که برای ساخت سقف آن به کار رفته است ۵۰ تن وزن دارد. عجیب این که تنها جایی از هرم که نام خوفو بر آن حک شده سقف این مقبره است. این دیوار نوشته کار کارگران سازنده هرم است.



ساخت هرم بزرگ حدود ۲۳ سال طول کشید. هرم‌ها را با سنگ آهک روکش می‌کردند به این ترتیب، کل هرم به رنگ سفید برقی درمی‌آمد. احتمالاً کلاهک نوبی هرم را طلاپوش می‌کردند.



۴. کنج‌های هرم را طلایی رنگ کنید و صبر کنید تا خشک شود. دست آخر، دو نیمه هرم را به هم بچسبانید و هرم کامل را روی بستری ماسه‌ای به نمایش بگذارید.

۳. هرم رنگ شده را در محلی گرم بگذارید تا خشک شود. پس از خشک شدن، کنج‌های هرم را سمباده بکشید و با چسب بپوشانید.

۲. رنگ زرد و سفید را با کمی مایه گچ مخلوط کنید تا بافتی زیر به دست آید. بعد کمی چسب به مخلوط بیفزایید تا کاملاً به مقوا بچسبد. هفت قسمت‌های هرم را رنگ کنید.

دره شاهان

در سال ۱۵۵۰ قبل از میلاد، پایتخت مصر به تبس در جنوب مصر منتقل شد. این سرآغاز امپراتوری جدید بود. مصریان باستان دیگر هرم نمی‌ساختند، چون اهرام هدف مستقیم دزدان مقبره‌ها بودند. در واقع، آن‌ها همچنان معابدی بزرگ به افتخار حکمرانان متوفی خود می‌ساختند، اما جسد فراغه را در مقبره‌هایی زیرزمینی و مخفی دفن می‌کردند. در واقع، آن‌ها را در صخره‌هایی که در حاشیه کرانه غربی رود نیل، جایی که خورشید هر شب غروب می‌کند، پنهان می‌کردند. فرعون سفر خود را به سوی خدای خورشید از این جا آغاز می‌کرد.

آرامگاه‌های مجاور تبس شامل سه بخش است: دره شاهان، دره ملکه‌ها و دره اشراف. درون مقبره‌ها گنج‌های ارزشمندی مدفون می‌شد. وسایلی که فرعون در زندگی بعد از مرگ به آن‌ها احتیاج پیدا می‌کرد، مثل غذا، لباس فاخر، اثاثیه زرانود، جواهرات، سلاح و ارا به نیز با او دفن می‌شدند.

نیروهای محافظ مخفی حفاظت از مقبره را به‌عهده داشتند و برای دام انداختن مهاجمان تله‌هایی در آن‌ها طراحی

می‌شد. با این حال، در دوران باستان به بسیاری از این مقابر دستبرد زده‌اند. خوشبختانه بعضی از آن‌ها از هجوم دزدان در امان مانده‌اند و منبع اطلاعات ارزشمندی برای باستان‌شناسان اند — اطلاعاتی که دریچهٔ اعجاب‌انگیزی به سوی دنیای مصر باستان می‌گشاید.

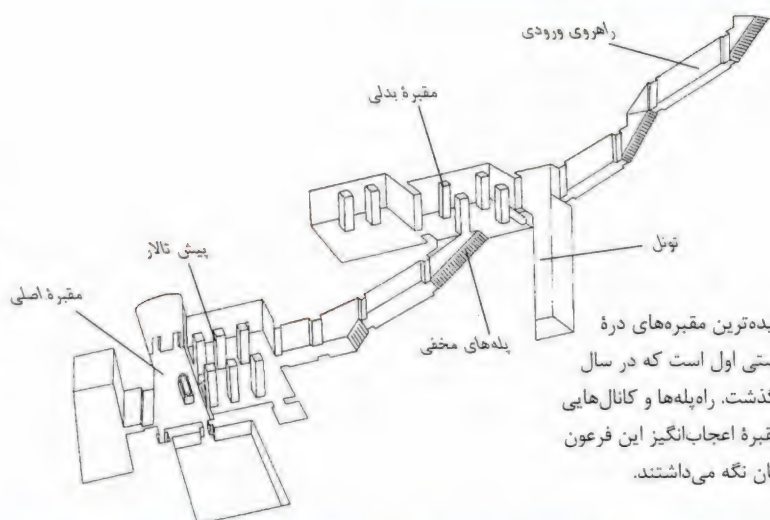


امپراتوری مردگان

دره شاهان کنار رود نیل، بالای شهر لوخور، در کنارهٔ صحرای غربی واقع است. تاکنون ۶۲ مقبره از روزگار امپراتوری جدید در آن کشف شده است.

ماسک

این ماسک زیبا روی چهرهٔ مومیایی توتان‌خامون گذاشته شده بود. در این ماسک فرعون به چهرهٔ رع، خدای خورشید، درآمده است. این ماسک از طلای ناب و سنگ لاجورد اصل به رنگ آبی ساخته شده است. مقبرهٔ توتان‌خامون باشکوه‌ترین مقبرهٔ درهٔ شاهان بود. دالان‌ها و تالارهای درونی مقبره تا ۳۲۶۰ سال بعد از ساخت دست نخورده بودند.



مقبرهٔ ستی اول

یکی از زیباترین و پیچیده‌ترین مقبره‌های دره شاهان آرامگاه فرعون ستی اول است که در سال ۱۲۷۹ قبل از میلاد درگذشت. راه‌پله‌ها و کانال‌هایی مخفی تالار باشکوه و مقبرهٔ اعجاب‌انگیز این فرعون را از هجوم دزدان در امان نگه می‌داشتند.



دزدان مقبره‌ها

وقتی هوارد کارتر وارد مقبره توتان‌خامون شد، متوجه شد که در دوران باستان به تالارهای بیرونی مقبره دستبرد زده‌اند. محافظان دره دوباره مقبره را مهر و موم کردند، اما بسیاری از اشیاء روی هم تلنبار باقی ماندند. در این تصویر، دو ارابه، دو تخت‌خواب، یک صندوق، مقداری ابزار و چند جعبه غذا دیده می‌شود.



گنجینه وصف‌ناپذیر

این جعبه عطر طلا در آرامگاه توتان‌خامون پیدا شده است. به طراحی‌های بیضوی شکل این چینی قاب‌کتیبه می‌گویند. روی این قاب‌ها تصویری از کودکی توتان‌خامون نقش شده است.



کارگران در محل حفاری مقابر

در سده‌های نوزدهم و بیستم، کارگران مصری برای حفاری مقبره‌ها به دره شاهان برگشتند تا پس از هزاران سال دوباره در آن‌جا کار کنند. آن‌ها خاک درون مقبره‌ها را می‌کنند و خاک اضافی و سنگ‌ها را با سطل به بیرون مقبره منتقل می‌کردند. این عکس در سال ۱۹۲۲ در جریان حفاری‌های هوارد کارتر در مقبره توتان‌خامون گرفته شده است.

مومیایی و تابوت‌ها

مصریان باستان دریافته بودند که اجساد می‌شوند که در دل شن‌های گرم صحرا مدفون می‌شوند اغلب سالم باقی می‌مانند. در واقع، این اجساد خشک و مومیایی می‌شدند. با گذر نسل‌ها، مصریان در مومیایی کردن مهارتی شگرف کسب کردند. آن‌ها معتقد بودند که مرده در آن دنیا به بدن خود نیاز دارد. روش‌های مومیایی کردن در طول زمان تغییر کرد. معمولاً کل فرایند مومیایی ۷۰ روز طول می‌کشید. مغز با وسیله‌ای قلبی‌شکل از راه بینی بیرون کشیده می‌شد و اندام‌های دیگر نیز پس از بیرون آوردن از بدن درون کوزه‌ها و محفظه‌های مخصوصی قرار داده می‌شد. فقط قلب درون بدن باقی می‌ماند تا در زندگی بعد به کار جسد آید. برای مومیایی کردن جسد را با نمک قلیایی (ناترون) خشک می‌کردند. بعد روی بدن روغن و پماد می‌مالیدند و سپس آن را باندپیچی می‌کردند. سپس جسد را در چندین تابوت تودرتو که به قالب بدن طراحی می‌شد قرار می‌دادند.



ظرف مومیایی

این ظرف طلایی زیبا حاوی کالبد مومیایی شده‌ی یک راهبه است. وقتی بدن مومیایی شده را باندپیچی می‌کردند، آن را درون تابوتی که هنرمندانه تزیین می‌شد می‌گذاشتند و سطح درونی و بیرونی تابوت را با طلسم می‌پوشاندند تا در عالم ارواح به شخص درگذشته کمک کند. گاهی مومیایی در چندین تابوت قرار می‌گرفت. چوب تابوت‌های درونی رنگی روشن یا روکشی از طلا داشت و تابوت خارجی از سنگ منقوش ساخته می‌شد.



کوزه‌های کانوپوس

(کانوپوس (Canopos) شهری در مصر باستان بود که در آن ظرف‌هایی برای نگهداشتن اندام‌های درونی مومیایی ساخته می‌شد. - م. از کوزه‌های مخصوصی برای نگهداشتن اعضای بدن استفاده می‌شد. کوزه‌ای که سر آدم داشت، حاوی جگر بود. در کوزه با سر میمون ریه‌ها را نگه می‌داشتند. معده در کوزه‌ای با سر شغال و روده‌ها در کوزه‌ای با سر شاهین نگهداری می‌شد.

کوزه‌های کانوپوس

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، خط‌کش، ابزار برش، سمباده، نوار چسب، رنگ اکریلیک (سفید، آبی، سبز، زرد، سیاه) ظرف آب و قلم مو.



۱. گل سفالگری را لوله کنید و دایره‌ای به قطر تقریبی ۷ سانتی‌متر با آن بسازید. این قاعده کوزه است. حالا لوله‌های نازک گل را دور تادور قاعده به شکل استوانه به سمت بالا بچینید. به حالت مارپیچ این کار را تا تکمیل بدنه ادامه دهید.
۲. فاصله بین لوله‌های گل را به آرامی صاف کنید تا سطح درونی و بیرونی کوزه صاف و یکدست باشد. بعد لبه کوزه را با ابزار برش، منظم کنید.
۳. حالا سر کوزه را درست کنید. سر کوزه را اندازه بگیرید و از باقی‌مانده گل گلوله‌ای به اندازه مورد نیاز درست کنید. آن را به شکل سر درآورید. با گل شکل سر میمون را درست کنید.



رامسس دوم

صورت رامسس دوم بعد از برداشتن نوارهای مومیایی این گونه بود. داخل حفره چشم نم می گذاشتند تا اجزای آن در جریان نمک سود کردن جسد سالم باقی بمانند.



مصریان باستان معتقد بودند که از اعضای بدن مومیایی می شود علیه او استفاده کرد. به همین علت، امعا و احشای مومیایی را در می آوردند و آن ها را جداگانه در گوزه های به نام گوزه های کانوپوس نگه می داشتند. طلسم هایی که روی گوزه می نوشتند از اندام های داخل آن محافظت می کرد.

زیر باندها

باز کردن باندپیچی مومیایی فرایندی ظریف است. امروزه باستان شناسان می توانند برای بررسی پیکره مومیایی از اسکن یا اشعه X استفاده کنند. به این طریق می توان گفت مومیایی چه می خورد، چه کار می کرد و چه بیماری هایی داشت. با اشعه X می توان تعیین کرد که از چه ماده ای برای پر کردن جای خالی امعا و احشای مومیایی استفاده شده است.



مراسم باز کردن دهان

آخرین مراسم قبل از تدفین را راهبی انجام می دهد که ماسک آنوبیس به سر دارد. تابوتی را که به شکل بدن مومیایی طراحی می کردند، عمود نگه می داشتند و با وسایل جادویی صورت تابوت را لمس می کردند. بدین ترتیب، فرد در گذشته می توانست در جهان اموات ببیند، بشنود و حرف بزند.



۴. هابی (Happy) میمون محافظ ریه های مومیایی است. از نوک ابزار برش برای شکل دادن به چشم ها و بینی کشیده میمون استفاده کنید. سر کوزه را در جای گرمی بگذارید تا خشک شود.
۵. وقتی کوزه و سر کوزه خوب خشک شدند، سطح آن ها را سمباده بکشید تا صاف شوند. در باید کاملاً اندازه کوزه باشد.
۶. حالا باید کوزه را رنگ کنید. صورت میمون را با چسب نواری بپوشانید تا رنگی نشود و در صاف شدن خطوط نیز کمک تان کند. برای رنگ آمیزی از تصویر بالا استفاده کنید.
۷. جلوی بدنه کوزه را با نقوش هیروگلیف تزئین کنید. کوزه کانوپوس شما برای تدفین آماده است.

مراسم تدفین مصریان

وقتی فرعون می‌مرد، همه چیز می‌بایست به نحو احسن برای سفر بی‌خطر او به سمت خدایان آماده می‌شد. در امپراتوری جدید، تابوت فرعون مومیایی شده، با قایق از روی نیل از تبس به ساحل غربی این رود منتقل می‌شد. آن جا تابوت را در ضریحی می‌گذاشتند و ضریح را با ارابه‌ای که گاو نر آن را می‌کشید به دره شاهان می‌بردند. مراسم تشیع جنازه تماشایی بود. راهبان شیر و بخور پخش می‌کردند. زنان نقش عزاداران رسمی را بازی می‌کردند و



زندگی پس از مرگ

«با» (ba) یا شخصیت متوفی بالای سر مومیایی پرواز می‌کند. «با» به شکل پرنده ظاهر می‌شود. وظیفه «با» این است که جسد را به روح، که «کا» (Ka) نام دارد، برساند تا جسد و روح با هم در دنیای بعد از مرگ زندگی کنند. این تصویر برگرفته از پایروسی به نام «کتاب مردگان» است. این کتاب راهنمای مردگان در زندگی پس از مرگ است. در این کتاب وردهایی برای عبور بی‌خطر از جهان ارواح آمده است. راهبان مراسم تدفین این کتاب را می‌خواندند و سپس آن را همراه مومیایی دفن می‌کردند.

فریاد می‌کشیدند و می‌گریستند. جلوی مقبره رقصی آیینی اجرا می‌شد و راهبی ورد می‌خواند. پس از مراسم و ضیافتی، تابوت به همراه خوراکی‌ها و نوشیدنی‌ها و دفینه‌هایی با ارزش در گور نهاده می‌شد. بعد مقبره را مهر و موم می‌کردند.

مجسمه‌های شبیتی

به مجسمه‌هایی که داخل مقبره فراعنه می‌گذاشتند شبیتی (shabti) می‌گفتند. این مجسمه‌ها باید در زندگی بعدی خدمتگذار و کارگر فرعون می‌شدند. در آن جهان، آن‌ها با وردی زنده می‌شدند.



چشم اودجات (Udjat)

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، سمنیاده، ابزار برش، رنگ آکرلیک (قرمز، آبی، سیاه، سفید) و ظرف آب، قلم‌مو. (استفاده از زردنه و تخته اختیاری است.)



۳. بعد از اتمام شکل را با جایی که می‌توانید به هم فشار دهید تا شکل کامل به دست آید. در صورت لزوم از ابزار برش استفاده کنید. صبر کنید چشم خشک شود.

۱. گل سفالگری را به شکل مستطیل روی تخته پهن کنید. تصویر چشم را با ابزار برش از روی گل ببرید. برای این که بدانید شکل هر بخش چگونه است به مرحله دوم توجه کنید. است.



مراسم تشییع جنازه

تابوت درون ضریحی به شکل قایق قرار می‌گیرد و با اربابهای آن را حمل می‌کنند. راهبان در حال حمل تابوت به سوی مقبره وارد و دعا می‌خوانند. به گورستان‌هایی مثل دره شاهان نکروپولیس (Necropolis) می‌گویند که به معنای «شهر مردگان» است. تابوت را از راهروی درازی عبور می‌دادند تا به آرامگاه ابدی‌اش می‌رسید. در مقبره اطراف تابوت اشیاء گرانبها می‌گذاشتند.



قایق حمل جنازه

این قایق کوچک زیبا در آرامگاه توتانخامون پیدا شده است. درون این قایق مرمی دو بانوی عزادار به نشانه خدای بانو ایزیس و خواهرش نفثیس (Nephthys) دیده می‌شوند. آن‌ها در مرگ اوزیریس مقتول مویه می‌کنند. بین این دو یک تابوت سنگی خالی دیده می‌شود که احتمالاً زمانی در آن روغن می‌ریخته‌اند. قایق‌های دیگری هم در آرامگاه توتانخامون پیدا شده است. آن‌ها فرعون در گذشته را در سفرش به جهان مردگان همراهی می‌کردند، درست مثل قایقی که رع، خدای خورشید، را به دوات (Dwat) جهان ارواح برد.



وقتی هوروس چشمش را از دست داد، خدای بالویی به نام هاتور (Hathor) چشم بهتری برای او ساخت. اودجات به زبان مصری یعنی «بهتر شده» طلسم‌هایی این چنینی را همراه مومیایی دفن می‌کردند تا در زندگی بعدی‌اش محافظ او باشند.



۴. سطح چشم را با سمباده ظریف صاف کنید. حالا می‌توانید چشم هوروس را رنگ‌آمیزی کنید. می‌گویند هوروس در نبرد با ست، خدای آشوب، چشم خود را از دست داد. ۵. سفیدی چشم را رنگ کنید و مردمک و ابرو را سیاه کنید. بعد دور چشم یک خط قرمز بکشید. نقاط باقی‌مانده را آبی کنید و صبر کنید رنگ‌ها خشک شوند.

راهبان، معابد و جشن‌ها

معابد باشکوهی به افتخار خدایان مصری بنا شد که امروزه بسیاری از آن‌ها هنوز پابرجایند. این معابد ستون‌هایی عظیم، دروازه‌های بزرگ، حیاط و خیابان‌هایی داشتند که دو طرف‌شان مجسمه نصب می‌شد. روزگاری این خیابان‌ها به زیارتگاهی می‌رسیدند که می‌گفتند خانهٔ خداست.

مردم عادی مصر باستان، برخلاف حالا که همه برای نماز در مکانی مقدس جمع می‌شوند، برای دعا کردن به معبد نمی‌رفتند. تنها راهبان اجازه داشتند وارد معبد شوند. آن‌ها به نیابت از طرف فرعون‌ها دعا می‌کردند و به پیشگاه خدایان غذا پیشکش می‌کردند، روغن معطر می‌سوزاندند و موسیقی می‌نواختند و می‌رقصیدند. آن‌ها برای استحمام و تراشیدن موی سر خود قوانین پیچیده‌ای داشتند و برخی باید لباسی مخصوص، مثلاً از پوست پلنگ، می‌پوشیدند. زنان اشراف‌زاده در برخی مراسم نقش راهبه‌ها را ایفا می‌کردند. بسیاری از راهبان دانش مذهبی چندانی نداشتند و بعد از این‌که

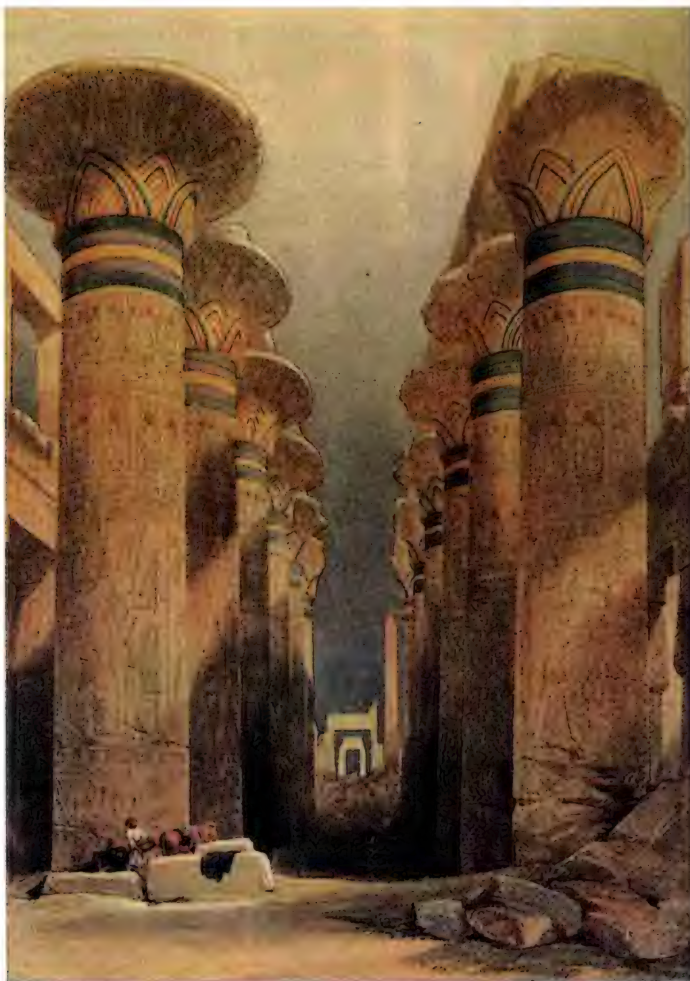


سه ماه در معبد کار می‌کردند، به زندگی عادی خود برمی‌گشتند. برخی به مطالعهٔ نجوم و اوراد می‌پرداختند.

جشن‌های آیینی مذهبی متعددی در مصر برپا می‌شد که طی آن‌ها زیارتگاه خدا در مراسمی باشکوه به معابد دیگر منتقل می‌شد. مردم عادی می‌توانستند در این مراسم شرکت کنند. غذاهایی که در این مراسم به پیشگاه خدایان تقدیم شده بود، بین مردم پخش می‌شد.

آیین‌های مقدس

راهبی در حال اجرای مراسمی مذهبی با لباسی از پوست پلنگ. او گلدانی حاوی آب مقدس چشمهٔ معبد در دست دارد. در جریان مراسم، این آب را روی پیشکش‌ها می‌ریختند تا پاکی چیزهایی که به دربار خدایان می‌رفت تضمین شود. برای پالایش هوای معبد نیز بخور می‌سوزاندند.



کرنگ

دیوید رابرتز (David Roberts) در این تصویر معبد عظیم کرنگ (Karnak) را در سال ۱۸۵۰ به تصویر کشیده است. این معبد همچنان در حاشیهٔ شهر لوخور پابرجاست. مهم‌ترین خدای این معبد آمون-رع بود. در این ناحیه دربارها و ساختمان‌هایی نیز برای خدایان و خدایانوان دیگری چون موت (Mut) (خدای بانوی کرکس‌سر، همسر آمون) و خونس (Khons) (خدای ماه، پسر آمون) ساخته شده است. معبد بزرگ را حدود ۲۰۰۰ سال پیش توسعه دادند و بازسازی کردند.



معبد هوروس

مجسمه‌ای از هوروس، خدای شاهین، از معبدی در ادفو (Edfu) محافظت می‌کند. در عصر امپراتوری جدید، معبدی در این ناحیه ساخته شد. اما معبد کنونی در ادفو در روزگار حکمرانی یونانیان بر مصر ساخته شد. این معبد به هوروس و همسرش خدای بانوی گاو، هاتور، تقدیم شده بود. درون معبد حکاکی‌هایی دیده می‌شوند که در آن‌ها هوروس در حال نبرد با دشمنان پدرش اوزیریس است.



آنوبیس مومیایی‌گر

راهبی ماسک آنوبیس را به صورت زده و مراسم مومیایی را انجام می‌دهد. می‌گویند این خدای شغال‌سر کالبد اوزیریس را برای تدفین آماده کرد. او و راهبان‌ش با مومیایی‌ها و مومیایی‌کردن پیوندی محکم دارند.

معبد کالابشا

معبد کالابشا (kalabsha) یکی از بزرگ‌ترین معابد نوبه سفلی است. در دهه شصت قرن بیستم، سد آسوان احداث شد و نوبه سفلی در مسیر آب قرار گرفت. بسیاری از بناهای واقع در ابوسمبل و فیله (Philae) باید به جای دیگری منتقل می‌شدند، سنگ‌ها و ستون‌های معبد کالابشا نیز از هم جدا شدند و ۱۳۰۰۰ قطعه سنگ آن به کالابشای نو منتقل شدند و معبد دوباره در آن‌جا ساخته شد.



دروازه ایزیس

معبد فیله به افتخار ایزیس، خدای بانوی مادر، ساخته شد. ایزیس در سراسر مصر و نیز در سرزمین‌های دیگر پرستیده می‌شد. دروازه‌های عظیمی که پیلون (pylon) نام دارند از معبد فیله مراقبت می‌کنند. دروازه‌های پیلون در اغلب معابد مصری دیده می‌شوند. در این مکان‌ها مراسم و آیین‌های خاصی برگزار می‌شد.



کارگران و برده‌ها

فراعنه معتقد بودند که ارتباطشان با خدایان باعث رونق روزگار مصریان شده است اما در واقع سخت‌کوشی و کار طاقت‌فرسای مردم طبقه پایین مصر ضامن تداوم آن سرزمین بود. مردم عادی بودند که خاک را می‌کندند، در معادن سنگ کار می‌کردند، روی نیل قایق می‌راندند، همراه با ارتش به سوریه و نوبه لشکر کشی می‌کردند و غذا می‌پختند و بچه‌ها را بزرگ می‌کردند.

برده‌داری در مصر باستان چندان اهمیتی نداشت، اما رایج بود. اکثر برده‌ها اسیران جنگ‌هایی بودند که بین مصر و کشورهای همسایه‌اش در خاور نزدیک در گرفته بود. با بردگان معمولاً خوش‌رفتاری می‌شد و آن‌ها حق مالکیت داشتند.

بسیاری از کارگران مصری برده بودند، یعنی آزادی محدودی داشتند. می‌شد آن‌ها را با ملکی که در آن کار می‌کردند، خرید و فروش کرد. دولت نام کشاورزان را ثبت می‌کرد. آن‌ها باید محصول‌شان را با قیمتی ثابت می‌فروختند و با محصولات خود مالیات‌شان را به دولت پرداخت می‌کردند. در هنگامی از سال که نیل طغیان می‌کرد و دشت‌ها به زیر آب می‌رفتند، بسیاری از کارگران به کارهای ساختمانی مشغول می‌شدند. مجازات کسانی که از زیر کار درمی‌رفتند بسیار سخت بود.



شخم‌زدن زمین با گاو نر

این مجسمه که در مقبره‌ای یافته شده است مردی را در حال شخم‌زدن زمین با گاو نر نشان می‌دهد. کار روزانه کشاورزان مصری بسیار سخت بود. کشاورزان غیرحرفه‌ای زمینی از خود نداشتند و دستمزد کمی هم می‌گرفتند.

حمل مجسمه

این برده‌ها مجسمه سنگی عظیمی را روی سورت‌های باررسمان می‌کشند. بسیاری از کارگران مزرعه در تابستان و پاییز باید به ساختمان‌سازی، ساخت سد یا اهرام می‌پرداختند. آن‌ها در قبال کارشان از کارفرما خوراک و مسکن می‌گرفتند، اما حقوق نمی‌گرفتند. تنها طبقات بالا از این خدمات معاف بودند، اما هر کسی که پولی داشت می‌توانست به دیگری حقوق بدهد تا برایش کار کند. از برده‌ها برای کارهای سختی چون حفاری معادن استفاده می‌شد.





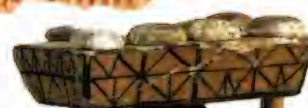
شمارش غازها

در این نقاشی دیواری عده‌ای را در حال شمارش غازهای یک کشاورز می‌بینیم. مأموران دولت هر سال به مزارع سر می‌زدند و حیوانات مرزعه را سرشماری می‌کردند تا معلوم شود که هر کشاورز چه مقدار مالیات باید به فرعون بدهد. مالیات کشاورزان محصولشان بود، نه پول. کاتبی که در سمت چپ تصویر می‌بینید، اطلاعات را ثبت می‌کند. کاتبان از طبقات بالا محسوب می‌شدند و رتبه‌ای بالاتر از کارگران دیگر داشتند.



آن مرد را بزنید

در این نقاشی که روی دیواره آرامگاهی کشیده شده، مأموری را در حال نظارت بر کار مزرعه مشاهده می‌کنید. کارگران غیرماهر جزء مایملک فرعون، معبد یا مالکی ثروتمند محسوب می‌شدند. کشاورزانی که نمی‌توانستند یا نمی‌خواستند در صد زیادی از محصول خود را برای اجاره یا مالیات به دولت بپردازند به سختی مجازات می‌شدند. آن‌ها کتک می‌خوردند و ابزار یا خانه‌شان به جای مالیات مصادره می‌شد. محاکم قانونی، قضات و نمایندگانی محلی برای رسیدگی به خلاف مأمورانی که رشوه می‌گرفتند، وجود داشت.



حمل نان

زنی با سینی نان بر سر دیده می‌شود. کار پخت و پز در خانه‌های بزرگ و قصرها اغلب بر عهده خدمتکاران مرد بود، اما پختن نان کار زن‌ها بود. نانوایی یکی از معدود مشاغل مجاز برای زنان مصر باستان بود.



آسیاب کردن

در این تصویر متعلق به سال ۲۳۲۵ قبل از میلاد، کنیزی را در حال آرد کردن گندم یا جو می‌بینیم. او برای این کار از آسیاب دستی سنگی استفاده می‌کند.

کشاورزان و محصولات

مصریان باستان ساحل نیل را به دلیل گل‌ولای تیره‌ای که هر سال همراه جریان آب نیل از مرکز افریقا به مصر می‌آمد، «سرزمین سیاه» می‌نامیدند. نیل در ماه ژوئن طغیان می‌کرد و این طغیان گلی حاصلخیز برای مصریان به ارمغان می‌آورد. کرانه نیل تا پاییز زیر آب باقی می‌ماند.

در ماه نوامبر زمین آماده شخم و زراعت بود. بذری که روی خاک افشاند می‌شد و زیر پای بزه و گوسفندان لگد می‌خورد. در اوقات خشک‌تر سال، کشاورزان کانال و جوی‌هایی برای آبیاری زمین‌های خود حفر می‌کردند. در دوره امپراتوری جدید، نوعی سیستم انتقال آب رواج یافت که به آن شادوف (shaduf) می‌گفتند. در این سیستم، آب رودخانه برای آبیاری زمین‌های کشاورزی بالا کشیده می‌شد. موفقیت این چرخه کشاورزی حیاتی بود. در سال‌هایی که رود نیل طغیان نمی‌کرد یا خشکسالی بود، ممکن بود فاجعه رخ دهد. اگر محصول کافی نبود، مردم گرسنه می‌ماندند.

کشاورزان در مزارع خود اردک، غاز، گوسفند، بز و خوک پرورش می‌دادند. گاوها در سرزمین‌های



کار سخت در مزارع

محصول معمولاً در ماه مارس یا آوریل، درست پیش از آغاز فصل گرما، کاشته می‌شد. خوشه‌های گندم یا جو یا داسی که دسته چوبی و تیغه سنگی و تیز داشت بریده می‌شد. در نواحی‌ای که آبیاری آسان‌تر بود، در تابستان نیز برای بار دوم زمین محصول می‌داد.



جشن درو

راهب‌های محصول تازه را به مقبره نخت تقدیم می‌کند. در تصویر میوه‌های لذیذی می‌بینیم که در مصر می‌رویید، میوه‌هایی مثل انجیر، انگور و انار.

ابزار کشاورزی

از کج‌بیل برای شخم‌زدن خاک‌های سفتی که خیش از پس‌شان بر نمی‌آمد استفاده می‌کردند. کج‌بیل در حفاری هم کاربرد داشت. داس نیز وسیله بریدن محصول بود.



شادوف

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، چسب چوب، نوار چسب، رنگ اکریلیک (آبی، سبز، قهوه‌ای)، ظرف آب و قلم‌مو، تکه‌های کوچک چوب بالزا، سنگ‌های کوچک، شاخ و برگ، سفال، مفتول، کتف. توجه: رنگ سبز را با گیاهان خشک مخلوط کنید تا چمن در دست شود.



۱. لایه‌های جعبه‌های a, b, c را مثل تصویر چسب بزنید. بعد با چسب نواری محکم‌شان کنید و صبر کنید خشک شوند. سطح بالایی رودخانه (b) و مخزن آب (c) را آبی رنگ کنید و صبر کنید رنگ خشک شود.



کانال آبیاری و کرانه رودخانه = a
روی مقوا قسمت‌های a, b, c را به اندازه‌های داده‌شده ببرید.



چراندن گاو ان نر

در این نقاشی دیواری که در دوران امپراتوری جدید کشیده شده گله گاوهایی را می بینیم که در حضور مأمور دولتی جمع آوری شده اند. در روزگار قبل از سلطنت فراعنه، مردم ساکن کنار رود نیل گاو پرورش می دادند و از گوشت، چرم و شیرشان استفاده می کردند. گاوها خیش های چوبی را می کشیدند و در پیشگاه خدایان در معابد قربانی می شد.

محصولات نیل

اصلی ترین محصولات ساحل نیل گندم و جو بودند که از آن ها برای پختن نان و درست کردن آجیو استفاده می شد. لوبیا، عدس، پیاز، کلم، تره فرنگی، خیار، تربچه و کاهو نیز از دیگر محصولات کناره نیل بودند. در واحه های صحرایی می شد انجیر، خربزه های آبدار و خرما پرورش داد. انگور نیز در تاکستان ها می رویید.

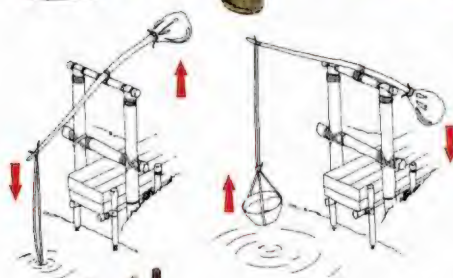


پیاز

تره فرنگی

ماشین آبیاری

شادوف تیرکی دارد که به یک سر آن سطلی می بندند و به سر دیگرش وزنه ای سنگین. وقتی وزنه بالا می رود، سطل داخل آب رودخانه قرار می گیرد. وقتی وزنه پایین می آید، سطل پر از آب بالا کشیده می شود.



سیستم مکانیکی بالا کشیدن آب، که به شادوف معروف بود، در خاورمیانه ابداع شد. این سیستم حدود ۳۵۰۰ سال قبل به مصر رسید.



۲. سطح بالایی کرانه رودخانه را با رنگ چمنی که درست کرده اید رنگ کنید. کناره های آن را قهوه ای کنید و کانال آبیاری را آبی رنگ بزنید. بعد با تکه های چوب چهارچوب شادوف را درست کنید.
۳. چوب ها را به هم چسب بزنید. برای محکم کاری از نوار چسب و مقوا استفاده کنید. پس از خشک شدن، چهارچوب را قهوه ای کنید. سنگ ها را به منبع آب بچسبانید.
۴. با یک تکه چوب تیرک شادوف را درست کنید. برای درست کردن وزنه، یک تکه گل را درون تکه ای کف بیچید و آن را به یک سر تیرک ببندید. یا سفال یک سطل کوچک درست کنید و روی بدنه آن دو سوراخ برای رد شدن مقول تعبیه کنید. را دارد بچسبانید.
۵. مقول را از دو سوراخ سطل رد کنید و آن را به تیرک ببندید. بعد تیرک را با وزنه و سطلش به چهارچوب شادوف ببندید. بعد چهارچوب شادوف را به جعبه ای که نقش کرانه رودخانه را دارد بچسبانید.



زنی در حال درست کردن آبجو

این پیکره چوبی زنی است در حال درست کردن آبجو که ۲۴۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. برای درست کردن آبجو، نان جو را در آب چنگ می‌زدند و خرد می‌کردند. وقتی مخلوط ترش می‌شد (تخمیر می‌شد) مخلوط را درون ظرفی چوبی صاف می‌کردند. در مصر باستان انواع آبجو تولید می‌شد که همه بسیار محبوب بودند. می‌گویند شراب را اوزیریس به دیار مصر برد.

جام

از این جام زیبای سرامیکی برای نوشیدن شراب، آب یا آبجو استفاده می‌شد. روی جام با نقش‌های گل نیلوفر آبی تزیین شده است.



دسرهای صحرا

مصریان بعد از غذا معمولاً خشکبار، مثل پادام، یا میوه‌های شیرینی مثل انجیر آبدار، خرما، انگور، انار یا خربزه می‌خوردند. از آن‌جا که مصریان شکر نداشتند، برای شیرین کردن خوراکی‌ها از عسل استفاده می‌کردند.



مصریان نان را معمولاً به شکل مارپیچ (حلزونی) درست می‌کردند. از دیگر شکل‌های متداول، شکل حلقه‌ای مثل شیرینی دونات و شکل هرمی بود. بعضی از شیرینی‌ها یا نان‌ها به شکل کروکودیل درست می‌شدند.



پخت نان در قصر

معمولاً مجسمه‌های کوچکی از گروهی کامل از نانوایان و آشپزان داخل مقبره‌ها گذاشته می‌شد تا فرعون بتواند در جهان دیگر برای میهمانانش میهمانی‌های خوبی بدهد. در تصویر، مجسمه‌ها را در حال ورز دادن و مخلوط کردن و الک کردن آرد برای درست کردن کلوچه می‌بینیم. بخش عمده‌ای از دانش ما در مورد غذای مصریان باستان از مشاهده جعبه‌های غذا و پیشکشی‌های درون مقبره‌ها به دست آمده است.



۴. شیر را اضافه کنید و آن‌قدر مخلوط را هم بزنید که خمیر به دست آید. با خمیر خود گلوله‌ای بسازید و آن را روی تخته قرار دهید. خمیر را سه قسمت کنید.
۵. مانند شکل از هر گلوله خمیر لوله‌ای دراز و باریک بسازید. لوله را به شکل حلزونی ببیچید. هر سه گلوله خمیر را به همین شکل درست کنید. کیک‌ها را ببوشانید.
۶. حالا روی خمیرها زیره بریزید و آن‌ها را روی تابه چرب فر قرار دهید. با پنبه عسل سطح کیک‌ها را ببوشانید.
۷. از بزرگ‌تر خود بخواهید کیک‌ها را در فر قرار دهند و حرارت آن را روی ۱۸۰ درجه سانتی‌گراد تنظیم کند و ۲۰ دقیقه آن را حرارت دهند. وقتی کیک آماده شد، آن را از اجاق درآورید و بگذارید تا سرد شود.

لباس مصریان

رایج‌ترین پارچه لباس در مصر کتان بود که اغلب یک‌دست سفید تهیه می‌شد. برای رنگ کردن پارچه بعضی وقت‌ها از رنگ‌های طبیعی یا مواد طبیعی مثلاً آهن (رنگ قرمز)، نیل (آبی) و زعفران (زرد) استفاده می‌شد، اما معمولاً لباس رنگ‌شده یا طرح‌دار نشانه خارجی‌ها بود. با این حال، مصریان لباس‌های خود را با پر و مهره‌های زیبا تزئین می‌کردند. در مصر باستان از پشم برای بافتن پارچه لباس استفاده نمی‌شد. از ابریشم و کتان هم تا حدود ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد — هم‌زمان با به قدرت رسیدن دولت‌های خارجی در مصر — خبری نبود.

اصلی‌ترین بخش لباس مردان دامنی ساده، لنگ یا تونیک بود. زنان ردایی بلند و کاملاً چسبان به تن می‌کردند که از پارچه نازک تهیه می‌شد. در طول اعصار، مدل لباس‌های مردان و زنان مصر مدام تغییر می‌کرد و این تغییرات معمولاً در پیلی لباس، نوار یا تای آن رخ می‌داد.

مدل لباس پوشیدن در عصر امپراتوری جدید پیشرفته‌تر شد، اما اصولاً لباس مصریان ساده بود. در عوض، از کلاه‌گیس‌های مجلل و جواهرات و آرایش چشم استفاده می‌کردند که تأثیری به مراتب عمیق‌تر از خود لباس داشت.



دستبند شانس

روی این دستبند چشم اودجات (چشم هوروس) نقش بسته است. برای مصریان این چشم طلسم حمایت و امنیت بود. در بسیاری از زینت‌آلات مصری طلسم‌هایی این چنینی برای تزئین و نیز به دلیل باورهای خرافی به کار می‌رفت. گاهی روی دستبند یا گوشواره طلسمی نقش می‌زدند تا شخص دارنده آن از نیش مار یا دیگر بلاها در امان بماند.

سندل‌های طلا

این سندل‌های طلا در آرامگاه فرعون ششنگ دوم (Sheshong II) پیدا شده‌اند. سندل اشراف معمولاً از چرم مرغوب ساخته می‌شد، در حالی که جنس سندل طبقه ضعیف و فقیر جامعه از پاپیروس یا علف‌های بافته شده بود.



پارچه‌ها

پارچه‌کتنی معمولاً از گیاه کتان به دست می‌آمد. ساقه این گیاه را می‌خیساندند و بعد می‌کوبیدند و سپس از آن رشته‌های نخ درست می‌کردند. رشته‌ها با دوک دستی به نخ تبدیل می‌شدند و بافته تار را در دهان خود خیس نگه می‌داشت. رشته در این حالت آماده بافته شدن بود. نخستین دستگاه نساجی مصریان افقی بود، تا آن‌که در دوران هکسوس‌ها دستگاه نساجی عمودی در مصر رواج یافت.

در خور شاه و ملکه

در این تصویر، که بخشی از سریری طلایی است، توتان‌خامون و همسرش آنخسنامون (Ankhesenamun) را در قصرشان می‌بینید. تصویر از موادی چون شیشه، نقره، سنگ‌های گرانیتها و سرامیک (سفال لعاب‌دار) ساخته شده است. ملکه ردایی بلند و پیلی‌دار به تن دارد و فرعون دامن بلند پیلی‌دار. لباس مصریان دوخته نمی‌شد، بلکه دور تن‌شان پیچانده می‌شد. لباس‌های پیلی‌دار از امپراتوری میانه به بعد بسیار رایج شده بود. توتان‌خامون و همسرش هردو صندل به پا دارند، دست‌بند به دست کرده‌اند و یقه‌هایی بزرگ و آرایش مویی زیبا دارند. ملکه عطر یا مرهمی را با کاسه به همسرش می‌دهد.

نخستین مدها

این پیراهن در قبر تارخان (Tarkhan) پیدا شده است. این پیراهن قریب به ۵۰۰۰ سال قبل در روزگار فرعون دژت (Djehutihotep) بافته شده است. جنس آن کتان است و روی شانه‌هایش پیلی دارد.



یقه‌های رنگین

یقه‌های مجلل بزرگ رنگی معمولاً از مهره‌های رنگی شیشه‌ای، گل، تمشک و برگ درختان درست می‌شدند. از این یقه‌ها در جشن‌ها یا موقعیت‌های خاص استفاده می‌کردند. یقه‌هایی که در مقبره توتان‌خامون پیدا شده از برگ زیتون و گل گندم درست شده‌اند. باستان‌شناسان با بررسی این گیاهان اطلاعات ارزشمندی در مورد باغبانی، کشاورزی، آب‌وهوا و حشرات در مصر باستان به دست آورده‌اند.



ظاهر زیبا



مردان و زنان مصر همیشه آرایش داشتند. آرایش آن‌ها شامل سایه چشمی سبز رنگ بود که از ماده‌ای معدنی به نام مالاکیت (Malachite) به دست می‌آمد.

به علاوه، آن‌ها از خط چشمی سیاه استفاده می‌کردند که از گالنا، نوعی گرانیت، تهیه می‌شد. ماتیک و سرخاب از خاک اخراى سرخ رنگ تهیه می‌شد. مصریان باستان به خال کوبی نیز بسیار علاقه داشتند.

آئینه، آئینه

آئینه از مس یا مفرغ صیقل یافته با دسته‌ای چوبی یا عاج ساخته می‌شد. این آئینه مفرغی متعلق به ۱۹۰۰ سال قبل از میلاد است. ثروتمندان برای دیدن وضعیت موی سر خود، آرایش کردن، یا اصلاً فقط برای ستودن زیبایی خود آئینه به دست می‌گرفتند! فقرا باید به دیدن چهره خود در آب بسنده می‌کردند.

اغلب مردان مصری ریش خود را می‌تراشیدند. راهبان هم موهای خود را از ته می‌تراشیدند و موهای کوتاه فرعون همیشه در میان جمع پوشیده بود. استفاده از کلاه گیس بین مردان و زنان و حتی کسانی که خود بسیار پرمو بودند، رایج بود. مردم مصر موهای سفید خود را رنگ می‌کردند و برای کچلی هم راه‌های درمانی داشتند. یکی از آن‌ها محلولی بود که از سم خر، پنجه سگ، هسته خرما و روغن درست می‌شد!

زیبایی جاودان

این سردیس ساخته شده از سنگ آهک، سر ملکه نفرتی تی، همسر فرعون خورشیدپرست، آخن آتن است. ظاهراً او کمال مطلوب زیبایی مصریان بود. او سرپوشی به سر و گردنبندی به گردن دارد. این مجسمه سنگی رنگ شده است و به همین علت، می‌توان مشاهده کرد که او آرایش صورت و لب هم دارد.



آئینه

مواد مورد نیاز: مقوای آئینه‌ای، مداد، قیچی، گل سفالگری، کار، وردنه و تخته، قطعات کوچک مقوا یا سمپاده، رنگ طلایی، چسب چوب، قلم مو، ظرف آب.



۱. مثل تصویر، روی طرف سفید مقوای آئینه‌ای شکل دلخواه خود را رسم کنید. دور طرح را به دقت ببرید. مقوا را کناری بگذارید.
۲. گل سفالگری را بردارید و آن را به صورت لوله درآورید و بعد آن را مثل تصویر به شکل دسته آئینه درست کنید. روی دسته را با نقش‌هایی مثل لوتوس یا گل پایروس یا هر نقش دیگری تزیین کنید.
۳. حالا روی یک سر دسته شکافی ایجاد کنید. می‌توانید مثل تصویر، از لبه‌های سمپاده یا مقوا استفاده کنید. این شکاف محل اتصال آئینه به دسته است.



کلاه گیس‌های بزرگ و قیف‌های موم اندود

در بسیاری از تصاویر به‌جا مانده از مصر باستان، اشراف را در مجالس میهمانی با مخروطی حاوی روغن معطر روی سر می‌پینیم. احتمالاً گرم شدن این مخروط‌ها باعث متعادل شدن بوی خوش روغن می‌شد. اما بعضی از کارشناسان معتقدند که هنرمندان مصر باستان با کشیدن این شکل مخروطی روی سر می‌خواستند نشان دهند که فرد کلاه گیس معطری بر سر دارد. استفاده از کلاه گیس و موهای مصنوعی در مصر باستان بسیار رایج بود و مردم اغلب موهای‌شان را کوتاه می‌کردند. اما برخی هم موهایی بلند داشتند که آن را به شکل باشکوهی می‌آراستند.

لوازم آرایش

در نخستین سال‌های

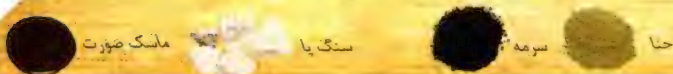
امپراتوری مصر، از سرب طبیعی که

مادامای سمی بود سرمه می‌ساختند. بعدها

از دوده استفاده می‌شد. یا حنا ناخن‌های دست و پا و کف پا

را قرمز می‌کردند. روش‌های دیگر زیبایی استفاده از سنگ پا برای نرم

کردن پوست‌های زیر و زدن ماسک خاکستر به صورت بود.



ظرف آرایش

لوازم آرایش، روغن‌ها و لوسیون‌ها

در جام و کاسه تهیه و نگهداری

می‌شدند. گاهی نیز از نی‌های

توخالی و لوله برای نگهداشتن

لوازم آرایشی استفاده می‌شد.

این ظرف‌ها سنگی، سفالی یا

شیشه‌ای بودند. مواد معدنی را

اسیاب می‌کردند و در ظروف آرایش

آن را با آب مخلوط می‌ساختند تا خمیری

به دست آید. برای آرایش کردن از انگشت یا وسیله‌ای چوبی که به‌همین منظور ساخته می‌شد استفاده می‌کردند. معمولاً برای آرایش چشم از دو رنگ استفاده می‌کردند: سبز و سیاه. استفاده از رنگ سبز در آرایش چشم خاص دوره‌های ابتدای امپراتوری مصر بود اما بعدها آرایش چشم با رنگ سیاه رواج یافت.



گردی آینه و سطح برق آن برای مصریان یادآور قرص خورشید بود. به همین علت، آینه نمادی مذهبی محسوب می‌شد. در دوره امپراتوری جدید، بسیاری از آینه‌ها با تصویر خدای بانو هاتور یا گل لوتوس تزئین می‌شدند.



۴. دسته را روی تصویری فلزی قرار دهید تا هر دو طرفش در معرض جریان هوا قرار گیرد. آن را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود. بعد از دو ساعت آن را برگردانید تا طرف دیگری هم کاملاً خشک شود. وقتی کاملاً خشک شد، اندازه آینه را امتحان کنید.

۵. حالا وقت رنگ کردن دسته آینه است. با دقت یک طرف را طلایی رنگ کنید و بگذارید خشک شود. پس از آن که خشک شد، آن را برگردانید و طرف دیگری را رنگ کنید.

۶. حالا دیگر باید آینه را نصب کنید. به پایه آینه چسب بزنید و آن را داخل شکاف دسته بگذارید. آن را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود.



کاتبان در حال ثبت میزان محصول

کاتبان زانورده و خمیده در حال ثبت میزان محصول گندم هستند. کشاورز باید بخشی از محصول خود را برای مالیات به فرعون می‌داد. چندین کاتب در دربار به کار نوشتن صورت‌حساب، مالیات‌ها، فرمان‌ها و قوانین اشتغال داشتند. آن‌ها مستخدم دولت محسوب می‌شدند.

پاپيروس و دست خط‌ها

کلمهٔ (Paper) (به معنای کاغذ) برگرفته از واژهٔ پاپيروس است و پاپيروس، نی‌ای است که در حاشیهٔ رود نیل می‌روید. مصریان برای درست کردن کاغذ، پوستهٔ خارجی پاپيروس را می‌تراشیدند و مغز آن را رشته‌رشته می‌کردند و در آب می‌خیساندند و بعد آن‌ها را به صورت لایه‌های مورب روی هم قرار می‌دادند. سپس لایه‌ها را آن‌قدر می‌کوبیدند که رشته‌ها کاملاً به هم فشرده شوند. بعد سطح پاپيروس را با ابزاری چوبی می‌ساییدند. دیگر وسایل نوشتن عبارت بودند از تکه‌های سفال، چرم و لوحه‌های گچی.

احتمالاً از هر ۱۰۰۰ مصری تنها چهار نفر سواد خواندن یا نوشتن داشتند. کاتبان

نویسندگان حرفه‌ای بودند که اسناد دولتی، نامه، شعر و داستان می‌نوشتند. دوره‌های آموزشی کاتبان تمام‌وقت و سخت و دقیق بود. معلمی به نام آمِنومپ (Amenemop) خطاب به شاگردانش نوشته است: «هیچ روزی را به تنبلی نگذرانید، وگرنه کتک خواهید خورد.» به هر حال، اکثر کارگران به کاتبان حسادت می‌کردند، چون کاتبان زندگی مرفهی داشتند. آن‌ها در قبال کاری که انجام می‌دادند حقوق خوبی می‌گرفتند.



کتابچهٔ مشق

مشق شب اغلب روی تکه‌های شکسته و بی‌مصرف سفال و سنگ نوشته می‌شد. این تکه‌ها به اُستراکا (Ostraka) معروف‌اند.

شاگردان جوان مشق‌هایشان را روی این لوح‌ها می‌نوشتند و آن‌ها را به استاد خود می‌دادند تا تصحیح‌شان کند. چندین نمونه لوح تصحیح‌شده در مصر یافت شده است.



ابزار کاتب

این ابزار زیبا در مقبرهٔ توتان‌خامون پیدا شده است. این صفحه از ورقهٔ عاج ساخته شده و لبه‌های آن طلایی است. از این ابزار صیقل‌دهنده برای تراشیدن سطح ورقه‌های تازهٔ پاپيروس استفاده می‌شد.

جعبه ابزار کاتب

این جاقلمی حدود ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است و حاوی چند قلم ساخته شده از نی و یک دوات است. از مخلوط زغال سنگ یا دوده با آب جوهر می ساختند. در ابتدا کاتبان وسیله ای برای آسیاب کردن نیز همراه داشتند. اغلب روی جعبه ابزار کاتب، نام کاتب، نام صاحب کار وی یا فرعون وقت حک می شد.



قلم

در مصر باستان قلم و قلم مو را از نی می ساختند. روی تخته رنگ مخصوصی تکه های جوهر را با آب مخلوط می کردند. جوهر سیاه از زغال سنگ و جوهر سرخ از ماده ای (از مشتقات آهن) به دست می آمد.

زغال

قلم نی



تخته رنگ قابل حمل

کاتب به اقتضای شغلش باید سفر می کرد تا اسناد رسمی را به ثبت برساند. اکثر کاتبان در سفر تخته رنگ های قابل حملی، مثل آن چه در تصویر می بینید، همراه داشتند. آن ها برای محافظت از آن چه ثبت می کردند اغلب پوشه یا کیف دستی نیز با خود می بردند.



کاتبان نامی

آکروپی (Accroupi) چهار زانو نشسته است و یک لوله یا پیروس و یک جاقلمی در دست دارد. آکروپی کاتبی مشهور بود که در عصر امپراتوری قدیم در مصر زندگی می کرد. در مصر باستان، کاتبان اغلب اشخاصی بانفوذ بودند و مجسمه های متعددی از ایشان ساخته شده و پابرجاست. بر مقام والای کاتب در متن هجونامه اهل فن (Satire of the Trades) تأکید شده است: «بنگرا! برای هیچ کاتبی از غذا و ثروت در قصر مضایقه نمی شود.»



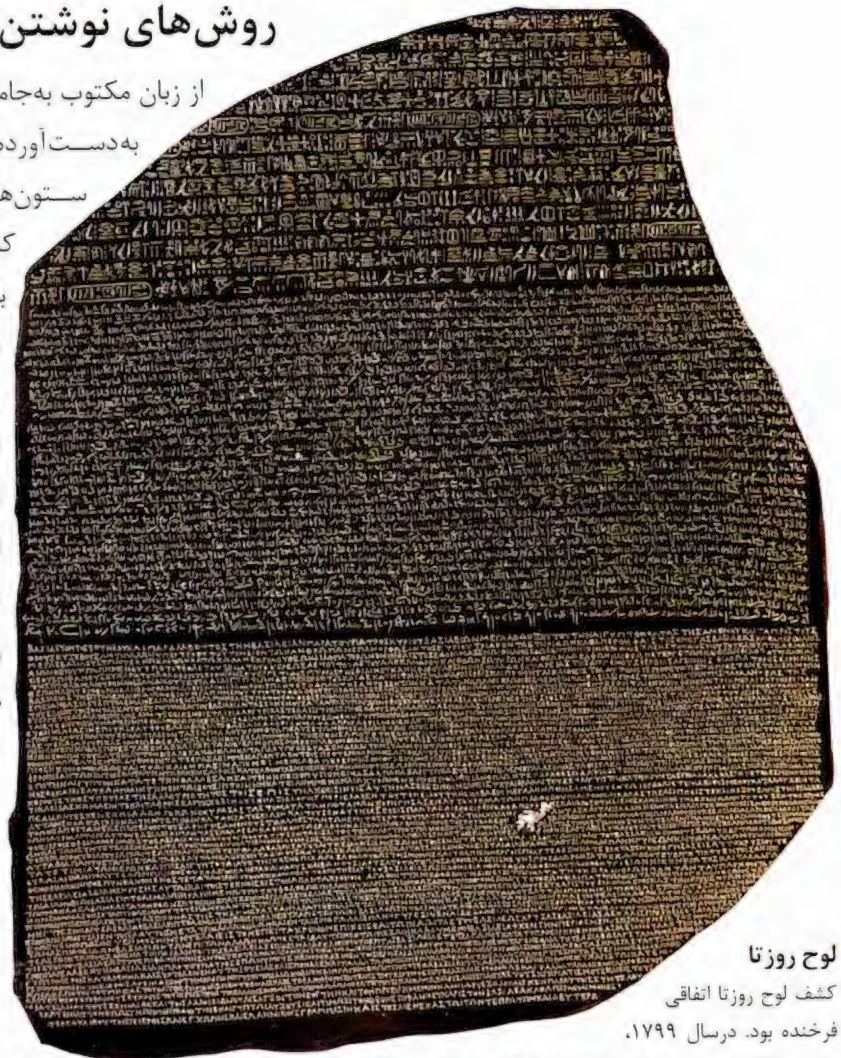
نماد کاتب

نشان هیروگلیف کاتب شامل یک ظرف آب، کسی که قلم مویی به دست دارد و تخته ای با ظرف های مرکب است. در زبان مصری «سش» (Sesh) به معنای کاتب یا مأمور بود.

روش های نوشتن

از زبان مکتوب به جامانده از مصریان اطلاعات فراوانی در مورد مصر باستان به دست آورده ایم. روی تمام پناهای به جا مانده از مصر باستان، از ستون های یادبود گرفته تا مقبره ها، خطوطی نقش بسته است که حاوی اطلاعات دقیقی درباره نحوه زندگی مصریان باستان است. از حدود ۳۱۰۰ سال قبل از میلاد، مصریان از تصویری استفاده می کردند که به آن هیروگلیف می گفتند. هر شکل نشانه یک شیء، یک ایده یا یک صدا بود. در ابتدا، مصریان حدود ۱۰۰۰ نشان هیروگلیف داشتند. هیروگلیف سال ها رایج بود، اما از سال ۱۷۸۰ قبل از میلاد خطی به نام هیراتی (hieratic)، که نوع دیگری از خط تصویری بود، در مصر رواج یافت. علاوه بر هیروگلیف، در آخرین روزهای مصر باستان خط دیگری به نام دموتی (demotic) (به معنای عامیانه) نیز رواج داشت.

اما در سال ۶۰۰ میلادی، سال ها پس از روزگار آخرین فرعون، دیگر هیچ کس از هیروگلیف سر در نمی آورد. اسرار مصر باستان حدود ۱۲۰۰ سال سر به مهر باقی ماند، تا این که لوح روزتا (Rosetta Stone) کشف شد.



لوح روزتا

کشف لوح روزتا اتفاقی

فرخنده بود. در سال ۱۷۹۹،

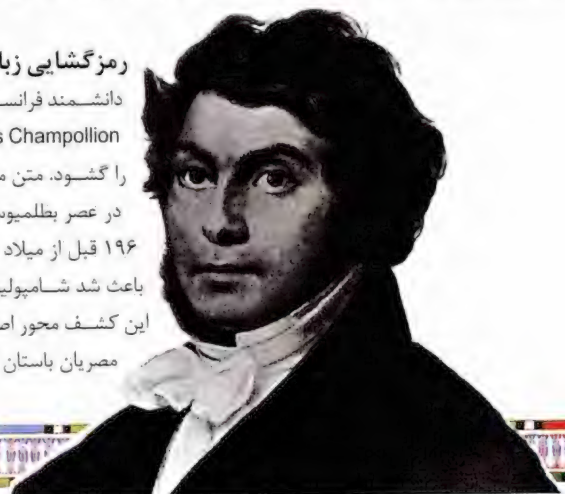
سربازی فرانسوی در روستای الرشید یا روزتای مصر قطعه سنگی پیدا کرد. روی سنگ، متنی واحد به سه خط، که نشانه دو زبان اند، حک شده بود: متن هیروگلیف در بالا، متن دموتی وسط و متن یونانی در پایین دیده می شود.

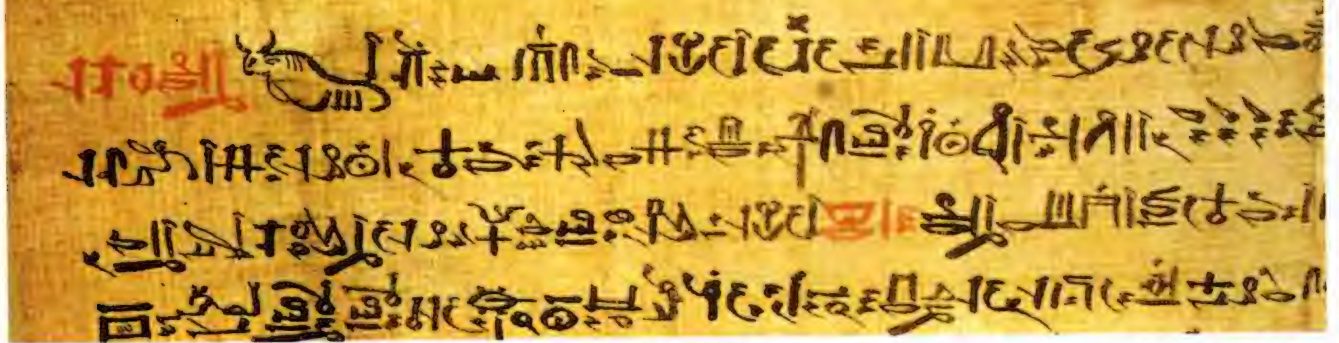
هیروگلیف

خط هیروگلیف شامل تصویری کوچک بود. این تصاویر مبتنی بر طرح های ساده ای از پرندگان، مارها، گیاهان، اندام های بدن، قایق و خانه بودند. برخی از نشانه های هیروگلیف بیانگر مفهومی کامل مثل نور، زندگی یا مسافرت اند. برخی دیگر نشانه حروف یا صداهایی اند که احتمالاً از کنار هم قرار دادن آن ها واژه ای ساخته می شد.

رمزگشایی زبان مصریان

دانشمند فرانسوی ژان-فرانسوا شامپولین (Jean-Francois Champollion) در سال ۱۸۲۲ رمز لوح روزتا را گشود. متن مذکور حاوی فرمانی حکومتی است که در عصر بطلمیوس پنجم، حکمران یونانی مصر، در سال ۱۹۶ قبل از میلاد نوشته شده است. بخش یونانی این لوح باعث شد شامپولین موفق به رمزگشایی هیروگلیف شود. این کشف محور اصلی دانسته های ما در مورد روش زندگی مصریان باستان است.





خط هیراتی

در خط هیراتی (تصویر بالا) همان نشانه‌های هیروگلیف به صورت اشکالی درآمده‌اند که بیش‌تر شبیه حروف‌اند. این خط راحت‌تر بود و سریع‌تر هم نوشته می‌شد. از این خط برای نوشتن داستان، نامه یا قرارداد کاری استفاده می‌شد. خط هیراتی همیشه از راست به چپ خوانده می‌شد.

خط دموتی

خط دموتی تقریباً در اواخر امپراتوری کهن مصر رواج یافت. نوشتن این خط حتی از خط هیراتی هم راحت‌تر بود. در ابتدا از آن در تجارت استفاده می‌شد، اما چندی بعد این خط به نوشته‌های مذهبی و علمی هم راه یافت. وقتی مصر به اشغال رومیان درآمد، این خط از بین رفت.



علم و فناوری

مصریان باستان سیستم شمارش و اندازه‌گیری بسیار دقیقی داشتند. آن‌ها از دانش خود در معماری، مهندسی و مساحی به‌خوبی استفاده می‌کردند. با این حال، دانش علمی آن‌ها اغلب با خرافات و جادو آمیخته بود. مثلاً پزشکان در مورد شکستگی استخوان و جراحی بسیار حاذق بودند، اما در عین حال برای از بین بردن بیماری دست به دامن انواع طلسم و نظر قربانی و جادو هم می‌شدند. آن‌ها بخش عمده دانش خود را در مورد کالبد انسان مرهون مراسمی بودند که هنگام آماده‌سازی جسد برای دفن انجام می‌دادند.

راهبان حرکت ستارگان را به دقت بررسی می‌کردند. آن‌ها سیاره‌ها را خدا می‌پنداشتند. مصریان تقویمی هم داشتند که برای آگاهی از زمان طغیان نیل و موعد کشت بسیار مفید بود.



پاپیروس ریاضی

این پاپیروس حاوی روش‌های محاسبه ریاضی محیط دایره، مربع و مثلث است. زمان آن به حدود ۸۵۰ سال پیش از میلاد برمی‌گردد. از این روش‌ها برای محاسبه مساحت زمین‌ها و ارتفاع اهرام در پروژه‌های ساختمان‌سازی مصر استفاده می‌شد. سایر مکتوبات به‌جامانده از مصر باستان نیز حاوی محاسبات ریاضی در مورد میزان غله‌ای است که می‌توان در انباری جا داد. سیستم شمارش مصریان دهمی بود که در آن برای ۱، ۱۰، ۱۰۰، ۱۰۰۰ نشانه‌های جداگانه‌ای وجود داشت. برای نشان دادن اعداد، مثلاً هشت، از هشت نشانه یک استفاده می‌کردند: ۱۱۱۱۱۱۱۱.

مقیاس ذراع

واحدهای اندازه‌گیری ذراع سلطنتی معادل ۵۲ سانتی‌متر و ذراع کوتاه معادل ۴۵ سانتی‌متر بود. یک ذراع مساوی بود با طول آرنج یک مرد و واحدهای کوچک‌تر آن وجب و انگشت بود.



ساعت آبی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، گلدان پلاستیکی، ابزار برش، درفش، مداد، خط‌کش، نوار چسب، چغی، رنگ اکریلیک زرد، روغن جلا، ظرف آب و قلم مو. استفاده از وردنه و تخته اختیاری است.



۱. کارتان را با پهن کردن گل سفالگری روی تخته شروع کنید. قاعده گلدان پلاستیکی را محکم روی خمیر بگذارید. این دایره ته ساعت آبی شما خواهد بود.
۲. مستطیلی از خمیر سفال ببرد. این مستطیل باید آن قدر باشد که دور تا دور گلدان پلاستیکی را بپوشاند. قاعده را به قالب اضافه کنید و محل اتصال این دو را با ابزار برش صاف کنید.
۳. انتهای گلدان، نزدیک قاعده را، مانند تصویر با درفش سوراخ کنید. گلدان را در جای گرمی قرار دهید تا خشک شود. بعد از خشک شدن، آن را از داخل قالب درآورید.



نیلومتر

از مجموعه‌ای از پلکان که به آن اصطلاحاً نیلومتر (Nilometer) می‌گفتند، برای اندازه‌گرفتن عمق آب رود نیل استفاده می‌شد. طغیان‌های سالانه نیل برای کشاورزان ساکن کرانه آن بسیار حیاتی بود. بهترین میزان آب حدود ۷ متر بود. اگر سطح آب از این بیش‌تر می‌شد، ساختمان‌ها و کانال‌ها خراب می‌شدند و اگر هم کم‌تر می‌شد خشکسالی به بار می‌آمد.

ستاره نیل

این نقاشی نجومی روی سقف مقبره ستی اول پیدا شده است. مطالعه ستارگان هم کاری مذهبی بود، هم علمی. مصریان درخشان‌ترین ستاره آسمان را سیریوس (Sirius) می‌نامیدند که ما به آن شعرای یمانی (درخشان‌ترین

داروهای

اغلب داروهای مصر گیاهی بودند.

دوای سردرد مخلوط حب‌العمر،

گشنیز، افسنتین و عسل بود. این مخلوط

را به سر می‌مالیدند. مَر (نوعی صمغ قهوه‌ای)،

ناترون (نوعی نمک) و حتی فضله کرم‌کودیل نیز برای درمان

به کار می‌رفتند. احتمالاً برخی از داروهای مصری بیماران

را شفا می‌دادند، اما برخی دیگر بیش‌تر ضرر

داشتند تا منفعت.

گشنیز

سیر



ستاره کلب اکبر) می‌گوییم. مصریان نام یکی از خدای بانوان خود، ساپدت (Sopdet)، را هم بر آن نهاده بودند. وقتی این ستاره در آسمان دیده می‌شد، هنگام طغیان نیل بود و مصریان جشنی خاص برای آن به پا می‌داشتند.



در ساعت آبی زمان را با اندازه‌گرفتن مدتی که طول می‌کشید آب از خطی به خط زیری برسد اندازه می‌گرفتند. با خارج شدن آب از سوراخ گلدان، از سطح آب درون گلدان کاسته می‌شد.



۶. حالا دوست‌تان باید انگشتش را بردارد. مدت زمانی که طول می‌کشد آب از خطی به خط دیگر برسد مقیاس زمان است.



۵. دو گلدان دیگر تهیه کنید (یا بسازید). نحوه قرار گرفتن گلدان‌ها باید مثل شکل باشد. از دوست‌تان بخواهید که انگشتش را روی سوراخ بگذارد تا شما گلدان را پر از آب کنید.



۴. درون گلدان خطوطی موازی به فاصله ۳ میلی‌متر از هم رسم کنید. انتهای خطوط را با توار چسب بپوشانید و خطوط را زرد رنگ کنید بعد از خشک‌شدن رنگ، چسب‌ها را بردارید. از بزرگ‌تر خود بخواهید درون گلدان را روغن جلا بزنند.

سرگرمی و اوقات فراغت



مسابقه حیوانات

شیر و بز کوهی، دو دشمن دیرینه، نشسته‌اند و در صلح و آرامش سنت بازی می‌کنند. این نقاشی حدود سال ۱۱۵۰ قبل از میلاد کشیده شده است. برای سنت هم می‌توان تخته‌ای زیبا داشت و هم چهارخانه‌هایی روی سنگ یا ماسه کشید.



یکی از محبوب‌ترین روش‌های گذراندن اوقات فراغت برای مصریان شکار کردن بود. شکار برای آن‌ها هم تفریح بود و هم روشی برای تهیه غذا. آن‌ها با تیر و کمان، چماق، تور و نیزه شکار می‌کردند. هزاران سال قبل، حیوانات وحشی زیادی در مصر زندگی می‌کردند. امروزه اکثر آن‌ها، مثل کرگدن و شیر، تنها در جنوبی‌ترین نقاط پیدا می‌شوند. شکار این حیوانات کار بسیار خطرناکی بود و در تصاویر فرعون‌ها را شجاعانه آماده شکار می‌بینیم. اما در اصل، پیش از آمدن فرعون، خدمتکاران شکار را می‌گرفتند و درون محوطه‌ای محصور به دامش می‌انداختند. آن‌گاه فرعون می‌توانست از درون ارابه امنش به آسانی حیوان را شکار کند.

ارابه در مصر نخستین بار در عصر هیکسوس‌ها رواج یافت و چیزی نگذشت که ارابه‌رانی ورزش محبوب نجیب‌زادگان شد. ورزش محبوب همه مصریان کشتی بود. در مصر تئاتر وجود نداشت، اما نقالان در دربار یا در خیابان‌های شهر به نقل حکایت‌ها و افسانه‌هایی در مورد نبردها، خدایان و جادو می‌پرداختند.

تخته بازی نیز از دیرباز در مصر رایج بود. در مقبره توتان‌خامن یک تخته زیبا از جنس آبنوس و عاج پیدا شده است که برای دو نوع بازی سنت (senet) و جلاو (tjau) طراحی شده است.

نوبت توست

این نجیب‌زاده سنت بازی می‌کند و همسرش با اشتیاق او را می‌نگرد. بازیکنان تاس می‌ریختند تا مشخص شود هر کس چند خانه باید جلو برود. رسیدن به برخی خانه‌ها جایزه داشت و برخی دیگر جریمه. می‌گفتند سنت نوعی نبرد با بدی‌هاست.

تخته مهن (Mehen)

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، خط‌کش، ابزار برش، ظرف آب، قلم‌مو، رنگ سبز، پارچه، روغن جلا و وسایل بازی شامل موارد زیر است: ۱۲ مهره گرد؛ ۶ مهره دورو به رنگ آبی و طلوسی و ۶ مهره دورو به رنگ طلایی و نارنجی، دو مهره بزرگ و یک تاس.



۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته صاف کنید و شکل فوق را روی آن بکشید. با خط‌کش تخته بزنید. با کهنه‌ای رنگ اضافه را از روی تخته و ابزار برش اندازه مارپیچ را یکسان در آورید. صبر کنید تا خشک شود. بعد از بزرگ‌تر خود بخواهید روی آن روغن جلا بزنند.
۲. سپس رنگ سبز رقیق‌شده را جابه‌جا روی تخته بزنید. با کهنه‌ای رنگ اضافه را از روی تخته بزرگ (شیر) دارد. همه مهره‌ها را از سمتی بگذارید که یک رنگ باشند. برای شروع بازی باید تک بیاورید.
۳. هر بازیکن ۶ مهره یک‌رنگ و یک مهره بزرگ (شیر) دارد. همه مهره‌ها را از سمتی بگذارید که یک رنگ باشند. برای شروع بازی باید تک بیاورید.





آخرین بازی

این صفحه بازی در مقبره
توتانخامون پیدا شده است.

بازی‌های تخته‌ای آن قدر رایج بود که حتی در مقبره
هم تخته می‌گذاشتند تا متوفی در زندگی بعدی‌اش
سرگرمی داشته باشد.



گرفتن و پرت کردن

کشتی ورزشی بود که همه مصریان می‌توانستند
انجامش دهند. برای کشتی گرفتن نه به اربابه‌ای
گران‌قیمت احتیاجی بود و نه به وسیله خاص
دیگری. میان فقیر و غنی کشتی رایج بود.

شکار پرندگان وحشی در بیشه‌ها

نبامون (Nebamun) نجیب‌زاده در دلتای نیل به شکار
پرندگان وحشی مشغول است و خوش می‌گذراند.
او از روی قایق نی‌ای خود پرندگانی را که از نیزار
می‌گریزند هدف چوبی به شکل بومرنگ قرار
می‌دهد. انگار گربه‌اش قبل از او چند پرنده
گرفته است.



بازی مهن یا ماربازی
پیش از سال ۳۰۰۰ قبل از
میلاد در مصر متداول بود.



۴. همه مهره‌ها باید روی صفحه باشند تا بتوانید یکی را جلو ببرید. هر کس که تک ریخت تا عدد مورد نظر پیاید. وقتی به مرکز رسیدید، باید مهره‌تان را برای مسیر برگشت پشت‌ورو کنید. وقتی مهره به خانه اول برسد، شیر می‌تواند به میدان پیاید.
۵. برای رسیدن به مرکز تخته باید بارها تاس ریخت تا عدد مورد نظر پیاید. وقتی به مرکز رسیدید، باید مهره‌تان را برای مسیر برگشت پشت‌ورو کنید. وقتی مهره به خانه اول برسد، شیر می‌تواند به میدان پیاید.
۶. شیر هم مثل مهره‌های دیگر حرکت می‌کند. اما در راه برگشت می‌تواند مهره‌های حریف را بخورد.
۷. کسی برنده است که شیرش بیش‌تر مهره بخورد. مهره‌هایی را که سالم به مرکز رسانداید بشمارید. هر کس بیش‌تر مهره داشته باشد، برنده است.

دنیای کودکان

بچه‌های مصری تا پیش از شروع سن تحصیل و کار فرصت چندانی برای کودکی نداشتند، اما در همین مدت کوتاه هم با جفجغه، توپ، فرفره، اسب و تمساح چوبی بازی می‌کردند. آن‌ها در خاک کشتی می‌گرفتند، مسابقه دو می‌گذاشتند و در رودخانه شنا می‌کردند.

دختران خانواده‌های معمولی مصر تحصیلات بالایی نداشتند. به آن‌ها یاد می‌دادند که خانه‌داری کنند، نخ بربسند، پارچه ببافند و آشپزی کنند. وقتی بزرگ می‌شدند فرصت‌های شغلی چندانی نداشتند. با این حال، از حقوق مدنی و قانونی برخوردار بودند و برخی از زنان نجیب‌زاده بسیار قدرتمند می‌شدند. پسرها معمولاً طوری تربیت می‌شدند که حرفه پدر را در پیش گیرند. برخی به مدارس تربیت کاتب می‌رفتند و در آن‌جا خواندن و نوشتن می‌آموختند. شاگردان تنبل به سختی تنبیه می‌شدند. پسران و برخی از دختران اشراف‌زاده اجازه ادامه تحصیل داشتند و می‌توانستند خواندن و نوشتن و حساب یاد بگیرند.

ایزیس و هوروس

مجسمه‌های بسیاری از خدایانو ایزیس در حالی که فرزندش هوروس روی زانویش نشسته بر جا مانده است. بنا به اعتقادات، هوروس جوان مراقب خانواده‌ها و محافظ ایشان از خطر و حادثه بود. مصریان خانواده‌های بزرگی داشتند و زندگی خانوادگی برای‌شان بسیار مهم بود.



اسب اسباب‌بازی

این اسب چوبی متعلق به روزگاری است که یونانیان یا رومیان بر مصر حکم می‌راندند. احتمالاً با ریسمانی آن را می‌کشیدند تا چرخ‌هایش بچرخند.



تفریح برای همه

فرفره از اسباب‌بازی‌های رایج کودکان مصری بود. فرفره را از سنگ لعاب‌دار می‌ساختند و آن قدر ارزان بود که خانواده‌های فقیر هم استطاعت خریدن آن را داشتند.



شیر غران

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، تخته، ابزار برش، یک تکه مقوا، درفش، چوب بالزا، سمباده، رنگ آکرلیک (سفید، قرمز، آبی، سیاه و زرد)، نوار چسب، بند، ظرف آب و قلم مو.



۱. خمیر را پهن کنید و قطعاتی از آن را مانند ۲. مانند تصویر با ابزار برش فضایی بین پایه و ۳. آرواره زیرین را در حفره‌ای که درست کرده‌اید تصویر ببرید. پاها را به بدن وصل کنید و تنه بدنه شیر ایجاد کنید، در این فضا آرواره زیرین نصب کنید و یک تکه مقوا زیرش بگذارید تا محکم را روی پایه قرار دهید. آرواره زیرین را کناری را نصب خواهید کرد. نگه دارید.



طره جوانی

دختران و پسران در کودکی آرایش موی خاصی داشتند. سرشان را از ته می تراشیدند و تکه‌هایی را باقی می گذاشتند و می بافتند. موهای بافته شده یا طره جوانی معمولاً روی یک طرف چهره کودک باقی می ماند و رشد می کرد. وقتی بزرگ می شدند موهای شان را از ته می تراشیدند و کلاه گیس های فاخر بر سر می گذاشتند.



توپ بازی

بچه های مصری از بازی کردن با توپ هایی که از کهنه پارچه ها، کتان و نی می ساختند لذت می بردند. با این حال، باستان شناسان مطمئن نیستند که توپ هایی که در تصویر می بینید وسیله بازی کودکان بودند یا جفجه نوزادان.



شیر اسباب بازی

اگر ریسمان را بکشی، شیر می غرد! یا شاید هم گریه میومو کند! روزگاری کودکان با این اسباب بازی در ساحل نیل بازی می کردند. در آن زمان، این اسباب بازی حتماً رنگ های درخشانی داشت.

در اصل، این اسباب بازی را از چوب می ساختند و به جای دندان تکه های مفرغ نصب می کردند.



۴. حالا روی بدن شیر (مثل تصویر از چپ به راست) یا درفش سوراخی ایجاد کنید. بعداً بندی را از این سوراخ رد خواهید کرد و آن را به آرواره خواهید بست.
۵. تکه چوب بالزا را درون دهان شیر قرار دهید. این دندان شیر است. بگذارید مجسمه خشک شود و بعد آن را سمیاده بکشید.
۶. مانند تصویر، شیر را با رنگ های سفید، زرد، آبی، سیاه و سرخ رنگ کنید. با توارچسب بالای بدنه رد کنید و به آرواره برسائید و محکم می توانید مطمئن شوید که خط ها راست ببندید. یا بند دیگری آرواره های بالا و پایین درمی آید. شیر را در جای گرمی بگذارید تا شیر را به هم وصل کنید. خشک شود.

سلاح و سلحشوران



شاه دن

در این برجسب از عاج، که متعلق به ۳۰۰۰ سال قبل از میلاد است، شاه دن (Den) را می‌بینیم که با دشمن شرقی می‌جنگد. او زیر پرچم یا بیرق خدای شغال بسر، آنوبیس، ایستاده است. او به باتوم یا عصایی مسلح است.



مصر از سه طرف در محاصره صحراهای خشک و خشن بود. در شمال مرداب‌های دلتا قرار داشت و در جنوب، نیل در مسیری پرفراز و نشیب، با آبشارهای فراوان در جریان بود. این موانع طبیعی، جلوی هجوم ارتش‌های مهاجم را می‌گرفتند. با این حال، دور شهرهای مصر قلعه و دیوار می‌ساختند و بسیاری از فراعنه با همسایگان وارد نبرد می‌شدند. مصریان با اهالی لیبی، نوبه و حتی سوریه به نبرد پرداختند.

مصر سربازان حرفه‌ای داشت، اما اغلب سربازان وادار می‌شدند به ارتش بپیوندند. شرکت در جنگ برای بردگان فرصتی بود برای آزاد شدن. گاهی هم سربازان خارجی به استخدام ارتش مصر درمی‌آمدند. مردان جوان روستایی برای شرکت در جنگ‌ها تعلیم می‌دیدند. سربازان سپرهای چرمی و چوبی داشتند و به سلاح‌هایی چون نیزه، تیر، تیر و کمان، خنجر و شمشیر مجهز بودند. بعدها ارابه‌های جنگی‌ای که با اسب کشیده می‌شدند به کار گرفته شدند. به پاس شجاعت در میدان نبرد، به قهرمانان مدال‌هایی مثل مگس طلایی می‌دادند.

پیش به سوی پیروزی

در تصاویر مصر باستان اغلب فراعنه را در حال حمله به دشمن یا در حال بازگشت پیروزمندانه مشاهده می‌کنیم. شاه سوار بر کالسکه‌ای مجلل، در حالی که اسرای جنگی را به دنبال می‌کشد نشان داده می‌شود. هنرمندان مصری برای تأکید بر اهمیت و قدرت فرعون، دشمن را بسیار کوچک نشان می‌دادند. در این پلاک طلای سرخ، توتانخامون قهرمانی همیشه پیروز نشان داده می‌شود.

مگس طلایی

مواد مورد نیاز: مقوا، مداد، خط‌کش، قیچی، گل سفالگری، چسب چوب و قلم‌مو، رنگ طلایی، آکرلیک، روبان طلایی یا سفید (به طول ۴۰ سانتی‌متر و عرض ۱ سانتی‌متر)، ظرف آب و قلم‌مو.



۱. طرح بدن و بال‌های مگس را روی مقوا بکشید. مثل تصویر با استفاده از خط‌کش و قلم، طرح را کامل کنید و بسیار با دقت با قیچی ببرید.
۲. با گل سفالگری صورت مگس را شکل دهید. دو گلوله تخت خمیر را به جای چشم بچسبانید و با خمیر لوله درست کنید و دور چشم‌ها بچسبانید. به این ترتیب، چشم مگس درشت‌تر جلوه می‌کند.
۳. مقوا بردارید، زیانه را بر گردانید و مثل تصویر حلقه‌ای درست کنید. وقتی مگس خشک شود، روبان را از این حلقه رد خواهید کرد.

تبر جنگی

این تبر دسته‌ای نقره‌ای و تیغه‌ای بلند دارد که برای برش دادن طراحی شده است. تبر جنگی سلاح مخصوص پیاده‌نظام مصری بود. تیغه مسی یا مفرغی تبر را روی دسته چوبی نصب می‌کردند و یا با ریسمانی چرمی به آن می‌بستند. سربازان در جنگ زره نمی‌پوشیدند، تنها حفاظ آن‌ها در برابر سلاح‌هایی چون تبرهای سنگین و نیزه سپرهای بزرگ چوبی یا چرمی بود. در مجموعه جسد مومیایی فرعون سکمنر تائو (Seqenenre Tao) زخم‌های وحشتناکی به چشم می‌خورد که بر اثر اصابت تبر، خنجر یا نیزه به وجود آمده است.

ردیف مگس‌های طلایی،
پاداشی بود برای سربازان
شجاع. این گردنبندها
شبییه جایزه‌ای است
که به ملکه آهوتپ
(Aahotep) برای
شرکت دلیرانه‌اش
در نبرد با هیکسوس‌ها
تعلق گرفت.



خنجرها

این خنجرهای تشریفاتی

در مقبره توتان‌خامون پیدا شده‌اند. این‌ها شبیه خنجرهایی‌اند که در نبرد از آنان استفاده می‌شد. خنجرهای مصری کوتاه و لبه پهن بودند. تیغ خنجر از مس یا مفرغ ساخته می‌شد. در مقبره توتان‌خامون یک خنجر آهنی هم پیدا شد، اما ساخت خنجر آهنی کاری بسیار نادر بود. احتمالاً این خنجر را اهالی حتی، که در آهنگری سرآمد بودند، هدیه کرده بودند.



۴. چهار نوار باریک مقوایی سفید روی صورت مگس بچسبانید و با دست توی گل فشار دهید. سر مگس را در جای گرمی بگذارید تا خشک شود.
۵. حالا سر مگس را به پال‌های مقوایی‌اش بچسبانید. حدود ۲۰ دقیقه بگذارید تا خشک شود و بعد رنگش کنید.
۶. حالا با دقت مگس را طلایی رنگ کنید. اگر رویان سفید است، آن را هم طلایی کنید. بگذارید مگس و، در صورت لزوم، رویان خشک شوند. دو مگس دیگر به همین شیوه درست کنید.
۷. مثل تصویر مگس‌های طلایی را به رویان بکشید. در اصل، مگس‌ها با زنجیر به گردن انداخته می‌شدند.

قایق و کشتی



مصریان در دریانوردی چندان قابل نبودند. کشتی‌های اقیانوس‌پیمای آن‌ها از دریای سرخ و مدیترانه عبور می‌کردند و شاید گاهی هم به هندوستان سفر می‌کردند، اما آن‌ها معمولاً از کشتی‌های شان در آب‌های ساحلی خود مصر استفاده می‌کردند. به هر حال، مصریان از دیرباز در سفر روی رودها سرآمد بودند، درست مثل الآن. آن‌ها قایق‌هایی ساده از نی پاپیروس می‌ساختند و از آن برای ماهیگیری و شکار استفاده می‌کردند.

روی نیل

قایق‌های بادبانی چوبی با بادبان‌های سه‌گوش باشکوه هنوز هم روی نیل دیده می‌شوند. آن‌ها از این سمت نیل به آن سمت بار و مسافر می‌برند. شکل این قایق‌ها، که به آن‌ها فلوکانی (feluccas) گفته می‌شود، از روزگار مصریان باستان تاکنون فرق کرده است. بادبان قایق‌های آن دوران باریک، بلند و برافراشته بود. بعدها بادبان‌ها، مانند آن‌چه در تصویر مشاهده می‌کنید، به تدریج پهن‌تر شدند. در مصر از دیرباز شهرها و روستاهای فراوانی در حاشیه نیل شکل گرفته است، به همین علت نیل شاهراهی مهم است.

منابع چوبی مصر بسیار محدود بود، به همین علت، درخت سرو ساخته می‌شدند که از لبنان وارد می‌شد. قایق‌ها و کشتی‌های کوچک را اغلب در آرامگاه‌های فرعون‌ها قرار می‌دادند و باستان‌شناسان نمونه‌های سالمی از آن‌ها را پیدا کرده‌اند. نیل اصلی‌ترین جاده مصر بود و انواع و اقسام قایق‌ها روی آن در حال تردد بودند. کرجی‌ها سنگ و مصالح ساختمانی را به محل‌های ساخت و ساز حمل می‌کردند، زورق‌ها مردم را از روی نیل عبور می‌دادند و قایق‌های سلطنتی تفریحی هم در تردد بودند.



سفر نهایی

در اغلب تصاویر مصر باستان کشتی دیده می‌شود. کشتی نماد مهم سفر به جهان پس از مرگ بود.

قایق

مواد مورد نیاز: یک دسته حصیر به طول ۳۰ سانتی‌متر، قیچی، بند، چوب بالزا، مقوای زرد و قرمز، چسب چوب و قلم‌مو.



۱. دسته حصیر را به پنج قسمت مساوی تقسیم کنید. سه دسته را به طول ۱۵ سانتی‌متر ببرید. دو طرف و وسط هر دسته را مانند تصویر ببندید.
۲. دو دسته بلند را بردارید. یک سرشان را مثل تصویر به هم ببندید. این دو چهارچوب خارجی قایق هستند. آن‌ها را کناری بگذارید. شکل می‌دهند.
۳. دو سر دسته‌های ۱۵ سانتی‌متری را به هم ببندید. این دسته‌ها سطح داخلی قایق را شکل می‌دهند.





قایقرانی در ساحل ماسه‌ای

این قایق مدل چوبی که در آرامگاهی پیدا شده، در سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. دو طرف قایق برآمده و منحنی شکل است. پاروهای بلند، که نقش سکان را بازی می کردند، قایق را در مسیر پرتلاطم نیل به حرکت درمی آوردند. چوب اصلی ترین ماده برای ساخت قایق بود، اما طرح و شکل این قایق‌ها بسیار شبیه قایق‌های ساده ساخته شده از نی بود.

علامت شمال

این شکل هیروگلیف نشان قایق است. این شکل به قایق‌های پایبوسی با لبه‌های برگشته بی شباهت نیست. بعدها این علامت، نشان شمال در نظر گرفته شد، چون قایق‌های بدون بادبان لاجرم با جریان نیل به سمت شمال می رفتند.



به سوی آبی‌دوس

این قایق‌ها به قصد زیارت به آبی‌دوس (Abydos) می روند. آبی‌دوس شهر اوزیریس، خدای مرگ و حیات دوباره، بود. مومیایی‌ها را با قایق به آبی‌دوس می بردند. کشتی و قایق در باورهای مذهبی مصریان باستان نقشی عمده داشتند. رع، خدای خورشید، با قایق از آسمان گذر می کرد. در اکتبر ۱۹۹۱، ناوگانی شامل ۱۲ قایق متعلق به سال ۳۰۰۰ قبل از میلاد در آبی‌دوس، نزدیک ممفیس، پیدا شد. قایق‌ها حدود ۳۰ متر طول داشتند و زیر شن‌های صحرا دفن شده بودند. این قایق‌ها قدیمی ترین قایق‌هایی هستند که از آن دوران به جا مانده‌اند.

مصریان باستان قایق‌های خود را از نی پایبوس می ساختند و نی‌ها با بندهای گیاهی محکم به هم بسته می شدند.



۷. مقواها را به شکل سر پشرو بپزید و به دو تکه چوب بالزا وصل کنید تا پارو درست شود. از قایق‌هایی مثل این برای ماهیگیری و شکار آبی استفاده می شد.

۶. قایق را مانند شکل از سر تا ته با بند ببندید. با کشش بند مذکور، پوزه قایق و پاشنه آن شکل می گیرند.

۵. سر آزاد دسته‌های بلند را محکم به هم ببندید. کل قایق را با بند ببندید.

۴. دسته‌های کوتاه را وسط دو دسته بلند قرار دهید و مثل تصویر یک سر آن‌ها را محکم با بند به هم ببندید.

تجارت و فتوحات

امپراتوری مصر در اوج قدرت خود، از صحرای نوبه تا سوریه دامن گسترده بود. مردم ساکن خاور نزدیک، که مغلوب فراعنه می شدند، باید خراج می پرداختند و خراج آن‌ها کالاهای گران‌قیمتی چون طلا یا پر شتر مرغ بود. با این همه، مصریان بیش‌تر مایل بودند خاک خود را از تهاجم در امان نگه دارند تا این‌که امپراتوری عظیمی را برقرار سازند. آن‌ها ترجیح می دادند با کسب نفوذ فاتح شوند نه با جنگ. تأثیر و آوازه تجارت مصریان بسیار فراگیر بود، چون هیئت‌های تجاری دولتی به سرزمین‌های دور و نزدیک سفر می کردند تا اجناسی تجملی مانند چوب، سنگ یا ادویه‌های گران‌قیمت برای فراعنه و درباریان تهیه کنند. سفالینه‌های زیبایی از امپراتوری کرت مینوسی وارد می شد. تجارتی که به استخدام دولت درمی آمدند شووتی (shwty) خوانده می شدند. مصریان باستان سکه نداشتند و در مقابل کالاها را مبادله می کردند.

هیئت‌های تجارتی به سرزمین پونت — که احتمالاً بخشی از شرق آفریقا بود — نیز گسیل می شدند. آن‌ها از آن‌جا سگ‌تازی، میمون‌های خانگی، طلا، عاج، آبنوس و مَرّ وارد می کردند. ملکه هاتشپسوت حامی عمده این سفرهای تجارتی بود. بر دیوارهای آرامگاه-معبد وی جزئیات این سفرها ثبت شده است. تصویر ملکه پونت (Punt)، اتی (Eti)، نیز در آن جادیده می شود.

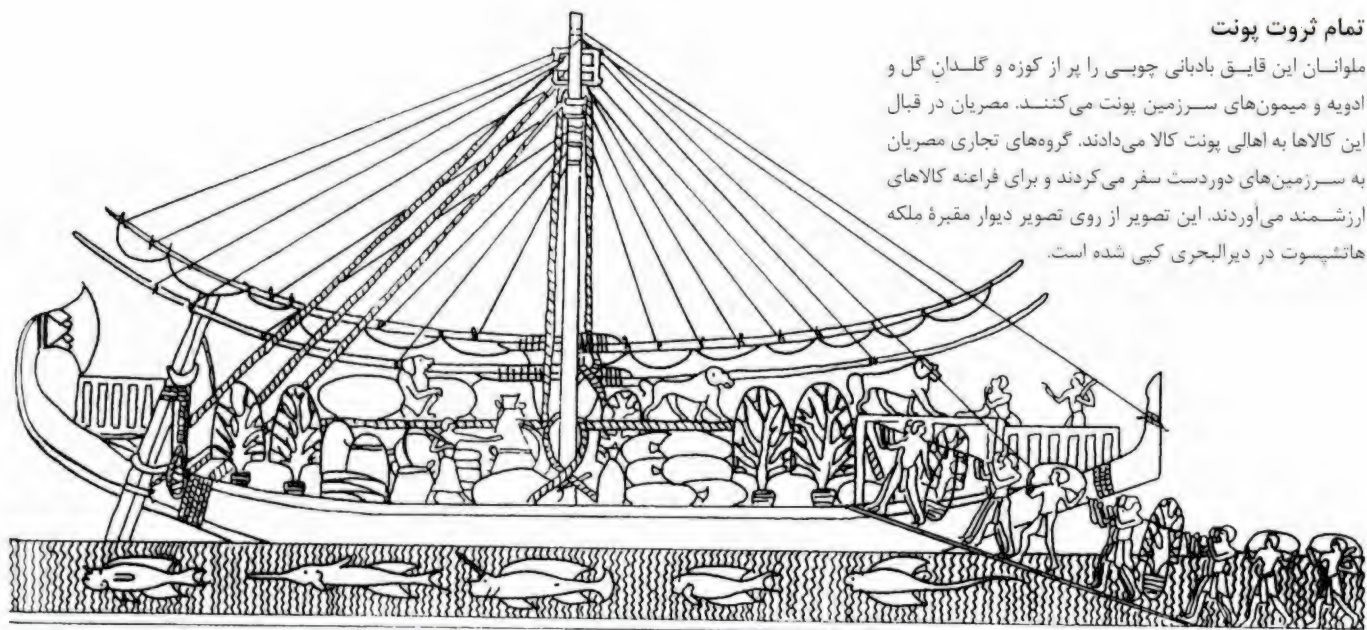


چوب‌هایی از جنگل‌های دور دست

مصر چندان پردرخت نبود، پس چوب برای ساخت میلمان باید از خارج وارد می شد. چوب سرو از لبنان وارد می شد و چوب‌های سخت مثل آبنوس را از آفریقا می آوردند.

تمام ثروت پونت

ملوانان این قایق بادبانی چوبی را پر از کوزه و گلدان گل و ادویه و میمون‌های سرزمین پونت می کنند. مصریان در قبال این کالاها به اهالی پونت کالا می دادند. گروه‌های تجاری مصریان به سرزمین‌های دور دست سفر می کردند و برای فراعنه کالاهای ارزشمند می آوردند. این تصویر از روی تصویر دیوار مقبره ملکه هاتشپسوت در دیرالبحری کپی شده است.





فرستادگان سوری

حکمرانان خارجی اهل کشورهای آسیایی و مدیترانه هدایای گران قیمتی برای فرعون می‌فرستادند و فرعون‌ها هم در مقابل برایشان هدیه می‌فرستادند. این‌ها نمایندگان یا فرستادگان حاکم سوریه‌اند. آن‌ها ظرف‌های عطر ساخته‌شده از عاج، طلا و سنگی زیبا به نام لاجورد را تحفه آورده‌اند. ظرف‌ها با نقوش طلا و طرح گل نیلوفر آبی تزیین شده‌اند. فرعون بعضی از هدایای گران قیمت خارجی را به درباریان محبوبش می‌داد.

کالا‌های کمیاب

صنعتگران مصری مجبور بودند مواد اولیه گران قیمت کار خود را از خارج وارد کنند — موادی مثل طلا، عاج فیل، چوب‌های سخت مثل آبنوس و چوب‌های نرم مثل چوب درخت سرو لبنان، مس را از معادن نوبه تأمین می‌کردند و مفرغ (مخلوطی از مس و قلع) هم از سوریه وارد می‌شد.



اهالی نوبه خراج می‌پردازند

اهالی نوبه حلقه‌های طلا، میمون و پوست پلنگ به فرعون توت موس چهارم هدیه می‌کنند. نوبه سرزمینی بود در بالای آبشارهای نیل که حالا شمال سودان است. مصریان با فتوحات جنگی بخش عمده‌ای از ثروت خود را از این سرزمین به چنگ آوردند. اما در روزگار صلح در مقابل مواد معدنی و حیوانات کمیاب با شاهزادگان نوبه دادوستد می‌کردند.



جهان تجارت

مصریان از دریای سرخ گذشتند و به سرزمین اسرارآمیز پونت رسیدند. در این نقشه مسیر سفر تجار مصری ترسیم شده است. هیچ کس نمی‌داند پونت دقیقاً کجا واقع بود، احتمالاً جایی بود که حالا سومالی، اریتره، یمن یا جنوب سودان در آن واقع است.

واژه‌نامه



الف

آبیاری: رساندن آب به

زمین‌های خشک.

آمتیس: سنگی ارغوانی، نوعی

کوارتز.

آمولت: از طلسم‌های خوشبختی.

آیین: مراسمی که اغلب وجه مذهبی دارد.

ابوالهول: مجسمه مخلوقی اسطوره‌ای که نیمی شیر

است و نیمی انسان.

اخرا: گلی سرخ یا زردرنگ.

ارابه: وسیله‌ای نقلیه که اسب یا

اسب‌هایی آن را می‌کشیدند و در

جنگ‌ها یا مسابقات کاربرد داشت.

اعتصاب: متوقف کردن کار

برای رسیدن به شرایطی بهتر.

امپراتوری: چندین سرزمین که دولتی واحد بر

آن‌ها حکم می‌راند.

امپراتوری جدید: دوره‌ای از تاریخ مصر بین

سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۰۷۰ قبل از میلاد.

امپراتوری کهن: دوره‌ای از تاریخ مصر بین ۲۶۸۶ تا

۲۱۸۱ قبل از میلاد.

امپراتوری میانی: دوره‌ای از تاریخ مصر بین

سال‌های ۲۰۵۰ تا ۱۷۸۶ قبل از میلاد.

اهرام: بنای یادبود هرمی شکل که قاعده‌ای به شکل

مربع دارد و وجوهش سه گوش است.

ب

بافته: پارچه.

بخور: صمغ یا پوست خوش‌بوی درخت که در مراسم

مذهبی سوزانده می‌شود.

پ

پاپیروس: گیاهی بلند به شکل نی که در حاشیه نیل

می‌روید. از آن کاغذ می‌سازند.

پاشنه: قسمت انتهایی قایق.

پوزه: قسمت جلوی قایق.

ت

تمدن: جامعه‌ای که در عرصه هنر، علم، فناوری و

قانون و امور حکومتی پیشرفت می‌کند.

تندآب: آبشار یا جریان‌های سریع آب.

چ

چرخ سفالگری: صفحه‌ای مدور که با پا چرخانده

می‌شود و گل سفالگری را روی آن بادیست‌شکل می‌دهند.

ح

حنا: رنگ سرخ طبیعی برای آرایش مو و پوست

که از برگ‌های نوعی گیاه بوته‌ای گرفته می‌شود.

خ

خراج: کالاهایی که مردم کشوری به نشانه تسلیم

به فاتح خود می‌دادند.

خرافات: باور غیرمنطقی به شانس خوب

یا بد.

خشکسالی: دوره‌ای طولانی و

خشک و بدون بارندگی.

خط: شیوه نوشتن.

خط دموتی: شکل ساده‌شده

هیروگلیف که در روزهای آخر

امپراتوری کهن مصر رواج داشت.

خط هیراتی: شکل خلاصه‌شده هیروگلیف که

مخصوص راهبان بود.

د

دار: چهارچوب پارچه‌بافی.

دست‌ساخته: هر آن‌چه از روزگار باستان به جا

مانده است.

دلتا: ناحیه‌ای در ساحل رودخانه که در آن رودخانه

پیش از رسیدن به دریا شاخه‌شاخه می‌شود.

دوک: تکه‌چوبی که از حرکت چرخشی آن برای

نخ‌ریسی استفاده می‌شود.

ذ

ذراع: واحد اندازه‌گیری به اندازه طول آرنج.

ر

رنگ‌دانه: گیاه یا ماده‌ای که از آن رنگ می

سازند.

رعیت: کسی که بی‌اجازه ارباب خود نمی‌تواند از

مزرعه‌ای که در آن کار می‌کند برود.

ز

زعفران: نوعی چاشنی نارنجی‌رنگ که از گل زعفران

به دست می‌آید.

س

سارکافیگوس: نوعی سنگ که از آن تابوت

می‌ساختند.

ستون یادبود: ستونی نوک تیز که به یادبود

کسی یا چیزی برپا می‌شود.

سرامیک: نوعی ظرف مات که اغلب

سبز یا آبی است. جنس آن از

کوارتز، ماسه، سنگ آهک،

خاکستر یا سنگ نمک است.

سلسله: خاندان سلطنتی

یا دوره‌ای که این خاندان بر

سریر قدرت است.

ش

شادوف: سطلی که روی محوری سوار می‌شد

و طرف مقابل آن وزنه‌ای وصل بود و از آن برای رساندن

آب از نیل به زمین‌های مجاور استفاده می‌کردند.

شغال: سگ‌سان وحشی ساکن آسیا و آفریقا.

شکار پرندگان وحشی: به دام انداختن پرندگان

وحشی، اردک، غاز و دیگر پرندگان آبی با پرتاب چوب.



ض

ضریح: مکانی که بقایای مقدس فرد متوفی را در آن

می‌گذاشتند؛ جایی برای عبادت.

مصر سفلی: بخش شمالی مصر، به خصوص دلتای نیل.

مصر علیا: بخش جنوبی مصر.

مگس طلایی: نشان افتخاری که به سربازان شجاع به دلیل دلآوری‌هایشان در جنگ می‌دادند.

مومیایی: بدن انسان، یا گاهی هم حیوان، که به طریقی خاص خشک شده باشد تا باقی بماند.

مومیایی کردن: حفظ جنازه.

ن

ناترون: نوعی نمک که در مومیایی کردن جسد کاربرد داشت.

نخبت: خدای بانوی کرکس.

نیلومتر: پله‌هایی با طول یکسان یا برجی مدرج برای اندازه‌گیری عمق آب رود نیل.

نیل: رنگ آبی تیره‌ای که از گیاهان می‌گیرند.

و

واحه: آبادی دارای آب در میان کویر.

وزیر: خزانه‌دار یا بالاترین مقام حکومتی دربار مصر.

ه

هیروگلیف: زبان تصویری مصریان باستان.

هیکسوس‌ها: مردم ساکن فلسطین که پس از سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساکن مصر شدند و قدرت را به دست گرفتند.



هیکسوس‌ها

ط

طره مو: بخشی از موی سر کودکان مصر باستان که بافته می‌شد.

طرح مسطح: نقشه‌ای که در آن شهر به بلوک‌ها و خیابان‌هایی با زاویه‌های مستقیم تقسیم می‌شود.

ع

عصای سلطنتی: چوب دستی‌ای که شاهان، ملکه‌ها یا امپراتوران به نشانه حاکمیت حمل می‌کردند.

عصای سر کج و گندم کوب: دو ابزار مقدس اوزیریس؛ فراغنه این دو وسیله را به نشانه اقتدار سلطنتی همیشه همراه داشتند.



ف

فرعون: حکمران مصر باستان.

فیروزه: سنگ تزئینی سبز-آبی.

ک

کاتب: نویسنده

رسمی، منشی یا کارمند دولت، فرعون

کتان: گیاهی با گل آبی‌رنگ که از الیاف آن کتان می‌بافتند. دانه‌هایی هم دارد که از آن روغن بزرک می‌گیرند.

کوزه کانوپوس: سفالی که در آن ریه‌ها، جگر، معده و امعاء و احشای مومیایی را نگه می‌داشتند.

گ

گردنبند: قطعه جواهری که با زنجیر به گردن می‌اندازند.

م

مالیات: کالا، پول یا خدماتی که شهروندان به دولت می‌دهند.

مرمر سفید: سنگی سفید و براق، نوعی سنگ گچ.

مساحی: اندازه‌گیری زمین یا ساختمان‌ها.

مشمول: کسی که از طرف دولت به خدمت در نظام فرا خوانده می‌شود.

يونان باستان



ريچارد تيمز

مشاور:

لوييز شوفيلد



در طول دوره‌ای دو هزار ساله، یونانیان باستان پایه جهان مدرن را شکل دادند. بسیاری از ایده‌های آنان درباره پزشکی، ریاضیات و روش حکومت در شهرها و کشورها همچنان متداول است، گرچه مردمان خالق این ایده‌ها سه‌چهار هزار سال قبل زندگی می‌کردند. یونانیان تأثیر را برای سرگرمی به جهانیان معرفی کردند و سبک‌های بدیع هنری و معماری که امروزه هنوز در اطراف خود می‌بینیم، از ابداعات آن‌هاست. تمدن یونان تمدن دستاوردها و ماجراهای ویژه است زیرا یونانیان سفر، تجارت و نبرد در جهانی آشنا را تجربه کردند. قهرمانان، شعرا، سیاستمداران و خدایان رنگارنگ و ناقص یونان زندگی مردم معمولی را هیجان‌انگیزتر و جالب‌تر می‌کردند.

دنیای یونان باستان

به عقب برمی‌گردیم، به ۳۰۰۰ سال قبل که در سواحل شرقی مدیترانه، یکی از ماناثرین و پرنفوذترین تمدن‌های دنیای غرب شکل گرفت. یونان باستان متشکل بود از چندین دولت‌شهر مستقل که هر یک هویتی منحصر به فرد و مقتدر داشتند. شهرهای یونان از جوامع کشاورزی که خط تصویری ساده‌ای داشتند به تدریج تبدیل شدند به سرزمینی با فرهنگی پیشرفته. قرن‌ها گذشته است و میراث یونان همچنان در بخش‌هایی از جامعه مدرن پابرجاست. خاستگاه دموکراسی، ریاضیات، پزشکی و فلسفه را می‌توان در این برهه تاریخ یافت.

حتی برخی از کلمات امروزی زبان در زبان یونان باستان ریشه دارند: واژه «تلفن» متشکل است از دو واژه یونانی (tele) به معنای «دور» و (phone) به معنای «صدا».

اعجاز کامل

معبد پارتنون (Parthenon) را والاترین نمونه هنر معماری یونان می‌دانند. این معبد مهم‌ترین بنای شهر آتن (Athens) است که بقایای آن هنوز بر فراز آکروپولیس (Acropolis) مشهود است. ساخت این بنا ۱۵ سال به طول انجامید و به آتنا (Athena)، خدای بانوی محافظ آتن، تقدیم شد. در ساخت این معبد حدود ۲۲۰۰۰ تن سنگ مرمر به کار رفته است که از فاصله‌ای ۱۵ کیلومتری به این مکان منتقل شدند.



خط سیر زمانی از ۶۰۰۰ تا حدود ۱۱۰۰ سال ق.م.

ریتون (mylon) جلمی

به شکل سر گاؤ نو
که در کیوسوس
(Knossos) پیدا
شده است.



انسان‌های نخستین حدود چهار هزار سال پیش در یونان ساکن بودند. آن‌ها شکارچی-گردآورنده غذا بودند. کشاورزی پس از سال ۶۰۰۰ از میلاد در این سرزمین رواج یافت. نخستین تمدن بزرگ یونان، یا به عبارتی، نخستین تمدن بزرگ اروپا، در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد در جزیره کرت شکل گرفت. این تمدن، تمدن قدرتمند مینوسی (Minoan) بود که افولش متاهی دوران برشکوه تمدن موکنایی (Mycenaean) بود. پس از آن دورانی آغاز شد که آن را عصر سیاه می‌نامند. پس ازان، دوران طلایی یونان باستان آغاز شد که از حدود سال ۵۰۰ تا ۳۳۶ قبل از میلاد به طول می‌انجامید.

۶۰۰۰ ق.م.

۴۰۰۰ ق.م.

حدود سال ۶۰۰۰ قبل از
میلاد، جزیره کرت و سرزمین
اصلی یونان مسکونی می‌شود.

حدود سال ۳۲۰۰ تا ۱۱۰۰ قبل از میلاد،
در عصر مفرغ در یونان، مردم می‌آموزند که
از آمیختن مس و قلع مفرغ به دست آورند.

پلاکی متعلق به جزیره
کرت با تصویر نوشته‌ای
بی نظیر بر آن



حدود ۲۰۰۰ قبل از میلاد
تمدن مینوسی در کرت شکل
می‌گیرد. خط مینوسی‌ها
(Linear A) که لینیئر ای
نام دارد، هنوز رمزگشایی
نشده است.

در حدود ۱۶۰۰ قبل از میلاد،
موکنایی‌ها بر سرزمین یونان
تسلط می‌یابند.

مجسمه زنی در حال عبادت یافته شده در
موکنا (Mycenae)

۲۰۰۰ ق.م.

۱۴۰۰ ق.م.





سنگ مرکزی

اومفالوس (omphalos) یا ناف، سنگی حکاکی شده بود که در معبدی در دلفی (Delphi) نگهداری می‌شد. یونانیان باستان این معبد را مرکز جهان می‌پنداشتند و سنگ اومفالوس را به نشانهٔ مرکزیت جهان در آن‌جا نصب کرده بودند. می‌گویند ژئوس (Zeus) خدای خدایان، این سنگ را آن‌جا نهاده است. شاید این سنگ محرابی هم بود برای قربانی کردن قربانیان در پیشگاه خدایان.



قلمروی یونان باستان

در این نقشه بنادر و شهرهای مهمی را می‌بینیم که محل تجارت یونانیان بودند. قلب قلمروی یونان دریای اژه بود. یونانیان دریانوردان ماجراجویی بودند. آن‌ها با هدف تجارت از دریای اژه رهسپار اقیانوس اطلس و کرانه‌های دریای سیاه می‌شدند. در جریان این سفرها، عدهٔ زیادی از یونانیان در آن سرزمین سکنه گزیدند. این اجتماعات باعث گسترش نفوذ یونانیان فراتر از سرزمین اصلی یونان و سواحل همجوار آن شد.



گذشتهٔ پدیدار شده

با استفاده از شواهد باستان‌شناختی به شکل سفالینه‌هایی مثل این گلدان می‌توانیم تکه‌های پراکندهٔ تاریخ یونان را کنار هم بگذاریم. این گلدان نشانهٔ مهارت تحسین‌برانگیز صنعتگران یونان است. تزئین گلدان‌ها با تصاویری از رویدادهای تاریخی بسیار رایج بود. روی این گلدان صحنه‌ای از تصرف شهر تروا و کشته‌شدن حکمران آن نقش زده شده است. تسخیر تروا واقعهٔ مهمی در فرهنگ عامهٔ یونان به حساب می‌آید. در چنین گلدان‌هایی مایعاتی چون روغن، آب یا شراب نگهداری می‌کردند. امپراتوری یونان از صادرات این نوع دست‌ساخته‌ها ثروت هنگفتی نصیب خود ساخت.

حدود سال ۱۴۰۰ قبل از میلاد تمام کاخ‌های جزیرهٔ کرت، به‌جز کاخ‌های واقع در کنوسوس، در فاجعه‌ای طبیعی ویران می‌شوند. موکنایی‌ها در این زمان حکمرانی جزیرهٔ کرت را به دست گرفتند.

دروازهٔ شیر در موکنا



۱۳۰۰ ق.م.

حدود سال ۱۳۰۰ قبل از میلاد مهارت صنعت‌کاران قبرسی (Cypriot) بر خاور نزدیک و بر یونان دورهٔ موکنایی‌ها و مصر تأثیر می‌گذارد.



لوپز طلا به شکل اسل کار هم‌مدان قبرسی

۱۲۰۰ ق.م.

حدود ۱۲۰۰ قبل از میلاد، فرهنگ و اقتصاد موکنایی رو به افول می‌گذارد و شهرهایشان متروکه می‌شوند.

حدود ۱۱۰۰ قبل از میلاد، پایان تمدن‌های مینوسی و موکنایی.

شکل بازساختهٔ اسب تروا



۱۱۰۰ ق.م.

قدرت و کامرانی

تاریخ یونان باستان گستره‌ای ۲۰۰ ساله دارد. مبدأ آن تمدن مینوسی در جزیره کرت است که در فاصله سال‌های ۱۹۰۰ تا ۱۴۵۰ قبل از میلاد به اوج خود رسید. این فرهنگ نخستین فرهنگ اروپا نیز هست. اهالی مینوس مردمی سرزنده و هنرمند بودند که قصرها و شهرهای باشکوهی ساختند. آن‌ها دریانوردان بزرگی نیز بودند. دستاوردهای آن‌ها اهالی موکنایی را، که حدود سال ۱۶۰۰ قبل از میلاد تمدن خود را در مرکز یونان پایه گذاشته بودند، سخت تحت تأثیر قرار داد. دو تمدن مینوسی و موکنایی احتمالاً تحت تأثیر فجایع طبیعی و جنگ‌ها، و در پی آن قرن‌ها فقر، دچار زوال شدند.

سال ۷۵۰ قبل از میلاد سال آغاز حیات مجدد یونان بود و سرزمین یونان در سده پنجم قبل از میلاد به اوج شکوفایی اقتصادی خود رسید. این دوره به دوره باستان معروف است که طی آن در اوج شکوفایی، قدرت و کامرانی بود. در این سده، یونانیان به رهبری آتنی‌ها به دفعات به جنگ با ایرانیان پرداختند و پیروز شدند. اما آتن در پی نبردهای مکرر با رقیب خود اسپارت (Sparta) دچار افول اقتصادی شد. سپس در سده چهارم پیش از میلاد، یونان به دست سپاه مقدونی (Macedonia) فتح شد. اسکندر کبیر (Alexander the Great) حکمران مقدونی، فرهنگ یونانی را در سراسر امپراتوری خود رواج داد. سرانجام، در فاصله سال‌های ۱۶۸ تا ۱۴۶ قبل از میلاد، مقدونیه و یونان هر دو جزء امپراتوری روم شدند و تمدن یونان بخشی از میراث روم شد و به سایر نقاط اروپا راه یافت.



خط سیر زمانی حدود ۱۱۰۰ تا ۴۰۰ ق.م.

حدود ۱۱۰۰ تا ۹۰۰ سال قبل از میلاد، عصر سیاه، دوره افول هنر نوشتن از بین رفت، از این رو آثار مکتوبی از این دوران در دست نیست.

حدود ۹۰۰ تا ۷۰۰ سال قبل از میلاد، دوره هندسی، این عصر را عصر رنسانس یونان نیز می‌نامند.



گلدانی با نقوش هندسی

۱۱۰۰ ق.م.

۷۷۶ ق.م.



مجسمه مغزی باستانی

زمان بهیود پس از عصر سیاه، خط دوباره رواج می‌یابد و مردم دوباره بناهای سنگی می‌سازند.

حدود ۷۷۶ قبل از میلاد، نخستین دوره بازی‌های المپیک در المپیا (Olympia) به افتخار زئوس برگزار می‌شود.



تاج زیتون برنده‌گان المپیک

۷۵۰ ق.م.

حدود ۷۵۰ تا ۵۵۰ قبل از میلاد، بسیاری از یونانیان به علت ازدیاد جمعیت از این کشور کوچ می‌کنند و در حواشی دریای مدیترانه اجتماعاتی را شکل می‌دهند.

حدود ۷۵۰ قبل از میلاد، هومر (Homer) شاعر یونانی، ایلیاد (Iliad) و اودیسه (Odyssey) را می‌نویسد. ایلیاد شرح جنگ ترواست و اودیسه شرح سفرهای پرمخاطره اودیسه (Odysseus) است.

۷۰۰ ق.م.

یونانیان نامی

یونانیان گنجینه عظیم اساطیر و افسانه‌های مربوط به خدایان و قهرمانان‌شان را ارج می‌گذارند، اما به تاریخ بشر نیز علاقه وافری دارند. برای آن‌ها شهرت و شکوه بسیار پرارزش‌تر از مال و ثروت بود. هدف غایی آن‌ها در زندگی کسب آوازه‌ای بود که تا مدت‌ها پس از مرگ‌شان بر سر زبان‌ها باشد. مجسمه‌های متعددی از یونانیان افتخارآفرینی که هر یک به نحوی شهرتی داشتند — یکی فرماندهی سلحشور بود، دیگری شاعر، آن یکی معلم، فیلسوف، ریاضی‌دان، خطیب یا ورزشکار — در مناطق مهم شهرها نصب می‌شد. این قهرمانان نمونه بارز خصوصیت‌هایی بودند که یونانیان می‌ستودند — ویژگی‌هایی چون قدرت و شجاعت و استقامت بدنی و هوش و ذکاوت در خلق، اختراع، تشریح و ترغیب کردن.



هومر (حدود سال ۷۰۰ ق.م.)

هومر شاعر نابینا، شهرت خود را مرهون سرودن دو منظومه حماسی است: یکی **ایلیاد**، داستان محاصره شهر تروا، و دیگری **اودیسه**، شرح ماجراهای سفر اودوسئوس پس از نبرد تروا. هم‌اکنون برخی از پژوهشگران معتقدند که داستان‌های ایلیاد و اودیسه را دو شاعر یا حتی گروهی از شعرا سروده‌اند.



سافو (حدود ۶۰۰ ق.م.)

سافوی (Sappho) شاعر در جزیره لسبوس (Lesbos) به دنیا آمد. او نه کتاب شعر سرود، اما تنها یک شعر کامل از او باقی مانده است. عشق و زیبایی محور اصلی اشعار او بودند. آثار او الهام‌بخش هنرمندان هم‌عصر وی و بسیاری از شعرا و نویسندگان سده‌های بعدی بود.



سوفوکل (۴۰۶ - ۴۹۶ ق.م.)

تنها هفت نمایش‌نامه از سوفوکل (Sophocles) در دست است. او احتمالاً ۱۲۳ نمایش‌نامه نوشته بود. سوفوکل، علاوه بر نمایش‌نامه‌نویسی، نظامی و سیاستمداری صاحب‌نام بود. نام او به معنای «پراواره به سبب خرد» است.

خط سیر زمانی ۴۴۰ تا ۱۴۰ سال ق.م.

۳۳۶ قبل از میلاد، فیلیپ دوم مقدونی می‌میرد و پسرش اسکندر کبیر بر تخت می‌نشیند. اسکندر امپراتوری عظیمی را بنیان می‌نهد که از سرزمین یونان تا هند وسعت دارد.



مجسمه مفرغی کوچک اسکندر کبیر

۳۷۱ قبل از میلاد، اسپارته‌ها از اهالی تیس شکست می‌خورند. تیس مرکز قدرت یونان می‌شود.

در سال ۳۶۲ قبل از میلاد، اسپارته‌ها و آتنی‌ها برای شکست دادن اهالی تیس در نبرد مانتینیا (Mantineia) متحد می‌شوند.



۳۳۸ قبل از میلاد، یونانیان در نبرد خایرونیا (Chaeronea) از مقدونیه شکست می‌خورند. فیلیپ دوم مقدونی (Philip II) Macedonia حکمران یونان می‌شود.

بالا پوش آهنی منسوب به فیلیپ دوم مقدونی

۴۴۴ تا ۴۲۹ قبل از میلاد، دولتمرد نامی، پریکلس (Pericles) سیاست آتن را به دست می‌گیرد.



۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد، جنگ‌های پلوپونزی (Peloponnesian Wars) بین آتن و رقیب اصلی‌اش، اسپارت، درمی‌گیرد. اسپارته‌ها بر آتنی‌ها پیروز می‌شوند.

۳۹۹ قبل از میلاد، فیلسوف آتنی،

سقراط (Socrates) به مرگ سرم‌م‌ری سقراط فیلسوف محکوم می‌شود، چون ثابت می‌شود که دیدگاه‌هایش نامعمول است.

۴۴۳ ق.م.

۳۷۱ ق.م.

۳۳۶ ق.م.

۳۳۴ ق.م.

اسکندر کبیر (۳۲۳-۳۵۶ ق.م.)

اسکندر پسر فیلیپ دوم مقدونی بود. او سراسر عمر خود را به فتح سرزمین‌های جدید گذراند و امپراتوری خود را از خاورمیانه، ایران و افغانستان تا رود سند گسترش داد. پس از مرگ مشکوک وی، امپراتوری‌اش به تدریج از هم پاشید. گویا او را با سم کشتند.



پریکلس (۴۲۹-۴۹۵ ق.م.)

از رجال بزرگ یونان و از خطیبان نامی آن سرزمین که ۲۰ بار به سرداری رسید و در دوران سرداری خود نیروی دریایی یونان را قدرت بخشید، استحکامات فراوانی بنا نهاد و معابد و بناهای یادبود باشکوهی ساخت. او به مردم عادی اجازه می‌داد تا در مورد مسائل حکومتی اظهارنظر کنند. نقطه اقول پریکلس زمانی بود که اهالی آتن را به دامن جنگی خانمان‌سوز با اسپارتیان انداخت و به علت این تصمیم اشتباهش تنبیه و از مقامش ازل شد.



ارشمیدس (۲۱۱-۲۸۷ ق.م.)

این ریاضی‌دان، دانشمند، منجم و مخترع بزرگ اهل سیراکوس (Syracuse) بود. وقتی شهرش به محاصره رومیان درآمد، عدسی بسیار بزرگی ساخت و با آن نور خورشید را روی کشتی‌های رومیان متمرکز ساخت و آن‌ها را به آتش کشید. به علاوه، او برای بیرون کشیدن آب از دل زمین وسیله‌ای اختراع کرد و به مطالعه در مورد مفاهیم تعلیق و تعادل پرداخت.



سقراط (۴۹۹-۳۶۹ ق.م.)

سقراط، معلم و فیلسوف نام‌آور، مردم را تشویق می‌کرد که به راهی مناسب برای زندگی بپندیشند. آتنی‌ها او را محکوم به مرگ کردند و به او شوکران خوراندند. افلاطون (Plato)، بزرگ‌ترین شاگرد سقراط، که خود فیلسوف بزرگی بود، آخرین روزهای حیات استاد خود را ثبت کرد.



۳۳۴ قبل از میلاد، اسکندر کبیر به ایران لشکر می‌کشد تا این سرزمین را به امپراتوری خود ملحق سازد.

۳۳۳ قبل از میلاد، ارتش ایران به رهبری داریوش در نبرد ایسوس (Issus) مغلوب اسکندر کبیر می‌شود.



داریوش پادشاه ایران



رومولوس (Romulus)
و رموس (Remus)
بنیان‌گذاران افسانه‌ای روم

۳۲۳ قبل از میلاد، اسکندر کبیر درمی‌گذرد و جانشینانش بر سر تصاحب تخت با هم می‌جنگند.

۲۷۵ قبل از میلاد، یونانی‌نشین‌ها به تصرف رومیان درمی‌آیند.

۱۶۸ قبل از میلاد، رومیان حکمرانان مقدونی یونان را شکست می‌دهند.

۱۴۷ تا ۱۴۶ قبل از میلاد، نبرد آخابی (Achaean)، رومیان بر یونان و مقدونیه سلطه می‌یابند.



سرباز رومی بازره کامل

۱۴۶ ق.م.

۱۹۶ ق.م.

۳۲۳ ق.م.

تمدن مینوسی

در قلب تمدن مینوسی قصری عظیم در کنوسوس برپا بود که مرکز سیاسی و فرهنگی آن ناحیه بود و بر قسمت عمده‌ای از کرت مرکزی کنترل داشت. در دوران اوج شکوفایی این تمدن در سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد، بیش از ده هزار نفر در قصر ساکن بودند. به رغم ثروت عظیم و نهفته در این قصر، آن را بی‌حفاظ گذاشته بودند چون مطمئن بودند که نیروی دریایی پر قدرتشان بر هر مهاجمی غالب می‌شود. اما در حدود سال ۱۴۵۰ قبل از میلاد، یونانیان جنگ طلب موکنایی کنوسوس را فتح کردند و همه شهرها و کاخ‌های مینوسی را ویران ساختند. در اوایل سده بیستم میلادی، باستان‌شناس بریتانیایی، سر آرتور اوانز (Sir Arthur Evans)، بقایای باشکوه تمدنی باستانی را از دل خاک جزیره کرت بیرون کشید.

او اسم این تمدن را، به یاد پادشاه افسانه‌ای کرت، مینوس (Minos) پسر زئوس، مینوسی نهاد. شواهد حاکی از آن است که مینوسی‌ها به زبان یونانی سخن نمی‌گفتند و خطشان که به خط لینیرای معروف است، هنوز رمزگشایی نشده است.

موقعیتی خاص

نقاشی‌های دیواری از هنرهای رایج برای تزئین دیوارهای قصرهای کرت بود. برای این که نقوش روی دیوار ماندگار شوند، نقش‌ها را روی گچ‌های خیس دیوارها می‌کشیدند. در این نقاشی دیواری گروهی زن را می‌بینیم که به تماشای تماش یا مراسمی آمده‌اند. لباس‌هایی با رنگ‌های روشن با بالانتن چسبان و دامن‌های چین‌دار — همان‌طور که در تصویر مشاهده می‌کنید — از لباس‌های رایج زنان مینوسی در آن دوران بود.



کوزه‌های چندمنظوره

احتمالاً در این کوزه کنوسوسی که با رنگ‌های شاد تزیین شده است آب یا شراب می‌ریختند. سر آرتور اوانز با بررسی تغییر نقش و نگار کوزه‌ها در دوره‌های مختلف به تاریخ‌نگاری تمدن مینوسی پرداخت. این کوزه حدود سال‌های ۱۷۰۰ تا ۱۵۵۰ پیش از میلاد با چرخ کوزه‌گری ساخته شده است.



مهر مینوسی

مواد مورد نیاز: تخته، گل سفالگری، ورده، ابزار برش، خط‌کش، سوزن، چسب چوب، آب، کاسه، قلم‌مو، بند نرم.



۱. یک تکه گل را به قطر ۱ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. با نوک ابزار برش دایره‌ای به قطر ۳ سانتی‌متر روی آن بکشید.



۲. طرحی را که در تصویر می‌بینید، با ابزار برش روی قالب بکشید. صبر کنید تا خشک شود. این قطعه قالب مهر است.



۳. سفال قهوه‌ای را به ضخامت ۲ سانتی‌متر به شکل دایره پهن کنید. قطر دایره باید ۴/۵ سانتی‌متر باشد. قالب را روی خمیر فشار دهید تا نقش روی آن بیفتد.



زندگی در تجمّل

ملکه در مجموعه کاخ‌های کنوسوس قصری مختص خود داشت. این نقاشی دیواری عظیم زینت دیوار اتاق ملکه است. در این نقاشی دیواری ماهی‌ها و دلفین‌ها را می‌بینیم که در آب شنا می‌کنند. در اغلب نقاشی‌های دیواری تمدن مینوسی صحنه‌هایی از زندگی در کاخ و بخش‌هایی از حیات وحش دیده می‌شود. این نقوش منابع مطالعاتی مهمی برای مورخان معاصرند.



ستون‌ها برای نگه‌داشتن طبقات بالاتر قصر احداث می‌شدند. این ستون‌ها چوبی بودند و با رنگ‌های درخشان رنگ‌آمیزی می‌شدند.

مجموعه کاخ‌ها

ویرانه‌های مجموعه کاخ‌های کنوسوس از دل خاک بیرون کشیده و تا حدودی مرمت شده‌اند. گویا قصرهای کرتی را بدون نقشه، با افزودن اتاق یا راهرو گسترش می‌دادند. کاخ کنوسوس بزرگ‌ترین کاخ بود.



نماد سلطنتی

تبر دو سر مینوسی نماد مهمی در مذهب مینوسی بود. این تبر دو سر طلایی حدود سال ۱۸۰۰ قبل از میلاد ساخته شد.



رقصی خطرناک

پريدن از روی گاو سرگرمی رایج مردم کرت بود که در آن هم مردان شرکت می‌کردند، هم زنان. جوانان از روی شاخ‌های گاو شیرجه می‌زدند و از روی پشتش می‌پريدند. احتمالاً این ورزش بخشی از مناسک مذهبی بود.



۶. صبر کنید مهر خشک شود. یک تکه از بند را ببرید. بند را می‌توانید از یک یا از هر دو سوراخ عبور دهید تا آویز آماده شود. می‌توانید به شکل گردنبند یا مجسمه از آن استفاده کنید.



۵. برای درست کردن جلای مهر دو واحد چسب را با یک واحد آب مخلوط کنید. با قلم‌مو روی مهر جلای ببرید. مراقب باشید سوراخ‌ها را نپوشانید.



۴. یک سائنی متر از لبة خمیر شکل گرفته را ببرید. با سوزن دو طرف دایره را روی یک خط مستقیم سوراخ کنید. صبر کنید خمیر خشک شود. مهرتان آماده است.

در تمدن مینوسی مهر یا نشان هویت بود یا علامت مالکیت یا طلسم شاهی یا آزی هنری.

تمدن موکنایی

نخستین تمدن مهم سرزمین اصلی یونان در شمال شرق پلوپونز، در فاصله سال‌های ۱۶۰۰ تا ۱۲۰۰ قبل از میلاد شکل گرفت. در این دوره، چندین حکومت کوچک و قلعه‌هایی عظیم ساخته شد. قدرتمندترین حکومت‌ها در این میان، حکومت موکنایی‌ها بود. این مردم تاریخ خود را ثبت نمی‌کردند و به همین علت، بخش عمده اطلاعات ما درباره آن‌ها متکی به یافته‌های باستان‌شناختی است. می‌دانیم که موکنایی‌ها تمدن پیشرفته‌ای داشتند چون از زبانی مکتوب برای برقراری ارتباط و نیز فناوری برخوردار بودند.



دست‌رنج

این آویز طلایی به شکل انار در مقبره‌ای در جزیره قبرس (Cyprus) پیدا شده است. سطح خارجی آویز با دانه‌های ریز و ظریف طلا، به شیوه‌ای معروف به دانه‌کاری، تزیین شده است. چنین قطعه جواهری را باید هنرمند متبحری ساخته باشد.



موکنایی‌ها در استخراج سنگ معدن و ساختمان‌سازی تبحر داشتند. در حفاری‌های باستان‌شناسی دیوارهای بلندی را از خاک بیرون کشیده‌اند که از تخته‌سنگ‌های عظیم مسطح ساخته شده‌اند. موکنایی‌ها دریانوردی آموختند و با مصر، خاور نزدیک و کشورهای خاورمیانه و کشورهای ناحیه دریای بالئیک روابط تجاری گسترده‌ای برقرار کردند. آن‌ها از این کشورهای دور دست طلا، قلع برای ساختن مفرغ و کهربا برای ساخت زیورآلات وارد می‌کردند. از منابع محلی، مانند درختان زیتون، برای کسب درآمد فراوان استفاده می‌شد. از زیتون روغن می‌گرفتند و برای صادرات آن را معطر و بسته‌بندی می‌کردند. در حدود سال ۱۲۰۰ پیش از میلاد، فرهنگ موکنایی گرفتار مشکلات

اقتصادی شد و همین قضیه به سقوط این تمدن انجامید. مورخان معتقدند که احتمالاً زمین‌لرزه، جنگ‌های پی‌درپی و آتش‌سوزی باعث رکود اقتصادی شد.



نقش ماهی مرکب

موکنایی‌ها بسیاری از ایده‌های هنری خود را از اهالی مینوس گرفته بودند که ساکن جزیره کرت بودند. طرح‌های مشابه ماهی مرکب که در تصویر مشاهده می‌کنید در سفال‌های مینوسی هم دیده می‌شوند. سفالینه‌های موکنایی به شکل گسترده‌ای صادر می‌شدند و نمونه‌هایی از آن‌ها را می‌توان در شمال ایتالیا و شرق اسپانیا مشاهده کرد. از رایج‌ترین ظروف آن دوران گلدان‌های کوچکی بودند که در آن‌ها روغن زیتون معطر می‌ریختند.

کلاه خودی از دندان گراز

موکنایی‌ها علاقه زیادی به سپرها و زره‌های ظریف و باشکوه داشتند. این کلاه‌خود متعلق به سده ۱۳ قبل از میلاد روکشی از دندان گراز دارد. از دیگر موادی که در ساخت زره کاربرد داشتند می‌توان به کتان، چرم و مفرغ اشاره کرد. چندین نوع سلاح از مقبره‌های سلطنتی در مینس کشف شده است.

خنجر منبت کاری شده

این خنجر مفرغی منبت کاری شده را در مقبره‌ای متعلق به یکی از اشراف موکنایی که در فاصله سال‌های ۱۵۵۰ تا ۱۵۰۰ قبل از میلاد دفن شده، پیدا کرده‌اند. تعدد و تنوع سلاح‌های دفن شده در مقبره سران موکنایی حاکی از آن است که این قوم مردمی جنگ طلب بودند. در حفاری‌های متعدد باستان شناسان نمونه‌های مشابه این خنجر منبت کاری شده پیدا شده است، اما این خنجر از همه نمونه‌ها سالم‌تر مانده است. بر تیغه خنجر تصویری از شکار یوزپلنگان در جنگل نقش زده شده است. برای آفرینش این تصویر از فلزهای مختلفی مثل طلا، نقره و مس استفاده شده است.



این خنجر تنها نمونه‌ای است که دسته طلایی‌اش از آن جدا نشده است.

حاکم نقاب دار

این نوع نقاب طلایی مرگ مختص تمدن موکنایی است. برای ساخت آن روی قطعاتی چوب صورت فرد در گذشته را می‌تراشیدند. بعد ورقه طلا را با چکش روی آن قطعه چوب می‌کوبیدند تا شکل صورت در آن نمایان شود. بعد نقاب را هنگام تدفین روی صورت مرده می‌گذاشتند. این نقاب را باستان شناسی به نام هاینریش اشلیمان (Henrich Schliemann) در دهه هفتاد قرن نوزدهم در حفاری‌های تروا کشف کرد. در گذشته، مردم به غلط می‌پنداشتند که این نقاب متعلق به پادشاه دلیر یونان، آگاممنون (Agamemnon) است. در اصل، این نقاب حدود سیصد سال قدیمی‌تر از تصور اولیه است و در حدود سال ۱۵۰۰ قبل از میلاد ساخته شده است. حالا اعتقاد بر این است که این نقاب، نقاب مرگ یکی از نخستین شاهان موکنایی بوده است.



گنج‌های نهفته در مقبره‌ها

هاینریش اشلیمان در سال ۱۸۷۶ در موکنا حفاری‌هایی انجام داد که طی آن ۵ مقبره سلطنتی از دل خاک بیرون کشیده شد. در این مقبره‌ها ۱۶ تن به خاک سپرده شده بودند و گنجینه‌هایی از ساخته‌های طلایی، نقره‌ای، مفرغی و عاج مدفون شده بود. از محتوای این مقبره‌ها چنین برمی‌آید که تمدن موکنایی تمدنی متمول بود. مقبره رجال یا در دل صخره‌های نرم ساخته می‌شدند یا بنایی سنگی برای آن‌ها احداث می‌کردند. مردم عادی در تابوت‌های سنگی یا گودال‌هایی که در زمین حفر می‌شد، دفن می‌شدند.

سیاست و حکومت



دنیای یونان از حدود ۳۰۰ دولت-شهر تشکیل شده بود. بعضی از آن‌ها به اندازه یک روستا بودند و برخی دیگر در حومه شهرهای بزرگی چون اسپارت و آتن شکل گرفتند. این دولت-شهرها را پولیس (polis) می‌نامیدند که واژه پولیتیک (politic) از آن مشتق شده است. هر پولیس قوانین حکومتی خاص خود را داشت. در سده چهارم قبل از میلاد، ارسطو (Aristotle)، فیلسوف یونانی، در کتاب خود از سه نوع حکومت یاد کرد. در اولین نوع، حکومت در دست یک نفر است که ممکن است پادشاه باشد (و سلطنتش موروثی است) یا حاکمی غاصب (که حکومت را به زور به دست آورده است). دومین نوع حکومت از نظر ارسطو، حکومت عده‌ای بر تمام مردم است که یا اریستوکراسی (حکومت اشراف) است یا آلیگارش (حکومت ثروتمندان و قدرتمندان). نوع سوم، حکومت دموکراتیک است که در آن قدرت در دست مردم است و هر شهروند مذکری حق رأی دادن، خدمت در اداره‌ها یا قاضی شدن دارد. دموکراسی فقط در آتن اجرا می‌شد. حتی در آن‌جا هم زنان، غلامان و خارجی‌ان شهروند کامل به حساب نمی‌آمدند.

پشت صحنه

در یونان باستان زنان حق نداشتند در سیاست نقشی فعال داشته باشند. اما برخی در پشت صحنه ایفاگر نقش‌هایی حیاتی بودند. یکی از این زنان آسپاسیا (Aspasia) بود. او که حرفه‌اش سرگرم کردن درباریان بود، به دربار پریکلس (یکی از پرنفوذترین دولتمردان آتن در سده پنجم قبل از میلاد) راه یافت و معشوقه او شد. پریکلس در مورد مسائل حکومتی با او مشورت می‌کرد و در تصمیم‌گیری‌های خود در مورد مردم و موقعیت‌های مختلف به خرد و بینش او تکیه می‌کرد.



نقش سنگ

قوانین شهر افسوس (Ephesus) به زبان‌های یونانی و رومی روی لوح‌های سنگی کنده شده بودند. یونانیان معتقد بودند که اگر قرار است همه شهروندان قوانین را رعایت کنند، باید آن را به‌وضوح روی سنگ نقش زد تا همه مردم بتوانند آن را ببینند.



۳. مرکز هر دو دایره سفالی را سوراخ کنید. یکی را با چوب بالزا، دیگری را با نی نوشیدنی. زتونی که سوراخ مرکزیش از چوب بالزاست نشانه بی‌گناه و زتونی که سوراخ مرکزیش از نی است نشانه گناهکار است.



۲. با وردنه گل سفالگری را روی تخته به قطر ۳ سانتی‌متر پهن کنید. با کاردک قالب دایره‌ها را روی خمیر درآورید. در حین کار، مقوا را روی خمیر محکم فشار دهید.



۱. دو الگو درست کنید. با پرگار روی مقوایی نازک دو دایره به قطر ۴ سانتی‌متر بکشید. دایره‌ها را ببرید.

زتونی رأی

مواد مورد نیاز: پرگار، مقوای نازک، مداد، خط‌کش، قیچی، وردنه، تخته، سفال، ابزار برش، چوب بالزا به طول ۵ سانتی‌متر، یک عدد نی نوشیدنی به طول ۵ سانتی‌متر، رنگ برنزی، قلممو، ظرف آب.





قدرت مردم

سولون (Solon) قانونگذار، دولتمرد و شاعری آتنی بود که در سال ۶۴۰ قبل از میلاد به دنیا آمد و در ۵۵۹ قبل از میلاد درگذشت. او در حدود سال ۵۹۴ قبل از میلاد، وقتی که صاحب‌منصب قضایی بود، قوانین جدیدی برای آتن وضع کرد که بر اساس آن افراد بیشتری در سیاست حق دخالت یافتند. اعمال و درایت او مانع از بروز جنگ بین اشراف قدرتمند و مردمی شد که تحت فشار حکومت آنان عاصی شده بودند.



چهره به چهره

ویرانه‌های تالار شورا را در شهر پریه (Priene) در ترکیه کنونی می‌بینیم. به شکل پله‌هایی که محل نشستن اعضای شورا بود توجه کنید. میدان سه‌وجهی پلکانی به‌گونه‌ای طراحی شده بود که همه حضار به راحتی می‌توانستند همدیگر را ببینند و صدای هم را بشنوند. حتی در حکومت‌های دموکراتیک یونان باستان هم اغلب تصمیم‌گیری‌ها در مورد مسائل روزمره به‌عهده کمیته‌ها و شوراها بود و رأی‌گیری در این مورد نقشی نداشت.



رأیان را این‌جا بریزید

این گلدان سفالی وسیله جمع کردن آرا بود. در آتن وقتی باید در دادگاهی رأی صادر می‌شد یا هنگامی که نظر رأی‌دهندگان باید مخفی می‌ماند، از این گلدان استفاده می‌کردند. هر رأی‌دهنده‌ای با انداختن نشانه‌ای مفرغی در گلدان رأی خود را اعلام می‌کرد. معمولاً برای رأی‌گیری دست‌ها را بالا می‌بردند که شمارش دقیق آن کار سختی بود.



به اعضای هیئت منصفه دو ژتون برای رأی‌دادن در مورد گناهکار پشون یا بی‌گناهی متهم داده می‌شد. با نشانه‌ای که سوراخ وسطش تنگ بود به گناهکار بودن متهم رأی می‌دادند و با نشانه‌ای که سوراخش فراخ‌تر بود، به بی‌گناهی او.



۶. بعد از خشک شدن، ژتون‌ها را رنگ کنید. نشانه‌های اصلی از مفرغ ساخته می‌شدند. پس برای شبیه‌سازی از رنگ برنزی استفاده کنید.



۵. اسم دیگری را با ابزار برش روی نشانه گناهکار حک کنید. به آرامی بی‌نوشتنی را درون سوراخ قرار دهید و صبر کنید تا خشک شود



۴. با ابزار برش اسمی را روی نشانه بی‌گناه حک کنید. چوب بالزا را به آرامی درون سوراخ قرار دهید و صبر کنید تا خشک شود

برابری و نابرابری

بر جامعه یونان ساختار اجتماعی دقیقی حاکم بود که حکومت آن را اعمال می کرد. در اکثر شهرها گروهی اقلیت (آلیگارش) حکم می راندند. دو شهر قدرتمند اسپارت و آتن از این موضوع مستثنا بودند. در اسپارت یک حاکم حکم می راند و حکومت آتن هم نخستین حکومت دموکراتیک تاریخ بود. همه شهروندان آتن حق رأی و حق کار داشتند، اما فقط مردان بالغی که در خود آتن به دنیا آمده بودند شهروند آتنی محسوب می شدند. حتی این به اصطلاح دموکراسی آتن هم تحت نفوذ اقلیتی بود که در آن جا زندگی می کردند. رفتار با زنان، غلامان، خارجیان و بچه ها درست مثل شهرهای دیگر بود.

زنان از حقوق قانونی بی بهره بودند و به ندرت در زندگی اجتماعی دیده می شدند. خارجیان باید مالیات بیش تری می دادند و مجبور بودند در ارتش خدمت کنند. آن ها حق خریدن زمین یا ازدواج با اهالی آتن را نداشتند. آتنی ها از تعداد روزافزون خارجیان ساکن در شهرشان به ستوه آمده بودند، اما نمی شد مهارت آنان را که به ثروت شهر می افزود، نادیده گرفت. برده ها نیمی از جمعیت آتن را تشکیل می دادند. بعضی از آن ها برده مادرزاد بودند و برخی دیگر در جنگ ها یا به دست دزدان دریایی به اسارت در آمده بودند. عده ای از بردگان نیز شهروندان خود یونان بودند که به علت بدهی باید تا زمان پرداخت قرض شان به فرد بستانکار خدمت می کردند.



سلحشوران و ثروت

تنها ثروتمندان جامعه توان آن را داشتند که برای جنگ، خود را به سلاح کامل پیاده نظام مجهز کنند. در سده های نخستین، فقرا تدارکاتچی بودند و فلاخن انداز یا حمل کننده مهمات می شدند. آن ها استطاعت خریدن سلاح های گران قیمت مفرغی را نداشتند. اما با ثروتمندتر شدن شهرها غلامان و برده ها به هزینه بیت المال اسلحه ساختند و عده بیش تری از شهروندان مذکر صاحب اسلحه شدند.

محبوبان

نقش دختر بچه ای و سگش روی این سنگ قبر متعلق به سده چهارم قبل از میلاد حک شده است. هزینه سفارش و ساخت چنین سنگ قبری بسیار بالا بود، پس قطعاً دخترک بسیار محبوب بود. اما همه بچه ها این قدر محبوب نبودند، دختر بچه ها و بچه های مریم را معمولاً رها می کردند تا بمیرند. برخی سوء تغذیه داشتند و به انواع بیماری ها دچار بودند. در قوانین یونان باستان تصریح شده بود که فرزندان باید مراقب پدر و مادر سالمند خود باشند. به همین علت، زوج هایی که صاحب فرزند نمی شدند همیشه آماده پذیرش فرزندخوانده بودند و بچه های سرراهی را نجات می دادند.



جای زنان

زنان یونانی زندگی خود را در خانه می گذرانند. نقش این گلدان متعلق به سال ۴۵۰ قبل از میلاد، تصویر زنی است که پیش از خروج از خانه بند صندلش را می بندد. از آن جا که او خدمه دارد معلوم می شود که زنی ثروتمند است. زنان فقیر برای آوردن آب، کار کردن در مزارع یا خریدن از بازار از خانه خارج می شدند. زنان معمولاً به قصد میهمانی رفتن به خانه اقوام یا رفتن به زیارتگاه و معبد همراه با کنیزی از خانه خارج می شدند.



صنعتگر

این آهنگر شاید برده‌ای بوده که در کارگاه مالکی ثروتمند کار می‌کرد. صنعتگران اغلب از سه دسته بودند: بردگان، برده‌های آزاد شده یا خارجی‌ان. شهروندان عادی به صنعتگران به دیده تحقیر می‌نگریستند. اگر کسی برده‌ای باهوش داشت، ممکن بود او را در کارهایش آزاد بگذارد و در عوض، بخشی از درآمد او را می‌گرفت. شاید هم این آهنگر سردی آزاد بود که در کارگاه خودش کار می‌کرد و برای خودش یکی دو برده داشت که دستیارش بودند.



راهی به سوی قدرت

داشتن سواد خواندن و نوشتن در یونان باستان عاملی نبود که خودبه‌خود به کسب موفقیت منجر شود. القای یونانی را می‌شد به راحتی آموخت. حتی برده‌ها هم می‌توانستند کاتبان عالی‌رتبه‌ای شوند. با این حال، افراد بی‌سواد نمی‌توانستند به مقام‌های بالا برسند، البته شاید به‌جز در ناحیه‌ی اسب‌پراری که نوشتن چندان در آن رایج نبود، چون اسناد مکتوب انگشت‌شماری در آن نگهداری می‌شد. زنان حق تحصیل رسمی نداشتند، اما آن‌قدر سواد داشتند که بتوانند حساب و کتاب خانه را نگه دارند.



برده‌زبان

این بطری رومی به شکل سر یک دختر برده‌ی آفریقایی ساخته شده است. یونانیان نیز برده‌دار بودند. ارسطو، فیلسوف یونانی، معتقد بود که برخی از مردم ذاتاً برده‌اند. بسیاری از هم‌وطنانش با وی هم‌عقیده بودند. به زعم او، این قضیه بیش‌تر در مورد کسانی صدق می‌کرد که یونانی صحبت نمی‌کردند. برده‌ها با رفتارهای متفاوتی روبه‌رو بودند - با برخی بسیار با مهربانی رفتار می‌شد و با برخی دیگر ظالمانه. از برخی آن‌قدر کار می‌کشیدند تا بمیرند و برعکس، برخی دیگر شغل‌های خوبی پیدا می‌کردند و مثلاً نگهبان دژهای سلطنتی یا منشی می‌شدند. چند صدتن نیز در خدمت شهر آتن بودند و در کسوت مأمور انتظامی، بازرس خراب‌خانه و منشی دادگاه انجام وظیفه می‌کردند.

عصر طلایی آتن

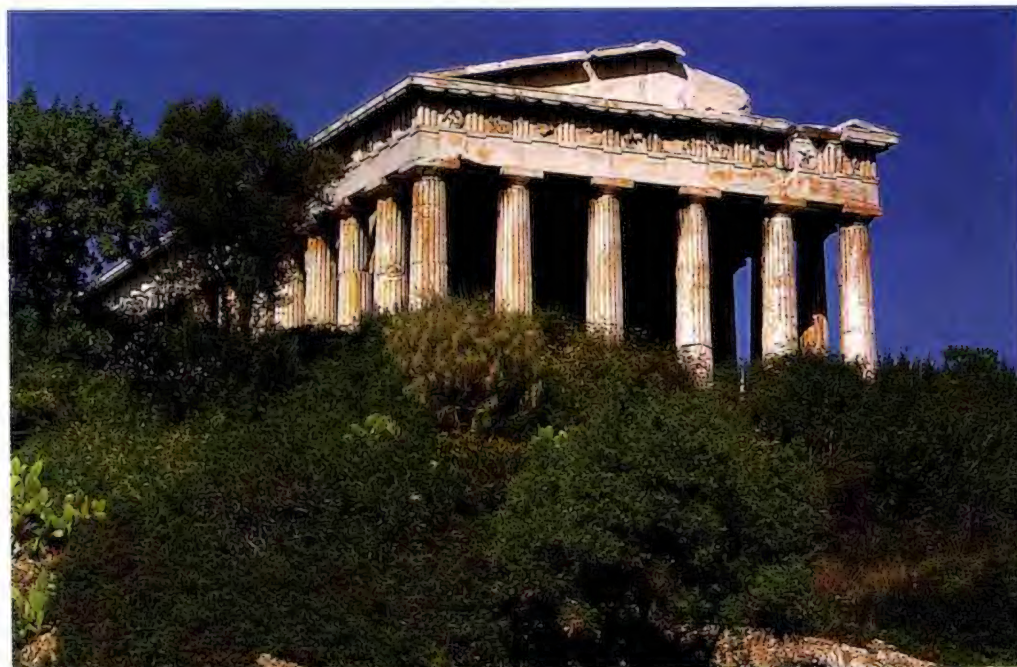


خدای بانوی جنگ

نقش این سکه یونانی متعلق به سده چهارم قبل از میلاد چهره آتنا با کلاهخودی بر سر است. کلاهخود با برگ درخت غار تزئین شده است که نشانه پیروزی است. آتنا را نماد نظم در جنگ می‌دانند و عده‌ای معتقدند که وی مخترع کشتی و درشکه است. او که خدای بانوی جنگ بود، آتنا نایکی (Athena Nike) لقب گرفت، که در زبان یونانی به معنای «پیروزی» است. حریف وی، آرس (Ares)، نماد انجام گسیختگی و تلفات جنگ بود.

آتن اصلی‌ترین شهر ناحیه حاصلخیز آتیک (Attica) در جنوب یونان بود. آتن ثروت خود را از راه تجارت، صنعت و استخراج نقره به دست آورده بود. اوج شکوفایی قدرت و ثروت آتن سده پنجم قبل از میلاد بود. در آن دوران، در آتن امپراتوری وسیعی شکل گرفت که ناحیه پهنای را در سرزمین اصلی یونان و جزایر اطراف آن شامل می‌شد. آتن در دوران درخشان شکوفایی هنر و فرهنگ، دویست و پنجاه هزار نفر سکنه داشت. در این دوران، اهالی آتن بر ارتش مهاجم ایران پیروز شدند و به افتخار این پیروزی، چندین معبد باشکوه در آکروپولیس (Acropolis) آتن ساختند. آکروپولیس تپه‌ای مقدس و مشرف به شهر بود. مهم‌ترین معبد این مکان، معبد پارتنون است که به خدای بانوی شهر، آتنا، تقدیم شده بود. قلب شهر، محل بازار و دادوستد بود که به آن آگورا (agora) می‌گفتند. آگورا، که دورتا دورش را معبد و ساختمان‌های دولتی و درونش را دکان‌ها فرا گرفته بودند، قلب تجاری آتن بود.

در فاصله سال‌های ۴۳۱ تا ۴۰۴ قبل از میلاد، آتنی‌ها درگیر جنگی عظیم با ایرانیان و اهالی اسپارت شدند. نتیجه این جنگ شکست آتن و از دست رفتن بخش عمده امپراتوری آبی این سرزمین بود و پس از آن، رهبری تجاری و فرهنگی ناحیه به دست اسپارت‌ها افتاد.



شکوه فزاینده

این معبد که متعلق به هفائستوس (Hephaestus) است، نمونه‌ای اعلای معماری باشکوهی است که آتنی‌ها به خاطر آن شهرتی فراگیر داشتند. این معبد در فاصله سال‌های ۴۴۹ تا ۴۴۴ قبل از میلاد در منتهای علیه شرقی آگورا ساخته شد. هفائستوس خدای آتش و سازنده سلاح برای خدایان دیگر بود. مجسمه‌ای مفرغی از وی داخل معبد نصب شده است که او را با کلاه آهنگری بر سر و چکشی در دست پشت ساندنی در حال ساخت زره نشان می‌دهد. حفاری‌های باستان‌شناسی نشان داده است که سازندگان مجسمه‌های مفرغی در یک سوی معبد کار می‌کردند و سازندگان مجسمه‌های مرمری در سویی دیگر.

جشن های آتنی

هر سال مردم آتن طی مراسم باشکوهی پیاده یا سواره به سمت معبد آتنا در اکروپولیس راه می افتادند. حتی خارجی‌ان نیز در این مراسم شرکت می کردند. در این کنیه که در پارتئون یافت شده است، مردان جوانی را می بینیم که در حال آماده شدن برای شرکت در مراسم‌اند. در معبد، گاو نر و حیوانات دیگر قربانی می شدند و گوشت قربانی بین مردم پخش می شد. هر چهار سال یکبار، که جامه جدیدی به آتنا تقدیم می شد، مراسم دیگری هم به این مراسم سالانه اضافه می کردند. این جشن‌ها با مسابقات ورزشی و موسیقی همراه بود و جایزه برنده یا پول بود یا روغن زیتون.



تولد یک خدای بانو

طبق افسانه‌های یونان، زئوس پس از آن که غیب‌گویی به وی گفت که معشوقه‌اش فرزندی خواهد زایید که او را سرنگون خواهد ساخت، معشوقه باردار خود را بلعید. اندکی بعد، زئوس سردردهای شدیدی گرفت. هفائستوس پیشنهاد کرد که با تیری سر زئوس را بشکافد تا دردش کم‌تر شود. وقتی چنین کرد، آتنا از درون سر زئوس بیرون پرید، بالغ و سراسرا مسلح و زره به تن (درست همان‌طور که در وسط این تصویر دیده می شود).

تبعید

سالی یکبار آتنی‌ها اجازه داشتند افراد خلافکار جامعه را ۱۰ سال از شهرشان تبعید کنند. رأی‌دهندگان نام‌ها را روی تکه‌ای سفالی می‌کنند که به آن اوستراکون (Ostrakon) می‌گفتند. واژه ostracism به معنای نفی بلد، برگرفته از همین واژه است. اگر حداقل ۶۰۰۰ رأی جمع می‌شد، فرد خالی می‌بایست ظرف ده روز از شهر بیرون می‌رفت. از این قطعات سفالی (اوستراکون) برای ردوبدل کردن پیغام و نوشتن فهرست خرید هم استفاده می‌شد.

خدای بانوی خرد

جغد، نماد خرد، نشان آتنا بود. این سکه نقره در سال ۴۷۹ قبل از میلاد، درست پیش از پیروزی مکرآمیز یونانیان بر سپاه ایران، در آتن ضرب شده است. سکه‌های آتنی در سراسر یونان، ایتالیا و ترکیه اعتبار داشت و این نشانه میزان نفوذ دولت - شهر آتن بر فرهنگ و جامعه آن روزگار است. سکه‌های شهرهای دیگر را همه جا نمی‌پذیرفتند.



نظم اسپارتی

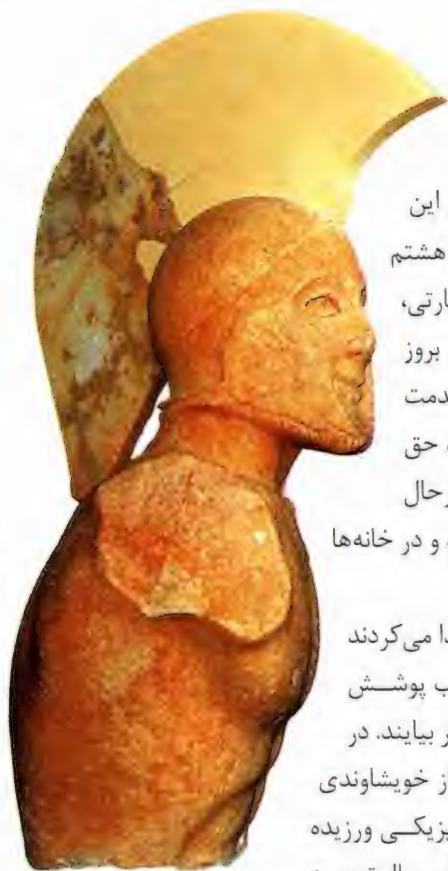
اسپارت، در اوج شکوفایی و قدرتش، تنها دولت-شهر رقیب آتن محسوب می‌شد. اسپارتی‌ها بخش عمده جنوب یونان را که پلوپونز نام داشت تحت سیطره داشتند. اسپارت دولت-شهری جزیره‌مانند و نظامی بود. نظامی‌گری ج یافت که این شهر کنترل بردگان خود را از دست داد و این وضعیت ۱۷ سال به طول انجامید. بردگان اسپارت نوادگان مردم مسنیا (Messenia) بودند که قرن هشتم قبل از میلاد مقهور اسپارتیان شده بودند. بعدها، عده این بردگان آن قدر زیاد شد که در ازای هر اسپارتی، هفت برده وجود داشت. سرانجام اسپارتی‌ها بر شورشیان فائق آمدند، اما همیشه در ترس و هراس بروز شورشی دیگر بودند. در نتیجه، تمام شهروندان مذکر بالغ موظف شدند به صورت تمام وقت به خدمت ارتش در بیایند. افزون بر این، محدودیت‌های شدیدی هم بر بردگان اعمال شد، به گونه‌ای که برده حق نداشت بر اسب سوار شود یا نیمه‌شب بیرون برود. به این ترتیب، شهروندان اسپارت تمام وقت در حال گذراندن دوره‌های نظامی بودند و در عوض، بردگان موظف بودند کارهای سنگین را انجام دهند و در خانه‌ها بیگاری کنند.

اسپارتی‌ها زندگی را بر خود سخت می‌گرفتند. پسران و دختران اسپارتی را از پدر و مادرشان جدا می‌کردند و در محل‌هایی خاص پرورش می‌دادند. پسرها از هفت سالگی تعلیم نظامی می‌دیدند. آن‌ها اغلب پوشش مناسبی در مقابل سرما نداشتند، پابرهنه و گرسنه بودند و معمولاً شلاق می‌خوردند تا مقاوم بار بیایند. در بیست سالگی، به گروهی ۱۵ نفره ملحق می‌شدند که با هم رفیق بودند. در اسپارت رفاقت مهم‌تر از خویشاوندی بود. دختران هم از نظر فیزیکی ورزیده

می‌شدند تا بتوانند فرزندان سالم‌تری به دنیا آورند. قدرت اسپارت پس از شکست از ارتش تبس در سال ۳۷۱ قبل از میلاد رو به افول گذاشت.

شراب برای سلحشوران

این ظرف شراب مفرغی عظیم، ۱۶۵ سانتی‌متر ارتفاع، ۲۰۸ کیلو وزن و ۱۲۰۰ لیتر گنجایش دارد. این ظرف در سال ۵۳۰ قبل از میلاد به دست صنعتگری اسپارتی ساخته شد. در گردن ظرف تصویر سربازان و اراکه‌هایی جنگی که رهسپار میدان نبردند نقش زده شده است. دسته‌های ظرف به شکل سر هیولای مؤنثی به نام گورگون (gorgon) است. برخی بر این باورند که این جام هدیه دولت اسپارت به دولت لیدی (Lydia) بود که می‌خواست با اسپارتی‌ها متحد شود. اسپارتی‌ها در خلق آثار ظریف مفرغی پرآوازه بودند.

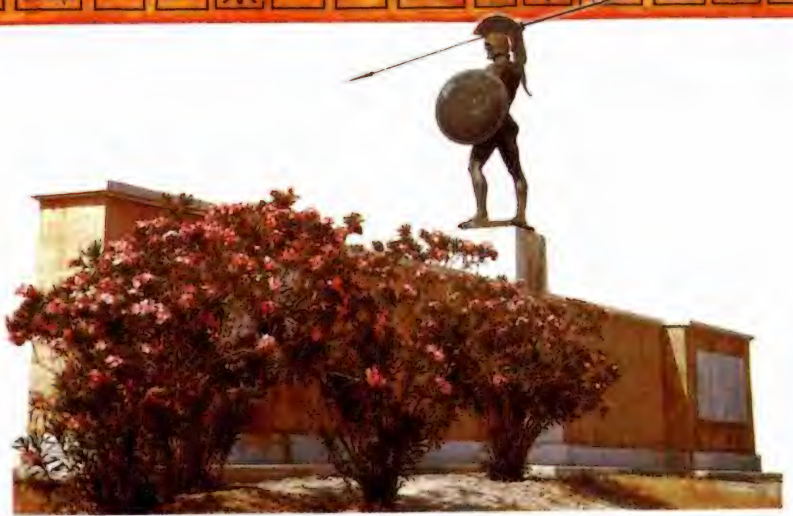


پادشاه قهرمان

این مجسمه نیم‌تنه متعلق به سده پنجم قبل از میلاد احتمالاً مجسمه شاه لئونیداس (Leonidas) است. در اسپارت دو خانواده سلطنتی می‌زیستند. هم‌زمان، از هر خانواده یک نفر برای اداره اسپارت انتخاب می‌شد. قدرت این دو شاه محدود بود. وظیفه اصلی آن‌ها هدایت اسپارتی‌ها در صحنه نبرد بود.

مرگ و شکوه

این بنای یادبود مدرن به یاد شاه لئونیداس و ۳۰۰ اسپارتی دیگر — که قهرمانانه خود را قربانی شهر کردند — ساخته شده است. آن‌ها در سال ۴۸۰ قبل از میلاد در دفاع از گذرگاه ترموپیل (Thermopylae) در مقابل سپاه ۲۵۰,۰۰۰ نفره ایران کشته شدند. این گذرگاه تنها ۱۳ متر عرض داشت و شاه و سربازانش دو روز در انتظار رسیدن مهمات و نیروی کمکی، در این ناحیه از خاک خود دفاع کردند. در روز سوم، فردی خائن مسیر دیگری را از دل کوه به ایرانیان نشان داد. لئونیداس دستور عقب‌نشینی داد و همراه با افرادش تا پای جان جنگید.



نیروی دریایی

در این کنده‌کاری روی عاج نقش یک کشتی جنگی اسپارتی حک شده است. از نوک تیز جلوی کشتی برای غرق کردن کشتی‌های دشمن استفاده می‌شد. اسپارت بیش از هر چیز به خاطر نیروی زمینی‌اش شهرت داشت و نیروی دریایی‌اش به پای نیروی دریایی آتن نمی‌رسید. اداره و تجهیز ناوگان دریایی بسیار پرهزینه بود، چون در دوران صلح ناوگان‌های مجهز و پیچیده استفاده‌ای نداشتند. آتنی‌ها خرج ناوگان دریایی خود را از معادن نقره‌شان تأمین می‌کردند، اما اسپارتی‌ها چنین ثروتی نداشتند. آن‌ها گاهی برای سرپا نگاه داشتن ناوگان دریایی خود مجبور بودند از شهرهای دیگر پول قرض کنند.



بنیه ارتش

سربازان اسپارتی به سبب موی بلند و جامه سرخ‌رنگ‌شان در میدان جنگ کاملاً مشخص بودند. این مجسمه کوچک سلحشور اسپارتی احتمالاً در سده ششم قبل از میلاد ساخته شده است. کلاه‌خود تاجدارش محافظی برای بینی و گونه دارد. او ساق‌پوش و زره بالاتنه نیز به تن دارد.



مجری قانون

این موزاییک‌کاری رومی نقش لیکورگوس (Lycurgus) است که تبری را بالا برده است. اطلاع‌چندانی از زندگی وی در دست نیست، چون اسپارتی‌ها چندان اهل ثبت اطلاعات نبودند. اغلب محققان معتقدند که وی حدود سال ۶۵۰ قبل از میلاد می‌زیست. بزرگ‌ترین دستاورد وی سامان‌دهی مجدد ارتش اسپارت بعد از شکست از دولت-شهر آرگوس (Argos) بود.



در خانه



گرما در خانه

در نواحی کوهستانی یونان زمستان بسیار سرد است. این آتشدان مفرغی را که در حدود سدهٔ چهارم قبل از میلاد ساخته شده است، احتمالاً بر از زغال سنگ می‌کردند تا اتاق سردی را گرم کنند.

خدای بانوی اجاق

هستیا (Hestia) خدای بانوی اجاق و خانه بود. آتشی به افتخار او در سراسر سال روشن نگه داشته می‌شد، با این آتش غذا می‌پختند، خانه را گرم می‌کردند و برای سوخت آتشدان‌ها با آن زغال تهیه می‌کردند. رسم بر این بود که یونانیانی که به آن سوی آب‌ها مهاجرت و در اجتماعاتی در سرزمین‌های دوردست زندگی می‌کردند، آتش خانهٔ قبلی را با خود ببرند و از آن در محل جدید آتشی بر پا دارند.



خانه‌های یونانیان از آجرهای خشتی ساخته می‌شد و سقف خانه آجرهای سفالی داشت. پنجرهٔ خانه معمولاً بلند و کوچک بود و حفاظ چوبی داشت. کف خانه هم با خاک فشرده، گچ یا موزاییک پوشانده می‌شد. خانه اغلب ساختاری بسیار ساده داشت و صاحب‌خانه به تدریج در حد توان خود به آن اتاق‌هایی می‌افزود. به این دلیل، خانه‌ها شکل منظم و مرتبی نداشتند و خیابان‌ها هم به‌ندرت صاف و مستقیم بودند. خانه‌های روستا اغلب دیواری سنگی داشتند که حفاظ ساکنان خانه و حیوانات اهلی‌شان بود. مردان و زنان جدا از هم در اتاق‌هایی مجزا زندگی می‌کردند. اتاق زنان معمولاً در قسمت پشتی خانه بود. ثروتمندان در خانهٔ خود احتمالاً آشپزخانه و حمام هم داشتند. مبلمان خانه‌ها بسیار کم و ساده بود و احتمالاً شامل نیمکت‌هایی بود که هم نقش تخت‌خواب را بازی می‌کردند، هم میز بودند و هم صندلی. تنها شهروندان ثروتمند می‌توانستند اثاثیه مجلل و نیمکت‌هایی با روکشی از طلا یا عاج داشته باشند.



کدپوش از سدهٔ بردهای جوس، رنگ و درختال در سده می‌شد

اندرون فضایی بود که مردان در آن استراحت می‌کردند و اوقات فراغت‌شان را می‌گذراندند.

نقش بر جستهٔ دولفین

مواد: موژد نیاز، مداد، یک برگ کاغذ سفید ۲۱ × ۱۹ سانتی‌متر، ورده، گل سفالگری سفید، خط‌کش، تخته، ابزار برش، سنجاق، سمباده، قلم‌موی نقاشی، رنگ اکریلیک و آب.

۱. روی کاغذ سفید یک دولفین بکشید. اطرافش چند ماهی کوچک و گیاه دریایی بکشید. می‌توانید از تصویر نهایی کمک بگیرید.

۲. گل سفالگری را روی تخته پهن کنید. به طوری که طولش ۲۱ و عرضش ۱۹ سانتی‌متر باشد. ضخامت گل سفالگری باید حدود ۰/۵ سانتی‌متر باشد. لبه‌های نامرتب کار را بریزید.

۳. وقتی گل سفالگری هنوز کاملاً خشک نشده، تصویر دولفین را روی آن بگذارید. تمام خطوط طرح را با سوزن به صفحه گل سفالگری منتقل کنید.





کار گرم

معمولاً غذا را روی اجاق روباز می پختند. آشپزی یا در حیاط منزل انجام می شد و دود حاصل از برافروختن آتش در هوا پخش می شد یا در آشپزخانه دودکشی بالای اجاق تعبیه می شد که دود را به خارج می فرستاد.



خانه روباز

در معماری یونان باستان در قلب هر خانه ای حیاط قرار داشت. اغلب کارهای خانه در حیاط انجام می شد. اکثر خانه ها محرابی در حیاط خود داشتند که در آن جا قربانیان خود را به پیشگاه خدایان تقدیم می کردند.

دیوارهای گلی مقاوم نبودند و درازن صبور به راحتی می توانستند اثر آن ها سوراخ ایجاد کنند.

نقاشی دیواری را روی گچ نرم دار می کشند. طرحی که در این تصویر می بینید، نقشی است که روی دیواره کاخ مینوسی در کنوسوس پیدا شده است.



۷. سرانجام، دو نوار، مثل تصویر فوق، پایین صفحه بکشید. به این ترتیب، جای نصب تصویر مشخص می شود. صبر کنید کار خشک شود.

۶. قسمت پایین نقاشی را آبی کم رنگ بزنید. پس از خشک شدن این قسمت، بقیه تصویر را رنگ آمیزی کنید. از رنگ هایی استفاده کنید که ندای گر دریا باشند.

۵. با مداد نقطه ها را به هم بچسبانید تا شکل کلی به دست آید. این شکل کپی طرح اولیه شماست.

۴. کاغذ را از روی صفحه بردارید و صبر کنید خشک شود. پس از آن که کاملاً خشک شد، سطح آن را به آرامی سمباده نرم بکشید.

زندگی روستایی

اغلب جمعیت یونان روستانشین بودند و در مزرعه کار می‌کردند. موقعیت کوهستانی یونان و خاک سنگلاخ و نامناسب و نیز آب‌وهوای گرم‌وخشک این ناحیه به محدودیت‌هایی در پرورش حیوانات و کاشت محصول منجر شده بود. در این شرایط، درخت زیتون و زنبور بسیار خوب پرورش می‌یافت. از زیتون روغن می‌گرفتند و از زنبور، عسل (که عمده‌ترین چاشنی غذا بود) و موم، کاشت و پرورش غلاتی مثل جو در یونان چندان آسان نبود و اگر در زمینی غله می‌کاشتند باید یک‌سال آن را رها می‌کردند تا دوباره حاصلخیز شود. روستاییان گاو نر پرورش می‌دادند و با آن زمین‌هایشان را شخم می‌زدند و بارهای سنگین را جابه‌جا می‌کردند و برای بردن کالاهای‌شان به بازار از الاغ استفاده می‌کردند. در نواحی روستایی موادی تولید می‌شد که دست‌مایه کار صنعتگران شهری بود، موادی چون الوار، گیاه بزرک یا کتان، شاخ و استخوان برای درست کردن چسب و چرم.



برداشت زیتون

نقش این گلدان تصویر مردانی است که درخت زیتون را تکان می‌دهند و به شاخ و برگ آن ضربه می‌زنند تا زیتون‌های رسیده‌اش به زمین بریزند. زیتون هم مصرف خوراکی داشت و هم آن را می‌کوبیدند و از آن روغن می‌گرفتند. این روغن هم برای آشپزی و هم در پزشکی کاربرد داشت و علاوه بر این، ماده‌ای پاک‌کننده و نیز سوخت چراغ‌های‌شان بود.

زندگی روستایی بسیار پرمخاطره بود چون خطرات طبیعی، مثل خشکسالی، سیل و حمله گرگ‌ها و جنگ مدام زندگی روستانشینان را تهدید می‌کرد. در طول قرن‌ها، خطر دیگری نیز به وجود آمد. به سبب از بین رفتن جنگل‌ها برای تهیه سوخت و الوار، فرسایش خاک افزایش یافت و آن مقدار محدود زمین حاصلخیز یونان را هم از بین برد. مهاجرت یونانیان برای یافتن زمین‌های کشاورزی حاصلخیز، باعث افزایش اجتماعی یونانی در حاشیه مدیترانه و دریای سیاه شد.



غذا برای پول

گوشت از طریق شکار و پرورش حیوانات خانگی تهیه می‌شد. شکار برای ثروتمندان جنبه ورزشی داشت، اما برای فقرا امری بسیار جدی بود، چون با شکار می‌توانستند غذای بیش‌تری سرمیز داشته باشند و شکارچیان از تور و دام و تله‌های ساده برای گرفتن مارمولک و خرگوش و به دام انداختن پرندگان کوچک استفاده می‌کردند.



رفتن به ماهیگیری

بسیاری از یونانیان نزدیک آب زندگی می‌کردند. از رودخانه و دریاچه ماهی و صدف را فراهم می‌کردند که منبع اصلی تأمین پروتئین یونانیان بود. ماهی را دودی و نمک‌سود می‌کردند تا بعدها آن را مصرف کنند. ماهیگیران همواره وقتی گرفتار توفان می‌شدند یا کشتی‌شان می‌شکست به خدای دریاها، پوزیدون (Poseidon)، پناه می‌بردند تا نجات‌شان دهد.



شخم زدن به کمک گاو نر

این مجسمه سفالی که در تیس پیدا شده است، نقش کشاورزی است که با دو گاو نر زمینش را شخم می‌زند. خیش چوبی بود، اما تیغهای که زمین را شکاف می‌داد از آهن ساخته می‌شد. گاو قوی‌تر و ارزان‌تر از اسب بود و به همین علت، برای کار سنگین استفاده از گاو به صرفه‌تر بود. وقتی گاو می‌مرد از پوست، شاخ، گوشت، رگ و پایش — برای درست کردن ریسمان — و چربی‌اش — برای درست کردن موم شمع — استفاده می‌کردند.



خدای بانوی کشت و زرع

دیمتر (Demeter) خدای بانوی گندم و رشد بود، او مراقب گیاهان، کودکان و جوانان بود. نخستین بخش نام او (deme) واژه‌ای باستانی به معنای زمین است و بخش دوم (meter) به معنای مادر است. کشاورزان معتقد بودند که موفقیت‌شان به نیروهایی مہارناپذیر مثل باران، خورشید و بیماری‌هایی که گیاهان و حیوانات‌شان را تهدید می‌کرد بستگی دارد. کشاورزان با دعا‌های خاص و قربانی‌هایی که به درگاه دیمتر تقدیم می‌کردند از او می‌خواستند از بروز بدبختی جلوگیری کند. به افتخار این خدای بانو جشن‌هایی در زمان‌هایی خاص — مثل وقت درو، قبل از شخم‌زدن، هم‌زمان با جوانه‌زدن محصول و بعد از برداشت محصول — برپا می‌شد.



خوراکی‌ها

در کشور گرمسیری چون یونان خشک کردن غذا راه مناسبی برای نگهداری آن بود. دسر یونانیان کشمش و برگه‌های زردآلو بود و برای شیرین کردن غذا هم از این مواد استفاده می‌کردند. زیتون نیز خوراکی و چاشنی رایج یونان بود.

کشمش

زردآلو

زیتون

غذا و نوشیدنی

غذاهای یونان باستان شامل نان خانگی، ماهی تازه‌ای که از دریا صید می‌شد و سبزیجاتی مثل پیاز، تره فرنگی، باقلا، عدس و ترب بود. گوشت و تخم‌مرغ از کبوتر و مرغ‌های خانگی تأمین می‌شد و شیر و پنیر نیز از گاو، بز یا گوسفند به دست می‌آمد. گاهی خوک یا بزی را می‌کشتند تا گوشت مصرفی خانواده به دست آید، یا به شکارگراز، گوزن، خرگوش و حتی توکا می‌رفتند. یونانیان گوشت را با روغن زیتون می‌پختند و با سیر و گیاهان خودرو به غذا مزه می‌دادند. میوه‌های یونانیان شامل انجیر، سیب، گلابی و انار بود که می‌شد آن‌ها را برای مصرف زمستان خشک کرد. در روزگار تنگی معاش مردم به خوردن انواع گیاهان وحشی، جوجه تیغی و ملخ هم تن می‌دادند. شراب نوشیدنی محبوب یونانیان بود. شراب معمولاً خیلی غلیظ تهیه می‌شد و هنگام مصرف آن را صاف و با آب رقیق می‌کردند. گاهی شراب را با صمغ — ماده‌ای نگه‌دارنده که از درخت کاج می‌گرفتند — می‌آمیختند و در این حالت شراب را تاسه، چهار سال می‌شد نگه داشت.



باز یافت‌کننده

مجسمه سفالی قصابی در حال کستن یک خوک. خوک منبع ارزان قیمت گوشت بود، چون در تیغ‌زارها می‌چرید و دانه بلوط و زباله‌های آشپزخانه را می‌خورد. از پوست خوک چرم درست می‌کردند و سمش را ذوب می‌کردند تا چسب درست کنند.

ظروف بزرگ نگهداری غذا

یونانیان برای نگهداشتن غذا و نوشیدنی از کوزه‌های بزرگ استفاده می‌کردند. این کوزه‌ها در قصری در کنوسوس کُرت پیدا شده‌اند. احتمالاً در آن‌ها روغن زیتون، شراب و غلات می‌ریختند. چنین ظرف‌هایی معمولاً صدها لیتر گنجایش داشتند. این کوزه‌های دست‌ساز سفالی غذا و نوشیدنی را در آب‌وهوای گرم مدیترانه خنک و تازه نگه می‌داشتند.



کلوچهٔ عسل و سنجد

مواد مورد نیاز: ۱۰۰ گرم آرد، کاسه، چنگال، الک، ۲۰۰ میلی‌لیتر آب، ۸ قاشق غذاخوری عسل شفاف، ماهی‌تابه، یک قاشق غذاخوری دانه کنجد، قاشق، یک قاشق غذاخوری روغن، کف‌گیر



۱. اول باید مخلوط کلوچه را درست کنید. آرد را در کاسه‌ای الک کنید. بعد با چنگال آرد را به هم بزنید. اب را به تدریج به آرد اضافه کنید.



۲. عسل را با قاشق به تدریج به مخلوط آب و آرد اضافه کنید و آن قدر با چنگال هم بزنید تا عسل به شکلی یکپارچه با آب و آرد مخلوط شود و هیچ گونه گلوله‌ای در مخلوط باقی نماند.



۳. در این دو مرحله باید از بزرگ‌ترین کمک بگیرید. ماهی‌تابه را داغ کنید. دانه‌های سنجد را تسوی ماهی‌تابه آن قدر تفت دهید تا قهوه‌ای شود. سنجد را در ظرفی بپزید.



بازی کن

ظرف نوشیدنی یونانیان فنجان‌های بزرگ و کم‌عمقی مثل این فنجان بود. در تصویر، مردی را در حال اجرای بازی کوتابوس (kottabos) — بازی مخصوص هنگام شراب‌خواری — می‌بینیم. پس از میگزاری فراوان، میگزاران برای این که ببینند چه کسی هنوز هوشیار است هدفی را نشانه می‌گرفتند و تهمانده جام خود را به سوی بلندترین صدا را از آن درمی‌آوردند.



نان مایه حیات

در این سفالینه چند نانوا را در حال تهیه خمیر نان برای بختن در کوره می‌بینیم. در شهرهای بزرگ، در دکان‌های نانوايي انواع و اقسام نان تهیه می‌شد. نان‌های معمولی از آرد گندم و جو تهیه می‌شد و نان‌های خاص با گیاهان خوش‌بوی کوهستانی طعم‌دار می‌شد و شیرینی‌های خوشمزه نیز عسل آگین می‌شدند.

پذیرایی

در این نقش برجسته خدمتکارانی را در حال حمل ظرف‌های غذا می‌بینیم. در بزم‌ها، میهمانان به پهلوی دراز می‌کشیدند و غذا می‌خوردند، چون گمان می‌رفت که در این حالت بدن بهترین وضعیت را برای هضم غذا دارد. یونانیان این رسم را از آسیای‌ها آموخته بودند. آن‌ها آن‌قدر می‌خوردند و می‌نوشیدند که همان‌طور روی پشته‌های‌شان خواب‌شان می‌برد و خدمتکاران باید ظرف‌ها و غذاها را بی‌سر و صدا جابه‌جا می‌کردند.



خدای شراب

در این لوح سنگی رومی عده‌ای از عیاشان دیده می‌شوند که به دنبال دیونیوس (Dionysus) به مجلس میگزاری می‌روند. دیونیوس خدای شراب یونان باستان بود و در مناطقی مثل آتن، ناکسوس (Naxos) و بنوسی (Boaetia) که مرکز پرورش انگور بودند، با شور فراوان پرستیده می‌شد.

کلوچه خوراکی محبوب و رایج در یونان باستان بود، به‌خصوص برای کسانی که به تئاتر می‌رفتند. در اطراف نمایشگاه‌ها برای کسانی که به نمایش نمایش‌های روی صحنه می‌رفتند، کلوچه‌های فروش خوراکی تعبیه می‌شد.



۵. کلوچه را در بشقاب بگذارید و دانه‌های کنجد بوداده و مابقی عسل را روی کلوچه بریزید. بقیه کلوچه‌ها را هم به همین ترتیب آماده کنید.

۴. یک فاشق روغن را در ماهی‌تابه داغ کنید. یک چهارم مخلوط آرد و عسل را داخل ماهی‌تابه روی کلوچه بریزید. دو طرف کلوچه را سرخ کنید تا رنگش قهوه‌ای شود.



زنان در خانه

زنان نجیب‌زاده یونانی به‌ندرت در انظار ظاهر می‌شدند. محور زندگی آن‌ها خانه‌داری و خانواده بود. دخترها از کودکی مهارت‌های خانگی را می‌آموختند تا بتوانند پس از ازدواج خانواده را اداره کنند. پدران معمولاً دختران‌شان را در ۱۳ تا ۱۴ سالگی شوهر می‌دادند. داماد معمولاً چندین سال بزرگ‌تر از عروس بود و خانواده عروس برای جبران خرج‌های داماد برای دخترشان، جهیزیه‌ای به او می‌دادند. هدف ازدواج به دنیا آوردن فرزند پسری بود که نام پدر را زنده نگه دارد. عروس در خانه جدیدش مسئولیت‌های زیادی به‌عهده می‌گرفت. اگر آن‌قدر خوشبخت بود که کنیز و غلام داشته باشد، بر کار روزانه آن‌ها نظارت می‌کرد. اگر چنین نبود، خودش کارهای خانه را انجام می‌داد. کارهای خانه شامل آشپزی، نظافت و بچه‌داری بود. برخی از زنان حتی اداره امور مالی خانه را هم عهده‌دار بودند.



کاری دائمی

بافتگی شغلی مناسب و آبرومند برای زنان بود. روی این گلدان تصویر پنه‌لوپه (Penelope)، همسر اودیسئوس قهرمان همیشه غایب، را در حال نخ‌ریسی می‌بینیم. زنان باید پارچه مورد نیاز برای تهیه لباس اعضای خانواده را می‌بافتند. بافته‌های آن‌ها در وسایل خانه، مانند دیوار آویزها، نیز به کار می‌رفت.



«فلانی گفته...»

زنان ثروتمند عموماً در خانه‌های‌شان محبوس بودند. آن‌ها اغلب برای آگاهی یافتن از رویدادهای دنیای بیرون از خانه به خدمه خود یا دوستان‌شان اتکا می‌کردند. زنان خانواده‌های فقیر و متوسط که خدم و حشمی نداشتند، خودشان باید برای خرید و آوردن آب بیرون می‌رفتند. چشمه‌ها محل دیدار عموم و اختلاط بود.



۳. پس از خشک شدن سفال، آن‌ها را رنگ کنید. برای این کار از رنگ کرم استفاده کنید. صبر کنید رنگ خشک شود. حالا می‌توانید با مهره‌ها بازی کنید.



۲. با لبه ابزار برش گناره قاب‌ها را شکاف دهید و انتهای هر یک را با انگشت‌تان کمی گود کنید.



۱. گل سفالگری را به ۵ تکه کوچک مساوی تقسیم کنید و هر یک را به شکل گلوله‌ای کوچک در آورید. گلوله‌ها را مانند تصویر فشار دهید و به شکل هشت لاتین در آورید.

قاب‌بازی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، ابزار برش، نخه، وردنه، رنگ کرم و قلم مو.



در آرزوی سلامت

زنان متأهل خانواده‌های ثروتمند به‌ندرت از خانه خارج می‌شدند. تنها دلیل آن‌ها برای خروج از خانه، رفتن به میهمانی یا مراسم مذهبی بود. خانواده‌ای که در این نقش‌برجسته متعلق به قرن پنجم قبل از میلاد می‌بینیم در حال قربانی کردن یک گاو به درگاه آسکلپیوس (Asclepius) خدای سلامتی و دخترش هیژی (Hygieia) هستند.



مهره‌های بازی از استخوان قوزک پای حیوانات ریز جسته تهیه می‌شد. این استخوان‌ها بسته به نوع بازی، استفاده‌های متفاوتی داشتند. یونانیان از قالب به‌جای تاس هم استفاده می‌کردند.



نوبت توست!

زنان می‌بایست تمام وقت مشغول کار خانه می‌بودند. اما خیلی‌ها خدمتکار داشتند و به همین علت، اوقاتی را به فراغت می‌گذراندند. این دو زن دارند قاب‌بازی می‌کنند. دیگر بازی محبوب زنان یونان، مهره‌بازی بود که روی تخته‌ای با ۳۶ خانه انجام می‌شد.



۷. برنده کسی است که هر ۵ مهره را پشت دستش داشته باشد. برای این کار شاید لازم باشد مهره‌ها را چندین بار به هوا بیندازید.

۶. سعی کنید مهره‌های روی زمین را به‌گونه‌ای جمع کنید که مهره‌های روی پشت دست‌تان نیفتد. با دست دیگران آن‌ها را بالا بیندازید و سعی کنید دوباره بگیریدشان.

۵. سعی کنید مهره‌ها را با پشت دست‌تان بگیرید. اگر شانس بیاورید و هر ۵ تکه روی دست‌تان بیفتد، برنده شده‌اید. اگر نتوانستید، بازی ادامه می‌یابد.

۴. برای شروع بازی هر ۵ تکه سفال را در کف دست بگیرید و همه آن‌ها را بالا بیندازید و بلافاصله دست‌تان را برگردانید.

رشد کردن

کودکان در دوران رشد موانع متعددی پیش رو داشتند. وقتی کودکی به دنیا می‌آمد، پدرش تصمیم می‌گرفت او را نگه دارد یا سر راه بگذارد. ممکن بود نوزادان مریض و معلول به محض تولد رها شوند. هر کس که نوزاد را برمی‌داشت حق داشت او را پرورش دهد و بردهٔ خود کند. دخترها معمولاً بیش‌تر از پسرها سر راه گذاشته می‌شدند، چون در بزرگسالی نمی‌توانستند شکم پدر و مادر خود را سیر کنند. بسیاری از نوزدان به دلیل نبود مراقبت‌های بهداشتی می‌مردند.

تحصیل برای پسرها مهم بود. با این همه، فقط پسران خانواده‌های ثروتمند می‌توانستند به‌طور کامل ادامهٔ تحصیل دهند. پسرهای دانش‌آموز موضوعات مختلفی، از قبیل ریاضیات، خواندن، موسیقی و ژیمناستیک می‌آموختند. پسرهای خانواده‌های متوسط اغلب پیشهٔ پدر را دنبال می‌کردند. یادگیری مهارت‌های خانگی برای اغلب دختران ضروری بود. استثنای عمده در این میان، شهر اسپارت بود که در آن دختران در کنار پسران تمرین‌های سخت بدنی را پشت سر می‌گذاشتند.



بچه‌داری

این کودک روی صندلی بلندی نشسته است و جفجغه‌ای را تکان می‌دهد. این صندلی لگن هم بود و احتمالاً زیر آن چرخ داشت تا بچه راه رفتن یاد بگیرد.



حالا تو گرگی!

دو دختر در حال بازی‌ای شبیه به گرگم به هوا هستند که در آن بازنده باید برنده را کول کند. اوقات فراغت دختران کم‌تر از پسران بود. آن‌ها باید همیشه نزدیک خانه می‌ماندند و به مادران‌شان در کار خانه، غذاپختن و مراقبت از بچه‌های کوچک‌تر کمک می‌کردند.



توپ بازی

این دو پسر بچه در حال بازی‌ای شبیه هاکی‌اند. در کل، بازی‌های گروهی، برخلاف بازی‌های انفرادی — که فرد می‌توانست در آن‌ها از دیگران پیشی گیرد — چندان مورد توجه نبود. کشتی و بدن‌سازی دو نمونه از بازی‌های انفرادی یونانیان بود. از این نوع ورزش‌ها، به سبب ایجاد آمادگی بدنی برای شرکت در جنگ، حمایت می‌شد.



۳. همین کار را برای پایین کاغذ هم انجام دهید. یک سر کاغذ را یک بار به دور چوب ببجایانید.



۲. دو تکه ۳۰ سانتی‌متری از چوب دو پایه ببرید. یک تکه از چوب را بالای کاغذ و تکه دیگر را پایین کاغذ بجسایانید.



۱. دستگیرهای چوبی را با دقت به دو سر دو چوب ۳۰ سانتی‌متری نصب کنید. می‌توانید از بزرگ‌ترتان کمک بگیرید. این دو سر و ته طومارند.

طومار

مواد مورد نیاز: دو تکه چوب بالزای ۳۰ سانتی‌متری به قطر ۵ سانتی‌متر، چهار دستگیره چوبی، نوار چسب دورو، کاغذ سفید به ابعاد ۳۰×۳۰ سانتی‌متر، یک تکه چوب نازک به طول ۷ سانتی‌متر و قطر ۲ سانتی‌متر، کاتر، قلم‌مو، چسب چوب و پودر جوهر.



عروسک متحرک

دستها و پاهاى این مجسمه سفالى با سیم به بدنه وصل شده است تا شانه و رانوى عروسک متحرک باشد. عروسک‌هایی مثل این جزء وسایل تجمیلی به حساب می‌آمدند و فقط خانواده‌های ثروتمند توانایی خرید چنین اسباب‌بازی‌هایی را برای بچه‌های خود داشتند. اسباب‌بازی‌های رایج مردم جعجغه و حلقه بود.



پرتوی آموزش

این چراغ به شکل معلمی که طوماری در دست دارد طراحی شده است. تحصیل شامل حفظ کردن اشعار و گفته‌های بزرگان از روی طومار بود. گمان بر این بود که پسران با از بر کردن گفته‌های بزرگان، بعدها سخنوران و خطیبان قابل‌دلی در مجالس و دربار خواهند شد. خطیبان نامی معمولاً محترم شمرده می‌شدند و بسیار بانفوذ بودند.



مادر دوم

یونانیان اغلب برای شیر دادن به نوزادان خود دایه استخدام می‌کردند. برخی دایه‌ها اجازه نداشتند شراب بنوشند چون شراب بر شیرشان اثر می‌گذاشت یا ممکن بود چنان مست‌شان کند که به کودک صدمه بزنند.



طومار در یونان باستان معمولاً از پوست حیوانات درست می‌شد.



۷. در این طومار، نام یکی از خدایان یونان باستان، آشیل (Achilles)، به الفبای یونانی نوشته شده است. از دوستی بخواهید با استفاده از تصویر بالا نامی را که نوشتاید ترجمه کنید.

۶. در تصویر وسط این صفحه تمام الفبای یونان باستان نوشته شده است. با استفاده از این الفبا هر اسم یا نامی که می‌خواهید، به خط یونانی روی طومار خود بنویسید.

۵. نوک قلم را چسب بمالید: بدین ترتیب، وقتی این قلم چوبی را داخل جوهر می‌کنید، جوهر جذب چوب نمی‌شود. به پودر جوهر آب اضافه کنید و مرکب بسازید.

۴. در این مرحله باید از بزرگ‌تر خود کمک بگیرید. نوک چوب ۷ سانتی‌متری را با کاتر بترانید تا شبیه قلم شود.

مد یونانی



زیبایی فیزیکی و ظاهر جذاب مردان و زنان در یونان باستان ستوده می‌شد. لباس زنان و مردان ساده بود، هر دو بالاپوش گشاد و بلندی به تن می‌کردند که در هوای گرم برای راحتی آزادانه رها می‌شد و با سوزن و سنجاق سینه‌های تزیینی روی تن می‌ماند. در هوای سرد یا در مسافرت روپوشی سنگین می‌پوشیدند. بالاپوش سربازان و کارگران کوتاه بود تا جلوی دست و پای‌شان را نگیرد. پارچه‌ها پشمی و نخی بودند و در خانه بافته می‌شدند و با رنگ‌های طبیعی برگرفته از گیاهان، حشرات و صدف‌ها رنگ می‌شدند. ثروتمندان می‌توانستند جامه‌های تجملی تری که از ابریشم و کتان وارداتی تهیه می‌شد به تن کنند. مردم در بیرون از خانه معمولاً صندل می‌پوشیدند و مردان گاهی چکمه به پا می‌کردند. در هوای گرم یونان کلاه‌های حصیری یا پشمی گرما را تعدیل می‌کرد. لباس چرمی مورد توجه نبود چون معمولاً کارگران و بردگان چرم می‌پوشیدند. مردان موهای‌شان را کوتاه می‌کردند و زنان موهایی بلند داشتند و به شیوه‌ای خاص و زیبا آن را می‌آراستند و گاهی برای آرایش مو از روبان استفاده می‌کردند.



خودت را تماشا کن

یونانیان آینه شیشه‌ای نداشتند. در عوض، مفرغ را آنقدر صیقل می‌دادند که می‌توانستند تصویر خود را در آن ببینند. دسته این آینه زنی است که ابوالهول‌هایی بال‌دار بر شانه‌اش نشسته‌اند.

شیر طلایی

این دستبند سنگین در حدود سده‌های چهارم یا پنجم قبل از میلاد ساخته شده است. جنس آن طلای ناب است و در دو سر آن سر شیر تراشیده شده است. در یونان باستان، طلا بسیار گران‌قیمت بود، چون در خود کشور یافت نمی‌شد و بخش عمده طلای مصرفی یونان از آسیای صغیر یا مصر وارد می‌شد.



ساده باش

این مجسمه پیلوس (Peplos) به تن دارد. پیلوس لباسی بلند، بدون آستین و ساده بود که زنان یونان به تن می‌کردند. تنها زینت این لباس بندی بود که زیر سینه می‌بستند. این مجسمه در یک منطقه مهاجرنشین یونانی در جنوب ایتالیا پیدا شده است.

چیتون (Chiton) - جامه بلند آستین کوتاه مخصوص یونانیان

مواد مورد نیاز: متر، پارچه‌ای چهار گوش، قیچی، سنجاق، گچ، نخ، سوزن، ۱۲ دگمه فلزی.
رسم:



۳. روی خط گچی را با نخ و سوزن بدوزید. بعد پارچه را پشت و رو کنید، طوری که درز به سمت داخلی باشد.

۲. پارچه را از عرض تا کنید. دو طرف را با سنجاق به هم وصل کنید. به فاصله ۲ سانتی‌متر از لبه با گچ خطی بکشید.

۱. از دوستی بخواهید فاصله دو مج شما را به ترتیبی که در تصویر مشاهده می‌کنید اندازه بگیرد. اندازه را دو برابر کنید. قدتان را از شانه تا مج یا اندازه بگیرید. پارچه را با این ابعاد ببرید.



ظرف پودر

زنان یونان از پودر صورت و دیگر لوازم آرایش استفاده می‌کردند و آن‌ها را در ظرفی چینی که به آن پیکسیس (pyxsis) می‌گفتند نگه می‌داشتند. این جعبه آرایش در حدود سال ۴۵۰ قبل از میلاد در آتن ساخته شد. طرح نقاشی شده روی بدنه این ظرف زنانه را در حال ریسندگی و بافندگی نشان می‌دهد.



تجارت پارچه

پارچه‌های یونان باستان اغلب یا پشمی بودند یا نخی. پشم یونان به دلیل کیفیت بالا طرفداران فراوانی داشت و یونانیان قسمتی از پشم تولیدی خود را صادر و در عوض کتان و ابریشم وارد می‌کردند. اما خرید لباس‌های کتانی و ابریشمی تنها از ثروتمندان برمی‌آمد.

پشم خام

پارچه کتان

پارچه نخی

لباس‌های یونان باستان دست‌باف بودند. برای جلوگیری از هدر رفتن پارچه، باید دقیقاً پارچه را به اندازه شخص می‌بافتند.



جواهرات مخصوص تدفین

برخی از جواهرات و زیورات مانند آن‌چه در تصویر مشاهده می‌کنید، مخصوص تدفین ساخته می‌شدند. ورقه‌های نازک طلا به صورت کمر بند یا تاج گل طراحی می‌شدند. اعضای مهم جامعه مثل شاهان و ملکه‌های مقدونی، با تاج‌هایی از برگ‌های طلایی به خاک سپرده می‌شدند.



۷. ریسمان را دور کمرتان اندازه بزنید. و مقداری هم اضافی برای گره زدن در نظر بگیرید. ریسمان را دور بدن‌تان ببندید و پارچه را بالا بکشید تا روی ریسمان بیفتد.

۶. روی فاصله‌های ۵ سانتی‌متری دکمه بزنید تا پشت و جلوی پارچه به هم وصل شود. دکمه را محکم بدوزید و در انتها نخ را گره بزنید.

۵. دو طرف شکاف سر را به فاصله ۵ سانتی‌متر با سنجاق علامت بزنید. پشت و جلوی پارچه را روی نقاط علامت‌زده به هم وصل کنید. دست‌های‌تان از این‌جا بیرون خواهد آمد.

۴. در وسط پارچه در یکی از دو سر آزادش، به اندازه سرتان شکافی ایجاد کنید دو طرف شکاف را علامت بزنید و با سوزن دو طرف پارچه را به هم وصل کنید.

خدایان و خدای بانوان

یونانیان باستان معتقد بودند که خدایان شان شبیه انسان اند و احساساتی انسانی دارند و عاشق می‌شوند و با هم نزاع می‌کنند. به اعتقاد آن‌ها، خدایان نیروهای جادویی داشتند و نامیرا بودند. آن‌ها با نیروی جادویی خود می‌توانستند تغییر قیافه بدهند، نامرئی شوند و حتی انسان را به حیوان تبدیل کنند. خدایان یونان، به باور یونانیان، بر همه ابعاد زندگی بشر نفوذ داشتند و مدام در حال استجابت دعای نیازمندان و بیماران و تضمین پیروزی در نبرد بودند. مردم برای جلب نظر مساعد خدایان به درگاه‌شان قربانی می‌کردند، پیشکشی می‌بردند و دعا می‌کردند. جوامع برای ساخت معابدی همچون معبد پارتنون سرمایه‌گذاری می‌کردند و به راهبان متولی این معابد حقوق می‌دادند و مخارج لازم برای برپایی مراسم و جشن‌هایی را که به افتخار خدایان برگزار می‌شد می‌پرداختند.



پیک بالدار

هرمس (Hermes) خدای خوش اقبالی و سخنوری بود. او به شیطنت و ماجراجویی شهره بود. زئوس او را پیک خدایان کرد تا آن قدر سرش گرم باشد که در دسر درست نکند.

خدای خدایان

زئوس از کوه المپ (Olympus) — مکانی واقعی در مرز مقدونیه — بر زمین و آسمان حکم می‌راند. او را خدایی عادل می‌پنداشتند که حفظ نظم و عدالت را به عهده داشت. او بدکاران را با پرتاب آذرخشی جزا می‌داد.

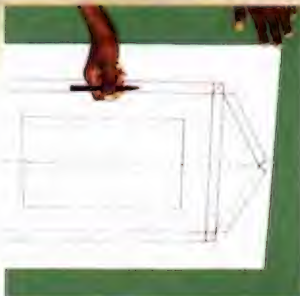


خدای بانوی وحشی

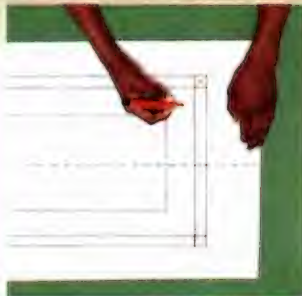
آرتمیس (Artemis) خدای بانوی مکان‌های بکر و حیوانات وحشی، شکار و ماه بود. او کمان‌اندازی ماهر بود که تیرهایش مرگ و طاعون می‌آورد. قدرت شفا بخشی هم به او نسبت داده می‌شد.

پارتنون

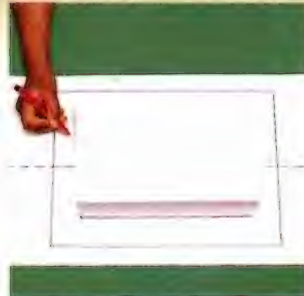
ماده مورد نیاز: نو بر گ مقوای ۶۲ × ۲۸۵ سانتی‌متر به رنگ سفید، خط‌کش، روان‌نویس مشکی، جعبه کفش، قیچی، رنگ‌های آبی، قرمز و کرم، قلم مو، چسب چوب، نواری چسب و مقوای قرمز آکاردئونی به ابعاد ۳۹ × ۲۸۵ سانتی‌متر، کاتر، ۱۶۰ سانتی‌متر چوب بالابار.



۳. برای درست کردن انتهای سقف، مانند شکل یک نصف لوزی در سمت چپ رسم کنید. دو نوار به قطر ۱ سانتی‌متر در لبه‌ها بکشید.



۲. به فاصله ۲ سانتی‌متر از چهار گوش دوم، چهار گوش دیگری بکشید. خط‌های چهار گوش دوم را آن قدر امتداد دهید تا به چهار گوش سوم برسند. به این ترتیب، در هر گوشه یک مربع کوچک خواهید داشت.



۱. در مرکز مقوا خطی افقی بکشید. جعبه کفش را وسط مقوا بگذارید و دور آن خط بکشید. با ۷ سانتی‌متر فاصله چهار گوش دیگری بکشید.



عشق و حمایت

آفرودیت (Aphrodite) خدای بانوی عشق و زیبایی بود. غرور او منجر به بروز یکی از عمده‌ترین رقابت‌ها در تاریخ یونان، یعنی جنگ تروا شد. آفرودیت به پاریس (Paris) شاهزاده تروا، قول داد کاری کند زیباترین زن میرای جهان، هلن (Helen)، عاشق او شود. در عوض، پاریس می‌بایست آفرودیت را زیباترین خدای بانوی یونان می‌نامید. اما هلن پیش‌تر به عقد پادشاه اسپارت درآمده بود. وقتی هلن همسرش را ترک کرد تا نزد پاریس برود، یونانیان به تروا اعلام جنگ کردند. حاصل کار، جنگی خونین بود که در آن قهرمانان و خدایان با یکدیگر به نزاع پرداختند.



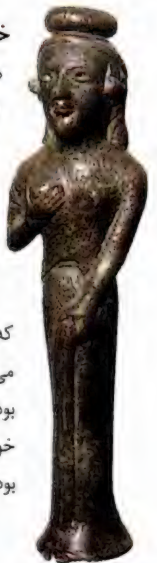
نمادها

هر خدا و خدای بانویی مسئول بخشی از زندگی روزمره بود و هر یک از آنان نمادی داشتند. گندم نماد دیمتر، خدای بانوی جانداران بود. دیونیزوس، خدای شراب و تاک، نیز با انگور نشان داده می‌شد.



خانواده‌ای پر قدرت

هرا (Hera) همسر زئوس و خدای بانوی ازدواج بود. زنان او را حامی زندگی زناشویی خود می‌دانستند، اما او خود در زندگی با همسرش زئوس درگیری‌هایی داشت. حسادت او نسبت به معشوقه‌های همسر بی‌وفاییش باعث شد او به آزار آنان بپردازد. او به هرکول (Heracles) نیز که پسر زئوس از زنی دیگر بود بسیار حسادت می‌کرد. به همین علت وقتی هرکول نوزاد بود، ماری را نزد او فرستاد تا او را از بین ببرد. خوشبختانه هرکول که مثل پدرش قدرتمند بود، مار را کشت و توطئه هرا بی‌نتیجه ماند.



خوشه‌های لذت

دیونیزوس را به خاطر شوخ‌طبعی‌اش می‌ستوند. او که خدای حاصلخیزی، تاک و شراب بود، بین مردان و زنان به یکسان عبادت‌کننده داشت. اما طرفداران او آن قدر واله و شیفته بودند که پرستش وی در برخی دولت-شهرها ممنوع شد.



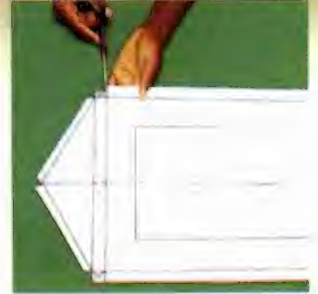
۷. مقوای قرمز را نصف کنید. دو نیمه را با چسب نواری به هم بچسبانید. مقوا را برگردانید و از وسط تا کنید.



۶. مقوا را برگردانید، چهار وجه چهارگوش دوم را به سمت داخل تا کنید و لبه‌ها را چسب بزنید. نواری مستطیل را هم تا کنید.



۵. قسمت سقف را برگردانید. طرح فوق را در دو طرف سقف پیاده کنید. حاشیه‌ای آبی رنگ به طول ۱ سانتی‌متر در هر طرف بکشید. صبر کنید تا خشک شود.



۴. مرحله سوم را در سمت راست مقوا تکرار کنید تا طرف دیگر سقف درست شود. مربع‌های کوچک حاصل از تداخل چهارگوش‌های دوم و سوم را ببرید. دور خطوط را ببرید. وسایل رنگ‌آمیزی را آماده کنید.

معابد و جشن‌ها



نقش زنان

این گلدان که به شکل سر زن طراحی شده، در حدود سال ۶۰۰ قبل از میلاد ساخته و احتمالاً به معبد آپولو (Apollo) تقدیم شد. دین یکی از معدود جنبه‌های زندگی اجتماعی بود که زنان در آن اجازه ایفای نقش داشتند. آن‌ها در برخی فرقه‌ها راهبه می‌شدند و اغلب مردم آن‌ها را دارای قدرت پیشگویی می‌پنداشتند.

در یونان باستان جشن‌هایی که به افتخار خدایان برپا می‌شد، رویدادهای عمومی مهمی قلمداد می‌شدند. در قلب هر جشن و آیینی معبدی بود. در زمان جشن، مردم از روستاها دسته‌جمعی به شهر می‌رفتند. بزرگ‌ترین جشن‌ها موقعیتی مناسب برای پایکوبی و نشاط بودند. رژه، موسیقی، ورزش، دعا، قربانی کردن حیوانات و پیشکش کردن غذا به درگاه خدایان از برنامه‌های جشن‌ها بودند که در معابد انجام می‌شدند. نخستین معابد یونان از چوب ساخته شده بودند و هیچ نشانی از هیچ‌یک باقی نمانده است. بعدها در معابدی که از سنگ ساخته شدند ستون‌ها و پایه‌هایی به‌سادگی تنه درختان طراحی شدند. زیباترین معابد از سنگ مرمر ساخته می‌شدند. در تزئین آن‌ها از کتیبه‌هایی خوش‌نقش و نگار استفاده می‌شد که موضوع‌شان اساطیر و خدایان و خدای بانوان و قهرمانان یونان بودند. ساخت این معابد اسراف‌کاری نبود، چون یونانیان معتقد بودند که معبد مأوای زمینی خدایان است. در هر معبد مجسمه‌ی خدایی که معبد به افتخارش ساخته شده بود، نصب می‌شد. این مجسمه‌ها بسیار ظریف و هنرمندانه ساخته می‌شدند و در ساخت آن‌ها گاهی از مواد گران‌قیمتی مثل طلا و عاج استفاده می‌شد.



ورودی باشکوه

دروازه‌های باشکوه مجموعه معابدی که بر فراز آکروپولیس بنا شده‌اند پروپایلا (Propylaea) نامیده می‌شدند. معبد کنار این دروازه به افتخار آتنا ساخته شده است که به صورت نایکی (Nike)، خدای بانوی پیروزی، نشان داده می‌شود.



۱۱. به موازات دو عرض قاعده معبد ۸ نقطه را برای نصب ستون‌ها در دو طرف مشخص کنید. فاصله ستون‌ها از هم باید یکسان باشد.



۱۰. در این قسمت از بزرگ‌تر خود کمک بگیرید. قطعات چوب بالزا را به اندازه مساوی در ۳۲ قسمت ببر. هر یک باید ۵ سانتی‌متر ارتفاع داشته باشد. ستون‌ها را گرم رنگ کنید و صبر کنید خشک شوند.



۹. جعبه کفش را وسط مقوای سفید بعدی بگذارید و دورش خط بکشید. چهار گوش دیگری به فاصله ۷ سانتی‌متر از مقوای وسط بکشید. به فاصله یک سانتی‌متر، چهار گوش سوم را رسم کنید و آن را ببرید. این قاعده معبد است.



۸. لبه‌های مقوای قرمز را به لبه‌های تاشده مقوای رنگ‌شده بچسبانید. صبر کنید خشک شود. این قطعه سقف معبد شماست.

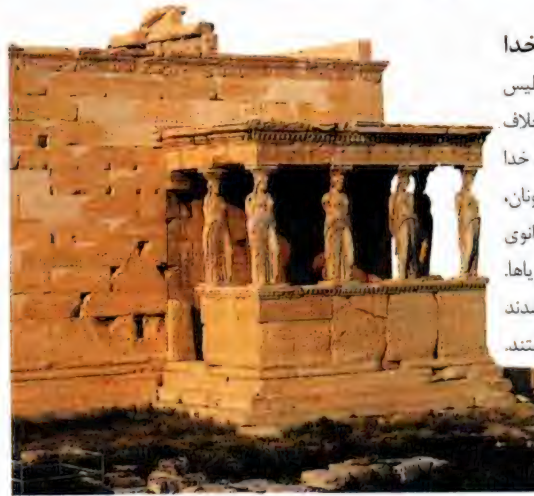
رژه سالروز تولد

جشن‌های سالانه‌ای که به افتخار آتنا برپا می‌شد شامل رژه سواران، ارایه‌ها و مردمی بودند که حیوانات قربانی را به دنبال می‌کشیدند. این جشن‌ها هر سال در آتن در سالروز تولد آتنا برپا می‌شد. هر چهار سال یک بار مراسم باشکوه‌تری به این آیین اضافه می‌شد که شش روز به طول می‌انجامید. در جریان جشن‌ها جامه‌ای نو به تن آتنا می‌کردند.



معبدی برای سه خدا

معبد ارکتیوم (Erectheum) در آکروپولیس در ارتفاع ۱۰۰ متری آتن ساخته شد. برخلاف معابد یونان، در این معبد بیش از یک خدا پرستش می‌شد: پادشاه افسانه‌ای یونان، ارکتوس (Erectheus)، آتنا، خدای بانوی محافظ شهر آتن؛ و پوزیدون، خدای دریاها. به ستون‌هایی که به شکل زن ساخته می‌شدند کاریاتید (Caryatid) می‌گفتند.



دهان شیر

این شیر به‌تازگی در واقع ناودان معبدی آتنی است که ۵۷۰ سال قبل از میلاد ساخته شده است. با آن که بارش باران در یونان کم است، وجود ناودان برای خارج کردن آب ناشی از توفان‌ها از ساختمان‌هایی که سقف صاف داشتند ضروری بود. شیر را به این علت انتخاب می‌کردند که نماد قدرت و توانایی بود.



مصالح ساختمانی

ساختمان‌های بزرگ اغلب نزدیک معدن سنگ یا آبراهی ساخته می‌شدند که می‌شد در آن قایق راند. سنگ آهک رایج‌ترین مصالح ساختمانی یونان بود و چوب کاج و سرو رایج‌ترین چوب‌ها بودند. از مصالح و چوب‌های اعلا، مثل مرمر و چوب سدار، برای ساخت معابد و قصرها استفاده می‌شد.

سنگ مرمر
سنگ آهک
کاج



مجسمه آتنا که از جنس طلاست و پانزده متر ارتفاع دارد، در معبد باشکوه پارتنون قرار گرفته است.



۱۳. ستون‌ها را سر جای‌شان در حد فاصل سقف و قاعده بچسبانید. ستون‌ها را روی دایره‌هایی که در مرحله ۱۱ کشیده‌اید قرار دهید.



۱۲. در عرض جعبه کشش، مثل تصویر، در معبد را نقاشی کنید. سقف را روی جعبه کشش نصب کنید. ۱ سانتی‌متر از حاشیه قاعده معبد را آبی رنگ کنید.

قهرمانان و اساطیر

اساطیر یونان سرشار است از داستان‌های پیروزی قهرمانان زن و مرد، درگیری‌های خدایان و خدایانوان و موجودات اسرارآمیز و غیرمعمول. این داستان‌ها هم آدمی را سرگرم می‌ساختند و هم به برخی از سؤال‌ها دربارهٔ نحوهٔ پیدایش زمین و زمینیان پاسخ می‌دادند. این قصه‌های قدرتمند منبع الهام یونانیان و موضوع نمایش‌نامه‌های شان بودند. افزون بر این، اسطوره‌ها از نظر تاریخی شواهدی ارزشمندند و باعث بالیدن یونانیان به گذشتهٔ فرهنگی غنی خود می‌شوند. از دیرباز، اساطیر سینه‌به‌سینه از نسلی به نسلی دیگر منتقل شده‌اند. گاهی رامشگران دوره‌گرد پولی می‌گرفتند تا



اشعاری را که از حفظ

می‌دانستند بخوانند.

بعدها، به تدریج این افسانه‌ها

مکتوب شدند. کهن‌ترین

نسخه‌های باقی مانده احتمالاً اثر

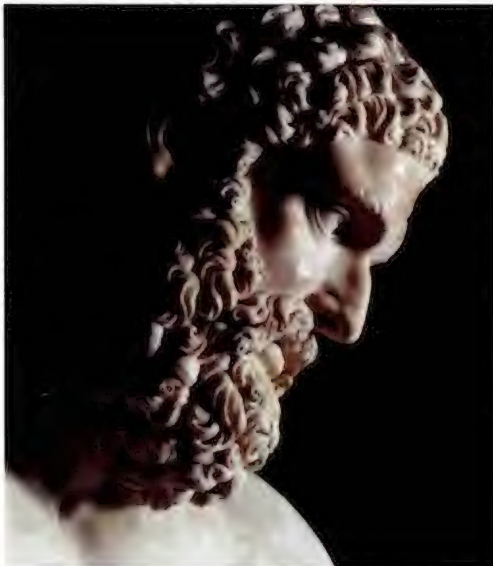
هومر است: ایلیاد و اودیسه دو مجموعهٔ

منظوم‌اند که می‌شناسیم و موضوع‌شان

نبرد قهرمانان با نیروهای فوق‌طبیعی است.

هیولاکش

طبق افسانه‌های یونان، مینوتور (Minotaur) نیمی گاو و نیمی انسان بود. او در هزارتویی به نام لایبرنت (Labyrinth) در جزیرهٔ کرت زندگی می‌کرد. عدهٔ زیادی وارد هزارتو شده و هرگز از آن درنیامده بودند. مردم آتن مجبور بودند هر سال یک نفر را قربانی کنند تا خوراک گاو شود. قهرمانی به نام تسئوس (Theseus) عزم کرد که مینوتور را از بین ببرد. شاهزاده‌خانمی به او شمشیر و گلوله‌ای نهد داد. تسئوس وقتی پا به درون هزارتو گذاشت، گلولهٔ نخ را باز کرد تا راهش را هم نکند. پس از آن که مینوتور را کشت، دنبالهٔ نخ را گرفت و به ورودی غار رسید.



کشندهٔ مار

هرکول ابرقدرتمند تنها انسانی بود که به منصب خدایی رسید. در این نقش برجسته رومی او در حال خفه کردن مارهایی است که هرای حسود آن‌ها را مأمور کشتن وی کرده بود.



۳. شکل دهان، دندان‌های متعدد، چشم‌ها و طرح‌های ترسناک صورت مدوسا را روی خمیر اجرا کنید. با ته مداد در محل مردمک چشم سوراخی ایجاد کنید.



۲. یک تکه سفال را به شکل بینی درست کنید. با دست آن را روی صورت هیولا جا دهید و بفشارید. با ابزار برش محل اتصال بینی به صورت را کاملاً صاف کنید.



۱. با وردنه گل سفالگری را به قطر ۲ سانتی‌متر و به طول و عرض ۲۰ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. با ابزار مدل‌سازی شکلی را که در تصویر مشاهده می‌کنید روی گل سفالگری دریاورید.

سر مدوسا (Medusa)

مواد مورد نیاز: تخته، وردنه، گل سفالگری، خط‌کش، ابزار برش، مداد، سمباده، رنگ اکریلیک، یک قلم‌موی بزرگ، یک قلم‌موی کوچک، روغن جلا (مخلوط یک پیمانه آب + یک پیمانه چسب چوب).





نگاهی که سنگ می کرد

مدوسا هیولایی بالدار بود که روی سرش به جای مو مار روئیده بود. او یکی از سه گورگون (Gorgon)، یا هیولای مؤنث بود. چهره مدوسا چنان ترسناک بود که هر ادمی که مستقیماً به صورتش می نگریست، تبدیل به سنگ می شد. تنها راه کشتن او بریدن سرش بود. مدوسا، که معنای نامش «مکار» است، چند نفر را که قصد کشتن او را داشتند، مغلوب کرد. سرانجام پرسئوس به کمک آتنا و هرمس او را کشت. این دو به پرسئوس سه چیز دادند: کلاهی جادویی که هر کس به سر می گذاشت نامرئی می شد، داس برای بریدن سر مدوسا و سیری براق برای دیدن تصویر مدوسا در آن. اما حتی مرده مدوسا نیز قدرتمند بود. پرسئوس دشمن خود پولیدکتوس (Polydectes) را واداشت به چهره مدوسا نگاه کند و بدین ترتیب وی را به قتل رساند.



گول زدن هیولا

شاه اودوسئوس قهرمانی اسطوره ای بود که ماجراهای فراوانی را پشت سر گذاشت. او در جریان یکی از ماجراجویی هایش در غاری گرفتار گول یک چشم شد. اودوسئوس برای خلاصی از دست گول، با خنجرى به چشم گول ضربه زد و زیر شکم قوچی آویزان شد و از دست دیگر گول های یک چشم گریخت.

گورگون به زبان یونانی به معنای چشم غصناک هیولا است.



اسب بالدار

پگاسوس (Pegasus) اسب بالدار نقش سکه شهر کارینت و نماد این شهر بود. پگاسوس در جنگها یار قهرمان کارینتی، بلروفون (Bellerophon) بود - نخست در نبرد با خیمایرا (Chimaera) هیولایی با سر شیر، بدن بز و دم مار و بعد در نبرد با اهالی آمازون (Amazon) که نژادی از زنان سلحشور بودند.



۷. پس از آن که صورتک کاملاً خشک شد، روی آن را با سمیاده ظریف سمیاده بکشید. صورت را مانند تصویر سیاه، قرمز، سفید و طلایی کنید. پس از خشک شدن رنگها، روی آن روغن جلا بزنید.

۶. پیش از رنگ آمیزی، کل کار باید کاملاً خشک شود. برای این کار، دو طرف صورتک را در معرض هوا قرار دهید و چند ساعت صبر کنید. هنگام پشت و رو کردن آن مراقب باشید.

۵. برای شکل دادن به سر مارها با انگشت انتهای خمیر را به تخته بکشارید. نقوش روی تن مارها را مثل تصویر با ابزار پرش و مداد شکل دهید.

۴. چهار لوله خمیری بلند با کف دستتان درست کنید. این چهار لوله، چهار مار روی سر مدوسا است. مارها را مثل تصویر در جای مناسب بچسبانید.

مرگ و جهان مردگان

یونانیان باستان نصف عمر بشر امروزی عمر می کردند. بچه های بیمار معمولاً در کودکی می مردند. مردان اغلب در جنگ و زنان هنگام زایمان می مردند و هنگام شیوع بیماری های مهلک همه طعمه مرگ می شدند. اکثر یونانیان معتقد بودند که روح شان پس از مرگ به جهان مردگان منتقل می شود، به سرزمینی سرد و غمبار که گناهکاران در آن جا عقوبت می شدند. در اودیسه اثر هومر، آشیل می گوید: «ترجیح می دهم روی زمین برای مردی فقیر کار کنم تا این که سلطان لشکر مردگان باشم.» به باور یونانیان، عده انگشت شماری آن قدر نیکوکار بودند که بتوانند به جزایر بخشودگان برسند. کسی که به آن جا می رسید تا ابد با ورزش و هنر موسیقی روزگار می گذراند. کسانی که زندگی پر مخاطره ای داشتند (مثل هرکول) به مقام خدایی می رسیدند و در کوه المپ سکنا می گزیدند.

وقتی کسی می مرد، جنازه اش را یا دفن می کردند یا می سوزانند. به باور یونانیان تنها وقتی که جنازه یا خاکستر فرد در گذشته دفن می شد، وی می توانست به جهان مردگان برود. در قبرها وسایلی را برای زندگی پس از مرگ همراه مرده دفن می کردند و زنان برای ارواح در گورستان غذا و نوشیدنی می گذاشتند.



وداعی عطر آگین

بر سر قبرها گاهی ظرف سفالی سفید لکی توی (lekythoi) می گذاشتند که حاوی روغنی معطر بود که با آن بدن مرده را تذهین کرده بودند. روی این ظروف معمولاً نقوشی از صحنه های وداع، مراسم تشییع جنازه یا تصویر مردگان نقش می بست.



غذای فکر

سنت گذاشتن غذا در مقبره ها در روزگار تمدن موگنایی باب شد. از آن پس بود که مردم مردگان خود را همراه سلاح، ظروف غذا و گاه حتی حیوانات خانگی و غلامان شان دفن می کردند تا در جهان مردگان همراهشان باشند. در سال ۳۰۰ قبل از میلاد، یونانیان برای ارواح مردگان در قبرستان خوراکی هایی مثل تخم مرغ و شراب می گذاشتند.

تخم مرغ

شراب



پرشی به سوی ناشناخته

در تصویر مردی را می بینیم که از زندگی به اقیانوس مرگ می پرد. ستون ها را هرکول به نشانه پایان قلمروی شناخته شده زندگی برپا داشته است. نقشی این مرد شیرجه زن روی دیوار مقبره ای پیدا شده است.



معامله بر سر فرزند

در تصویر فوق، که نقش یک گلدان است، پرسفونه (Persephone) را همراه همسرش هادس (Hades)، خداوند دنیای مردگان، می‌بینیم. هادس پرسفونه را با خنجر کشت و او را با خود به جهان مردگان برد. مادر پریشان‌خاطر پرسفونه، دیمتر، از وظیفه خود که رویاندن غلات بود سر باز زد تا به جست‌وجوی دخترش برود. زئوس بادرمیانی کرد و قرار شد پرسفونه شش ماه از سال را با مادرش بگذراند و نیمه دیگر سال را در کنار هادس، همسرش، در سرزمین مردگان بماند. هر بهار وقتی پرسفونه به دیار زندگان برمی‌گشت، دیمتر به وظیفه خود که رسیدگی به غلات بود عمل می‌کرد و هربار که قرار بود پرسفونه به دیار مردگان برگردد، زمستان مستولی می‌شد.



آرامگاه سلطنتی

حک کردن نقش زنان روی سنگ قبر چندان رایج نبود. اما فیلیس (Phyllis)، که در تصویر بالا دیده می‌شود، از این قاعده مستثنا بود، شاید به این دلیل که دختر یکی از شاهان پر قدرت اسپارتی بود. آتنی‌ها قانونی وضع کردند که طی آن ساخت مقبره‌های باشکوه ممنوع شد. برای احداث هیچ مقبره‌ای نباید بیش از ۱۰ نفر کارگر بیش‌تر از سه روز کار می‌کردند.



سفر آخرت

جنازه‌ای را از منزلش به قبرستان می‌برند و عزاداران پیشکشی‌هایی همراه دارند. عزاداران برای نشان دادن غم خود موهایشان را کوتاه می‌کردند، گونه‌هایشان را با ناخن می‌خراشیدند و خون می‌انداختند و جامه سیاه به تن می‌کردند. اگر قرار بود مراسم تشییع جنازه در گورستان برگزار شود، ظروف غذا را همان جا می‌گذاشتند و به خانه برمی‌گشتند.

سفری به دنیای نمایش

نخستین نمایش‌های یونانی در معابد به افتخار خدایان اجرا می‌شدند. داستان این نمایش‌نامه‌ها آمیزه‌ای از اسطوره و تاریخ بود و در آن‌ها ماجراهای یونانیان پرآوازه و نیز خدایان و قهرمانان افسانه‌ای بازگو می‌شد. بازیگران، که همگی مرد بودند، به همراه گروه کر و رقصندگان که به شرح کنش بازیگران می‌پرداختند، برنامه اجرا می‌کردند. هنر نمایش چنان محبوب و فراگیر شد که تماشاخانه‌های روباز در شهرهای بزرگ و مکان‌های مقدسی چون دلفی (Delphi) و اپیدور (Epidauros) احداث شد. بهترین نمایش‌نامه‌نویسان و اجراکنندگان جایزه می‌گرفتند. سه نمایش‌نامه‌نویس شهیر یونان باستان آشیلوس (Aeschylus)، سوفوکل و ائورپیدس (Euripides) بودند. آن‌ها بیش از ۳۰۰ نمایش‌نامه نوشتند که از آن میان، تنها ۳۰ نمایش‌نامه باقی مانده است. از ۱۵۰ نویسنده مشهور دیگر نیز هیچ اثری در دست نیست. نمایش‌نامه‌های یونان باستان هنوز هم در سراسر دنیا بر صحنه می‌روند.



صندلی افتخار

اکثر تماشاچیان تئاتر روی نیمکت‌های سنگی می‌نشستند. این صندلی کنده‌کاری شده، احتمالاً جایگاه مقامی دولتی یا کسی بوده که خرج اجرای نمایش را داده بود.

تماشاخانه

تماشاخانه‌های بزرگی مثل این تماشاخانه در افسوس، در ساحل ترکیه امروزی، سیستم آکوستیک بسیار پیشرفته و بیش از ده هزار نفر گنجایش داشت. به صحنه دایره‌ای متشکل از خاک فشرده در مرکز تماشاخانه-ارکسترا (orchestra) می‌گفتند که به معنای صحنه رقص است.



۳. روی مقوای نارنجی دو منقار بکشید. روی مقوای بعدی هم دو منقار بکشید. یک سانتی‌متر از قاعده منقار به بالا علامت بزنید (لبه‌ای که در تصویر بالا با حرف A مشخص شده است).



۲. از دوست‌تان بخواهید محل چشم‌ها و نوک گوش‌های‌تان را روی نقاب علامت بزنند. این ناحیه‌ها را سوراخ کنید. کل نقاب را مانند تصویر نهایی رنگ کنید.



۱. بادکنکی را به اندازه سرتان باد کنید. قسمت جلو و پهلوهای آن را با وازلین چرب کنید. چند لایه پایمه ماسه روی آن بچسبانید. وقتی پایمه ماسه‌ها خشک شدند، بادکنک را بترکانید.

نقاب پرنده

مواد مورد نیاز: بادکنک، پایمه ماسه (روزنامه‌ای که درمخلوطی از یک پیمانه آب و دو پیمانه چسب خوب خیسانده می‌شود)، وازلین، خودکار سیاه، فیچی، رنگ، قلم‌مو، دو تکه مقوای آجری رنگ (۴۰ × ۱۰ سانتی‌متر)، چسب مائیکی، برگار، دو تکه مقوای قرمز (۴۰ × ۴۰ سانتی‌متر) و بند.



نقش‌ها

نقش‌آفرینان یونانی برای ایفای نقش‌های مختلف و نشان‌دادن احساسات متفاوت نقاب به چهره می‌زدند. به این ترتیب، با عوض کردن نقاب، هر بازیگری می‌توانست در یک نمایش چندین نقش ایفا کند. همه بازیگران مرد بودند و برخی نقش زنان را بازی می‌کردند. زنان حق ایفای نقش نداشتند و گاهی حتی اجازه نداشتند به نمایش‌های نمایش‌ها بروند.



برنامه کمدی

در این مجسمه کوچک متعلق به سده دوم قبل از میلاد، بازیگری را با ماسک کمدی می‌بینیم که روی محرابی نشسته است. او از ترس تنبیه شدن به معبدی پناه برده است. مردم از نمایش‌نامه‌های کمدی بیش‌تر لذت می‌بردند، اما اصولاً کمدی را پست‌تر از تراژدی می‌دانستند.



کمدی رنج

در این صحنه کمدی، بازیگری که در وسط صحنه مشاهده می‌کنید، نقش سنتوری (Centaur) به نام خیرون (Cherion) را بازی می‌کند. سنتورها موجوداتی اساطیری بودند که نیمی از بدنشان انسان بود و نیمی اسب. چریون باهوش‌ترین سنتور بود اما او را هم به شکل موضوعی مضحک نشان می‌دادند. او نامیرا بود اما از زخمی کشنده زجر می‌کشید.



دو ریسمن را از دو سوراخ بالای گوش رد کنید تا بتوانید ماسک را به صورت بزنید. ریسمن‌ها را پشت سر تان گره بزنید. این ماسک از روی ماسکی طراحی شده است که گروه کر در نمایش پرنده اثر آریستوفان (Aristophan) به چهره زده بودند.



۷. دو مقوای قرمز را به هم بچسبانید و تاج را روی نقاب نصب کنید و نوک پرنده را هم با چسب بچسبانید. چشم‌ها را نقاشی کنید.



۶. لبه بالایی مقوای قرمز را به شکل پر پرنده ببرید. هلالی به قطر ۵ سانتی‌متر از قاعده تاج رسم کنید و روی آن ۱۴ برش بزنید (مثل تصویر). همین کار را روی مقوای قرمز باقی‌مانده هم انجام دهید.



۵. نوک سوراخ را روی یک گوشه مقوای قرمز بگذارید و دو دایره به شعاع ۱۰ سانتی‌متر و ۲۰ سانتی‌متر رسم کنید. دو خط را ببرید.



۴. از گوشه بالایی مقوای قرمز یک خط به نقطه a رسم کنید (b). خط را تا بزنید. دو لبه مقوای قرمز را به هم بچسبانید. این کار را برای مقوای زیرین تکرار کنید.

موسیقی و رقص

موسیقی و رقص نقش مهمی در زندگی یونانیان داشت. مردم در آیین‌های مذهبی آواز می‌خواندند، بازی می‌کردند و می‌رقصیدند. در جشن‌های خانوادگی، نمایش‌ها، بزم‌ها و مجالس می‌گساری موسیقی وسیله سرگرمی بود. از نتهایی که آن زمان نواخته می‌شدند نوشته‌های چندانی در دست نیست اما چندین ساز از آن دوران باقی مانده است. رایج‌ترین سازها نی‌لیک بود. این ساز بادی شبیه آبوا (oboe) و کلارینت (clarinet) بود. نی‌لیکی که به تنهایی نواخته می‌شد آنولوس (aulos) نام داشت. دو نی‌لیک در کنار هم آنولوی (auloi) نام می‌گرفتند. چنگ و فلوت نیز از دیگر سازهای رایج بودند. نوای چنگ باشکوه و پر ابهت بود. اغلب، مردانی از طبقه اشراف همراه با کسی که شعری می‌خواند چنگ می‌نواختند. فلوت را اغلب دخترکان رقصنده و بردگان می‌نواختند.

سربازان یونانی یکی از سختی‌های جنگ را نبود موسیقی در میدان نبرد می‌دانستند. سربازان اسپارتنی این مشکل را حل کرده بودند و هنگام رفتن به سوی میدان جنگ فلوت می‌نواختند. یونانیان معتقد بودند که موسیقی نیرویی جادویی دارد. در افسانه‌های یونان آمده است که اورفه (Orpheus) با نوای چنگ خود جانوران وحشی را آرام می‌کرد. در اسطوره‌های دیگر آمده است که آمفیون (Amphion)، پسر زئوس، با نواختن چنگ کاری کرد که سنگ‌ها به حرکت درآمدند و دیواری دور شهر تبس کشیدند.



کنترل نفس

نواری چرمی که دور گونه‌های نوازنده آنولوی بسته می‌شد به وی کمک می‌کرد تا نفسش را کنترل کند. از یک لوله نی ملودی بیرون می‌آمد و از لوله دیگر صدای بمی که در همراهی با ملودی به آن عمق می‌بخشید. برای نواختن نتهای مختلف روی بدنه آنولوس از ۳ تا ۲۴ سوراخ تعبیه می‌شد.



دنگ! دنگ!

مجسمه مفرغی فوق نوازنده‌ای در حال نواختن سیمبال (cymbal) است. صدای سیمبال شبیه صدای ساز کوبه‌ای دیگری به نام کاستانت (castanet) است. یونانیان برای همراهی رقصندگان سیمبال می‌نواختند. از دیگر سازهای کوبه‌ای، می‌توان به قاشق‌های چوبی و طبل‌هایی که مثل تامبورین (tamborine) در دست گرفته می‌شدند، اشاره کرد.



۳. نوار مقوایی آکاردئون را که در مرحله اول درست کرده‌اید، به لبه این حلقه بچسبانید. برای استحکام بیشتر از نوار چسب استفاده کنید.



۲. بشقاب را وارونه روی مقوای سفید بگذارید. دور آن را خط بکشید. با پرگار درون این دایره دایره‌ای ۳ سانتی‌متری کوچکی رسم کنید. این حلقه ۳ سانتی‌متری را ببرید.



۱. از مقوای آکاردئون نواری به عرض ۵ سانتی‌متر ببرید و آن را دور بشقاب بپیچید. طول نوار باید ۶ سانتی‌متر بلندتر از محیط بشقاب باشد.

تیمپانون (timpanon)

مواد مورد نیاز: قیچی، مقوای آکاردئون، نوار مدرج، بشقاب، مقوای سفید، پرگار، مداد، چسب چوب، نوار چسب، روزنامه، کاغذ روغنی، روان‌نویس‌های نوک‌نمدی قرمز و آبی، مقوای نارنجی، رومانی‌های قرمز و زرد.





موسیقی ملکوتی

ترپسیخوره (Terpsichore) یکی از ۹ روح هنر یا موزها (Muses) بود. او روح رقص و موسیقی بود. در این جا او چنگ می نوازد و همراهانش چنگ و آنولوی در دست دارند. از موزهای دیگر می توان به پولیمنی (Polyhymnia)، روح تصنیف، و یوترپه (Euterpe)، روح فلوت، اشاره کرد.

ساز کوبه ای

تیمپانون تامپورینی بود که برای ساختن آن پوست حیوانی را روی قابی می کشیدند. این ساز کوبه ای را با دست می نواختند و ساز همراه تک نوازی و رقص بود. سازهای زهی و بادی سازهای برتری تلقی می شدند چون نوای آن ها با شکوه تر بود و در موقعیت های رسمی یا خاص نواخته می شدند. طبل، سیمبال و قاشق سازهای همراه نوازندگان دوره گرد بودند.

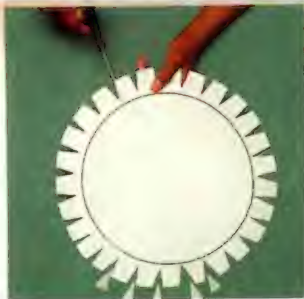


برای نواختن تیمپانون، مثل یونانیان باستان، با انگشت به آن ضربه بزنید.



سرگرم کردن

نقش روی این بشقاب مرد جوانی است که آنولوی می نوازد و زنی که همراه اوست می رقصد. در میهمانی های شام اغلب نوازندگان حرفه ای برای سرگرم کردن میهمانان دعوت می شدند. گاهی نوازندگان بردگان خانگی بودند.



۷. از مقوای نارنجی نواری برای دور تا دور تیمپانون خود ببرید و آن را دور حلقه بچسبانید. طرحی زیگزاگ دور آن رسم کنید. با روپای قرمز و زرد ۴ پایون درست کنید و دور ساز بچسبانید.

۶. نقشه فوق را روی کاغذ بکشید. کاغذ را روی حلقه مقوایی قرار دهید. لبه های کاغذ را با چسب به حلقه بچسبانید.

۵. بشقاب را روی کاغذ روغنی بگذارید و دورش خط بکشید. ۵ سانتی متر بزرگ تر از دایره به دست آمده، دایره دیگری بکشید. مانند تصویر دور تا دور دایره ۲۸ مثلث کوچک ببرید.

۴. با مخلوط یک پیمانه چسب و دو پیمانه آب محلول پایه ماشه درست کنید. روزنامه را به صورت نوار ببرید و آن ها را داخل ظرف پایه ماشه بخیسانید. با روزنامه های خیس حلقه مقوایی مرحله ۳ را کاملاً بپوشانید.

هنر و صنعت

هنرمندان و صنعتگران یونان باستان به دلیل کیفیت آثارشان ستوده می‌شدند. از آن‌ها آثار هنری ارزشمندی چون سفالینه‌های زیبا، جواهرات ظریف و مجسمه‌های تحسین‌برانگیز در دست است. مواد اولیه‌ای که از آن‌ها استفاده می‌کردند

سنگ، طلا، نقره، شیشه، جواهرات و مفرغ بود. آن‌ها از چوب، چرم، استخوان، عاج و شاخ نیز استفاده می‌کردند. اغلب کالاها در اندازه‌های کوچک در کارگاه‌های اطراف آگورا (بازار) ساخته می‌شدند. صنعتگران به تنهایی، با کمک اعضای خانواده خود یا همراه یک یا چند برده کار می‌کردند. در کارگاه‌های بزرگ شهرهایی چون آتن، بردگان کالاهای مصرفی و محبوب عموم مردم را به صورت انبوه تولید می‌کردند. این تولیدات شامل سپر، سفالینه و ظروف فلزی بود که به کشورهای مجاور دریای مدیترانه صادر می‌شدند تا از این راه سود سرشاری حاصل شود.



تولید انبوه

قالبی سفالی را در بالا و مجسمه‌ای را که با این قالب ساخته شده است در سمت راست مشاهده می‌کنید. قالب‌سازی کاری هنرمندانه و وقت‌گیر بود. با استفاده از قالب، تولید محصول سریع‌تر و ارزان‌تر از زمانی انجام می‌گرفت که کارها تک‌تک ساخته می‌شدند.

مواد خام

طلا ماده‌ای گرانبه‌ای بود که از آن فقط در ساخت وسایل تزیینی لوکسی مثل جواهرات استفاده می‌شد. گاهی هم از آن در تزیین مجسمه‌ها و ضرب سکه استفاده می‌کردند. از سفال در تولید کالاهای متعددی، از گلدان گرفته تا مجسمه‌های کوچک، استفاده می‌شد.



گلدان آتنی

مواد مورد نیاز: بادکنک، گالسه، چسب خوب، آب، روزنامه، دو حلقه نوار چسب، خودکار مشکی، قیچی، کاغذی به ابعاد 30×42 سانتی‌متر، مقوا، مداد، قلم‌مو، رنگ سیاه و قرمز.



۱. بادکنک را باد کنید. دور آن را با دو لایه پایه‌ماشه (کاغذ غوطه‌ور در مخلوطی از دو پیمانه آب و یک پیمانه چسب) بپوشانید. صبر کنید یک طرف خشک شود.

۲. با استفاده از قالب نوار چسب در دو طرف بادکنک دو دایره بزرگ بکشید و پیرید. بادکنک را بترکانید و از قالب درآورید.

۳. کاغذ را لوله کنید. لوله کاغذ باید درست اندازه قالب نوار چسب باشد. لوله را با چسب به قالب نوار چسب بچسبانید.





کار در گرما

در این تصویر، دو آهنگر را کنار کوره‌ای آجری در حال تفت‌دادن فلز می‌بینیم. تولید محصولات آهنی کاری پرهزینه بود. سوخت کوره‌ها زغال چوب (چوب سوخته) بود که سوختی گران محسوب می‌شد. چون چوب در یونان کمیاب بود. افزون بر این، مواد فلزی باید اغلب از نواحی دوردست وارد می‌شدند. مثلاً قلع که باید با رویی که در یونان یافت می‌شد درمی‌آمیخت تا مفرغ به دست آید. از جنوب اسپانیا وارد می‌شد.

کوزه‌هایی مثل این، جایزه برندگان مسابقات آتن بودند. معمولاً این کوزه‌ها را با تصاویری از ورزشکاران برپین می‌کردند.

نقش گلدان

نقاشی سیاه‌قلم روی گلدان از حدود سال ۷۰۰ قبل از میلاد در کارینت رایج شد. پس از آن، نقاشی با رنگ سرخ در حدود سال ۵۲۵ قبل از میلاد در آتن رواج یافت. همه نقاشان ناشناخته نبودند. برخی از آنان آن قدر مشهور بودند که کار خود را امضا می‌کردند. صادرات گلدان‌هایی مثل این گلدان منبع عظیم درآمد برای آتن و کورنیت بود.



سینه‌ریز طلا

این سینه‌ریز طلا در سده هفتم قبل از میلاد در جزیره رودس (Rhodes) ساخته شد. طلا در یونان کمیاب بود. معمولاً طلا را با هزینه زیاد از کشورهای همسایه، مثل مصر و آسیای صغیر، وارد می‌کردند.



۷. با مداد تصویر فوق را روی بدنه گلدان نقاشی کنید. آن را با سادقت رنگ کنید و صبر کنید تا خشک شود.



۶. دو نوار به طول ۱۵ سانتی‌متر از مقوا ببرید؛ مثل تصویر دو نوار مقوایی را به جای دسته گلدان به بدنه بچسبانید. کل گلدان را با پایه‌ماشه بپوشانید و صبر کنید خشک شود.



۵. قالب بعدی را به سر لوله کاغذی بچسبانید. مطمئن شوید که هر دو حلقه چسب محکم در دو سر لوله کاغذی چسبیده‌اند.



۴. لوله کاغذ را از درون قالب بادیکنی رد کنید. آن را با چسب محکم کنید. قالب نوار چسب را به ته گلدان بچسبانید.

ورزش و تناسب اندام

تناسب اندام نشانه آمادگی فرد برای شرکت در نبرد بود. اما یونانیان به ورزش نیز بسیار علاقه‌مند بودند و در هر شهری ورزشگاهی بزرگ احداث می‌شد تا مردان در آن‌جا جمع شوند و به ورزش و استراحت بپردازند. در یونان رقابت‌های انفرادی به رقابت‌های تیمی ارجحیت داشت و در اکثر جشنواره‌های مذهبی مسابقات دو به افتخار خدایان برپا می‌شد. بدین ترتیب، اساس بازی‌های المپیک در سال ۷۷۶ قبل از میلاد نهاده شد. بازی‌های المپیک هر چهار سال یک‌بار در رشته‌هایی چون پرش طول، پرتاب دیسک، پرتاب نیزه، مشت‌زنی، کشتی، اربهرانی و اسب‌دوانی برگزار می‌شد. افزون بر این‌ها، غالباً رقابت‌هایی در زمینه نمایش و مشاعره نیز برپا می‌کردند. رقابت وحشیانه‌ای نیز در آن روزگار رواج داشت که به آن پانکراتیون (Pankration) (قدرت مطلق) می‌گفتند. این رقابت آمیزه‌ای بود از مشت‌زنی و کشتی که در آن تنها تاکتیک‌های ممنوع گاز گرفتن و درآوردن چشم حریف بود. هنگام برپایی المپیک در همه جنگ‌ها موقتاً آتش‌بس اعلام می‌شد تا مردم از اطراف و اکناف بتوانند بی‌خطر سفر و در بازی‌ها شرکت کنند. زنان اجازه نداشتند در رقابت‌ها شرکت کنند یا حتی به تماشای مسابقات بروند، اما آن‌ها خودشان بازی‌های خاصی داشتند که به افتخار هرا در المپیا (Olympia) برپا می‌شد.



برنده

پادشاهی یونانی (سمت راست) تاج افتخار را به برنده المپیک می‌دهد. راهبی پشت آن‌ها ایستاده است تا به حریفان یادآوری کند که روی خاکی مقدس مبارزه می‌کنند. بازی‌های المپیک جایزه نقدی نداشت، اما از آن‌جا که برندگان مایه افتخار شهر خود بودند، وقتی به خانه برمی‌گشتند هدیه‌ای نقدی یا غذای رایگان مادام‌العمر می‌گرفتند.

ستارگان ورزشی

در این تصویر که نقش‌گلدانی است، یک پرنده طول را با وزنه‌ای در دست، یک پرتاب‌کننده دیسک و دو مرد نیزه به دست را مشاهده می‌کنیم. آن‌ها نماد سه ورزش از ورزش‌های پنج‌گانه یونانند که به پنتاتلون (Pentathlon) معروف است. دو ورزش دیگر کشتی و دومیدانی بودند. پنتاتلون با دومیدانی شروع می‌شد و پس از آن، به ترتیب، رقابت‌های پرتاب نیزه، پرتاب دیسک و پرش طول انجام می‌شد. دو حریفی که در این رقابت‌ها بالاترین امتیاز را کسب می‌کردند، باید در دور نهایی با هم کشتی می‌گرفتند تا برنده نهایی مشخص شود. اغلب ورزشکاران آماتور بودند. ورزشکاران حرفه‌ای فراوانی هم بودند که تعلیم می‌دیدند و در مسابقات خاص به رقابت می‌پرداختند.



تسهیلات ورزشی

بخش عمده‌ای از المپیا — محل برگزاری نخستین دوره‌های المپیک — از سال ۱۸۲۹ در کاوش‌های باستان‌شناسی از دل خاک بیرون آورده شده است. در آن دوران، تسهیلات فراوانی برای رقبا و تماشاگران در نظر گرفته می‌شد. در قلب المپیا دو معبد بزرگ به افتخار زئوس و هرا ساخته شده بود. در میان ساختمان‌های اطراف معبد میهمان‌خانه، رستوران، ورزشگاهی بزرگ برای تمرین کردن و میدانی بیضی‌شکل (hippodrome) برای مسابقات اسبدوانی و ارابه‌رانی ساخته می‌شد. المپیا ناحیه پهنای بود، اما هرگز شهر نشد، چون نه سکنه دائمی داشت و نه دولتی محلی.



رفتن به دور دست‌ها

پروندگان طول معمولاً هنگام پرش وزنه‌ای سنگین به دست می‌گرفتند تا شتاب‌شان بیشتر شود. این وزنه عامل تعادل‌شان هم بود. آن‌ها روی بستری از خاک نرم فرود می‌آمدند. نرمی خاک هم از صدمه دیدن ایشان جلوگیری می‌کرد و هم اثر پای‌شان به خوبی روی آن نمایان بود و داوران به راحتی می‌توانستند میزان پرش آن‌ها را اندازه بگیرند.



بازی خطرناک

در پایان مسابقه ارابه‌رانی، مردی مسلح از ارابه در حال حرکت پایین می‌پرید و شروع می‌کرد به دویدن. این قسمت به تدریج از مسابقات حذف شد، چون همیشه حوادث مقتضخانه، به جای برانگیختن تحسین تماشاچیان، آن‌ها را به خنده می‌انداخت. اغلب ارابه‌ها واژگون می‌شدند و فاجعه‌ای مصیبت‌بار به وجود می‌آمد. در مسابقات ارابه‌رانی حدود ۴۰ ارابه در ۱۲ حلقه دور میدانی با محیط ۱۱۰۰ متر به رقابت می‌پرداختند. برنده نهایی مالک ارابه و اسب بود، نه ارابه‌ران.

آماده شدن

ورزشکاری با روبانی موهایش را می‌بندد تا موهایش جلوی چشمانش را نگیرد. اغلب شرکت‌کنندگان بازی‌های المپیک برهنه وارد صحنه می‌شدند. یونانیان معتقد بودند که ورزش زیبایی و نیروی مردانه را باشکوه‌تر جلوه می‌دهد. زنان شرکت‌کننده در رقابت‌هایی که به افتخار هرا برپا می‌شد، بالا پوش‌های کوتاهی به تن می‌کردند.



از این طرف

رقابت‌کنندگان بازی‌های المپیک از طریق این گذرگاه سرپوشیده وارد ورزشگاه می‌شدند. سنگ‌چین‌های پوشیده از چمن دور ورزشگاه گنجایش ۴۰۰۰ تماشاچی را داشتند.

علم و فلسفه

یونانیان برای مطالعه و تفکر فرصت کافی داشتند، چون تمدنشان هم ثروتمند بود و هم امن. آن‌ها نجوم را از اهالی بابل (Babylon) و ریاضیات را از مصریان آموختند. آن‌ها با اتکا به دانش علمی خود به اختراعات کاربردی فراوانی چون ساعت آبی، چرخ‌دنده، دستگاه‌های سکه‌ای و ماشین‌های بخار دست یافتند. با این حال، یونانیان آن‌قدر بنده و غلام داشتند که لازم نبود از اختراعاتشان زیاد استفاده کنند.

کلمه فلسفه مشتق از واژه یونانی *philosophos* به معنای عشق به دانش است. یونانیان شاخه‌های متعددی در فلسفه ایجاد کردند. سه شاخه عمده فلسفه عبارت‌اند از سیاست (بهترین روش اداره کشور)، اخلاقیات (بهترین رفتار) و فلسفه عالم هستی (جهان چگونه عمل می‌کند). فیلسوفان یونان به تجربه بسیار ارزش می‌دادند، اما همیشه نمی‌توانستند محدودیت‌هایشان را در نظر بگیرند. ارسطو (Aristotle) کشف کرد که با تبخیر می‌توان آب شور را به آب خالص تبدیل کرد، اما به اشتباه گمان می‌کرد با همین روش می‌توان از شراب هم آب گرفت.



برج ساعت

در برج باده‌ها در آتن یک ساعت آبی هست. این ساعت آبی، که اختراع مصریان بود، سطل آبی بود که سوراخی ته آن تعبیه شده بود. درون سطل مدرج بود و وقتی آب قطره‌قطره از سوراخ خارج می‌شد سطح آب به تدریج در سطل پایین می‌آمد و به سطح درجات تعیین‌شده در داخل سطل می‌رسید که نشانه زمان بود. یونانیان این اختراع ابتدایی را پیچیده‌تر ساختند و از جریان آب برای گردش عقربه‌ای روی صفحه‌ای استفاده کردند.



متفکر بزرگ

غالباً ارسطو (۳۸۴-۳۲۲ ق.م)، فیلسوف بزرگ یونان را بنیان‌گذار علم غربی می‌دانند. او مبدع رویکرد منطقی به جهان، بر پایه مشاهده و ثبت شواهد بود. او سه سال معلم اسکندر کبیر بود.



پیچ ارشمیدس

مواد مورد نیاز: بطری پلاستیکی خالی و تمیز، قیچی، گل سفالگری، نوار چسب پهن، لوله پلاستیکی شفاف، کاسه آب، رنگ غذای رنگ آبی، کاسه خالی.



۲. لوله را دور بطری بپیچانید. لوله باید از سر تا ته بطری پیچیده شود. لوله را با چسب روی همان نوار چسب قبلی بچسبانید.

۲. نوار چسب پهنی به اندازه طول بطری ببرید و آن را وسط بطری بچسبانید. به این ترتیب، بطری محکم‌تر می‌شود.

۱. سر بطری را ببرید. گلوله سفال را درون بطری نزدیک ۵ سانتی‌متر به انتهای آن قرار دهید. با قیچی این ناحیه را سوراخ کنید.



بالا برنده آب

وقتی پیچ ارشمیدس گردانده شود، آب از سطحی به سطح دیگر می‌رسد. این اختراع به نام مخترعش ارشمیدس (حدود ۲۷۸ تا ۲۱۱ ق.م.) نامیده شده است. ارشمیدس متولد سیراکوس سیسیل بود. از این وسیله هنوز هم استفاده می‌شود.



پدر هندسه

اقلیدس (Euclid) (حدود ۲۶۰-۳۳۰ ق.م.) ریاضی‌دان بود. او در شهر یونانی-مصری اسکندریه زندگی می‌کرد. او را پدر هندسه می‌دانند. واژه geometry (هندسه) در زبان یونانی به معنای «مساحی» است. هندسه علم مطالعه نقاط، خطوط، منحنی‌ها، سطوح و روش اندازه‌گیری آن‌هاست. کتاب هندسه او اصول هندسه (Elements) نام داشت. این کتاب تا اوایل قرن بیستم، یعنی حدود ۲۰۰۰ سال پس از مرگش، همچنان تدریس می‌شد. در تصویر صفحه نخست یکی از چاپ‌های این کتاب را می‌بینید که در سال ۱۷۲۲ در لندن منتشر شد.



با اختراع پیچ ارشمیدس کشاورزان نتوانستند از طریق کانال‌های آبیاری به مزارع خود آب برسانند. بدین ترتیب، دیگر لازم نبود مدام پروند و با سطل از رودخانه آب بیاورند.



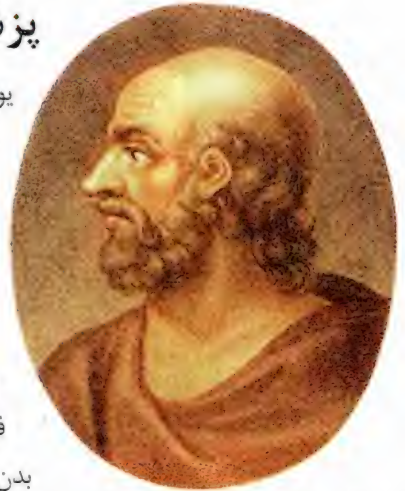
۶. بطری را درون آب رنگی بچرخانید. می‌بینید که آب از درون شلنگ بالا می‌آید و به تدریج درون ظرف دیگر می‌ریزد.

۵. یک سر بطری را درون ظرف حاوی رنگ آبی قرار دهید. سر آزاد لوله باید به سمت درون ظرفی خالی قرار گیرد.

۴. چند قطره رنگ خوراکی آبی درون ظرفی بریزید. آن را هم بزنید تا رنگ یکدست پخش شود.

پزشکی

یونانیان معتقد بودند که شفای نهایی زخم‌ها و بیماری‌ها در دست خدایان است. با این حال، دیدگاهی علمی در مورد طبابت داشتند. طبیبان یونانی زخم‌ها و جراحات‌های حاصل از نبرد را با باندپیچی و جا انداختن استخوان درمان می‌کردند. آن‌ها در طبابت خود بر استراحت، رژیم و داروهای گیاهی متکی بودند. اما در درمان بیماری‌های همه‌گیر و کشنده، مثل طاعون، ناتوان بودند. پزشکان یونان باستان سلامتی را نشانه تعادل بین چهار مایع اصلی بدن — خون، بلغم، صفرا و سودا — می‌دانستند. در صورت به هم خوردن توازن بین این چهار مایع، آن‌ها فنجانی فلزی را حرارت می‌دادند و با گذاشتن آن روی



پدر طب

بقراط (Hippocrates) مدرسه طب را حدود سال ۴۰۰ قبل از میلاد بنیان نهاد. او به شاگردان خود می‌آموخت که مشاهده نشانه‌ها مهم‌تر از انکای صرف به تئوری است. شاگردان او سوگند می‌خوردند که از دانش خود برای شفای بیماران استفاده کنند و به کسی صدمه نزنند.

خدای

شفادهنده

یونانیان آسکلیپوس (Asclepius) را خدای شفابخشی می‌دانستند. این جا او را همراه ماری که نشانه خرد است می‌بینیم. بیماران جویای شفا به زیارت معبد او می‌رفتند.

توازن بدن

گرفتن خون روشی رایج برای برقراری توازن درونی بدن به شمار می‌رفت. در این کنده‌کاری ابزار جراحی و وسایل حجامت دیده می‌شود. گاهی از این طریق سموم از بدن خارج می‌شوند، اما اغلب با اجرای این روش بیمار ضعیف‌تر می‌شود.



پای بیشکشی

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، وردنه، خط‌کشی، ابزار برش، قلم‌مو، رنگ اکریلیک گرم.



۱. گل سفالگری را به دو قسمت تقسیم کنید. با وردنه یک قطعه خمیر را به طول ۱۵ سانتی‌متر، به عرض ۱۰ سانتی‌متر و قطر ۲ سانتی‌متر روی تخته پهن کنید. این قسمت قاعده نقش شماس است.

۲. با وردنه تکه دوم سفال را پهن کنید. با ابزار برش شکل پا را از زیر زانو تا کف پا — مثل تصویر — روی سفال درآورید. این شکل باید آن‌قدر بزرگ باشد که یک طرف قاعده را بگیرد.

۳. پا را به آرامی روی کناره راست قاعده قرار دهید. با نوک ابزار برش دور پا روی قاعده خط بکشید. حالا پا را بردارید.



درمان طبیعی

یونانیان از داروهای طبیعی متعددی برای درمان بیماری‌ها استفاده می‌کردند. استفاده از داروهای گیاهی هم بسیار رایج بود. عدس و خردل و عسل را به شکل ضماد درمی‌آوردند و آن را روی زخم می‌گذاشتند.

عدس

عسل

خردل



نظریه و عمل

بیماران رویاهای خود را برای طبیبان شرح می‌دادند و طبیبان برای شان درمانی تجویز می‌کردند. در این نقش برجسته، روحی شفا بخش در قالب ماری به عیادت بیماری خفته رفته است. در پیش زمینه تصویر، طبیبی را در حال باندپیچی زخم بازوی بیماری می‌بینیم.



ابزار جراحی

یونانیان از ابزار جراحی مفرغی، شامل انبرک و میل جراحی استفاده می‌کردند. جراحی معمولاً آخرین مرحله شفا بود. حتی اگر جراحی موفقیت‌آمیز هم انجام می‌شد، بیماران اغلب از شوک و درد حاصل از آن یا عفونت پس از آن می‌مردند. جراحی اندام‌ها اغلب موفقیت‌آمیزتر از جراحی قفسه سینه یا معده بود.



این لوح از روی لوحی که برای تشکر به اسکلیپوس تقدیم شده بود، طراحی شده است. کسی که پادشاه داشت این لوح را به درگاه خدای سلامتی هدیه کرده بود. این کار در یونان باستان رایج بود.



۶. کل لوح را با رنگ کرم رنگ کنید تا کهنه‌تر به‌نظر برسد. یک روز طول می‌کشد تا لوح خشک شود. پای پیشکشی شما آماده است.



۵. پای سفالی را دوباره روی لوح پایه قرار دهید. با انگشت گوشه‌های آن را به لوح بفشارید. انگشت‌ها و ناخن‌ها را با نوک ابزار مدلسازی طراحی کنید.



۴. طرح منتقل‌شده پا را با نوک ابزار برش‌هاشور برزنید. بعد این پیام یونانی را، مثل آن‌چه در تصویر می‌بینید، روی لوح سفالی کنار نقش پا حک کنید.

سفر و تجارت

زمین ناهموار و کوهستانی یونان امکان استفاده از سورتمه و ارابه را می‌گرفت و اغلب مردم با پیاده سفر می‌کردند یا سوار الاغ می‌شدند. مسافرت دریایی راحت‌تر بود — در دریای مدیترانه آن قدر جزیره وجود داشت که می‌شد از بندری به بندر دیگر سفر کرد و همیشه خشکی را دید. قایق‌های بازرگانی اغلب بادبانی بودند، چون سنگینی بار آن‌ها پارو زدن را غیرممکن می‌کرد. ملوانان یونان قطب‌نما نداشتند. روزها نشانه‌های ساحل را دنبال می‌کردند و شب‌ها با بررسی ستاره‌ها راه خود را می‌یافتند. اما به هیچ یک از این دو روش نمی‌شد اتکا کرد. گاهی توفانی ناگهانی کشتی را از مسیر خارج یا



ضرب سکه

نقش این سکه طلا زئوس، فرمانروای خدایان، در حال پرتاب آذرخش است. سکه نخستین بار در لیدیا (ترکیه امروزی) در حدود سال ۶۳۵ قبل از میلاد ضرب شد و اندکی بعد، استفاده از آن در یونان رواج یافت. تا پیش از آن، یونانیان از شمش‌های نقره و میله‌ها آهنی برای داد و ستد استفاده می‌کرد. سکه‌های یونانی از نقره، مفرغ و ورشو — مخلوط نقره و طلا — ساخته می‌شدند.

آن را غرق می‌کرد. تجار با کشتی‌های خود روغن زیتون، پشم، شراب، نقره، سفالینه‌های ظریف و برده حمل می‌کردند و به جای آن‌ها گندم و الوار — دو ماده کمیاب در یونان — می‌آوردند. دیگر واردات یونان قلع، مس، عاج، طلا، ابریشم و کتان بود.



خدای دریاها

پوزئیدون خدای دریاها، اسب‌ها و زمین‌لرزه بود. ملوانان از شر توفان، مه و دزدان دریایی به درگاه او پناه می‌بردند و برایش قربانی می‌کردند. در تصاویر معمولاً او را با چنگکی سمدندانه می‌بینیم که سلاح رایج ماهیگیران یونان بود. در بندر تجاری کارینت، یک سال در میان، به افتخار او بازی‌هایی موسوم به بازی‌های برزخی (Isthmian Games) اجرا می‌شد.



پول پرازش

شاید از نخستین سکه‌ها برای پرداخت دستمزد سربازان مزدور استفاده می‌شد، نه برای انجام دادن معاملات تجاری یا گرفتن مالیات. نقش نخستین سکه‌ها اغلب نمادی مذهبی یا نشان یک شهر بود. مدت‌ها گذشت تا رسم ضرب نقش سر حکمرانان رایج شد. نقش سکه سمت راست تصویر خدای دریاها، پوزئیدون، است که چنگک سه دندانه‌اش را به دست دارد. نقش تصویر سمت چپ گل رز رودس است. بسیاری از کشورهای طرف تجارت یونانیان، به تقلید از ایشان، به ضرب سکه پرداختند.

کشتیرانی

در تصویر یک کشتی تجاری بادبانی را مشاهده می‌کنید. خطوط متقاطع نشانه راهرویی ساخته‌شده از چوب و ریمان است که روی انبوه بارهایی که هیچ روکشی ندارند کشیده شده است. مایع‌هایی از قبیل شراب و روغن زیتون در کوزه‌های سفالی باریکی به نام آمفورا حمل و نقل می‌شدند که به راحتی می‌شد آن‌ها را کنار هم قرار داد و حمل کرد. کشتی‌های تجاری با خطرهای متعددی، چون حمله دزدان دریایی و بروز توفان، روبه‌رو بودند.



وزن کردن

بسیاری از کالاهای خشک به صورت فله‌ای فروخته می‌شدند و در ترازویی مثل این وزن می‌شدند. مأمورانی ناظر توزین و خرید و فروش بودند تا داد و ستد به سلامت اجرا شود. آن‌ها اجازه نمی‌دادند دو طرف معامله به هم کمک بزنند. در آن به این مأموران مِترُونومی (Metronomoi) می‌گفتند. بازرگانان باید با انواع روش‌های وزن کردن در کشورهای مختلف آشنا می‌بودند.



دکان‌ها

آگورا یا بازار در قلب همه شهرهای یونان برپا بود. در دکان‌ها انواع و اقسام کالا، از گوشت و سبزیجات گرفته تا تخم‌مرغ و پنیر و ماهی، عرضه می‌شدند. ماهی را روی تخته‌های مرمر می‌گذاشتند تا تازه و خنک بماند.

صف دیو کنه‌ای

میگو

صف خوراکی



اسب سواری

در سرزمین کوهستانی یونان سفر زمینی دشوار بود. محدود جاده‌های خاکی نیز شرایط نامساعدی داشتند. برای اکثر مردم پیاده‌روی تنها راه رسیدن به مقصد بود. اسب وسیله نقلیه ثروتمندان بود. تجار از الاغ و قاطر برای حمل و نقل بارهای سنگین استفاده می‌کردند. سفرهای طولانی‌تر با قایق انجام می‌شد.



نیروهای جنگی



کمان دار

ارتش یونان معمولاً کمان داران سکایی (Scythian) را به خدمت می گرفت. در نبردهایی که در زمین های مرتفع رخ می داد کمان داران به کار می آمدند، چون می توانستند در ارتفاعات موضع بگیرند. برخی از سربازان یونانی هم با تیر و کمان می جنگیدند. کمان داران یونانی در واحدهایی کوچک به نام سیلویی (psiloi) می جنگیدند. اما اغلب سربازان این واحدها تنها با سلاح های پرتابی ساده مثل نیزه و فلاخن — که با آن سنگ پرتاب می کردند — می جنگیدند.

همه مردان یونانی باید به ارتش شهرشان می پیوستند. در اسپارت ارتش در کل سال آماده باش بود. در دیگر شهرهای یونان در پاییز مردان از نبرد دست می شستند تا محصول شان را درو کنند و شراب بیندازند. تنها سربازان تمام وقت در این شهرها محافظان حاکم شهر و سربازان مزدوری بودند که به نفع هر کس که به ایشان پول می داد می جنگیدند. ارتش سه گروه داشت: پیاده نظام، سواره نظام و گروهی پیاده نظام مسلح به سنگ و تیر و کمان. پیاده نظام اصلی ترین بخش ارتش بود چون درگیر جنگ تن به تن می شد. سواره نظام

چندان در جنگ موثر نبودند، چون

سواران رکاب نداشتند و به همین

علت نمی توانستند با کمان داران

مبارزه کنند چون در صورت درگیری

قطعاً از اسب می افتادند. کار سواره نظام

دیدبانی، حمله به دشمن شکست خورده

و پیام رسانی بود.



کلاه خود محکم

این کلاه خود مفرغی یافته شده در کارینت طوری طراحی شده است که صورت را کاملاً بپوشاند. این کلاه خود محافظ بینی و گونه دارد. بعدها آهن جای مفرغ را گرفت و فلز اصلی اسلحه سازی شد.



۳. پس از اتمام کار، ساق پوش ها را به آرامی از روی پای تان بردارید و روی کاغذی بگذارید. دستمالی را مرطوب کنید و با آن سطح ساق پوش را صاف کنید بگذارید خشک شود.



۲. گچ مخصوص باندپیچی را در آب بخیسانید. به آرامی قسمت جلوی هر دو ساق خود را با باندهای گچی بپوشانید



۱. از دوستی بخواهید در مراحل ۱ و ۲ و ۳ کمک تان کند. هر دو ساق خود را تا مچ با سلفون بپوشانید.

ساق پوش

مواد مورد نیاز: سلفون، کاسه آب، گچ باندپیچی، چند ورق کاغذ، دستمال آشپزخانه، فیچی، بند، رنگ طلایی، قلم مو.



صحنه‌ای نادر در نبرد

در نبردها به‌ندرت از ارابه استفاده می‌شد، چون ارابه فقط در زمین‌های مسطح کاربرد داشت. هر ارابه‌ای معمولاً دو سرنشین داشت. یکی آن را می‌راند و دیگری از عقب با دشمن می‌جنگید.



پیاده‌نظام

مردان پیاده‌نظام از طبقه متوسط جامعه بودند که توان خرید سلاح و ابزار جنگ را داشتند. سلاح و زره پیاده‌نظام شامل سپر، کلاه‌خود، نیزه، شمشیر و ساق‌پوش بود. کلاه‌خودها مفرغی بودند و آرایه‌هایی از موی اسب روی آن‌ها نصب می‌شد. برای حفاظت بدن از زره بالاتنه — شامل زره سینه و پشت — استفاده می‌شد. زیر زره معمولاً تن‌پوشی چرمی به تن می‌کردند. سپرها معمولاً گرد بودند و روی آن‌ها نمادی نقش زده می‌شد.



نیروهای جنگی

از آمیختن قلع و مس مفرغ به دست می‌آوردند که فلز اصلی در ساخت تسلیحات جنگی و زره‌ها بود. مفرغ سخت‌تر از مس خالص است و برخلاف آهن زنگ نمی‌زند. از آن‌جا که قلع در یونان یافت نمی‌شد، آن را از سرزمین‌های دور وارد می‌کردند.



سربازان پیاده‌نظام در نبرد برای محافظت از ساق‌های خود ساق‌پوش می‌پوشیدند.



۶. صبر کنید ساق‌پوش‌تان کاملاً خشک شود. کل ساق‌پوش را بعد از خشک شدن طلایی کنید و وقتی که رنگ خشک شد آن را بپوشید.



۵. ساق‌پوش‌ها را پشت‌ورو بگذارید، محل ریسمان‌ها را دقیقاً مشخص کنید. با گچ مرطوب آن‌ها را محکم سر جای‌شان بچسبانید.



۴. لپه‌های ساق‌پوش‌ها را با قیچی ببرید تا مرتب به‌نظر برسند. چهار ریسمان به‌اندازه زیر زانو و بالای پاشنه‌تان ببرید.

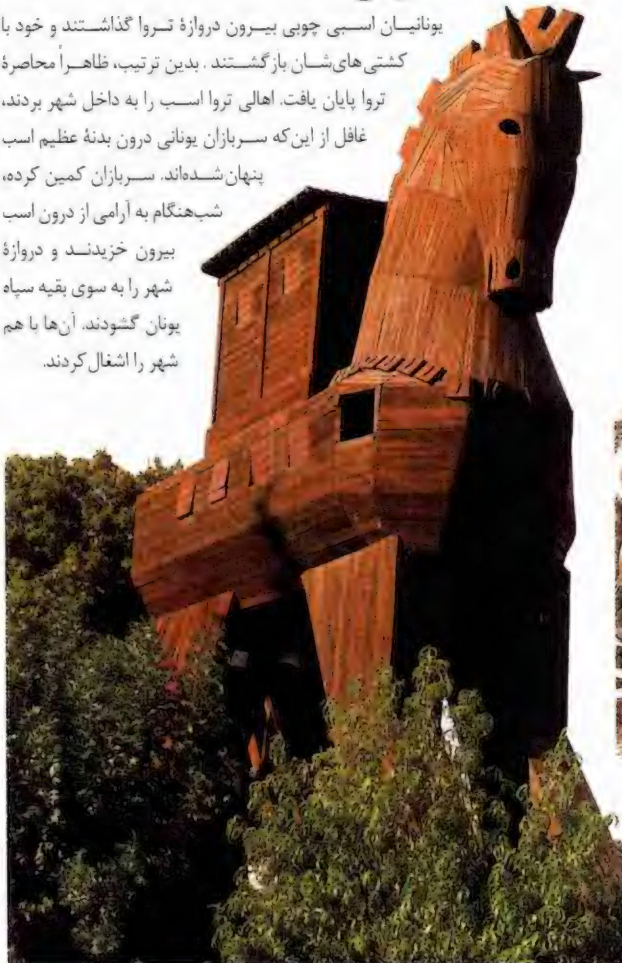
جنگ

وقتی یونانیان وارد جنگ می‌شدند، معمولاً هدفشان هجوم به شهرهای رقیب و محاصره آن‌ها بود. نبرد با دشمن‌های خارجی کم‌تر اتفاق می‌افتاد اما حاصل این نبردها بسیار تکان‌دهنده بود. فرماندهان ارتش باید با دقت و هوشیاری زمینه نبرد را انتخاب می‌کردند و بر اصول انضباطی و آموزشی سربازان خود متکی می‌بودند تا به هدف خود می‌رسیدند. وقتی نبردی آغاز می‌شد، کنترل کردن خیل عظیم سپاهیان و تغییر آرایش جنگی‌شان تقریباً غیرممکن بود، مرگ یا فرار چند تن از فرماندهان اصلی کل سپاه را متلاشی می‌کرد. قلب سپاه یونان پیاده‌نظام سرپا مسلح بودند که در کنار هم در صفوفی فشرده موسوم به قشون می‌جنگیدند. تا وقتی آرامش برقرار بود، سربازان به‌سبب نیزه‌ها و سپرها و کثرت تعدادشان در امان بودند. اگر صف‌شان درهم می‌شکست و پراکنده می‌شدند دشمن به راحتی می‌توانست بر سرباز پیاده‌ای که ۳۰ کیلو سلاح با خود حمل می‌کرد پیروز شود و او را از سر راه خود بردارد.



حقه یونانی

یونانیان اسبی چوبی بیرون دروازه تروا گذاشتند و خود با کشتی‌های‌شان بازگشتند. بدین ترتیب، ظاهراً محاصره تروا پایان یافت. اهالی تروا اسب را به داخل شهر بردند، غافل از این که سربازان یونانی درون بدنه عظیم اسب پنهان شده‌اند. سربازان کمین کرده، شب‌هنگام به آرامی از درون اسب بیرون خزیدند و دروازه شهر را به سوی بقیه سپاه یونان گشودند. آن‌ها با هم شهر را اشغال کردند.



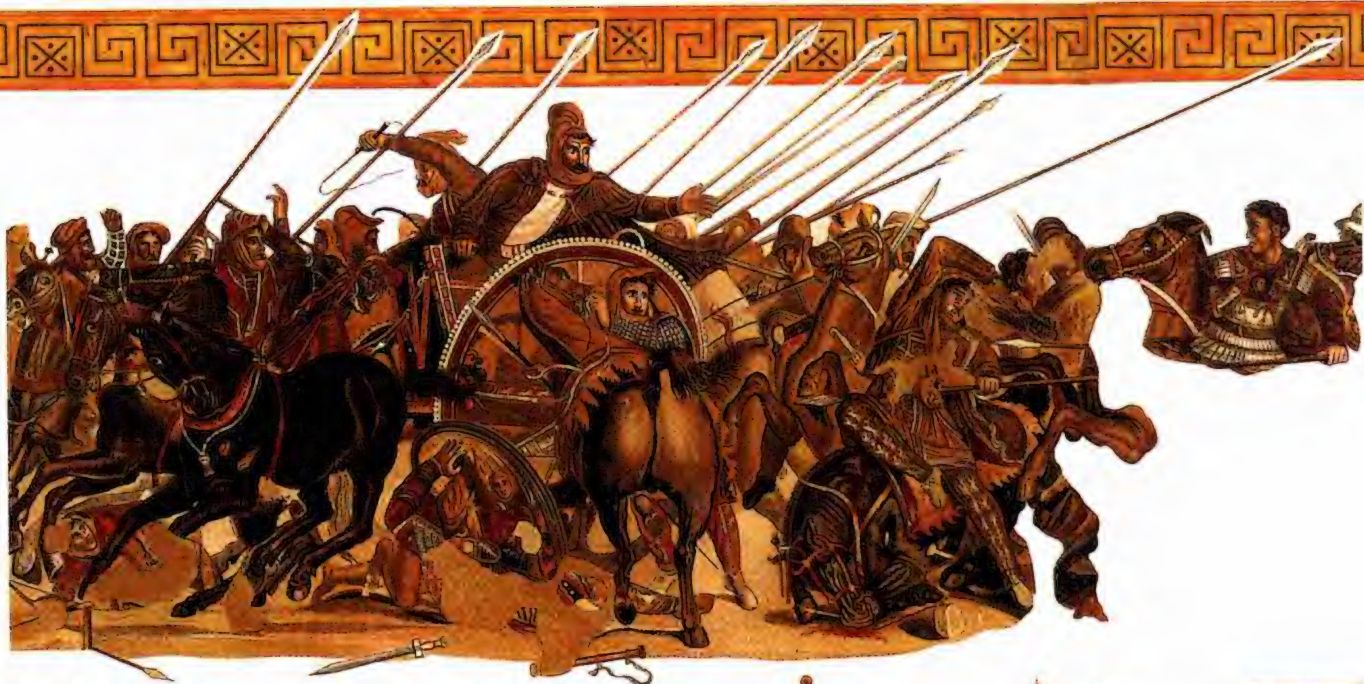
بازی قهرمانان

آشیل (Achilles) و آژاکس (Ajax) دو قهرمان افسانه‌ای جنگ تروا بودند. در این تصویر این دو قهرمان را در حال تاس‌بازی می‌بینیم. تاس‌بازی از سرگرمی‌های رایج سربازان ارتش یونان در اوقات فراغت بود. دیگر کاربرد تاس‌بازی هنگام تصمیم‌گیری در مورد تقسیم غنایم بود. در نتیجه بازی را گاه نماد سرنوشت یا مرگ می‌دانستند.



جنگ تن به تن

سربازان یونانی و قهرمانان روزگار هومر تن به تن می‌جنگیدند، صحنه‌ای از نبرد تن به تن سربازان یونانی و سلحشوران تروا را در این حکاکی می‌بینیم. اما از هنگامی که جنگ سواره‌نظام در ارتش‌ها رونق گرفت، روش‌های جنگی هم به همان نسبت تغییر کرد. این موضوع باعث شد که در صفی به‌هم پیوسته با دشمن بجنگند.



پیروزی بر دشواری‌ها

در نبرد ایسوس در سال ۳۳۳ قبل از میلاد، اسکندر کبیر (سمت راست) نیزه‌ای را به سوی داریوش، پادشاه ایران (سوار بر ارابه)، نشانه رفته است. سپاه داریوش که عظیم‌تر از سپاه اسکندر بود، شکست خورد. در سپاه ایران اقوام متعددی از اقصی نقاط امپراتوری پهناور ایران خدمت می‌کردند. آن‌ها به زبان‌های مختلفی صحبت می‌کردند و به هم اعتماد نداشتند و این وضعیت کنترل و فرماندهی را سخت می‌کرد. برعکس، اسکندر کنترلی قوی بر سپاهیان خود و تجارب فراوانی در جنگ داشت.



نبرد دریایی

در سال ۴۸۰ قبل از میلاد، هجوم ایرانیان به خاک یونان منجر به بروز جنگ سالامیس (Salamis) شد. ایرانیان ناوگانی گسترده‌تر و تیزتر داشتند، اما یونانیان با کشتاندن کشتی‌های جنگی سپاه حریف به سمت تنگه‌ها این امتیاز را از ایشان گرفتند و خود پیروز جنگ شدند. در این‌جا بود که کشتی‌های پرتعداد ایرانیان تحت فشار کشتی‌های سنگین‌تر یونان درهم شکستند.



پایان یک امپراتوری

یونانیان در سال ۳۳۱ قبل از میلاد در نبردی دیگر با سپاه ایران با به‌کاربردن ترفندهایی پیروز میدان شدند. در نبرد گوگمل، به‌رغم کثرت نیروی نظامی ایران، نظم و ترتیب یونانیان باعث پیروزی آن‌ها بر حریف قوی‌تر شد و ارتش ایران جنگ را باخت. در نتیجه این باخت، کل امپراتوری ایران به دست اسکندر افتاد.

واژه‌نامه

الف

آتولوی: سازی متشکل از دو نی لبک. یک نی لبک ملودی را می‌نواخت و نی لبک دیگر آکورد پس‌زمینه را تولید می‌کرد.

آکروپولیس: تپه‌ای مقدس مشرف بر آتن که معابد را روی آن بنا می‌کردند.

آگورا: بازار.

آلیگارشی: حکومت گروهی قدرتمند و ثروتمند بر مردم. **آمفورا:** گلدانی دو دسته برای نگهداری شراب و روغن زیتون.

اسطورشناسی: علم مطالعهٔ افسانه‌هایی دربارهٔ ماجراهای خدایان و قهرمانان افسانه‌ای.

الفبا: حروف نوشتاری هر زبان. دو حرف نخست الفبای یونان «آلفا» و «بتا» هستند و واژهٔ انگلیسی Alphabet، به معنای الفبا، برگرفته از این دو حرف است.

اریستوکراسی: حکومت ثروتمندان و اشراف بر مردم.

اندرون: اتاقی در خانه‌های یونان که مردان در آنجا اوقات فراغت خود را می‌گذرانند.

اجتماعات مهاجرنشین: اسکان مردم کشوری در جایی خارج از مرزهای آن کشور؛ یونانیان در کنارهٔ دریای مدیترانه مهاجرنشین‌های متعددی تشکیل داده بودند.

آراکل: روحی که آینده را می‌دید. می‌گفتند آراکل در غاری در دلفی زندگی می‌کند. یونانیان برای مشورت کردن با او در مورد مشکلات مالی و شخصی خود حاضر بودند پول گرافای بدهند.

اومفالوس: سنگی تخم‌مرغی شکل که در معبدی مقدس در کوه دلفی پیدا شده است. این واژه در زبان یونانی به معنای «ناف» است و یونانیان این سنگ را مرکز جهان می‌دانستند.

ب

بازی‌های المپیک: رقابت‌هایی ورزشی که هر چهار سال یکبار به افتخار زئوس در المپیا برپا می‌شد. نخستین دورهٔ این رقابت‌ها در سال ۷۷۶ قبل از میلاد برگزار شد.

بزرک: گیاهی فیبردار که از الیاف آن پارچهٔ نخی می‌بافتند.

برده: مردمانی که آزاد نبودند و مایملک ارباب خود به حساب می‌آمدند. برخی تا دم مرگ باید کار می‌کردند و برخی شغل خوبی می‌یافتند و خوش‌رفتاری می‌دیدند.

پ

پادشاهی: حکومت شاه یا ملکه.

پارتنون: معبدی در آکروپولیس آتن به نام خدای بانوی شهر، آتنا.

پانکراتیون: ورزش رزمی سهمگینی که آمیزه‌ای بود از کشتی و مشت‌زنی (واژهٔ پانکراتیون به معنای «قدرت مطلق» است).

پروپیلا: دروازهٔ مجموعه معابد واقع در آکروپولیس. **پنتاتلون:** ورزش‌های پنج‌گانه- پرتاب دیسک، پرتاب نیزه، دو میدانی، کشتی و پرش طول با وزنه که از ورزش‌های المپیک بودند (پنتا در یونانی به معنی پنج است).

پولتیک: هنر و علم حکومت‌داری (برگرفته از واژهٔ پولیس به معنای دولت-شهر).

پولیس: دولت-شهر یونانی.

پیتی: راهبه‌ای ساکن دلفی؛ او بخار چشمهٔ کاستالیا را فرو می‌داد و به خلسه می‌رفت و بدین ترتیب، آراکل دلفی با حلول کردن در جسم او، از زبان او پیشگویی می‌کرد.

پیچ ارشمیدس: وسیله‌ای برای انتقال آب از سطحی به سطح دیگر که به افتخار مخترعش ارشمیدس، دانشمند یونانی، چنین نام گرفت.

پیکسیس: جعبهٔ پودر و لوازم آرایش.

پیلوس: جامه‌ای که هر چهار سال یکبار به پیشگاه آتنا در جشن‌های آتنی تقدیم می‌شد.

ت

تراژدی: نمایشی با پایان غم‌انگیز. قهرمان تراژدی از شاهان و اشراف است که ضعفی در شخصیتش منجر به سرنگونی و فاجعه می‌شود.

تونیک: لباس بلند و گشاد زنان و مردان یونان؛ معمولاً با سنجاق یا سنجاق سینه‌ای آن را روی شانه محکم می‌کردند.

تیمپانون: تانبورینی ساخته‌شده از پوست حیوانات.

ج

جشن‌های آتنی: مراسمی که هر سال با قربانی کردن به پیشگاه آتنا در معبد پارتنون در آتن برگزار می‌شد.

جهان ارواح: مکانی اسرارآمیز که به باور یونانیان ارواح مردگان پس از خاکسپاری به آنجا می‌رفتند.

چ

چشمهٔ کاستالیا: چشمه‌ای در دلفی که از آب آن بخار متصاعد می‌شد. راهبان این بخار را استشمام می‌کردند و به خلسه می‌رفتند.

ح

حجامت: روشی قدیمی برای درمان. طبیبان معتقد بودند که با گرفتن خون می‌توانند سموم را از بدن خارج کنند، اما این روش اغلب بیمار را ضعیف‌تر می‌کرد.

خ

خارجی ساکن آتن (متیک): متیک‌ها باید مالیات اضافی می‌دادند و در ارتش خدمت می‌کردند. آن‌ها اجازه نداشتند زمین بخرند یا با زنی آتنی ازدواج کنند.

د

دایه: زنی که استخدام می‌شد تا فرزند خانواده‌ای را شیر دهد. **دلفی:** مکانی که یونانیان آن را مرکز دنیا و مأوای آراکل می‌دانستند.

دموکراسی: حکومت مردم بر مردم. در این نظام حکومتی همه شهروندان حق رأی دارند و می‌توانند در منصب‌های حکومتی مشغول به کار شوند.

دولت-شهر: مرکز حکومت؛ یونان قدیم متشکل از حدود ۳۰۰ دولت-شهر بود.

ر

راهب: کسی که در معابد دعا می‌خواند و قربانی‌های مردم را به درگاه خدایان تقدیم می‌کند. راهبی کاری نیمه‌وقت بود و راهب بقیهٔ اوقات روز را در میان مردم زندگی می‌کرد. این شغل یا موروثی بود یا انتسابی. راهبان برای کارشان حقوق می‌گرفتند.

ز

زره نیم‌تنه: زره‌ای یک‌تکه برای محافظت از سینه و پشت که سربازان به تن می‌کردند.

زیتون: میوهٔ درختی به همین نام که از محصولات عمدهٔ سرزمین یونان است. زیتون هم اشتهاآور بود، هم از آن روغن می‌گرفتند. این میوه کاربرد پزشکی هم داشت.

س

ساعت آبی: سطلی مدرج بر از آب با سوراخی در نزدیکی قاعده، تغییر سطح آب عقبه‌ای را به گردش در می‌آورد که زمان را نشان می‌داد.

ساق‌پوش: زره محافظ ساق‌های سربازان.

سفال: مخلوطی از گل پخته و ماسه که ماده‌ای بود برای ساخت مجسمه و ظروف.

سنتور: جانوری اساطیری، نیمی آدم و نیمی اسب.

سواره‌نظام: بخشی اسب‌سوار ارتش. کار اصلی سواره‌نظام دیدبانی و رساندن پیغام‌ها بود.

سینرین: جوهراتی که آذین سینه‌اند.

ع

علم اخلاق: شاخه‌ای از فلسفه که محور آن رفتار خوب و قوانین حاکم بر آن است.

ف

فالانکس: پیاده‌نظام سپردار و نیزه‌دار یونانی که در صفوف به هم فشرده حرکت می‌کردند.

فلسفه: واژه‌ای یونانی به معنای «عشق به خرد». فلسفه علم تفکر درباره معنای حیات است.

ق

قاپ‌بازی: بازی محبوب یونانیان. در این بازی، بازیکنان باید مهره‌هایی را که از قاپ پای حیوانات کوچک درست می‌کردند از توی دست به روی دست خود منتقل می‌کردند، بی‌آن‌که مهره‌ای به زمین بیفتد.

ک

کوه المپ: خانه خدایان و خدای بانوان یونان.

کیهان‌شناسی: علم مطالعه کیهان.

گ

گورگون: هیولایی مؤنث با ظاهری بسیار رعب‌آور که هر کس به او می‌نگریست می‌مرد.

ل

لکی‌توی: ظروفی ساخته شده از سفال سفید که در مراسم تشییع جنازه از آن استفاده می‌کردند. در این ظروف روغن

معطر برای تذهین مرده می‌ریختند و روی آن صحنه‌های

وداع نقاشی می‌کردند.

لینیرای: خط تمدن مینوسی که هنوز رمزگشایی نشده است.

م

مترونومی: مأموری آتنی که وظیفه‌اش ممانعت از تقلب در تجارت بود. او بر وزن کردن کالاهای خشک نظارت می‌کرد.

میثوسی: نخستین تمدن بزرگ تمدن یونان و نخستین تمدن اروپا. این تمدن در حدود سال ۲۰۰۰ قبل از میلاد در جزیره کرت پا گرفت.

مفرغ: فلزی حاصل از اختلاط مس و روی که در ساخت سلاح از آن استفاده می‌شد.

موز: نه الهه هنر که ترپسیخور، روح رقص و موسیقی، یکی از آنان بود.

موزاییک: کفی مرکب از سنگ‌ریزه‌های رنگی در الگوهای خاص، که سبک خاص پوشش کف خانه ثروتمندان یونان بود.

موکنایی: دومین تمدن بزرگ یونان؛ موکنایی‌ها حدود سال ۱۶۰۰ قبل از میلاد بر سرزمین یونان مستولی شدند.

مینوتور: جانوری اسطوره‌ای، نیمی انسان و نیمی گاو که در هزارتویی زیر قصری در کرت زندگی می‌کرد. مینوتور به دست تسئوس کشته شد.

ن

نقی بلد: آتنی‌ها هر سال می‌توانستند بدکاران را به مدت ده سال از شهر تبعید کنند. رأی‌دهندگان نام فرد گناهکار را روی تکه‌ای سفال به نام ostrakon حک می‌کردند. واژه ostracism به معنای نقی بلد، از همین موضوع ریشه گرفته است.

نقاشی دیواری (فرسک): نقاشی روی گچ مرطوب که در تزیین خانه‌های اشراف یونان کاربرد داشت.

و

ورشو: آلیاژ طلا و نقره که در ضرب سکه مصرف می‌شود.

ه

هندسه: شاخه‌ای از ریاضیات که به اندازه‌گیری خطوط، زوایا و سطوح می‌پردازد. مبدع آن ریاضی‌دان یونانی، اقلیدس بود. در زبان یونانی geometry (هندسه) به معنای مساحی است.

امپراتوری روم



فیلیپ استیل

مشاور:
جنی هال، موزه لندن



حدود ۲۰۰۰ سال قبل، امپراتوری پرتوان روم بر دنیای غرب مستولی بود. خیل سربازان از کشوری به کشور دیگر لشکر می‌کشیدند و سرزمین مردمان بدوی سر راه خود را فتح می‌کردند. آن‌ها با خود شراب ناب، سیستم حرارت مرکزی، جاده‌های هموار و آثار هنری بدیعی را به شمال اروپا بردند. اما این امپراتوری در عرض ۴۰۰ سال از هم پاشید. رم، قلب امپراتوری، هدف یورش مهاجمان قرار گرفت و ویران شد و بدین ترتیب، آخرین امپراتور روم از تخت به زیر کشیده شد. داستان امپراتوری روم، داستان بردگان و گالادیاتورها، مهندسی برجسته و پیچیده به کار رفته در ساخت پل‌ها و تماشاخانه‌ها و افزایش زودگذر قدرت است که در تاریخ بشر بی‌سابقه بود.

داستان روم

شهر رم کنونی مکانی پرهیاهو، پرازدحام و پررفت و آمد است. اما اگر می‌شد به حدود سال ۸۰۰ قبل از میلاد بروید، در مکان کنونی روستاهایی آرام و مراتع و تپه‌هایی جنگلی و سرسبز را در حاشیه رودخانه تیبر (Tiber) می‌دیدید. طبق افسانه‌ای، روم در سال ۷۵۳ قبل از میلاد بنیان نهاده شد. قرن‌ها گذشت و روم بر ایتالیا و مدیترانه تسلط یافت. رومیان کشاورزی و بازرگانی می‌کردند و برای فتح سرزمین‌های جدید

می‌جنگیدند. روم به تدریج مرکز امپراتوری عظیمی شد که از اروپا تا آفریقا و آسیا دامنه داشت. این امپراتوری چندین قرن در اوج بود و ارمغان آن، شیوه زندگی پیچیده و پرطمطراقی برای عده زیادی از مردم بود. ساختمان‌ها و آثار هنری به جامانده از امپراتوری دیرین روم نشانه روش زندگی رومیان آن روزگار است.

ایتالیای رومی

هم‌زمان با پیشرفت روزافزون شهر روم، رومیان به تدریج به فتح قبایل همسایه پرداختند. تا ۲۵۰ سال قبل از میلاد، آن‌ها بر بخش عمده‌ای از ایتالیا مستولی بودند. در این نقشه، برخی از مهم‌ترین شهرها و نواحی آن روزگار را می‌بینیم.



کهن و مدرن

در رم امروز، مردم در کنار معابر، بازارها و ساختمان‌های دوران گذشته زندگی می‌کنند. در تصویر کولوسئوم (Colosseum) میدان بزرگ شهر را می‌بینیم که به آن آمفی‌تئاتر (amphitheatre) می‌گفتند در این مکان بازی‌ها و نبردها را برگزار می‌کردند. کولوسئوم در سال ۸۰ میلادی برای بازدید عموم گشوده شد.

خط سیر زمانی از ۷۵۳ تا ۲۷۶ ق.م.

به قدرت رسیدن روم ناگهانی و جالب بود. تاریخ پر حادثه روم پر از نبردهای خونین، امپراتوری‌های عجیب و غریب، اختراعات حیرت‌آور و شاهکارهای برجسته مهندسی است. امپراتوری روم حدود ۵۰۰ سال برپا بود و تأثیر آن بر زندگی بشر امروزی نیز مشهود است.

رومولوس، نخستین شاه روم



طبق افسانه‌ها، حدود ۷۵۳ سال قبل از میلاد رومولوس (Romulus) شهر رم را بنا نهاد.

۶۷۳ تا ۶۴۱ قبل از میلاد، تولوس هاستیلیوس (Tullus Hostilius) سومین شاه روم، با فتح سرزمین مجاور، حیطه شهر را گسترش می‌دهد. در نتیجه، جمعیت روم دو برابر می‌شود.

۶۴۱ تا ۶۱۶ قبل از میلاد، پونس سابلوسیوس (Pons Sublicius) نخستین پل رودخانه تیبر، ساخته می‌شود. شهر بندری اوستیا (Ostia) در دهانه رودخانه تیبر ساخته می‌شود.



۶۰۰ ق.م.

۶۵۰ ق.م.

۷۰۰ ق.م.

۷۵۰ ق.م.



سرنخ‌هایی از گذشته

سکه‌های این گردنبند در دوران

امپراتوری دومیتیان (Domitian) از ۸۱ تا ۹۶ میلادی ضرب شده‌اند. برخلاف چوب و مواد دیگر، طلا فاسد نمی‌شود و به همین علت، اشیاء طلایی و جواهراتی نظیر آن‌چه در تصویر می‌بینید سرنخ‌هایی در مورد روش‌های جواهرسازی، مد، تجارت و حتی جنگاوری آن روزگار به دست می‌دهد.



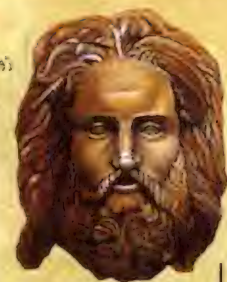
باستان‌شناسان سرگرم کار

این باستان‌شناسان در حال حفاری بخش‌هایی از دیوار گچی خانه‌ای رومی در انگلستان‌اند. بقایایی از ساختمان‌ها، آثار هنری و حتی کتاب‌ها و اسناد روم باستان تا امروز باقی مانده است. با بررسی این شواهد می‌توان تصویری از نحوه زندگی مردم در امپراتوری روم به دست آورد.



رازهای اعماق دریا

غواصان بقایای کشتی‌های شکسته رومیان را در اعماق دریای مدیترانه پیدا کرده‌اند. بار بسیاری از کشتی‌ها هنوز دست نخورده است. این کوزه‌ها حدود ۲۰۰۰ سال قبل بار این کشتی شده بودند. با بررسی این بقایا، باستان‌شناسان به سبک کشتی‌سازی رومیان، نوع بار آن‌ها و مقصد تجاری‌شان پی می‌برند.



ژوپیتر، یکی از مهم‌ترین خدایان روم

۵۰۹ قبل از میلاد، معبد ژوپیتر (Jupiter) در روم کامل می‌شود.

با سرنگونی آخرین شاه روم جمهوری می‌شود.

۵۵۰ ق.م.

۴۹۳ قبل از میلاد، منصب تریبونی (tribune) برای حمایت از حقوق شهروندان عادی، پلین‌ها (plebeians)، تشکیل می‌شود.

۴۵۰ ق.م.

سر ویلیس تولیوس (Servius Tullius) شاهی که نام خود را بر دیوار سروین (Servian Wall) نهاد.



جنگجوی سلتی (celtic)

۴۰۰ ق.م.



۳۹۰ قبل از میلاد، سلشوران سلتی روم را غارت می‌کنند.

۳۸۰ قبل از میلاد، دیوار سروین برای دفاع از شهر در مقابل تهاجمات ساخته می‌شود.

۳۵۰ ق.م.

۳۱۲ قبل از میلاد، ساخت نخستین جاده بزرگ رم، ویا آپیا (Via Appia) آغاز می‌شود. آکوا آپیا (Aqua Appia) نخستین آبپرو روم ساخته می‌شود.



۳۰۰ ق.م.

امپراتوری بزرگ

در سال ۱۱۷ میلادی، امپراتوری روم در اوج بود. در آن روزگار می‌شد ۴۰۰۰ کیلومتر از شرق به غرب رفت و هم‌چنان صدای شیپور سربازان رومی را شنید. سرباز رومی یا در آب‌وهوای سرد شمال بریتانیا از سرما می‌لرزید یا در صحرای سوزان مصر عرق می‌ریخت و از گرما تلف می‌شد.

مردم امپراتوری روم بسیار متنوع بودند. آن‌ها یونانی، مصری، سوری، یهودی، آفریقایی، آلمانی یا سلتی بودند. بسیاری از این مردم اهل تمدن‌هایی بودند که وقتی روم مجموعه چند روستا بیش نبود، خود پیشینه‌ای دیرینه داشتند. بسیاری از این مردم بر رومیان غاصب شوریدند، اما رومیان شورش‌ها را به سرعت سرکوب می‌کردند. به تدریج، مردم سرزمین‌های غصب‌شده پذیرفتند که بخشی از امپراتوری روم باشند. از سال ۲۱۲ میلادی، هر انسان آزادی که تحت لوای امپراتوری روم روزگار می‌گذراند می‌توانست ادعا کند که «من شهروند روم هستم». اما برده‌ها حقوق چندانی نداشتند.

در سال ۲۸۴ میلادی، پس از یک دوره جنگ داخلی خونین، امپراتوری گسترده روم چندین تکه شد. در سال ۳۲۴ میلادی امپراتور کنستانتین (Constantine) دوباره به امپراتوری انسجام بخشید و آن را متحد ساخت. با این حال، امپراتوری روم دیگر هرگز دوران جلال خود را بازیافت. صد سال بعد، سپاه‌های خونخوار از شمال به غرب روم هجوم بردند. این یورش نتایج فاجعه‌باری داشت. امپراتوری غرب روم در ۴۷۶ میلادی سرنگون شد اما امپراتوری شرق تا سال ۱۴۳۵ هم‌چنان پابرجا بود. زبان لاتین زنده باقی ماند و زبان کلیسای کاتولیک روم و زبان علمی دانشمندان و اندیشمندان اروپا شد. این زبان هنوز تدریس می‌شود و ریشه زبان‌هایی چون ایتالیایی، اسپانیایی، فرانسوی و رومانیایی است.



گستره امپراتوری روم در ۱۱۷ میلادی

امپراتوری عظیم

امپراتوری روم در سال ۱۱۷ میلادی در اوج گستردگی بود. در این نقشه پهنه گسترده امپراتوری که هزاران کیلومتر از شرق و غرب و شمال و جنوب گسترده شده بود، نشان داده شده است. در این نقشه اسامی معاصر مکان‌ها ذکر شده است تا خواننده بتواند حیطه امپراتوری روم را با مقیاس‌های کنونی اروپا و خاورمیانه بسنجد.

خط سیر زمانی ۲۷۵ تا یک سال قبل از میلاد

۲۱۸ تا ۲۰۱ قبل از میلاد،

دومین جنگ پونی بین روم و کارتاژ.

هانیبال، سردار کارتاژی، با چندین فیل از آلپ (Alps) می‌گذرد.

حدود سال ۲۱۱ قبل از

میلاد، نخستین سکه نقره‌ای

روم به نام دناریوس (denarius)

در روم ضرب می‌شود.

۲۰۶ قبل از میلاد، امپراتوری روم ایبریا

(Iberia) - اسپانیای کنونی - را فتح می‌کند.

یکی از فیل‌های جنگی
هانیبال (Hannibal)



۲۵۰ سال قبل از میلاد، روم بر بخش عمده ایتالیا مستولی می‌شود.

۲۴۰ سال قبل از میلاد، نخستین نمایش‌نامه‌های رومی بر صحنه می‌روند.

۲۶۴ قبل از میلاد، نخستین شواهد دربارهٔ مبارزه گلابیاتورها.

۲۴۱-۲۶۴ قبل از میلاد، وقوع نخستین جنگ از جنگ‌های سه‌گانه روم و کارتاژ (Carthage) که به جنگ‌های پونی (Punic Wars) یا جنگ‌های کارتاژی معروف است.



گلادیاتور



۱۷۵ ق.م.

۲۰۰ ق.م.

۲۲۵ ق.م.

۲۵۰ ق.م.

۲۷۵ ق.م.



<p>۲۳ قبل از میلاد، تماشخانه رو باز رومی</p> <p>۴۴ قبل از میلاد، ژولیوس سزار در سنا به قتل می‌رسد.</p> <p>۳۱ قبل از میلاد، نبرد آکتیوم (Actium) که در آن اوکتویانوس (Octavian) کلتویاترا (Mark Antony) را شکست می‌دهد و جنگ‌های داخلی پایان می‌یابد.</p> <p>۲۹ قبل از میلاد، مصر بخشی از امپراتوری روم می‌شود.</p> <p>۲۷ قبل از میلاد، اوکتویانوس نخستین امپراتور روم می‌شود و آگوستوس لقب می‌گیرد.</p> <p>۲۵ ق.م.</p>	<p>۵۸-۵۰ قبل از میلاد، ارتش روم به رهبری ژولیوس سزار (Julius Caesar) طی سلسله جنگ‌هایی، گل (Gaul) را فتح می‌کند.</p> <p>۵۵ قبل از میلاد، ساخت تماشخانه پومپی (Pompey) نخستین تماشخانه سنگی در روم، تمام می‌شود.</p> <p>۵۴ - ۵۵ قبل از میلاد، حمله رومیان به بریتانیا آغاز می‌شود.</p> <p>۷۵ ق.م.</p>	<p>برده‌گان در زنجیر</p> <p>۱۰۰ ق.م.</p>	<p>سربازان رومی آماده نبرد</p> <p>۱۲۵ ق.م.</p>	<p>۱۴۶-۱۴۹ قبل از میلاد، سومین و آخرین نبرد یونی. کارتاژ ویران می‌شود.</p> <p>۱۴۶ قبل از میلاد، یونان و شمال آفریقا تحت سیطره رومیان درمی‌آیند.</p> <p>۱۵۰ ق.م.</p>
--	--	--	--	---

دنیای روم

رومولوس و رموس

طبق افسانه‌ها، رومولوس بنیان‌گذار و نخستین شاه روم بود. در افسانه‌ها آمده است که او و برادر دوقلوش، رموس، در کودکی سر راه گذاشته شدند. گرگی ماده آن‌ها را نجات داد و بزرگ‌شان کرد تا این که چوپانی این دو را یافت.

مردمانی که تاریخ روم را نقش زدند پیشینه‌هایی متفاوت داشتند. اسامی افراد مشهور آن دوران روی بناهای یادبود و در کتاب‌ها باقی مانده است — افرادی چون کنسول‌ها، امپراتورها، فرماندهان پیروزمند، سیاستمداران قدرتمند، نویسندگان و مورخان بزرگ. اما در اصل، هزاران شهروند عادی روم — هم‌چون بازرگانان، سفالگران و امثال آن‌ها — باعث تداوم امپراتوری عظیم رومی نبودند. بسیاری از نام‌آوران آن دوران اصلاً رومی نبودند، مثلاً هانیبال فرمانده کارتاژی و دشمن خونی روم یا فرماندهان و ملکه‌های سلتی هم‌چون کاراکتاکوس (Caractacus)، ورسینگتوریکس (Vercingetorix) و بودیکا (Boudicca).



سیسرو (۴۳ - ۱۰۶ ق.م.)

سیسرو (Cicero) را بزرگ‌ترین خطیب روم می‌دانند. بسیاری از نامه‌ها و سخنرانی‌های وی هنوز باقی است. او نویسنده، شاعر، سیاستمدار، حقوق‌دان و فیلسوف هم بود. وی در سال ۶۳ قبل از میلاد کنسول روم شد، اما از آن‌جا که دشمنان فراوانی داشت در سال ۴۳ قبل از میلاد به قتل رسید.



آگوستوس (۶۳ قبل از میلاد تا ۱۴ میلادی)

آگوستوس، که در اصل نامش اکتاوینوس بود، برادرزاده و پسرخوانده ژولیوس سزار بود که پس از مرگ وی فرماندهی ارتش را به عهده گرفت. او پس از شکست مارک آنتونی در نبرد آکتیوم در سال ۳۱ قبل از میلاد، حکمران سرزمین روم شد. وی در سال ۲۷ قبل از میلاد نخستین امپراتور روم شد و به او آگستوس لقب دادند.

خط سیر زمانی ۱ تا ۴۷۶ میلادی

حدود سال ۲۰۰
قبل از میلاد، در
سراسر امپراتوری روم
جاده‌هایی احداث
می‌شود

۲۱۲ میلادی، به
همه ساکنان آزاد
امپراتوری روم حق
شهروندی اعطا
می‌شود

۱۵۶ تا ۱۵۷ میلادی، طاعون در کل
امپراتوری شیوع می‌یابد.

معبد پانتئون در رم

آغاز آتشفشانی وزوو

۱۱۷ میلادی، اوج گستردگی امپراتوری
روم.

۱۲۸-۱۱۸ میلادی، ساخت معبد
پانتئون (Pantheon) در رم.

۱۲۲ میلادی، عملیات ساخت و ساز
دیوار هادریان آغاز می‌شود. این دیوار
سدی تدافعی در مقابل تهاجم ساکنان
شمال بریتانیا است.

۵۰ میلادی، روم بزرگ‌ترین شهر دنیا
با جمعیتی حدود یک میلیون نفر است.

بازرگانان رومی به ینگال و هند می‌رسند.

۶۰ میلادی، ملکه بودیکا شورشی را در بریتانیا رهبری
می‌کند.

۶۴ میلادی، آتش‌سوزی عظیم روم.

۷۵ میلادی، بازرگانان رومی به سودان می‌رسند و مسیری
تجاری در دل صحرا باز می‌کنند.

۷۹ قبل از میلاد، آتشفشان کوه وزوو (Vesuvius) که منجر
به مدفون شدن بومی‌های و هرکولانیوم (Herculaneum)
می‌شود.

حدود سال ۳۰ میلادی،

مرگ عیسی مسیح (ع).

۴۳ میلادی، آغاز فتح

بریتانیا به دست رومیان.



۲۰۰ م.

۱۵۰ م.

۵۰ م. ۸۰ میلادی، ساخت کولوسئوم در رم به اتمام می‌رسد. ۱۰۰ م.

سال یکم میلادی



هادریان (۱۳۸-۷۶ م.)

هادریان (Hadrian) در سال ۱۱۷ میلادی امپراتور شد و سال‌ها امپراتور ماند و به گشت‌وگذار در سرزمین پهناور خود پرداخت. به دستور او ساختمان‌هایی با شکوه و دیواری تدافعی در امتداد شمال بریتانیا ساخته شد. این دیوار با نام دیوار هادریان شناخته می‌شود.



نرون (۶۸-۳۷ م.) و آگریپینا

نرون (Nero) پس از مرگ پدرخوانده‌اش کلادیوس (Claudius) در سال ۵۷ میلادی امپراتور شد. این حاکم بی‌رحم برای راه انداختن حریق عظیمی که در سال ۶۴ میلادی بخش عمده روم را ویران کرد بارها ملامت شد. مادرش، آگریپینا (Agrippina)، نفوذ فراوانی بر او داشت. می‌گفتند او دو شوهر از سه شوهر قبلی‌اش را با سم کشته است. وی سرانجام به فرمان پسرش کشته شد.

کلئوپاترا (۳۰-۶۸ ق.م.)

ملکه یونانی تبار مصر، کلئوپاترا، از ژولیوس سزار پسری داشت. او بعدها عاشق مارک آنتونی، از دوستان نزدیک ژولیوس سزار شد. این دو مقابل روم متحد شدند، اما پس از شکستی عظیم در آکتیوم، در سال ۳۱ قبل از میلاد، هر دو خودکشی کردند. از آن پس، مصر تحت سیطره امپراتوری روم درآمد.



ژولیوس سزار (۴۴-۱۰۰ ق.م.)

سزار فرماندهی محبوب و مشهور و سیاستمداری توانا بود. در سال ۵۰ قبل از میلاد، سپاه روم به رهبری او در نبردی هشت ساله برای فتح گل (فرانسه کنونی) پیروز شد. در سال ۴۹ قبل از میلاد، با اتکا به سپاه پیروزی‌آفرین خود، قدرت را به دست گرفت و خود را دیکتاتور مادام‌العمر اعلام کرد. ۵ سال بعد، دوستان سیاستمدارش در مجلس سناي روم با خنجر او را به قتل رساندند.



جنگجوی واندال (Vandal)



۴۵۵ میلادی، ارتش واندال از آلمان به رم حمله می‌کند و شهر را غارت می‌کند.

۴۷۶ میلادی، سقوط امپراتوری روم غربی، امپراتوری روم شرقی تا سال ۱۴۵۳ پابرجا می‌ماند.

۴۵۰ م.

۴۱۰ میلادی، سپاه ویزیگوت (Visigoth) از آلمان به رم حمله و شهر را چپاول می‌کند.

چپه امپراتور کنستانتین روی سکه‌ای رومی



۴۰۰ م.

۳۹۵ میلادی، امپراتوری روم بار دیگر دچار اشتقاق می‌شود و این بار دو قسمت شکل می‌گیرد: روم شرقی و روم غربی.

۳۱۳ میلادی، مسیحیت دین رسمی امپراتوری روم می‌شود.

۳۲۴ میلادی، امپراتور کنستانتین امپراتوری از هم گسیخته را گرد می‌آورد و شهر قسطنطنیه (Constantinople) یا استانبول کنونی را بنا می‌نهد. ۳۳۰ میلادی، کنستانتین قسطنطنیه را اقامتگاه و پایتخت جدید امپراتوری خود در شرق تعیین می‌کند.

۳۵۰ م.



صلیب، نماد مسیحیت

۲۷۰ میلادی، امپراتور ائورلیان (Aurelian) دیوار دفاعی جدیدی دور روم احداث می‌کند.

۲۸۴ میلادی، امپراتور دیوکلتيان (Diocletian) نظام جدید قانون و مالیات را وضع می‌کند. شکاف در امپراتوری به چشم می‌خورد.

۳۰۰ م.

۲۵۰ م.

حکمرانان روم

در ابتدا، شاهان بر روم حکم می‌راندند. می‌گویند نخستین شاه روم رومولوس بود که این شهر را در سال ۷۵۳ قبل از میلاد بنیان نهاد. آخرین شاه، حکمران منفور ظالمی به نام تارکوینیوس مغرور (Tarquinius the Proud) بود که در ۵۰۹ قبل از میلاد از تخت به زیر کشیده شد. رومیان پس از آن دولت جمهوری را برای خود برگزیدند. مجمعی از نجبای قدرتمند و ثروتمند شهر (سنا) هر سال دو کنسول برای حکمرانی انتخاب می‌کرد. در سال ۴۹۳ قبل از میلاد، مردم عادی نیز نمایندگانی داشتند که به تریبون‌ها (Tribune) معروف بودند. در اوضاع بحرانی، حکمرانان می‌توانستند قدرت را به دست بگیرند و دیکتاتور شوند. نخستین امپراتور روم، آگوستوس، را سنا در سال ۲۷ قبل از میلاد برگزید. امپراتورها بسیار قدرتمند بودند و حتی مانند خدایان پرستیده می‌شدند. برخی ساده زندگی کردند و به خوبی حکم می‌راندند، اما

برخی دیگر بی‌رحم و ظالم بودند. آن‌ها همیشه حلقه‌ای از محافظان دورشان بود، اما باز هم در سایه ترس از توطئه‌گران و قاتلان به سر می‌بردند.

رژه پیروزی

وقتی فرماندهی رومی به پیروزی می‌رسید به افتخارش رژه پیروزی برپا می‌شد. مردم با غریو شادی دو طرف مسیر عبور او و یارانش صف می‌یستند. اگر فرماندهی قدرتمند و محبوب بود، راه رسیدن به قدرت برایش باز بود. احتمالاً مشهورترین حکمران روم، ژولیوس سزار، پس از مجموعه‌ای از فتوحات نظامی برجسته به قدرت رسید.



قربانی شهر

امپراتوران روم هم وظایف سیاسی داشتند و هم مذهبی. امپراتور در مقام راهب اعظم، یا پونتیفکس ماکسیموس (Pontifex Maximus)، در جشن‌های مهم قربانیانی به درگاه خدایان پیشکش می‌کرد.



انجیر

میوه‌های مرگبار

چه کسی آگوستوس، نخستین امپراتور روم، را در سال ۱۴ میلادی کشت؟ این سؤالی است که به راحتی نمی‌توان به آن پاسخ گفت. شاید به مرگی طبیعی مرد... به هر حال، شاید همسرش لیویا (Livia) باعث مرگش شد. می‌گویند که او انجیرهای باغ‌شان را به سمی مهلک آلوده کرد. امپراتوران روم بسیار از جان خود در هراس بودند، چون دشمنان بسیاری داشتند و به هیچ کس نمی‌توانستند اعتماد کنند و در این میان افراد خانواده خودشان بدتر از سایرین بودند.



گارد پرتورین

پرتورین‌ها (Praetorian) محافظان شخصی امپراتور بودند. آن‌ها یونیفورم‌هایی خاص به تن می‌کردند و حقوق خوبی می‌گرفتند. آن‌ها تنها سربازان مسلحی بودند که در داخل شهر رم اجازه تردد داشتند. به همین علت، بسیار قدرتمند بودند. پرتورین‌ها در سیاست هم دخالت می‌کردند — مثلاً امپراتور کالیگولا (Caligula) را به قتل رساندند و کلادیوس را به جانشینی او برگزیدند.



در روم، پادشاهان، فرماندهان، پیروزی‌آفرین و ورزشکاران تاجی از برگ غار به سر می‌گذاشتند. این تاج نشانه افتخار بود. رومی‌ها به تقلید از یونانیان باستان چنین می‌کردند.

حلقه گل افتخار

مواد مورد نیاز: متر، سیم، آب دست، قیچی، چسب نواری شفاف، روبان سبز، برگ مصبغی یا طبیعی، گیاه غار.



۱. دور سرتان را با متر اندازه بگیرید، سیمی به اندازه دور سرتان بپوشید، سیم را مانند تصویر خم کنید و روبان را دورش ببندید.
۲. مانند تصویر، برگ‌ها را یکی یکی از دم‌برگ دور تادور حلقه چسب بزنید، تا نصف حلقه برگ بچسبانید. در حالی که برگ‌ها را می‌چسبانید آن‌ها را به صورت چتر پخش کنید.
۳. از نصف حلقه به بعد جهت برگ‌ها را تغییر دهید، تاج افتخار را بر سر بگذارید. زنده باد سزارا



جامعه روم

در اجتماع روم هرگز عدالت چندان برقرار نبود. در ابتدا، گروهی از اشراف ثروتمند و پر قدرت که به آن‌ها پاتریسین (patrician) می‌گفتند بر شهر و سنا حکومت می‌کردند. هر کسی می‌خواست صدایش شنیده شود باید یکی از اعضای سنا را قانع می‌کرد تا از طرف او حرف بزند. قرن‌ها گذشت و مردم عادی، که به آن‌ها پلبین (به معنای عوام‌الناس) می‌گفتند، به تدریج قدرتمند شدند تا این‌که در سال ۲۸۷ قبل از میلاد، آن‌ها نیز در حکومت به یکسان شریک شدند. سرانجام، در دوران امپراتوری، همه، حتی افرادی از طبقات معمولی جامعه، می‌توانستند امپراتور شوند، مشروط به این‌که ثروت می‌داشتند یا از حمایت ارتش برخوردار می‌بودند. امپراتورها همیشه ترس شورش مردم عادی را به دل داشتند، به همین علت، سعی می‌کردند با دادن غذای رایگان و فراهم کردن سرگرمی‌های فراوان به مردم آن‌ها را راضی نگه دارند. زنان رومی خارج از خانه قدرت چندانی نداشتند و نمی‌توانستند رأی دهند، اما بسیاری از زنان در تجارت موفق بودند و بر رویدادهای سیاسی نیز نفوذ زیادی داشتند. بردگان حق چندانی نداشتند، گرچه جامعه روم به کار آنان محتاج بود. اسرای جنگی خرید و فروش می‌شدند و بسیار بی‌رحمانه با آن‌ها رفتار می‌شد، به همین علت، این بردگان همیشه شورش می‌کردند.



کنسول رومی

مجسمه یکی از کنسول‌های روم، یا رئیس سنا، در دوران جمهوری. در ابتدا فقط اشراف و اغلب اشراف ثروتمند به سنا راه می‌یافتند و سناطور می‌شدند. اما وقتی امپراتوران بر مسند نشستند قدرت و نفوذ سنا به تدریج کم‌رنگ‌تر شد.

زندگی در بردگی

گردش کارهای روزمره در امپراتوری به کار بردگان بستگی داشت. در این تصویر موزاییکی برده‌ای کم سن و سال را در حال حمل میوه می‌بینیم. در حدود سال ۱۰۰ میلادی، یک خانواده ثروتمند معمولاً ۵۰۰ برده در خدمت داشت. برخی از خانواده‌ها با بردگان‌شان خوش‌رفتاری می‌کردند و برده‌ای که کارش را خوب انجام می‌داد، آزاد می‌شد. اما پیش‌تر آن‌ها زندگی بسیار سختی را می‌گذراندند، در معدن کار می‌کردند یا در مزارع جان می‌کنند.



نشانه بردگان

این صفحه مفرغی را احتمالاً دور گردن بردگان می‌بستند، درست مثل قلاده سگ. متن لاتین این لوح این است: «اگر گریختم، جلویم را بگیرید و نزد صاحبم ویونتوس (Viventius) در شهر کالیستوس (Callistus) بازگردانید.» برده‌ها حق چندانی نداشتند و گاه روی پیشانی یا پای‌شان داغ می‌گذاشتند و نام صاحب‌شان را در آن ذکر می‌کردند.



جمع کردن خراج

این کنده کاری سنگی احتمالاً افرادی را نشان می‌دهد که دارند خراج سالانه‌شان را می‌پردازند. مأموران شهروندان را سرشماری می‌کردند و اسامی‌شان را برای پرداخت مالیات می‌نوشتند. پول حاصل از مالیات خرج ارتش و حکومت می‌شد. با این حال، بسیاری از مأموران جمع‌آوری مالیات رشوه می‌گرفتند و حتی گاهی امپراتوران از پول مالیات مردم به ثروت خود می‌افزودند.

اشراف

با دیدن این نقاشی ایتالیایی متعلق به سده هجدهم می‌توان تصور کرد که بانویی رومی پس از استحمام چطور لباس می‌پوشید. ثروتمندان بردگانی شخصی داشتند که در حمام کردن، لباس پوشیدن و درست کردن موهای‌شان کمک‌شان می‌کردند. بردگان خانگی اغلب عضو خانواده به حساب می‌آمدند و بچه‌های‌شان با بچه‌های ارباب‌شان بزرگ می‌شدند و تحصیل می‌کردند.



ملک اربابی

درست مثل آنچه در این موزاییک کاری ظریف در ویلایی رومی در تونس، در شمال آفریقا می‌بینید، زندگی در املاک اربابی همیشه پر زفت و آمد و شلوغ بود. املاک روستایی شمال آفریقا بخش عمده محصولات مورد نیاز روم مثل غلات، میوه و سبزیجات را تأمین می‌کردند. زمین‌های حاصلخیز و گرمای تابستان و باران زمستان کار کشاورزی را تسهیل می‌کرد.

زندگی روستایی

رومیان باستان اغلب با کشاورزی روزگار می‌گذراندند. حتی وقتی روم شهری بزرگ شد، شعرای رومی همچنان دوست داشتند در رثای زندگی روستایی شعر بسرایند. اما در واقع، زندگی روستایی بسیار دشوار بود. از گاو نر برای شخم‌زدن استفاده می‌کردند. غلات با داس درو می‌شدند و گندم‌ها اغلب با آسیاب دستی آرد می‌شدند. آب مصرفی خانه باید از چاه مزرعه یا از چشمه مجاور با دست حمل می‌شد.

بسیاری از مزارع خیلی کوچک بودند. سربازان بازنشسته مسئولیت اداره مزارع و پروراندن غاز و مرغ و گاهی هم گاو و خوک را برعهده داشتند. آن‌ها گاهی زنبورداری هم می‌کردند و درخت زیتون و باغچه کوچک سبزیجات هم در مزارع‌شان پیدا می‌شد.

دیگر مزارع در ایتالیا و سراسر امپراتوری روم املاک بزرگی بودند که منبع عمده درآمد ارباب‌شان به‌شمار می‌آمدند. گاهی این املاک ماشین روغن‌کشی از زیتون، خرمن‌کوب و سیلوی نگهداری از غلات خشک داشتند. در قلب اکثر این مزارع خانه‌ای یا ویلایی مجلل قرار داشت. ویلاهای دیگر در روم خانه‌های روستایی بزرگی بودند که به ثروتمندان رومی تعلق داشتند.



ویلای هادریان

یکی از بزرگ‌ترین خانه‌های اربابی برای امپراتور هادریان در فاصله سال‌های ۱۲۴ تا ۱۳۳ میلادی ساخته شد. بخش‌هایی از این ویلا مثل این معبر کنار دریاچه، که یکی از معابر متعدد آن است، هنوز باقی است. ویلای مجلل هادریان برفراز تپه‌ای بنا شده است که از فراز آن شهر رم در دوردست پیداست. زمین آن از زمین‌های اجدادی خانواده هادریان بود و در آن بارگاه و تراس و استخر و تالارهای پذیرایی و تماشخانه و کتابخانه ساخته بودند. اطراف ویلا پر از درخت غار، کاج و چنار، بوته‌های خوش‌آب‌ورنگ و گلزارهای دیدنی بود. هادریان این ویلا را برای گذراندن تعطیلات ساخته بود تا از کار پرمشغله حکومت در ایام تعطیل به آن پناه برد، اما او چهار سال پس از تکمیل ساختمان ویلا درگذشت.

غذا برای روم

روم برای سیر کردن سکنه خود به غذای زیادی احتیاج داشت. سبزیجاتی مثل تره‌فرنگی، کرفس، کلم، نخود و لوبیا را در باغ‌های سبزی‌کاری اطراف شهر می‌کاشتند. غلات شامل گندم، جو، جو دو سر و چاودار بودند. از انگور شراب می‌گرفتند و از آن‌جا که در روم شکر وجود نداشت، با عسل غذاها را شیرین می‌کردند.



شکار گراز وحشی

دیوارهای ویلاها معمولاً با نقاشی‌هایی از صحنه‌های شکار تزیین می‌شدند. شکار سرگرمی محبوب نجبا و اشراف و فرماندهان نظامی جوانی بود که به روستا سفر می‌کردند. گراز وحشی، مثل گراز این تصویر، اگر زخمی می‌شد تبدیل به خطرناک‌ترین حیوانات می‌شد.

درختستان زیتون

زیتون محصول عمده سرزمین‌های حاشیه دریای مدیترانه بود و هنوز هم هست. درخت زیتون هم در مزرعه‌های کوچک کاشته می‌شد، هم در املاک بزرگ. زیتون را می‌فشردند و روغن به دست آمده را در کوزه‌های بزرگ نگهداری می‌کردند. روغن زیتون روغن آشپزی و سوخت چراغ رومیان بود.



شخم‌زدن

این کشاورز اهل بریتانیا در روزگار امپراتوری روم با خیش چوبی سنگینی که به گاوهای تر بسته شده است، زمین را شخم می‌زند. بخش‌های وسیعی از اروپا در دوران امپراتوری روم تحت پوشش جنگل‌های انبوه بود. به تدریج، کشاورزان درختان را قطع کردند تا زمین‌ها را شخم بزنند و دانه بکارند. اندک‌اندک میوه‌زارها و مزارع در روستاها دامن گستراندند.



شهرها و شهرهای کوچک

همه شهرهای کوچک ایتالیا و سرزمین‌های اطراف دریای مدیترانه پیش از هجوم رومیان قدیمی و آباد بودند. این نواحی تحت سلطه رومیان شکوفا شدند و توسعه یافتند. در دیگر نواحی اروپا که مردم‌شان هرگز رنگ شهرهای بزرگ را ندیده بودند، مهاجمان رومی شهرهایی دیدنی ساختند.

شهرهای روم معابری مستقیم و هموار داشتند که به شکل شبکه طراحی شده بودند. برخی خیابان‌هایی پهن بودند و پیاده‌رو داشتند و برخی نیز کوچه‌هایی تنگ و باریک برای گذر یک الاغ! در اغلب خیابان‌ها هیاووی جمعیت، دوره‌گردان، گاری‌ها و بساطی‌ها به گوش می‌رسید. خیابان‌ها ساختمان‌ها

را به واحدهایی به نام اینسوله (*Insulae*)، به معنای «جزیره»، تقسیم می‌کردند. خانه ثروتمندان راحت و جادار بود. فقرا در واحدهایی به شکل آپارتمان با شرایط نامطلوب و در هیاووی زندگی می‌کردند و خطر آتش‌سوزی هر لحظه تهدیدشان می‌کرد.

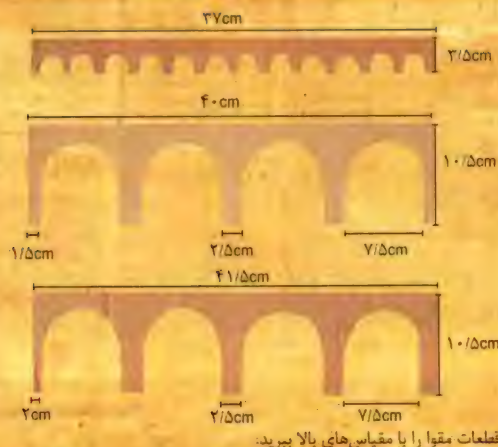
آب آشامیدنی از طریق شبکه‌ای از کانال‌هایی به نام آب‌بر به شهرها می‌رسید. آب با لوله به فواره‌ها، گرمابه‌های عمومی و خانه ثروتمندان هدایت می‌شد.

خیابان‌های پومپئی

در ۲۴ اوت سال ۷۹ میلادی، کوه آتشفشان وزوو به شدت طغیان کرد و شهر پومپئی را در خاکستر و سنگ‌های مذاب فرو کشاند. کار حفاری این شهر مدفون در ۱۷۴۸ آغاز شد و به تدریج، خانه‌ها، خیابان‌ها و مغازه‌ها سر از خاک درآوردند. در این خیابان کشف‌شده اثر عمیق چرخ ارباب‌ها به خوبی مشهود است. خیابان‌ها اغلب گلی و آلوده بودند. به همین علت، یلکانی سنگی در عرض هر خیابان برای گذر عابران تعبیه می‌شد.



۱. طاق‌ها را روی مقوای ضخیم بکشید و ببرید. برای هر سطح آب‌بر (بالا، وسط و پایین) باید دو لایه مقوا ببرید.



پل آب‌بر

مواد مورد نیاز: خط کش، مداد، قیچی، مقوای نازک و کلفت، چسب چوب، قلم‌مو، نواری چسب، گل سفالگری، گچ، رنگ اکریلیک و ظرف آب.



هرکولانیوم

فوران آشفشانی که شهر پومپئی را مدفون ساخت، باعث به وجود آمدن سیلاب گل آلودی شد که هرکولانیوم، شهر ساحلی کوچک مجاور پومپئی، را نیز مدفون کرد. باستان‌شناسان در این شهر نیز خانه‌ها، حمام‌های عمومی، مغازه‌ها و کارگاه‌هایی را در کنار هم در خیابان‌های شهر پیدا کردند. در این تصویر، نمایی از معابر پرتردد این شهر کوچک را می‌بینیم. معبری متشکل از خیابانی باریک و هموار ساختمان‌ها را از هم جدا می‌ساخت.



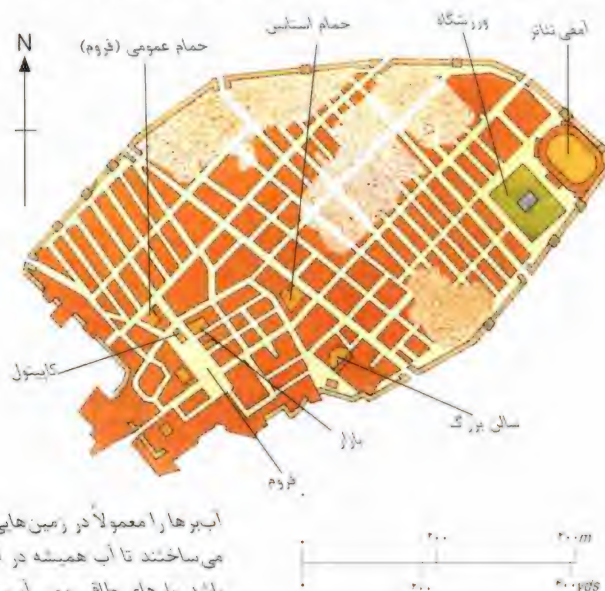
آبر

آب مصرفی شهرهای روم از طریق سیستمی متشکل از کانال و لوله که به آن آبر می‌گفتند، منتقل می‌شد. قسمت عمده این سیستم زیرزمینی بود و گاهی نیز کانال‌ها و لوله‌های آب را طاقی‌هایی مانند آن‌چه در تصویر می‌بینید، محافظت می‌کردند. تصویر فوق آبرری است که از دیرباز در فرانسه پابرجاست. آب مصرفی شهر از چشمه‌های زلال، چوبهارها و دریاچه‌ها تأمین می‌شد.



نقشه شهر

از نمای هوایی پومپئی به خوبی حالت شبکه‌ای خیابان‌های روم مشهود است.



آبرها را معمولاً در زمین‌هایی با شیب ملایم می‌ساختند تا آب همیشه در آن جریان داشته باشد. پل‌های طاقی معبر آبرها از گودی رودخانه‌ها بودند. آب در کانال روی طاق این پل‌ها جریان می‌یافت.



۵. سطوح را به هم بچسبانید، روی کار گچ بمالید و روی آن طرح اجر بکشید. صبر کنید مجموعه خشک شود. طاق‌ها را خاک‌تری‌رنگ کنید. روی قسمت بالایی پل، که معبر آب است، رنگ آبی بزنید.



۴. سفال را به شکل شمع درآورید و دورش مقوای ضخیم بکشید. زیر هر پایه یکی از این مستطیل‌ها را بچسبانید. این شمع‌ها پایه محافظ پل آبر هستند.



۳. لایه مقابل را بچسبانید؛ آن را با چسب محکم کنید. برای رویه پل از مقوای ضخیم مستطیلی ببرید و آن را به پایه بچسبانید. دو سطح بعدی را هم به همین شیوه بسازید.



۲. توارهایی از مقوای نازک در اندازه‌های ۴، ۲/۵ و ۲ سانتی‌متر ببرید. این مقواها قسمت داخلی طاق‌ها را تشکیل می‌دهند. با چسب چوب و چسب نواری طاقی ۴ سانتی‌متری را به سطح پایینی آبر بچسبانید.

خانه و باغ

فقط ثروتمندان می‌توانستند در خانه‌ای شخصی زندگی کنند. خانه‌های واقع در شهرهای کوچک معمولاً رو به درون طراحی می‌شدند. اتاق‌ها در اطراف حیاط مرکزی ساخته می‌شدند و باغ منازل نیز اغلب دیوار داشت. در دیوارهای خارجی خانه پنجره‌های معدودی تعبیه می‌شد که این تعداد پنجره هم اغلب کوچک و دردار بودند. در ورودی به راهرویی کوتاه باز می‌شد. این راهرو به حیاطی

رو باز ختم می‌شد که به آن آتریوم (atrium) می‌گفتند. اتاق‌های

جلویی دو طرف راهرو معمولاً اتاق خواب بودند. گاهی نیز این اتاق‌ها را کارگاه یا مغازه می‌کردند که در این حالت، دری از اتاق به کوچه باز می‌شد.

مرکز آتریوم رو باز بود و وسط آن حوضی می‌ساختند تا آب باران در آن جمع شود.

اطراف حیاط اتاق خواب‌های دیگر و آشپزخانه احداث می‌شد. میهمانان یا کسانی

را که کار مالی مهمی با اعضای خانه داشتند به تابلینیوم (tablinium)

راهنمایی می‌کردند. اتاق غذاخوری یا تریکلینیوم (triclinium)

اغلب بزرگ‌ترین اتاق خانه بود. خانواده‌های ثروتمند در

خانه خود یک اتاق نشیمن تابستانی داشتند

که رو به باغ بود.

خانه‌ها معمولاً از مصالح ساختمانی محلی

و در دسترس ساخته می‌شد، مصالحی چون

سنگ، خشت، سیمان و الوار. سقف‌ها را نیز

با کاشی‌های سفالی می‌پوشاندند.



قفل و کلید

این کلید یکی از خانه‌های

رومی است. وقتی این کلید را

داخل قفل می‌کردند برآمدگی‌های روی

آن با فرورفتگی‌های داخل قفل چفت و قفل

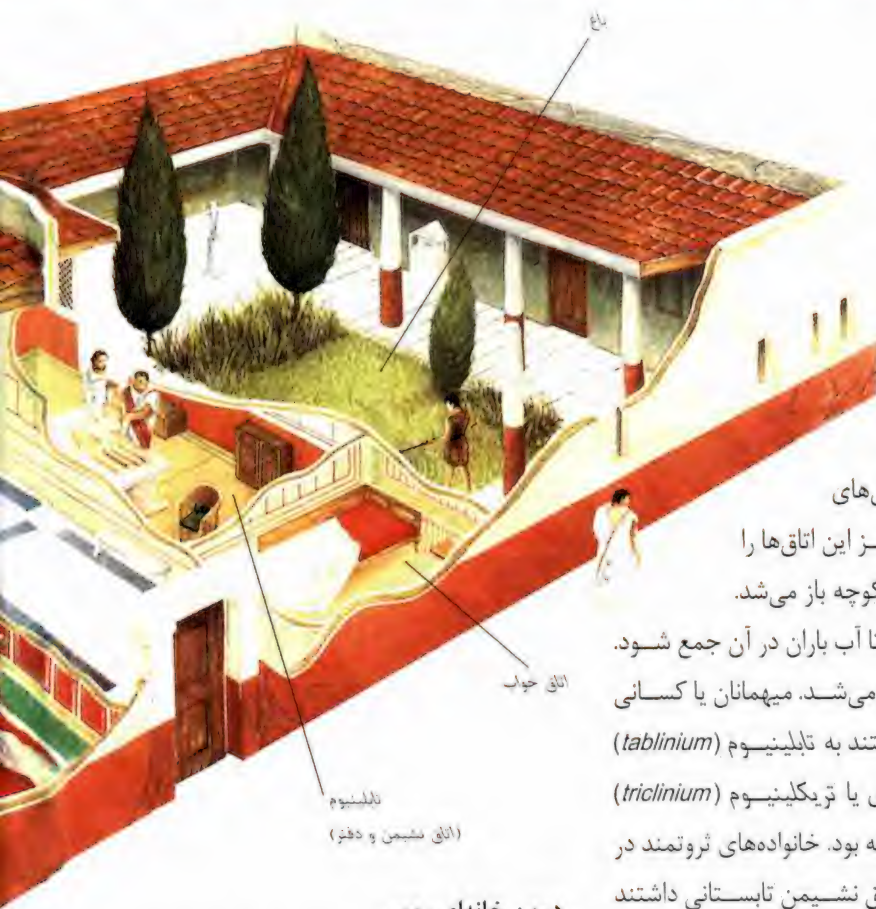
در باز می‌شد.

خانه‌ای رومی بسازیم

مواد مورد نیاز: مداد، خط‌کش، مقوای ضخیم، قیچی، چسب چوب، قلم‌مو، نوار چسب، مقوای مدرج و آکار دهنی. مقوای بازگ، ظرف آب، رنگ اکریلیک.

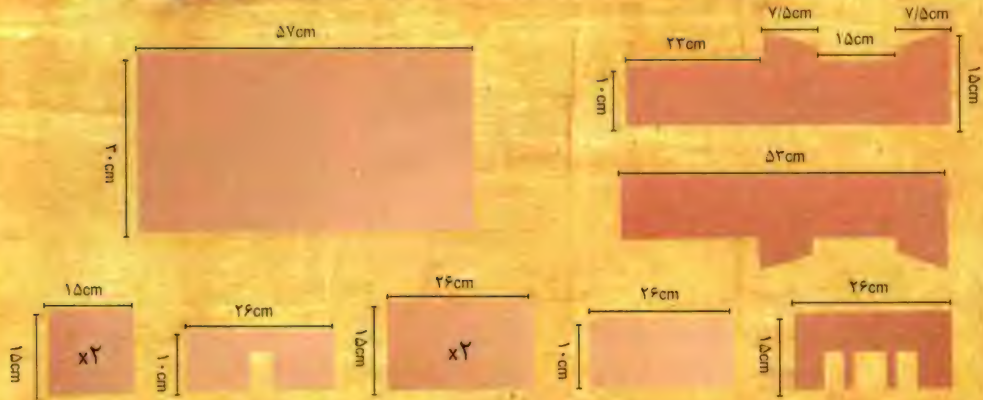


با استفاده از مقیاس‌های بالا مقوا را ببرید.



درون خانه‌ای رومی

نمای خارجی خانه ثروتمندان ساکن شهرهای کوچک اغلب ساده بود، اما داخل آن به دقت با نقاشی‌های دیواری باشکوه و موزاییک‌کاری‌ها ظریف تزئین می‌شد. در اتاق‌ها وسایل چندانی نمی‌گذاشتند و در آن‌ها مخده یا تخت خواب، میز پذیرایی، نیمکت و صندلی و نیز چهارپایه قرار می‌دادند. تعداد پنجره‌ها کم بود، اما سقف بلند و درهای فراخ‌شان نور کافی را معمولاً از حیاط و باغ خانه تأمین می‌کرد.



لذت داشتن باغ

در قسمت پشتی اکثر خانه‌های رومی باغی زیبا و حصارکشی شده بود که در آن ستون‌های سنگی، حوضچه، فواره، مجسمه و ایوان می‌ساختند. مردم در عصرهای گرم تابستان در باغ غذا می‌خوردند و در حصار از پیچک و مست از بوی خوش رز و سوسن و درخت غار و سرو به پشتی‌های‌شان تکیه می‌زدند و می‌لمیدند.



این خانه رومی دیوارهای بلند بی‌بندری دارد تا از نفوذ آفتاب داغ تابستان جلوگیری شود و فضای خانه سایه‌ساری خنک باشد.



۱. پس از منتقل کردن نقشه‌ها روی مقوای کلفت، لبه‌ها را ببرید و با چسب به هم بچسبانید. برای محکم‌تر شدن، از چسب نواری استفاده کنید (مانند تصویر). تا این جا، دیوارهای خانه‌تان را بسازید.



۲. مدل‌تان را اندازه‌گیری کنید و قطعه مربوط به سقف را روی مقوای آکاردئونی ببرید. قطعات را مانند تصویر به هم بچسبانید. سقف را قرمز رنگ کنید.



۳. آب باران از روی سقف شیبدار آتریوم از طریق نل‌ها و آب‌رو درون حوضچه‌ای می‌ریخت که زیر این سقف برای جمع کردن آب باران تعبیه می‌شد. نل‌ها خانه مقوایی خود را از مقوای نازک ببرید، سوراخ‌هایی هم مثل آب‌رو روی آن در نظر بگیرید.



۴. برای رنگ کردن دیوارهای خانه می‌توانید از نوار چسب برای تنظیم خطوط استفاده کنید. سقف‌ها را روی دیوارها بچسبانید. بد نیست گوشه دیوار خانه رومی‌تان چیزی به یادگار بنویسید.

آسایش خانه

خانه‌های روم به اندازه خانه‌های کنونی اثاثیه نداشتند. مردم لباس‌های شان را در جعبه‌های چوبی و کمد نگهداری می‌کردند، نه در کتو و قفسه. به جای صندلی، بیش‌تر از چهارپایه‌های چوبی یا فلزی استفاده می‌کردند. نیمکت مهم‌ترین بخش از مبلمان خانه بود و از آن برای استراحت کردن، غذا خوردن و پذیرایی از میهمانان استفاده می‌شد. مبلمان رومیان اغلب ساده بود، اما ثروتمندان می‌توانستند میزهای منبت‌کاری و نیمکت‌های چوبی، مرمری یا مفرغی برای خانه خود سفارش دهند. میزهای غذاخوری پایه‌کوتاه بودند، چون ثروتمندان روم در حالی که به مخده تکیه می‌زدند غذا می‌خوردند. تخت‌خواب‌ها اغلب چوبی بودند و میله و طناب داشتند تا ملافه و بالش روی آن‌ها بماند. درون بالش‌ها پشم یا کاه می‌ریختند.

نور خانه‌های ثروتمندان و فقرا از چندین چراغ روغنی کوچک فراهم می‌شد که آن‌ها را از مفرغ یا سفال می‌ساختند. برای گرم کردن فضا، زغال چوب را در آتشدان‌های روباز می‌سوزاندند. برای گرم کردن خانه‌های مجلل، به‌خصوص در بخش‌های سردتر این امپراتوری، از سیستم حرارت مرکزی زیرزمینی استفاده می‌شد.



تزئین داخلی

دیوارها، سقف و کف خانه‌های رومی با نقاشی، موزاییک‌کاری و نقش‌برجسته‌های گچی تزئین می‌شد. صحنه‌های باشکوه و ظریف مستقیماً روی دیوار نقاشی می‌شدند و طرح‌های بدیع و زیبا زینت‌بخش کف موزاییک‌کاری‌شده خانه‌ها بودند.



سیستم حرارت مرکزی زیرزمینی

اجاقی که سوختش چوب یا زغال بود، هوای موجود در محوطه زیر کف اتاق‌ها را گرم می‌کرد. هوای گرم در ستون‌های سنگی یا خشتی کف پوش گردش می‌کرد. گرما از طریق کانال‌های خاصی که درون دیوارها تعبیه می‌شد به بالا انتقال می‌یافت. به این ترتیب، همه جای اتاق گرم می‌شد.

کف موزاییکی از زیر گرم می‌شد.



اجاق خارج از خانه
با دریجه‌ای برای
ریختن سوخت.

هوای گرم از اجاق به فضای زیر کف اتاق جریان می‌یابد
و در داخل دیوارها بالا می‌رود.

جهنم

به سیستم گرمایشی زیر اتاق‌ها جهنم می‌گفتند. در تصویر بقایای جهنمی را در قصر فیش‌بورن (Fishbourne) در انگلستان می‌بینید. تنها خانواده‌های ثروتمند رومی می‌توانستند این سیستم حرارت مرکزی را داشته باشند که بسیاری از آن‌ها هم آن را فقط در اتاق غذاخوری منزل خود تعبیه می‌کردند.

زیارتگاه خانگی

لاراریوم (lararium)، یا زیارتگاه خانگی، محراب خصوصی کوچکی بود که در آن عکس نیاکان خود را قرار می‌دادند. لاراریوم را اغلب در آتریوم، در مرکز خانه، قرار می‌دادند. اهالی خانه هر روز با روشن کردن عود و شمع در این مکان یاد پیشینیان خود را زنده نگه می‌داشتند.



شام حاضر است

در این جا، میهمانانی را در ضیافتی در آلمان دوره امپراتوری روم می‌بینید. فقط روستاییان، بردگان و خارجی‌ها پشت میز می‌نشستند و غذا می‌خوردند. میز و صندلی‌های غذاخوری اغلب چوبی بودند و کنده‌کاری یا رنگ می‌شدند. صندلی‌های راحتی هم از ترکه‌های چوب به هم‌بافته درست می‌شدند. رومیان ثروتمند روی نیمکت لم می‌دادند و پشت‌میزی کوتاه غذا می‌خوردند.



چراغ

رومیان

خانه‌های خود را با

نور ملایم شمع یا چراغ

نقئی روشن می‌کردند. چراغ‌ها،

مثل این چراغ، مفرغی یا سفالی بودند و طرح‌های

مختلفی داشتند، اما وجه اشتراک همه این بود که

وسط‌شان حفره‌ای قرار داشت که در آن روغن زیتون

می‌ریختند. قتیله‌ای روغن را جذب می‌کرد و با

شعله‌های یکنواخت می‌سوخت. گاهی چند چراغ را

کنار هم می‌گذاشتند یا آن‌ها را از دیوار می‌آویختند.

تختی مجلل برای لم‌دادن

این تخت‌خواب زیبا از چوب ساخته شده و با عاج و سنگ‌های نیمه‌قیمتی آن را تزیین کرده‌اند. این اثر هنری ارزشمند که در حدود سال ۵۰ قبل از میلاد ساخته شده، در بقایای ویلایی در ایتالیا پیدا شده است. این ویلا زیر گدازه‌های آتشفشان مدفون شده بود. تخت‌خواب یا نیمکت‌های آن دوران بسیار بلندتر از تخت‌خواب‌های کنونی بودند، به نحوی که برای بالا رفتن باید چهارپایه‌ای زیر پا می‌گذاشتند.



در آشپزخانه

وقتی غذایی برای ضیافتی پخته می‌شد، برده‌ها باید آب و آتشگیر تازه به آشپزخانه می‌رساندند. وقتی آتش روشن می‌شد، فضای آشپزخانه را دود فرا می‌گرفت، چون در آن روزگار دودکشی نبود. طولی نمی‌کشید که زغال‌ها سرخ می‌شد و آب درون دیگ روی سه پایه و تابه درون اجاق آجری به جوش می‌آمد. مواد خوراکی را می‌جوشاندند، سرخ می‌کردند، کباب می‌کردند یا می‌پختند. احتمالاً در آشپزخانه‌های بزرگ‌تر برای پختن نان از اجاقی سنگی و برای کباب‌کردن گوشت از سیخ کباب استفاده می‌شد. حتی بعضی‌ها هم لوله‌کشی آب گرم داشتند.

آشپزخانه ثروتمندان رومی بسیار مجهز بود و در آن همه چیز یافت می‌شد، از انواع ظروف مفرغی گرفته تا تابه و ملاقه و الک. در کوزه‌های سفالی بزرگ شراب، روغن زیتون و ترشی نگهداری می‌کردند. سبزیجات، گیاهان و گوشت را از قناره‌هایی از سقف می‌آویختند. در آن دوران نه کنسروی بود، نه یخچالی که غذاها را تازه نگه دارد. خوراکی‌ها را می‌بایست در روغن نگه می‌داشتند، یا از روش‌های خشک کردن، دودی کردن، نمک‌سود کردن و سرکه انداختن برای نگهداشتن مواد خوراکی در درازمدت استفاده می‌کردند.



شیشه‌آرزشمند

این بطری یا گلدان شیشه‌ای حدود ۱۹۰۰ سال قبل ساخته شده است. در سراسر امپراتوری روم مایعات ارزشمند و عطرها گران‌قیمت در شیشه‌هایی مثل این فروخته می‌شدند. این بطری‌ها آن قدر ارزشمند بودند که وقتی خالی می‌شدند، آن‌ها را دور نمی‌ریختند، بلکه برای نگهداری مواد خوراکی، مثل عسل، در آشپزخانه از آن‌ها دوباره استفاده می‌کردند.



هاون



دسته هاون

هاون و دسته‌هاون

رومی‌ها غذاهای ادویه‌دار دوست داشتند، آشپزان رومی موادی چون خشکبار، گیاهان خشک و ادویه‌ها را درون هاون‌هایی مثل این آسیاب می‌کردند. هاون و دسته هاون معمولاً از سفال متراکم یا سنگ ساخته می‌شد. سطح داخلی هاون را با سنگ‌ریزه‌های زیر می‌پوشاندند تا مواد راحت‌تر آسیاب شوند.

آشپزخانه رومی

مواد مورد نیاز: مداد، خط‌کش، مقوا، قیچی، قلم‌مو، چسب چوب، بوم چسب، ظرف آب، رنگ اکریلیک، روان‌نویس قریز، گیج، یک قطعه چوب بالزا، بسمیاده، گل سفالگری، تخته و ابزار بوش.



۳. با مقوا اجاقی به طول ۲ سانتی‌متر، پهنای ۵ سانتی‌متر و ارتفاع ۴ سانتی‌متر بسازید. قطعات را مانند تصویر، با چسب چوب بچسبانید و با چسب نواری محکم کنید.



۲. کف را خاکستری رنگ کنید و وقتی خشک شد، با مداد و خط‌کش روی آن طرحی چهارخانه بکشید. دیوارها را زرد و لبه‌ها را آبی رنگ کنید. وقتی رنگ خشک شد، با روان‌نویس حاشیه‌های قرمز را روی دیوار بکشید.



۱. مثل تصویر، کف و دیوارهای آشپزخانه را از مقوا ببرید و لبه‌ها را به هم بچسبانید و بفشارید. برای محکم‌کاری از چسب‌نواری استفاده کنید.



تابه شیرینی پزی

این سینی مفرغی احتمالا قالب پخت کیک عسلی، کلوچه یا شیرینی بود. دسته بلند این ظرف برای این بود که راحت تر بتوان آن را از روی اجاق داغ برداشت. از این ظرف شاید برای پختن تخم مرغ هم استفاده می شد.



صافی

آشپزخان رومی از صافی های مفرغی مثل این برای صاف کردن سس استفاده می کردند. قالب این ظرف درست مثل قالب قابلمه است با این تفاوت که کاسه آن به شکلی ظریف سوراخ سوراخ شده است. سوراخ روی دسته برای آن بود که ظرف را از گیره های به دیوار بیاویزند.



در آشپزخانه های رومی مواد غذایی را در سبد، کاسه یا کیسه نگه داری می کردند. شراب، روغن و دیگر مواد غذایی مایع را در کوزه هایی سفالی به نام آمفورا (سیو) ذخیره می کردند.



آماده برای پختن

سبزی های تازه ای مثل نعناع، گشنیز، سدر، جعفری و آویشن از باغ تهیه می شد. برای مزه دادن به غذا از فلفل، زیره، بادیان رومی، دانه های خردل و زعفران استفاده می شد. روی میز غذا احتمالا تخم مرغ، انگور، انجیر و اجیل هم می گذاشتند. بخش عمده دانسته های خود را در مورد آشپزی رومیان مدیون خوراک شناس رومی، آپیکوس (Apicius) هستیم که حدود ۲۰۰۰ سال قبل، دستورهای تهیه غذا را

جمع آوری کرد.



قابلمه

مثل اکثر ظروف آشپزخانه در روم، این قابلمه هم مفرغی است. مفرغ متشکل بود از مس، که مزه های بسیار عجیب به غذا می دهد. به همین دلیل، درون قابلمه روکشی از نقره داشت تا از اختلاط مزه مس با غذا جلوگیری کند.



۷. با گل سفالگری دیگ و ماهی تابه و کاسه و کوزه و ظرف مخصوص آبپز کردن تخم مرغ درست کنید. بیش از زدن رنگ مناسب به ظروف، صبر کنید سفال کاملاً خشک شود.



۶. میز و قفسه های چوبی را مانند تصویر درست کنید. آن ها را با چسب محکم به هم بچسبانید. از نوار چسب استفاده کنید. صبر کنید چسب ها خشک شوند و بعد رنگ شان کنید.



۵. مثل تصویر، با رنگ های آکرلیک اجاق و شبکه را رنگ کنید. قطعات کوچک چوب بالزا را مثل هیژم روی هم تلبسار کنید و زیر اجاق قرار دهید.



۴. دیواره های اجاق را گچ کاری کنید. صبر کنید گچ ها خشک شود. بعد با سمیاده سطح اجاق را صاف کنید. بعد با دو تکه مقوا و چهار قطعه چوب که به هم چسبانده می شوند، شبکه اجاق را درست کنید.

خوراکی و نوشیدنی

غذای فقرای رومی چیزی نبود جز کاسه‌ای پوره که سردستی درست شده بود یا برشی نان که برای پایین دادن آن شراب ترش می‌نوشیدند. بسیاری از ساکنان شهرهای کوچک در خانه‌شان آشپزخانه نداشتند. آن‌ها از بارها و دهک‌های اغذیه‌فروشی غذاهایی آماده می‌خریدند. حتی برای ثروتمندان نیز صبحانه شامل تکه‌ای نان و عسل و زیتون بود. نهار هم وعده‌ای سبک بود که اغلب شامل تخم‌مرغ، گوشت سرد یا میوه می‌شد. سنا (cena) یا شام، اصلی‌ترین وعده غذا بود. در ابتدا صدف یا سالاد می‌خوردند و بعد، غذای اصلی صرف می‌شد که شامل قطعه‌ای گوشت سرخ‌شده مثل گوشت خوک، گوساله، جوجه یا غاز همراه سبزیجات بود. بعد از غذا هم میوه‌ای شیرین یا کیک عسلی خورده می‌شد.

در بزم‌های آن دوران غذاهای نامتعارف عرضه می‌شد، غذاهایی مثل گوشت سنجاب‌پرور، گوشت مرغ‌های آوازخوان، زبان فلامینگو یا نوعی شیرینی که با مغز گوساله و میوه گل سرخ درست می‌کردند. غذای رومیان بسیار تند بود و اغلب با نوعی سس ماهی به نام گاروم (garum) صرف می‌شد. معمولاً شراب را با آب مخلوط می‌کردند یا به آن عسل و چاشنی می‌زدند. میهمانان می‌توانستند غذاهای باقی‌مانده را با خود به خانه ببرند.



برده‌ای در حال پذیرایی

در این اثر موزاییک‌کاری برده‌ای به نام پارگوریوس (Paregorius) را در حال بردن غذا سر میز اربابش می‌بینیم. او روی سرش سینی‌ای حاوی چند ظرف غذا گذاشته است. در میهمانی‌ها غذاها به تدریج روی میزی کوچک چیده می‌شد. آشپزی و پذیرایی به عهده بردگان بود.



خرمای عسلی

مواد مورد نیاز: تخته، خرما، جاقو، کوچک، گردو، بادام، فندق، هاون، نمک، ۱۷۵ میلی‌لیتر عسل، نایه، قاشق چوبی، چند برگ ریحان تازه.



۱. روی تخته، خرماها را با جاقو نصف کنید. هسته آن‌ها را در پیاوریند. مراقب باشید دو تکه خرما از هم جدا نشوند. مواظب جاقو باشید.



۲. غیر از فندق، همه مغزها را با هم در هاون بکوبید تا پودری یکنواخت به دست آید. وسط هر خرما مقدار کمی از این مخلوط بریزید.



۳. روی تخته کمی نمک بریزید و خرما را کمی روی نمک بغلتانید. نمک نباید زیاد باشد و در عین حال، همه قسمت‌های خرما باید نمکی شود.





فنجان‌ها

برای نوشیدن شراب
از فنجان‌هایی سفالی مثل این استفاده
می‌شد. فنجان‌های شراب اغلب دسته‌دار بودند و با طرح‌هایی تزیین می‌شدند.
فنجان‌های فلزی شراب را بدمزه می‌کردند. به همین علت، لیوان‌های رنگی و
فنجان‌های سفالی رایج‌تر بودند.

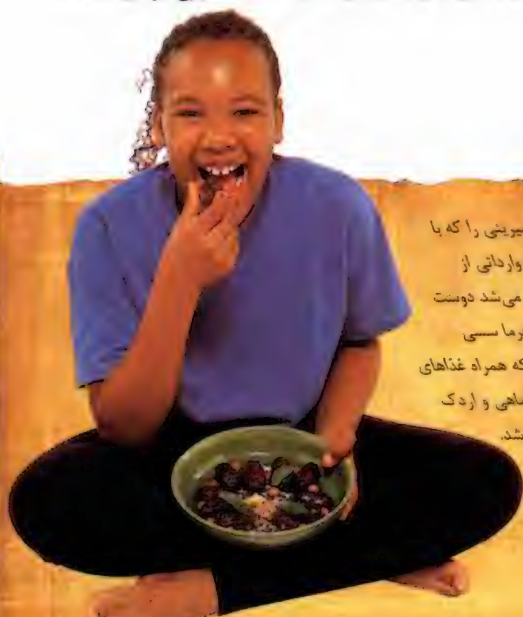
نقره‌های خانوادگی

این قاشق‌های نقره‌ای متعلق به یک خانواده ثروتمند
بریتانیایی در روزگار امپراتوری روم بودند. رومیان
اغلب با دست غذا می‌خوردند و از قاشق
برای ریختن سس‌ها استفاده می‌شد. در
میهمانی‌ها، رومی‌ها از ظروف نقره‌ای خود
به نشانه شأن و منزلت استفاده می‌کردند.



در میهمانی

در این نقاشی دیواری، بزمی رومی
به تصویر کشیده شده است. معمولاً
هر سه نفر روی یک نیمکت می‌نشستند.
پس از صرف غذا، شعر می‌خواندند و موسیقی
می‌نواختند یا لطیفه می‌گفتند و شعبده‌بازی
می‌کردند. در میهمانی‌ها لباس و نحوه چیدمان میز بسیار
مهم بود. سر میز غذا بحث‌کردن و گفتن حرف‌های بد ممنوع بود. اما
تف‌کردن و آروغ زدن و خوردن تا سر حد حالت تهوع ایرادی نداشت!



رومی‌ها غذاهای شیرینی را که با
خشکبار و خرما و لادن از
شمال آفریقا پخته می‌شد دوست
داشتند. آن‌ها از خرما بسی
درست می‌کردند که همراه غذاهای
خوشمزه‌ای چون ماهی و اردک
سرخ‌شده سرو می‌شد.



۴. روی حرارت ملایم گاز عسل را تفت دهید
و خرماها را ۵ دقیقه توی عسل سرخ کنید.
با قاشق چوبی خرماها را برگردانید تا همه
طرف خرما عسلی شود. وقتی با اجاق گاز کار
می‌کنید مراقب باشید.

۵. در ظرفی کم عمق خرماها را بچینید
و با قاشق و برگ نعناع آن‌ها را تزیین کنید.
حالا می‌توانید با خرمای عسلی از دوستان‌تان
پذیرایی کنید.

لباس پوشیدن

لباس پوشیدن برای دیونیزوس

از روی نقاشی‌های دیواری موجود در خانه ثروتمندان روم، شواهد فراوانی در مورد نحوه پوشش رومیان به دست آمده است. این تصویر روی دیوار ویلاي اسرارآمیزی در پومپئی پیدا شده است. در این تصویر، زنان جوانی را می‌بینیم که برای شرکت در مراسمی، جامه عروسی به تن می‌کنند تا عروس دیونیزوس، خدای شراب، شوند.

اغلب لباس‌های رومیان از پشم تهیه می‌شد و پشم را معمولاً در خانه و کارگاه با دست می‌ریسیدند و از آن پارچه می‌بافتند. در مصر گیاه کتان می‌کاشتند و از آن الیاف پارچه نخی می‌بافتند. در حالی که پنبه از هند و ابریشم از چین وارد می‌شد و هر دو الیافی بسیار گران قیمت و کم‌یاب بودند. رایج‌ترین لباس رومیان تونیکی بلند و گشاد بود که کسانی که فعالیت‌های زیادی داشتند، مثل کارگران، بردگان و بچه‌ها، با آن بسیار راحت بودند. رجال

معمولاً جامه سفیدی می‌پوشیدند که به آن توگا (toga) می‌گفتند. توگا پارچه‌ای بود به طول ۶ متر که لبه‌هایی گرد داشت و آن را دور بدن می‌پیچانند و روی شانه می‌انداختند. این لباس هم سنگین بود، هم ناراحت، اما بسیار باشکوه به نظر می‌رسید. زنان رومی روی زیرپوش لباسی بلند می‌پوشیدند که به آن استولا (stola) می‌گفتند. آن‌ها اغلب شالی بلند به نام پالا (palla) هم به دوش می‌انداختند و آن را به شیوه‌های مختلف می‌آراستند. دخترها قبل از ازدواج لباس سفید می‌پوشیدند و بعد از ازدواج، اغلب از پارچه‌هایی که با رنگ‌های درخشان رنگ‌آمیزی می‌شد لباس می‌دوختند.

پاپوش رومیان

این صندل و کفش بچه‌گانه در ناحیه یورک بریتانیا پیدا شده‌اند. اغلب رومیان صندل‌های چرمی روباز می‌پوشیدند. پاپوش‌ها مدل‌های مختلفی داشتند و گاهی برای دوام و استحکام، به آن کفی می‌خ‌دار اضافه می‌کردند. در نواحی سردسیر امپراتوری روم، مردم چکمه و کفش می‌پوشیدند.



پوشیدن توگا

مواد مورد نیاز: یک ملایه سفید کهنه، طناب کهنه، متر، قیچی پارچه و قیچی نواری چسب، نوار چسب دورو، روبان ارغوانی، تی‌شرت بلند و طناب.



۱. برای درست کردن توگا باید دوستی کمک‌تان کند. او می‌تواند نقش برده شما را ایفا کند. رومیان ثروتمند بردگانی داشتند که در لباس پوشیدن کمک‌شان می‌کردند. ملحقه را از طول تا بزنید. مثل تصویر، لبه ملحقه را گرد کنید. با چسب دورو، روبان ارغوانی را به لبه ملحقه بچسبانید. تی‌شرت سفید بلندی بپوشید و دور کمرتان طنابی ببندید.

۲. این روشی ساده برای پوشیدن توگا است. از دوست‌تان بخواهید لبه صاف ملحقه را پشت سر شما در دست بگیرد. حدود یک‌چهارم پارچه را روی بازو و شانه چپ‌تان بیندازید.





لباس کارگران

همه رومیان جامه‌های گشاد نمی‌پوشیدند. این مرد احتمالاً کارگری است که در مزرعه‌ای در آلمان، در دوران امپراتوری روم کار می‌کرد. او نواری پارچه‌ای دور پاهایش بسته و بالا پوش چرمی و کلاه‌داری به سر دارد تا از هوای سرد و مرطوب در امان باشد. این نوع بالا پوش‌های کلاه‌دار از گل (فرانسه کنونی) و بریتانیا وارد می‌شد.

لباس پوشیدن برای تأثیر گذاشتن

در این کنده‌کاری سنگی تصویر خانواده امپراتور آگوستوس را می‌بینیم که برای شرکت در مراسمی خاص لباسی فاخر پوشیده‌اند. زنان استولاه به تن دارند و روی شانه یا سرشان بالا

انداخته‌اند. مردان و پسران توگا پوشیده‌اند. همه رومیان آزاد می‌توانستند توگا بپوشند، اما فقط ثروتمندان این جامه را به تن می‌کردند، چون پوشیدن توگا هم وقت‌گیر بود و هم باید کسی فرد را در پوشیدن آن کمک می‌کرد. وقتی هم که آن را می‌پوشیدند، تکان خوردن با آن مکلفاتی بود!



پسران خانواده‌های ثروتمند تا ۱۶ سالگی توگایی با نوار باریک ارغوانی می‌پوشیدند و بعد از آن، توگای بدون نوار می‌پوشیدند. سناتورهای رومی توگایی با نوار پهن ارغوانی به تن می‌کردند. رنگ‌دانه ارغوانی رنگ‌دانه‌ای بسیار گران‌قیمت بود و به همین علت، تنها شهروندان متعلق به طبقات بالا چنین جامه‌ای می‌پوشیدند.



۴. حالا دوستان‌تان به شما کمک می‌کند تا بقیه پارچه را مثل تصویر روی بازوی چپ‌تان ببندازید. اگر بخواهید می‌توانید این قسمت اضافی را هم روی شانه چپ‌تان ببندازید.

۳. بقیه توگا را از زیر بازوی راست‌تان رد کنید و به جلو بیاورید. قسمتی از آن را به زیر طنابی که به کمر بسته‌اید بفرستید و محکم کنید.

مد و زیبایی

بانوی رومی اکثر ساعات صبح را در حلقه زنان برده می‌گذراند. بعضی‌ها برایش آینه‌های مفرغی یا نقره‌ای یا ظرف‌های حاوی پماد یا روغن معطر می‌آوردند. دیگری موهایش را شانه می‌کرد و اگر در جایی با گوریدگی مو مواجه می‌شد بعید نبود که سنجاقی به دستش فرو برود.

اغلب زنان ثروتمند ترجیح می‌دادند رنگ پریده به‌نظر برسند، چون زنان کارگری که زیر آفتاب سوزان کار می‌کردند پوستی آفتاب‌سوخته داشتند. به همین علت، زنان به‌صورت خود گچ یا گاهی پودری سمی می‌مالیدند که از سرب سفید درست می‌شد. ماسک صورت از نان و شیر ساخته می‌شد. یکی از راه‌های درمان جوش و لکه صورت، مالیدن فضله پرندگان بود. ماتیک و سرخاب از اخراج سرخ یا تهنسب شراب قرمز تهیه می‌شد. سایه چشم را هم از خاکستر و زعفران درست می‌کردند. زلف زنان طبق آخرین مدها مجعد، بافته یا با سنجاق جمع می‌شد.



تصویر یک بانو

تصویر فوق، تصویر بانویی است که در ایالتی رومی در مصر می‌زیست. در ساخت گوشواره و گردنبند او از زمرد، مروارید و لعل در قالبی از طلا استفاده شده است. این جواهرات گران‌قیمت‌اند و این نشانه ثروت اوست. موهایش مجعد شده است و احتمالاً برای سیاه کردن ابرو و مزگانش از دوده استفاده شده است.



شیشه عطر

این شیشه‌های زیبای عطر متعلق به زنی رومی بودند. شیشه گرد با دست ساخته شده و نواری از جنس طلا روی آن به کار رفته است و شیشه دیگر را از اونیکیس ساخته‌اند که نوعی عقیق رنگی با رگه‌های رنگارنگ است.

شانه کهنه‌کاری شده

این شانه از عاج درست شده و عبارت پدرود مودستینا (Modestina) به زبان لاتین روی آن حک شده است. شانه‌های نقره‌ای و عاجی در تزیین مدل‌های موی پیچیده‌ای که محبوب شمار زیادی از زنان رومی بود به کار می‌رفتند. زنان فقیر شانه‌های چوبی یا استخوانی داشتند و از سر نیاز، و نه مد، از شانه استفاده می‌کردند.



تاج طلایی

مواد مورد نیاز: متر، مقوای نازک، مداد، قیچی، چسب چوب، قلم‌مو، نخ، مهره‌های پلاستیکی، زرق طلایی رنگ، نوار چسب و گیره کاغذ.



۱. دور سرتان را با متر اندازه بگیرید. شکل تاج را روی مقوا بکشید و مانند تصویر فوق برگه‌هایی هم در اندازه‌های مختلف کنار آن ترسیم کنید.

۲. شکل تاج و برگه‌ها را ببرید. سپس داخل برگه‌ها را به گونه‌ای ببرید که شبیه طاق شوند.

۳. برگه‌ها را با قلم‌مو و چسب با دقت جلوی تاج بچسبانید. این برگه‌ها قسمتی از الگوی باشکوه تاج شما هستند.



شکوه تاج گذاری

موهای باشکوه فروری این زن به یقین کلاه گیس است. استفاده از کلاه گیس و موی مصنوعی در میان زنان ثروتمند روم رایج بود. عروس‌ها معمولاً شش دسته موی مصنوعی در روز عروسی به سر می گذاشتند. طره‌های موی سیاه معمولاً از آسیا و طره‌های بلوند و شرابی از شمال اروپا وارد می شد.



تغییر آرایش موی مردان

مردان رومی هم مثل زنان به ظاهر خود اهمیت می دادند. آن‌ها معمولاً موهای شان را کوتاه و به سمت جلو شانه می کردند. یا آن که پیچ و تابش می دادند. مردان رومی ریش خود را به دقت می تراشیدند. اما داشتن ریش در دوران امپراتوری هادریان (۱۱۷ تا ۱۳۸ میلادی) مد شد.



انگشتی به انگشت

هم مردان و هم زنان از جواهرات، به خصوص انگشتی، استفاده می کردند. ثروتمندان معمولاً انگشتیهایی از جنس نقره یا طلا - مثل این انگشتیه - به دست می کردند. در ساخت انگشتی از زمره، مروارید و کهریا هم استفاده می شد. افراد طبقه متوسط انگشتیهای مفرغی به دست می کردند.

نمایش جذاب

در این تصویر، صحنه‌ای از رقصی آیینی در معبد خورشید در روم به نمایش درآمده است. مردان و زنان سربرندهایی طلایی به سر دارند که با جواهرات گران قیمت و مليله‌دوزی طلایی تزئین شده است. نمایش‌های پرریخت و پاش این چنینی معمولاً در مواقع خاص در انتظار عمومی برای نشان دادن قدرت و ثروت امپراتوری اجرا می شدند.



وقتی کار تزئین تاج تمام شد، دو لبه آن را با چسب یا گیره کاغذ به هم وصل کنید. زنان رومی دوست داشتند تاجی طلایی به سر بگذارند و موهای خود را با جواهر بپارایند.



۵. زورق طلایی روکش شکلات‌ها را جمع کنید و روی تاج بچسبانید. با نوک قلم مو زورق را به تمام زوایای تاج بچسبانید.

۴. نخ را به قطعاتی ببرید و روی طرح‌های رومی بچسبانید. بالای هر برگ یک مهره پلاستیکی بچسبانید، طوری که مثل سنگ‌های قیمتی به نظر برسند.

درس و آموزش

در دوران امپراتوری اکثر بچه‌های رومی به مدرسه نمی‌رفتند. آن‌ها پیشه‌ای را از والدین خود یاد می‌گرفتند یا در دکه‌های بازار شاگردی می‌کردند و حساب و کتاب می‌آموختند. پسرها جهت آمادگی برای پیوستن به ارتش، باید شمشیربازی و اسب‌سواری می‌آموختند و دخترها برای آماده‌شدن برای رفتن به خانهٔ بخت، خانه‌داری یاد می‌گرفتند.

خانواده‌های ثروتمند برای پسران‌شان و گاهی هم برای دختران‌شان، امکان تحصیل فراهم می‌کردند. بچه‌های ثروتمند اغلب در خانه معلم خصوصی داشتند، اما مدارس کوچکی هم در شهر ساخته می‌شد. معلمان و مدیران به بچه‌ها ریاضیات و خواندن و نوشتن به زبان‌های یونانی و لاتین را یاد می‌دادند. دانش‌آموزان باهوش مهارت‌های سخنوری، شعر و تاریخ هم می‌آموختند. دخترها اغلب در خانه درس موسیقی می‌گرفتند و چنگ می‌نواختند.

قلم و دوات

رومیان با قلم و مرکب روی طومارهایی می‌نوشتند که از پایروس یا ورقه‌های نازک چوب ساخته می‌شد. مرکب از اختلاط دوده و آب درست می‌شد. مرکب را در ظرف‌هایی این‌چنینی به نام دوات می‌ریختند. دوات‌ها شیشه‌ای، سفالی یا فلزی بودند. قلم نیز از استخوان، نی یا مفرغ ساخته می‌شد.



نوشتن روی موم

در این نقاشی زوجی اهل پومپئی را می‌بینیم. مرد طوماری از جنس کاغذ پوستی در دست دارد و همسرش احتمالاً در حال حساب و کتاب خرج خانه است. او لوحی با روکش موم در دست دارد و با قلمی فلزی کلمات و اعداد را روی موم حک می‌کند. این قلم فلزی سری نوک تیز برای نوشتن و سری پهن برای پاک کردن داشت.

لوح

سواد مورد نیاز: چند تخته و میله از چوب بالزا، کاتر، خط‌کش، چسب چوب، قلم‌مو، رنگ اکریلیک قهوه‌ای، ظرف آب، گل، سفالگری، تخته و وردنه، ابزار برش، درفش، نوار ارغوانی، مداد (به جای قلم فلزی)، رنگ طلایی.



۳. سفال را روی تخته‌ای با وردنه پهن کنید و قصاب چوبی را روی آن بگذارید و با چاقو دور قصاب را ببرید. این مرحله را برای قاب دیگر هم اجرا کنید.

۲. مانند تصویر، تکه‌های چوب را دور‌دور مستطیل‌ها بچسبانید. به این ترتیب، فضای کم‌عمق به وجود می‌آید که می‌توانید آن را از موم فشرده پر کنید. هر دو قاب را قهوه‌ای بپرنک کنید.

۱. با کاتر تخته باریک چوب بالزا را به دو مستطیل مساوی تقسیم کنید که طول هر یک ۲۲ سانتی‌متر و عرض‌شان ۱۰ سانتی‌متر باشد. میله‌های چوب بالزا را نیز به ۴ تکه ۱۰ سانتی‌متری و چهار تکه ۲۲ سانتی‌متری تقسیم کنید.

نوشتن

از مواد مختلفی برای نوشتن استفاده می‌شد. موم ذوب‌شده را درون سینی‌های چوبی می‌ریختند و لوح می‌ساختند. حروف را روی لوح مومی که می‌شد بارها و بارها از آن استفاده کرد، حک می‌کردند. دوده را با آب و مواد دیگر مخلوط می‌کردند تا برای نوشتن روی پاپیروس، پوست یا چوب مرکب درست شود.



موم ذوب‌شده



دوده

اعداد رومی روی پاپیروس



معلم و شاگردانش

در این مجسمه سنگی یافت شده در آلمان دوره امپراتوری روم، معلمی را می‌بینیم که بین دو شاگردش نشسته است. آن‌ها از روی طوماری پاپیروسی درس می‌خوانند. بچه‌ها باید اشعار و نوشته‌هایی را از بر می‌کردند. هر رفتار بد یا اشتباهی تنبیهی بدنی به دنبال داشت.

حروف سنگی

روی دیوارهای معابد، بناهای یادبود و ساختمان‌های عمومی نوشته‌هایی به زبان لاتین، مانند آن‌چه در تصویر مشاهده می‌کنید، دیده می‌شد. حروف به شکلی زیبا به دست سنگ‌تراشی ماهر تراشیده می‌شدند. این کلمات روی سنگ مرمر حک شده‌اند. تاریخ آن متعلق به چهاردهمین جشن تولد لوسیوس سزار (Lucius Caesar) نوه امپراتور آگوستوس است.



مداختان را طلایی رنگ کنید تا شبیه فلز شود. این مداد نقش قلم فلزی‌ای را بازی می‌کند که بر آن لوح مومی را می‌خراشیدند. بد نیست کلماتی به لاتین بنویسید: CIVIS ROMANVS SVM

یعنی: «من شهروندی رومی هستم».



۶. با رد کردن بند ارغوانی از میان سوراخ‌ها، دو لوح را به هم ببندید و بندها را گره بزنید. لوح شما آماده است.



۵. سفال را با دقت در داخل قاب فشار دهید. در این جا، سفال نقش موم را بازی می‌کند، مانند تصویر یا درفش دو سوراخ در لبه داخلی لوح‌ها ایجاد کنید.



۴. روی قالب سفالی مستطیلی یا فاصله یک سانتی‌متر از هر چهار طرف درآوريد. این باعث می‌شود که مطمئن شوید گل مدل‌سازی کاملاً درون قاب چوبی را می‌پوشانید.

در فروم

هر شهر بزرگ رومی یک فروم (forum) داشت. فروم میدانی بود که بازار و ساختمان‌های دولتی اطراف آن ساخته می‌شد. مردم در فروم جمع می‌شدند تا داد و ستد کنند و گپی دوستانه بزنند. صبح‌ها که خانم موهایش را می‌آراست و بچه‌ها درگیر درس و مشق بودند، پدر خانه به سمت فروم راه می‌افتاد.

در میدان مرکزی، جمعیت جلوی مغازه‌ها موج می‌زد. گاهی صف جمعیت شکافته می‌شد چون مأمور توزین و اندازه‌گیری فروشنده‌ای را به فریب مشتریانش متهم می‌کرد. اطراف میدان، دکان‌ها، بناهای یادبود، مجسمه‌های مرمر و معابد خدایان بنا می‌شد. در دیواره ساختمان‌ها اغلب نوشته‌هایی حاوی پیام‌های سیاسی، دشنام یا ابراز عشق حک می‌شد. در یک سمت فروم باسیلیکا (basilica) ساخته می‌شد. باسیلیکا ساختمان بزرگی بود که تالار شهر، دادگاه و سالن اجتماعات به حساب می‌آمد. برخی از مردم عضو کوریا (curia)، یا شورای شهر، یا عضو یکی از صنوف تجاری‌ای بودند که هر یک در باسیلیکا اتاقی مخصوص به خود داشتند و در آن تشکیل جلسه می‌دادند.



مرکز شهر پومپئی

در ویرانه‌های پومپئی این ستون‌ها کشف شده است. آن‌ها بخشی از ستون‌های بنایی دو طبقه بودند که در سه طرف فروم احداث می‌شد. ردیف مغازه‌ها و دهکده‌ها پشت این ستون‌ها هم‌سطح زمین قرار داشتند.

معابد و رفاه

در فروم هر شهری معابد باشکوهی به افتخار خدایان و خدای بانوان روم باستان بنا می‌شد. معابدی نیز برای رومیان نام‌آور ساخته می‌شد. ستون‌های عظیم این معبد همچنان در فرومی در شهر رم پابرجاست. امروزه کلیسایی پشت آن بنا شده است. این معبد به افتخار آنتونیوس پیوس (Antonius Pius) یکی از خردمندترین امپراتوران روم و همسرش فائوستینا (Faustina) ساخته شد.





پول در آوردن

صرافان و بانکداران در فروم جمع می‌شدند و معامله می‌کردند و در مورد تجارت با هم صحبت می‌کردند، در این تصویر نیز خراج‌گیران برای شورای شهر پول جمع می‌کنند — هر کالایی که در شهر ردوبدل می‌شد، مشمول پرداخت مالیات (خراج) بود.



غذای آماده

مردمی که با عجله سرکار می‌رفتند یا به میدان آمده بودند تا با دوستان‌شان گپی بزنند، غذایی ساده و آماده از دکه‌ها یا دست‌فروش‌ها می‌خریدند و می‌خوردند. پیراشکی گوشتی فلفل‌دار از غذاهای محبوب رومیان بود. در روزهایی که بازار برپا بود، بازرگانان و کشاورزان نیز در میدان مرکزی دکه‌هایی برپا می‌کردند.

باسیلیکا

در تصویر، باسیلیکای ماکسنتیوس (Basilica of Maxentius) را در شهر رم می‌بینید. باسیلیکا بنایی عظیم بود که تالار شهر و دادگاه به حساب می‌آمد. باسیلیکا معمولاً سقفی بلند و ستون‌های عظیم داشت. ستون‌ها ساختمان را به محوطه‌ای با راهروهایی در دو طرف تقسیم می‌کردند. مردم برای کار کردن، داد و ستد و گپ‌زدن با دوستان‌شان به باسیلیکا می‌رفتند.



خرید به سبک رومی

در اغلب شهرهای بزرگ، مغازه‌ها علاوه بر فروم در خیابان‌ها هم ساخته می‌شدند. دکان‌ها معمولاً کوچک بودند و خانوادگی اداره می‌شدند. در آغاز روز کاری، درهای چوبی از جلوی دکان کنار زده می‌شدند و کالاها به نمایش درمی‌آمدند. چیزی نمی‌گذشت که هیاهوی نانوایان، قصابان، ماهی‌فروشان، میوه‌فروشان و سبزی‌فروشان که فریاد می‌زدند و می‌گفتند جنس‌شان از اجناس دیگر ارزان‌تر است در فضا طنین می‌افکند. تکه‌های گوشت را از قناره‌ای آویزان می‌کردند و غذاهای آماده، غلات و روغن را درون ظروفی می‌ریختند تا وزن‌شان کنند. در مغازه‌ای، چراغ‌های سفالی، فانوس‌های مفرغی یا دیگ و تابه

و چاقوی آشپزخانه می‌فروختند و عده‌ای هم کفش تعمیر می‌کردند و لباس می‌شستند. صدای چکش و فلز از کارگاه‌های پشت میدان به هیاهوی خیابان اصلی شهر می‌افزود.



پول رومی

در سراسر امپراتوری روم یک نوع پول رایج بود. سکه‌ها طلایی، مفرغی و نقره‌ای بودند. خریداران پول خود را درون کیسه‌هایی چرمی یا پارچه‌ای یا در جعبه‌های چوبی با خود حمل می‌کردند.

اوضاع کار چطور است؟

در تصویر، نقش حکاکی شده‌ی دو بازرگان را می‌بینیم که در مورد قیمت‌ها و سود و ضررشان با هم صحبت می‌کنند و کارگری جنس‌ها را از انبار خارج می‌کند. اغلب مغازه‌های رومی یک‌اتاقه بودند و قسمت پشتی آن‌ها به انبار یا کارگاه تبدیل می‌شد.



بازار رفتن

تصویری از بازار تراژان (Trajan) که در آن ردیف مغازه‌ها در پنج طبقه روی تپه‌ای در روم ساخته شده است. اغلب شهرهای رومی تالارهایی سرپوشیده یا بازاری مرکزی (مثل این بازار) داشتند که در آن مغازه‌ها به تاجران اجاره داده می‌شد.



مغازهٔ اغذیه‌فروشی رومی

حدود ۱۷۰۰ سال قبل، این محل یکی از بهترین دکان‌های اغذیه‌فروشی در اوستیا، نزدیک‌ترین بندر به رم، بود. شراب‌فروشی‌ها، میهمان‌خانه‌ها و کافه‌ها پیشخوانی سنگی داشتند که اغلب با مرم‌های رنگی تزیین می‌شد. هنگام بهار، مغازه‌هایی مثل این پر از مشتریانی بود که از غذاخوردن لذت می‌بردند.



دکان قصابی

قصابی رومی با ساطور برای مشتری‌ای که منتظر نشسته است گوشت می‌برد. در طول سال‌ها، مغازه‌های قصابی چندان تغییری نکرده‌اند: در این مغازه‌ها گوشت خوک، بره و گوساله فروخته می‌شد و سوسیس هم پرفرمدار بود. در سمت راست تصویر، قبان دیده می‌شود که میله‌ای فلزی و ظرفی داشت که برای وزن کردن گوشت از آن استفاده می‌کردند.



غذا دادن

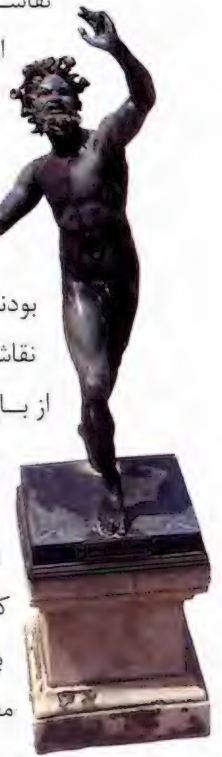
در تصویر بقایای یک اغذیه‌فروشی را می‌بینید. درون پیشخوان مرم‌ری ظروف سفالی بزرگی کار گذاشته شده است که به آن‌ها دولیا (dolia) می‌گفتند. در این ظروف خوراکی‌هایی مثل حبوبات و عدس را به نمایش می‌گذاشتند. مورد مصرف دیگر آن‌ها، خنک نگه‌داشتن جام‌های شراب در روزهای گرم تابستان بود. این ظرف‌ها را با درهای سنگی یا چوبی می‌پوشاندند تا غذاها را از حشرات در امان نگه دارند.



تصاویر و مجسمه‌ها

رومیان دوست داشتند خانه‌های خود و میدان‌های شهر را با نقاشی و مجسمه بپاریند. موزاییک تصویرسازی با استفاده از تسرا (tesserae) - قطعات کوچک شیشه، سفال یا سنگ - بود که در سیمان نرم فرو می‌کردند. موضوع این تصاویر صحنه‌های شکار، کشت و زرع یا خدایان رومی بود. طرح‌های هندسی نیز رایج بودند و اغلب در حاشیه تصاویر به کار می‌رفتند.

نقاشی‌های دیواری، یا دیوارنما، اغلب صحنه‌هایی از باغ، پرندگان و حیوانات یا قهرمانان و خدایان را به تصویر می‌کشیدند. این تصاویر روی تخته‌های چوبی یا مستقیماً روی دیوار کشیده می‌شدند. یکی از شگردهای محبوب هنرمندان رومی ایجاد خطای چشم با نقاشی کردن ستون‌ها، طاقی‌ها و قفسه‌های قلابی بود. رومیان مجسمه‌سازی قابل بودند که از سنگ، مرمر و مفرغ برای هنر آفرینی استفاده می‌کردند. آن‌ها به تقلید از یونانیان باستان مجسمه‌هایی از جنس مرمر در باغ‌ها و مکان‌های عمومی بنا می‌کردند. این مجسمه‌ها، مجسمه‌های خدایان، خدایان بانوان، امپراتورها و فرماندهان جنگی بودند.



مجسمه

مجسمه‌های سنگی یا فلزی اغلب در باغ‌ها نصب می‌شدند. این مجسمه مفرغی در ویرانه‌های خانه‌ای در یومیتی پیدا شده است. این مجسمه، پیکره یک قانون (faun) است. قانون‌ها خدای روستاها بودند.

موزاییک کف پوش

پرندگان، حیوانات، گیاهان و صحنه‌های روستایی از طرح‌های رایج موزاییک کاری بودند. این دو طوطی بخشی از موزاییک کاری عظیم و زیبای کف پوش خانه‌ای رومی‌اند.



موزاییک کاری

مواد مورد نیاز: کاغذ زبر، مداد، خط‌کش، قیچی، مقوا، سفال، وردنه، تخته، ابزار برش، رنگ‌های اکریلیک، قلم‌موس، ظرف آب، روغن جلا، جع، آبپاش، پارچهٔ واکس.



۱. طرح مورد نظرتان را روی کاغذ بکشید. طرحی ساده مثل آنچه در تصویر می‌بینید برای شروع کار مناسب است. مقوا را به طول ۲۵ × ۱۰ سانتی‌متر ببرید. طرح را روی مقوا کپی کنید.

۲. با وردنه گل سفالگری را روی تخته پهن کنید و با خط‌کش و ابزار برش آن را چهارخانه ببرید. صبر کنید خمیر خشک شود. این قطعات موزاییک‌های شما هستند.

۳. چهارخانه‌ها را مثل تصویر با رنگ‌های مختلف رنگ کنید. پس از خشک شدن رنگ‌ها، برای درخشندگی بیشتر و محافظت از رنگ، روی آن روغن جلا بزنید. صبر کنید تا خشک شود.



صحنه‌ای روستایی

نقش این مرد و گراز وحشی بخشی از طرحی موزاییک کاری شده در شمال آفریقا در دوران امپراتوری روم است. موزاییک کاری بسیار دشوار بود - کاری مثل چیدن جورچین. با این حال، هنرمندان چیره‌دست با استفاده از مکعب‌های شیشه‌ای رنگی، سفالی یا سنگی طرح موردنظر خود را به تصویر می‌کشیدند.

مصالح موزاییک کاری

موزاییک اغلب در قالب‌هایی در کارگاه موزاییک‌سازی ساخته و بعد به محل اجرا منتقل می‌شد. گاهی کارگران این قطعات را به محل اجرا می‌بردند و در جای خود نصب می‌کردند. معمولاً برای پوشاندن کف خانه‌های شهری به‌طور متوسط از بیش از صد هزار قطعه موزاییک استفاده می‌شد.

موزاییک



تکه سفال



نوازندگان و رقصندگان

این نقاشی زیبا روی دیوار ویلایی در پومپئی از دل گدازه‌ها بیرون آورده شده است. این تصویر، یکی از نقاشی‌هایی است که در آن آیین‌های اسرارآمیزی که به افتخار دیونیزوس بر پا می‌شد به تصویر کشیده شده است.

واقعی یا تقلبی؟

هنرمندان رومی دوست داشتند کاری کنند که نقاشی‌شان آن‌قدر واقعی به‌نظر برسد که بیننده دستش را دراز کند تا آن را بردارد. این طرف میوه روی طاقچه از همین نوع نقاشی‌هاست. این تصویر روی دیوار ویلای ارباب رومی ثروتمندی پیدا شده است.



رومیان دوست داشتند در خانه خود موزاییک داشته باشند. ثروتمندان اغلب طرح‌های ظریف و زیبایی را در حیاط خانه و اتاق غذاخوری خود اجرا می‌کردند زیرا این اتاق‌ها محل رفت‌وآمد میهمانان بودند.



۵. وقتی موزاییک خشک شد، با تکه‌های پارچه وال سطح آن را تمیز کنید. هر پارچه ترم و خشکی برای این کار مناسب است. حالا می‌توانید اثر هنری‌تان را به نمایش بگذارید.

۴. بخشی از نقوارا با گچ بپوشانید. هر بار تنها بخش کوچکی را گچی کنید. قبل از خشک شدن گچ تکه‌های سفال رنگی را طبق طرح‌تان - مثل تصویر - روی خمیر بچسبانید. از طرح روی کاغذ استفاده کنید.

طبیبان و طبابت

برخی از یونانیان به پیری می‌رسیدند، اما اغلب آن‌ها تا قبل از پنجاه سالگی می‌مردند. باستان‌شناسان با بررسی اسکلت‌های به جا مانده از آن روزگار به شواهد ارزشمندی در مورد وضعیت بهداشت و بیماری‌های رایج در آن دوران دست یافته‌اند، به نحوی که مثلاً می‌توانند بگویند فرد متوفی چند ساله بود و چه بیماری‌هایی داشت. نوشته‌های باستانی اطلاعاتی نیز در مورد دانش پزشکی رومیان فراهم می‌کنند.

طبیبان رومی دانش محدودی داشتند. آن‌ها با توسل به عقل سلیم، اتکا به خدایان و جادو بیماری‌ها را شفا می‌دادند. رومیان بخش عمده دانش خود را مرهون طبیعیان یونان باستان بودند. خدای شفای رومیان و یونانیان یکی بود: آسکولاپیوس (Aesculapius). اکثر نقاط امپراتوری پهناور روم طبیب، ماما، دندان‌پزشک و چشم‌پزشک داشتند. جراحان جراحی‌هایی روی زخم‌های حاصل از جنگ، استخوان‌های شکسته و حتی مجسمه انجام می‌دادند. تنها داروی مسکن آن دوران عصاره خشخاش بود - قطعاً عمل جراحی بسیار دردناک بود.



خدای بانوی شفا و سلامتی

یونانیان و رومیان دختر آسکولاپیوس را خدای بانوی سلامتی می‌دانستند. نام او هی‌ژی (Hygieia) بود. واژه hygienic که در زبان انگلیسی به معنای «بهداشتی» است، برگرفته از نام اوست.

دکان کیمیاگر

این داروخانه یا دکان کیمیاگر، را یک زن اداره می‌کند. این شرایط در روم باستان بسیار نادر بود، چون به‌ندرت به زنان مسئولیت می‌دادند. کیمیاگران و داروسازان رومی گیاهان دارویی را جمع می‌کردند و برای پزشکان مخلوطی از آنان فراهم می‌آوردند.

جعبه دارو

طبیبان رومی از جعبه‌هایی مثل این برای نگهداری داروهای مختلف استفاده می‌کردند. اغلب داروهای آن دوران گیاهی بودند و خوردن‌شان همیشه چندان خوشایند نبود!



ابزار پزشکی

رومیان ابزار متنوعی برای جراحی و طبابت داشتند. این وسایل از مفرغ ساخته شده‌اند و شامل چاقوی جراحی، انبرک و قاشق (وسیله‌ای برای مخلوط کردن و مالیدن مرهم‌های مختلف) هستند.



شفا گرفتن

خرابه‌های درمانگاهی در آسیای صغیر (ترکیه کنونی). این درمانگاه در حدود سال ۱۵۰ میلادی به افتخار اسکولاپیوس، خدای سلامتی، بنا شد. درمانگاه‌هایی از این دست محل معالجه بودند و مردم برای درمان دردهای مختلف خود به آن‌جا می‌رفتند.



شستن نوزاد

در این حکاکی سنگی نوزادی را در حال استحمام می‌بینیم. رومیان از اهمیت حمام کردن مرتب در آب تمیز غافل نبودند. با این حال، زاییدن برای مادر و فرزند بسیار خطرناک بود. اما به‌رغم این خطر، رومیان ترجیح می‌دادند خانواده‌ای بزرگ داشته باشند و زنان زیادی جان خود را بر سر زایمان نهادند.



داروهای گیاهی

طیبیان و شفادهندگان دوره‌گرد همه نوع دوا و پمادی می‌فروختند. بسیاری از داروها از گیاهانی مثل اکلیل کوهی، مریم‌گلی و رازیانه ساخته می‌شدند. برخی از شفابخش‌های طبیعی عبارت بودند از سیر، خردل و کلم. برخی چندان مؤثر نبودند، اما برخی نیز اثری شفابخش داشتند.



پاکیزگی

تیدار بوم (اتاق گرم)

شاید همه رومیان از سلامت بهره نداشتند، اما همه پاکیزگی را دوست داشتند. در سطح شهر توالت‌های عمومی احداث می‌شد که مدام با جریان آب شست‌وشو داده می‌شد و مردم مرتب به حمام‌های عمومی می‌رفتند. اغلب شهرها، حتی پایگاه‌های نظامی مستقر در مرزهای امپراتوری، حمام عمومی داشتند.

حمام فقط محلی برای شست‌وشو نبود. کسانی که به حمام می‌رفتند سراسر عصر در فاصله آب‌تنی در حوضچه‌های حمام با دوستان‌شان گپ می‌زدند. عده‌ای نرمش می‌کردند، عده‌ای توپ‌بازی می‌کردند و عده‌ای هم فقط برای استراحت به حمام می‌رفتند. حتی تجار گاهی در حمام جلسات کاری می‌گذاشتند. مردان و زنان اتاق‌های استحمام جداگانه‌ای داشتند و گاهی هم برای استحمام زنان و مردان ساعات خاصی تعیین می‌شد. بردگان حوله‌ها و صندل‌های چوبی را برای اربابان خود به گرمابه می‌بردند. کسانی که به حمام می‌رفتند باید صندل به پا می‌کردند چون کف حمام به دلیل وجود سیستم حرارت مرکزی بسیار داغ بود.

ظرف روغن و بدن خراش

رومیان به جای صابون از روغن زیتون استفاده می‌کردند. آن‌ها بدن خود را روغن‌مالی می‌کردند و با ابزار فلزی منحنی‌شکلی که به آن بدن خراش می‌گفتند، تن خود را می‌ساییدند. روغن را در ظرف‌هایی کوچک مانند این می‌ریختند. همان‌طور که در تصویر می‌بینید، دو بدن خراش با زنجیر به روغن‌دان وصل شده‌اند.

در یخدهای هوای گرم در دیوارها

استحمام در گرمابه

تصویری از گرمابه‌ای رومی در شهر بث (Bath) در بریتانیا. رومیان به دلیل وجود چشمه‌های طبیعی آب گرم، که با حرارت ۵۰ درجه سانتی‌گراد از دل سنگ‌ها بیرون می‌زد، در این ناحیه گرمابه‌هایی ساخته بودند. این چشمه‌ها، که سرشار از مواد معدنی شفابخش بودند، از اقصای نقاط بازدیدکنندگان را به خود جذب می‌کردند تا در این استخر بزرگ قسمت‌بندی‌شده شنا کنند. در روزگار امپراتوری روم، این استخر مسقف بود.





حفاری گرمابه

در حفاری‌های باستان‌شناسی در بریتانیا بقایای پی یک گرمابه از دل خاک بیرون آورده شد. در تصویر قاعده ستون‌هایی که زمانی کف گرمابه بر آن احداث شده بود نمایان است. هوای داغ حاصل از کوره در میان این ستون‌ها حرکت می‌کرد و کف و فضای اتاق بالایی را گرم می‌ساخت.



توالت عمومی

بقایای توالت‌های عمومی مثل این در بسیاری از نقاط امپراتوری روم یافت شده است. مردم برای شستن خود از اسفنج‌هایی که به میله‌ای بسته می‌شد استفاده می‌کردند. آن‌ها می‌توانستند اسفنج‌ها را در جوی آبی که در توالت‌ها روان بود بشویند. جوی آب دیگری که زیر نشیمنگاه سنگی تعبیه می‌شد، فضولات را با خود می‌برد.



گرمابه‌ها

گرمابه شامل اتاق ورزش، رخت‌کن، سونا و چند حوضچه بود. اتاق‌ها و حوضچه‌ها با یک یا چند اجاق زیرزمینی گرم می‌شدند. فریجیداریوم (frigidarium)، یا اتاق سرد، سیستم گرمایشی نداشت و در آن حوضچه آب یخ تعبیه می‌شد و اغلب بخشی از آن را بدون سقف می‌ساختند. بخش بعدی گرمابه، تپیداریوم (tepidarium)، یا اتاق گرم، بود. در گرمای این اتاق، حمام‌کنندگان به بدن خود روغن می‌مالیدند و بعد چرک بدن خود را می‌ساییدند و می‌شستند. پس از آن که حسابی تمیز می‌شدند، آماده آب‌تنی در حوضچه بودند. کالداریوم (caldarium) یا اتاق داغ (سونا) نزدیک‌ترین مکان به اجاق مرکزی گرمابه بود. حمام‌کنندگان، بسته به تحمل‌شان، در این اتاق می‌ماندند تا حسابی عرق کنند.

ورزش و هماوردی



کولوسیوم

در تصویر کولوسیوم شهر الجم (El Djem) در تونس دیده می‌شود. کولوسیوم نوعی آمفی‌تئاتر بود، مکان‌هایی از این دست در سراسر امپراتوری روم احداث می‌شد. مشهورترین و بزرگ‌ترین کولوسیوم، کولوسیوم رم است.

مرگ یا بخشش؟

گلادیاتورها معمولاً تا دم مرگ می‌جنگیدند، اما گلادیاتور زخمی می‌توانست درخواست زنده ماندن کند. جمعیت پرهیجان منتظر علامت امپراتور می‌ماندند. اگر او شمشیر را رو به بالا می‌گرفت گلادیاتور نجات می‌یافت و اگر شمشیر را رو به پایین می‌گرفت، گلادیاتور باید کشته می‌شد.

اغلب رومیان ترجیح می‌دادند تماشاچی مسابقه باشند تا شرکت‌کننده در آن. اما عده‌ای هم بودند که از ورزش کردن لذت می‌بردند و به تناسب اندام خود اهمیت می‌دادند. این افراد در گرمابه‌ها و زمین‌های ورزشی یا پالائسترا (palaestra) ورزش می‌کردند. مردان در کشتی، شنای پرش طول با هم رقابت می‌کردند. زنان نیز با وزنه ورزش می‌کردند.

مسابقات مشت‌زنی و اربانه‌رانی همیشه پرطرفدار بودند. مسابقات در زمین‌های بزرگ بیضی‌شکل و خط‌کشی‌شده‌ای انجام می‌شد. جمعیت با چنان اشتیاقی مسابقات را تماشا می‌کردند که اغلب در زمین بازی شورش به پا می‌شد. اربانه‌رانان و گروه‌شان اغلب به ستارگان ورزشی بزرگی بدل می‌شدند. رومیان از تماشای صحنه‌های خشونت‌بار هم لذت می‌بردند. نبرد خونین گلادیاتورها یا حیوانات وحشی در فضای بیضی‌شکل ویژه‌ای درمی‌گرفت که آمفی‌تئاتر خوانده می‌شد. با گذشت زمان، سرگرمی رومیان خشونت‌بارتر و خونین‌تر می‌شد. گاهی محوطه آمفی‌تئاتر را پر از آب می‌کردند و جنگ دریایی ساختگی راه می‌انداختند.



قرمزها بجنبید!

ارابه‌رانان عضو تیم بودند و هنگام مسابقه لباس تیم خود را به تن می‌کردند. برخی برای محافظت از سر خود کلاه‌خودی چرمی - مثل آن‌چه در این اثر موزاییک‌کاری می‌بینید - به سر می‌گذاشتند. رومیان چهار تیم داشتند. تیم سبز، تیم قرمز، تیم سفید و تیم آبی. هر تیمی طرفداران پروپا قرص و دائمی خود را داشت و ارابه‌رانان، مثل فوتبالیست‌های امروزی، بسیار محبوب بودند.



روز مسابقه

این کنده‌کاری سفالی صحنه‌ای از مسابقه‌ای پرهیجان را به تصویر کشیده است. ارابه‌رانی بازی مورد علاقه اکثر رومیان بود. ارابه‌ها اغلب چهاراسبه بودند، گرچه می‌شد شش اسب هم به آن‌ها بست یا با دو اسب هم می‌شد آن‌ها را راند. در جریان مسابقه حادثه و خطا اجتناب‌ناپذیر بود چون ارابه‌ها با سرعتی سرسام‌آور مسیر را طی می‌کردند.



قهرمان

مشت‌زنی بازی مرگباری بود. مشت‌زنان، مثل این مشت‌زن، به جای دستکش‌های نرم مشت‌زنی، تسمه‌های میخ‌دار به دست می‌بستند. احتمالاً جراحات عمیق و حتی ضربه مغزی بسیار رایج بود.



آرمان یونانی

رومیان هر آن‌چه مربوط به یونانیان بود از جمله ورزش‌دوستی را می‌ستودند. این نقاشی روی گلدان حدود ۳۳۳ سال قبل از میلاد در یونان کشیده شده است و در آن چند دوندۀ استقامت نشان داده شده‌اند. اما جماعت رومی مسابقات ورزشی به سبک یونانیان - مثلاً بازی‌های المپیک - را نمی‌پسندیدند.



موسیقی و نمایش

موسیقی و آواز نقش عمده‌ای در زندگی رومیان داشت. موسیقی همه‌جا نواخته می‌شد، در بزم‌ها، مجالس عروسی و عزا، در تئاتر، در خانه، در نبرد گلاادیاتورها و در هر رویداد دیگری. رومی‌ها سازهای متفاوتی می‌نواختند، از فلوت و پان‌پایپ گرفته تا چنگ، سیمبال، تمبورین و زنگوله. این سازها قبلاً در مصر و یونان هم متداول بودند. رومی‌ها ترومپت و شیپور و سازهای آبی هم می‌نواختند.

رفتن به تئاتر در اوقات فراغت بین رومیان بسیار رایج بود. رومیان ایده تئاتر و نمایش را از یونانیان گرفته بودند. به همین علت، کمدی‌ها و تراژدی‌های یونانی اغلب در سرزمین رومیان اجرا می‌شدند. رومی‌ها به سبک و سیاق یونانیان نمایش‌نامه می‌نوشتند، طرح‌های کمیک می‌کشیدند و می‌رقصیدند. صحنه طوری طراحی می‌شد که نمای سنگی ساختمان پس‌زمینه صحنه باشد. توده‌های سنگ یا صندلی‌های چوبی به صورت نیم‌دایره جلوی صحنه چیده می‌شدند.



هنرمندان

این موزاییک‌کاری که در پومپئی کشف شده، گروهی از بازیگران را در حال اجرای صحنه‌ای از نمایش یونانی نشان می‌دهد. بازیگران اغلب مرد بودند و اگر احتیاجی به حضور زنان بود، مردان نقش زنان را بازی می‌کردند. نقش بازیگران در هر نمایش با رنگ لباس و نقابی که به صورت می‌زدند مشخص می‌شد. در این تصویر موزاییکی کسی که فلوت می‌نوازد ماسک سفید زنانه به چهره دارد.



درس موسیقی

دختران خانواده‌های ثروتمند اغلب در خانه درس موسیقی می‌گرفتند. در تصویر، دختری را می‌بینیم که از معلمش نحوه نواختن سیتارا (cithara) — نوعی چنگ — را می‌آموزد. رومیان به تقلید از یونانیان، این ساز چنگ‌مانند را می‌نواختند.

ماسک

مواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته، وردنه، کاسه بزرگ، رنگ اکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب، قیچی، سیم، مداد، مقوا یا کاغذ سبز، بند باغبانی، چند مهره رنگی.



۱. گل سفالگری را با وردنه روی تخته پهن کنید، آن قدر که بزرگ‌تر از کاسه‌ای شود که برای این کار انتخاب کرده‌اید. آن را روی کاسه بکشید و مثل تصویر به آن شکل دهید.

۲. لبه‌ها را ببرید و حفره‌هایی به جای دهان و چشم‌ها روی گل سفالگری درست کنید. از باقی‌مانده آن، مانند تصویر، دماغ و دهان را درست کنید. یک گلوله سفالی هم بسازید.

۳. دماغ را روی نقاب نصب کنید. گلوله سفالی را روی جانه بچسبانید و با دست فشارش دهید. بعد مثل تصویر تکه دهان را دور سوراخ دهان و روی جانه قرار دهید. در دو طرف نقاب دو سوراخ برای عبور بند درست کنید.

نوازندگان

بعضی از نوازندگانی که در تصویر مشاهده می‌کنید، کورنو (cornu)، نوعی شیپور بزرگ منحنی شکل، می‌نوازند. این ساز در مراسم مذهبی، تشییع جنازه‌ها، بازی‌های همگانی و در ارتش روم نواخته می‌شد.



نقاب هنرپیشه‌ها

بازیگران رومی برای نشان دادن شخصیت نقش خود نقاب به‌چهره می‌زدند و کلاه‌گیس به سر می‌گذاشتند. در این تصویر، که بخشی از یک اثر هنری موزاییک‌کاری شده رومی است، ظرافت و زیبایی نقاب هنرپیشه‌ها به خوبی نشان داده شده است.



نمایش در فضای باز

تماشاخانه‌های رومی اغلب روباز بودند. در این جا، ویرانه‌های تماشاخانه‌ای را در پومپئی می‌بینید که یکی از دو تماشاخانه بزرگ شهر و بزرگ‌ترین آن دو است. این تماشاخانه گنجایش حضور پنجاه‌هزار نفر را داشت. این تماشاخانه سقف نداشت، اما در تابستان سایبانی برای محافظت تماشاچیان از تابش آفتاب گرم در آن تعبیه می‌شد.



نقاب بازیگران دهان بزرگی داشت تا بازیگران

از طریق آن صحبت کنند. نقاب‌های اصلی احتمالاً از پارچه‌های نخی آهاردار و قالب‌زده شده درست می‌شدند.



۶. برگ‌هایی روی مقوا بکشید. آن‌ها را ببرید و شکل دهید و مانند تصویر آن‌ها را به سیم بکشید. بین برخی از برگ‌ها مهره بگذارید. سیم را دور سر نقاب بپیچانید.



۵. دو تکه پنبه ببرید. آن‌ها را از سوراخ لبه ماسک، مانند تصویر، رد کنید. پندها را به نقاب گره بزنید. وقتی نقاب را به صورت می‌زنید، این پندها را باید پشت سرتان به هم گره بزنید.



۴. وقتی نسغال خشک شده، نقاب را با رنگ‌های روشن درخشان رنگ کنید. برای رنگ‌آمیزی می‌توانید یا از تصویر فوق استفاده کنید یا طرح خودتان را اجرا کنید. صبر کنید رنگ خشک شود.

بازی و سرگرمی

قاپ بازی

در این تصویر دو زن در حال قاپ بازی یا آستراگالیا (astragalus)، بازی محبوب رومیان، دیده می شوند. قاعده بازی این بود که قاپ ها را به هوا می انداختند و با پشت دست هر تعداد از آن ها را که می توانستند، در هوا می گرفتند. تعداد قاپ هایی که پشت دست قرار می گرفت امتیاز را مشخص می کرد.



قاپ

اغلب رومیان از استخوان قوزک پای گوسفند برای قاپ بازی استفاده می کردند. استخوان قاپ شش وجه داشت و می شد از آن به جای تاس هم استفاده کرد، چون هر وجه آن ارزشی خاص داشت. احتمالاً رومیان ثروتمند از قاپ های ساخته شده از شیشه، مفرغ یا اونیکس مثل این قاپ ها استفاده می کردند.



تيله بازی

قرن ها قبل، بچه های رومی با این تيله ها بازی می کردند. از این سه، دو تيله شیشه ای اند و یکی سفالی است. تيله ها یا روی زمین به حرکت در آورده می شدند یا روی تخته علامت داری رها می شدند. نوع دیگر تيله بازی، انداختن تيله ها در گلدان های سفالی بود. گاهی به جای تيله از گردو و فندق هم استفاده می شد.



یک بازی رومی

سواد مورد نیاز: گل سفالگری، تخته گوشت پلاستیکی، وردنه، ابزار برش، خط کش، کاشی های شیشه ای، دو مهره (همرنگ موزائیک های شیشه ای تان).



۳. بازیکنان به نوبت، هر بار دو کاشی روی تخته می گذارند. مهره رهبر یا دوکس آخر از همه روی تخته گذاشته می شود. بازیکنان پس از چیدن کاشی ها و مهره خود می توانند یک کاشی به جلو یا عقب یا طرقتین حرکت کنند.



۲. با اضافه های گل، مانند تصویر، حاشیه را تزئین کنید. صبر کنید خمیر خشک شود. هر بازیگر باید یکی از رنگ ها را انتخاب کند و ۱۶ کاشی و یک مهره به همان رنگ بر دارد. به این مهره دو کس (dux) یا رهبر می گویند.



۱. گل سفالگری را روی تخته با وردنه پهن کنید و مربعی ۲۵ سانتی متری روی آن بکشید. با ابزار برش و خط کش این مربع را در هر ضلع به ۸ قسمت تقسیم کنید. به این ترتیب، ۶۴ مربع کوچک خواهید داشت. باید حاشیه ای دور مربع داشته باشید.





نوبت تاس ریختن توست!

این موزاییک کاری سه مرد را نشان می‌دهد که در میخانه‌ای تاس بازی می‌کنند. رومیان عاشق قمار بودند و سر هر چیزی شرط می‌بستند، حتی سِرِ شماره تاس. وقتی تاس از حرکت می‌ایستاد مبلغ هنگفتی را می‌پردند یا می‌باختند!



غلتاندن و غلتاندن

بچه‌های فقیر اسباب‌بازی‌های محدودی داشتند و باید از کودکی کار می‌کردند. اما حتی آن‌ها هم زمانی برای بازی کردن پیدا می‌کردند و از هر آن چه دم دست‌شان بود اسباب‌بازی می‌ساختند. این پسرک در حالی که می‌دود چرخ را پیش پای خود می‌گرداند.



ژتون

این ژتون‌ها از استخوان و عاج ساخته شده‌اند. علاوه بر ژتون‌های ساده و گرد، رومیان دوست داشتند اشکالی زیبا روی مهره‌های ژتون حکاکی کنند. در این تصویر، نقش کله قوچ، خرگوش و خرچنگ را روی ژتون‌ها می‌بینیم. روی ژتون گرد بزرگ هم تصویر دو زن حک شده است.

تاس

هم ثروتمندان و هم فقیران تاس بازی می‌کردند. این تاس‌ها از قرن‌ها پیش باقی مانده‌اند. بزرگ‌ترین آن‌ها از سنگی سبز رنگ ساخته شده، دیگری از یک قطعه کریستال ساخته شده است و کوچک‌ترین تاس از جنس عقیق است. تاس نقره‌ای که به شکل آدمی چمباتمه‌زده ساخته شده است، احتمالاً خاص ثروتمندان رومی بود.



در طول بازی، باید مهره معمولی یا دوکس خود را حرکت دهید، حتی اگر حرکت آن به ضرر تان تمام شود و حریف مهره شما را بزند. برنده کسی است که همه مهره‌ها و دوکس حریف را از گردونه بازی خارج کند.



۵. دوکس می‌تواند — مثل تصویر — از روی مهره‌ای به خانه خالی بعدی‌اش بپرد. در این حالت، اگر مهره حریف بین دوکس و یکی از مهره‌های شما گیر بيفتد حذف می‌شود.

۴. اگر بتوانید کاشی‌های حریف را بین دو کاشی خود محاصره کنید، آن کاشی را اصطلاحاً زده‌اید و از دور بازی خارج کرده‌اید. بعد از این، می‌توانید یک حرکت اضافه داشته باشید. دوکس نیز از همین قاعده پیروی می‌کند.

مذهب‌ها و جشنواره‌ها

رومیان خدایان و خدایانوان متفاوتی داشتند. برخی از آنان، همان خدایان یونانی بودند که اسمی دیگر داشتند. ژوپیتر خدای آسمان‌ها، قدرتمندترین خدایان بود؛ ونوس خدای بانوی عشق، مارس (Mars) خدای جنگ، کرس (Ceres) خدای زراعت، ساتورن (Saturn) خدای کشاورزان و مرکوری (Mercury) نیز خدای تجارت بود. خدایان خانگی از خانه محافظت می‌کردند. به افتخار خدایان معابد باشکوهی ساخته می‌شد. معبد پانتئون در رم بزرگ‌ترین و مشهورترین این معابد است. در طول سال، جشنواره‌های متعددی به افتخار هر خدا برگزار و در آن برنامه‌هایی از قبیل موسیقی و رقص اجرا می‌شد و برای خدایان پیشکشی می‌آوردند و حیوانات را به درگاه

آنان قربانی می‌کردند. موسم این جشن‌ها اغلب تعطیل عمومی بود. جشنواره ساتورنالی، که اواسط زمستان به افتخار ساتورن برگزار می‌شد، هفت روز طول می‌کشید. با گسترش دامنه امپراتوری به سرزمین‌های دیگر، بسیاری از رومیان به دین کشورهای دیگر، از جمله مصر و ایران، گرویدند.

دینای شکارچی

دیانا (Diana) خدای بانوی شکار و ماه بود. در این تصویر که بخشی از کف موزاییک‌کاری شده ساختمانی است، او را با تیر و کمانی در دست، آماده شکار می‌بینیم. خدایان رومی و یونانی اغلب یکی بودند، اما اسمی متفاوتی داشتند. نام یونانی دیانا، آرتمیس بود.

پانتئون

پانتئون در رم معبد همه خدایان بود. این معبد در فاصله سال‌های ۱۱۸ تا ۱۲۸ میلادی ساخته شد. کف موزاییک‌کاری شده، ستون‌های داخلی و گنبد مرتفع آن هنوز مثل روز اول پابرجاست.



ژوپیتر

ژوپیتر اصلی‌ترین خدای رومیان بود. او خدای قدر قدرت آسمان‌ها بود. به باور رومیان، او خشم خود را با زدن صاعقه بر زمین نشان می‌داد.

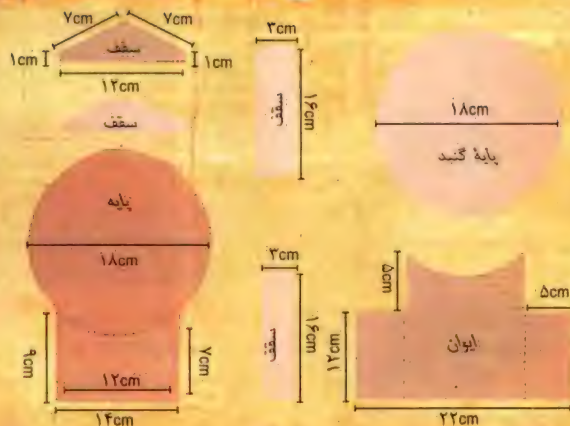


معبد خدایان

مواد مورد نیاز: مقوای ضخیم، مقوای نازک، روزنامه کهنه، قیچی، بادکنک، چسب چوب، خط‌کش، مداد، نوار چسب، چند فی نوبسیدنی، رنگ اکریلیک، قلم‌نو، ظرف آب و موم قالب‌گیری



۱. بادکنک را باد کنید. نوارهای روزنامه را با چسب دورتادور بادکنک بچسبانید. آن قدر این کار را ادامه دهید تا لایه‌های ضخیم از روزنامه روی بادکنک درست شود. صبر کنید روزنامه‌ها خشک شوند. بعد بادکنک را بترکانید و گنبد را بفرید.



این اشکال و ابعاد را روی مقوا پیاده کنید.





راهبان ایزیس

ایزیس، مادر- خدای بانوی مصریان در امپراتوری روم طرفداران فراوانی داشت. در این تصویر راهبان و پرستندگان او را در مراسم تطهیر آب می‌بینیم. این مراسم هر روز عصر اجرا می‌شد.



خدایا به این خانه برکت بده

این مجسمه مفرغی یک لار (lar) یا خدای خانگی است. خدایان روستایی از دیرباز محافظ خانواده و خانه پنداشته می‌شدند. در هر خانه‌ای در روم محرابی برای لارها ساخته می‌شد. اعضای خانواده، از جمله بچه‌ها، هر روز باید پیشکشی به درگاه او تقدیم می‌کردند.

پانتئون ابتدا با آجر ساخته شد، اما بعدها آن را با سنگ و مرمر پوشاندند. گنبد عظیم این معبد با قطری بیش از ۴۳ متر تا دهه ۱۹۰۰ بزرگ‌ترین گنبد دنیا بود.



میترا گاوکش

میترا (Mithras) خدای نور ایرانیان بود. در این مجسمه مرمری که در معبد یافت شده است او را در حال کشتن گاو می‌بینیم. به باور ایرانیان، خون این گاو به زمین حیات دوباره می‌بخشید. میتراپرستی در سراسر امپراتوری روم رواج یافت. سربازان رومی، به‌خصوص، شیفته میترا بودند. به هر حال، فقط مردان اجازه داشتند میترا را پرستش کنند.



۵. قطعات بزرگ را مثل تصویر به هم چسب بزنید. برای چسباندن هر ستون روی پایه از موم استفاده کنید. سقف ورودی را روی ورودی نصب کنید. معبد را رنگ‌آمیزی کنید.



۴. هشت نی به طول ۶ سانتی‌متر ببرید. این‌ها ردیف ستون‌های ورودی‌اند. اجزای سقف ورودی را به هم چسبانید. با چسب محکم کاری کنید.



۳. قطعات قاعده را به هم چسب بزنید. یک نوار پهن از مقوای نازک ببرید. این نوار باید آن‌قدر بلند باشد که دور تادور قاعده گنبد را بگیرد. این نوار دیواره مدور گنبد است. برای حفظ شکل دایره‌ای آن از نوار چسب استفاده کنید.



۲. گنبد را روی قاعده مقوایی‌اش بگذارید و دور تادورش خط بکشید. وسط قاعده مقوایی را ببرید تا دایره‌ای توخالی ایجاد شود. مثل تصویر، قطعات را به هم وصل کنید.

مناسبت‌های خانوادگی

برای رومیان خانواده بسیار اهمیت داشت. پدر قدرت بلامنازع خانواده بود و خانواده شامل تمام اعضا — اعم از همسر، فرزندان، بردگان و حتی بستگان نزدیک — می‌شد. در نخستین روزهای تأسیس روم، پدر حق داشت فرزندان خود را بکشد. اما کم‌تر پیش‌می‌آمد که پدری رومی اهل خشونت باشد و پدر و مادر عاشق بچه‌های‌شان بودند.

کودکی دوره‌ای کوتاه بود. والدین دختران‌شان را از ۱۲ سالگی و پسران‌شان را از ۱۴ سالگی نامزد می‌کردند و چند سال بعد ازدواج صورت می‌گرفت. عروس‌ها لباسی سفید و ردایی زردرنگ به تن می‌کردند، شالی نارنجی‌رنگ به سر می‌انداختند و تاجی از گل‌های خوش‌بو بر سر می‌گذاشتند. در مراسم عروسی، به پیشگاه خدایان قربانی می‌کردند و همه حاضران در مجلس برای عروس و داماد آرزوی خوشبختی می‌کردند. آخر شب، جمعیتی با مشعل‌هایی در دست با نوای فلوت زوج جوان را به خانه‌شان می‌رساندند.

مراسم تشییع جنازه هم با موسیقی و حرکت دسته‌جمعی همراه بود. طبق قوانین روم، عمل تدفین یا سوزاندن مردگان باید در آن‌سوی دیوارهای شهر انجام می‌شد.

خانواده‌های خوشبخت

روی این سنگ قبر رومی در آلمان، نقش خانواده‌ای را می‌بینیم که دور هم جمع شده‌اند تا غذا بخورند. از سنگ‌نوشته لاتین چنین برمی‌آید که یک سرباز لژیون این سنگ قبر را به یاد همسر درگذشته‌اش ساخته است. او همسرش را با مهربانی «شیرین‌ترین و پاک‌ترین زنان» توصیف می‌کند.



D·M·C·IVL·MATER·NVS
VET·EX·LEG·IM·VIVS·SIBI
F·MARIE·MARCELLINAE
CO·IUGI·DVLCISSIME
CASTISSIME·OBITAE·F

مادر و بچه

مادری با مهربانی کودکش را درون گهواره می‌گذارد. وقتی نوزادی به دنیا می‌آید، او را روی پاهای پدرش می‌گذاشتند. اگر پدر نوزاد را

می‌پذیرفت، باید او را از

روی پایش برمی‌داشت. در خانواده‌های

ثروتمند تولد نوزاد رویدادی فرخنده

بود، اما برای خانواده‌های فقیر به

دنیا آمدن یک نوزاد دیگر به معنی

اضافه‌شدن نان‌خور بود. رومیان دختران

را در هشتمین روز و پسران را در نهمین

روز تولد نامگذاری می‌کردند. به نوزاد

طلسمی به نام بولا (bullā) داده می‌شد تا

از شر ارواح شریر در امان باشد.

با هم بودن

وقتی زوجی نامزد

می‌شدند، به نشانه عشق

و علاقه هدایایی رد و بدل

می‌کردند. مرد باید انگشتری مثل این

را به همسر آینده‌اش می‌داد. دو دست حک‌شده روی

انگشتر نشانه ازدواج است. دادن آویزهای طلا با نقش‌های

مشابه نیز متداول بود.



عزاداری برای مرده

یک مرد ثروتمند رومی در گذشته است و خانواده‌اش بر جنازه او عزاداری می‌کنند. در حالی که نزدیکان جنازه را برای مراسم خاکسپاری آماده می‌کنند، نوایی حزن‌انگیز با فلوت نواخته می‌شود. رومیان باور داشتند که مردگان به هادس، دنیای ارواح، که زیر رودخانه مرگ قرار دارد، می‌روند. در دهان جنازه سکه‌ای می‌گذاشتند تا او بتواند مرده قایقرانی را که او را با خود به هادس می‌برد، بپردازد. همراه او غذا و نوشیدنی برای سفر آخرت دفن می‌شد.



تا مرگ ما را از هم جدا کند

مراسم ازدواج رومیان بسیار شبیه مراسم ازدواج مسیحیان امروزی بود. زوج جوان باید سوگند وفاداری می‌خوردند و به نشانه‌ی یکی‌بودن دست در دست هم می‌گذاشتند. در این تصویر، داماد عقدنامه را در دست دارد. عقدنامه پیش از اجرای مراسم تنظیم و آماده می‌شد. اما همه زوج‌ها خوشبخت نمی‌شدند و طلاق بسیار رایج بود.



گل‌های عروسی

عروس‌های رومی در روز عروسی شالی به سر می‌گذاشتند. روی شال هم معمولاً حلقه‌ای گل می‌گذاشتند. در نخستین روزهای امپراتوری روم، این تاج گل معمولاً مخلوطی بود از گل شاه‌پسند و مرزنجوش. بعدها از شکوفه‌های پرتقال و مورد (myrtle) نیز استفاده می‌شد که گل‌های مقدس ونوس، خدای بانوی عشق، بودند.

شکوفه پرتقال



گل شاه‌پسند

سربازان لژیون

ارتش امپراتوری روم باستان به ۲۸ گروه تقسیم می‌شد که به هر یک لژیون می‌گفتند. در هر لژیون حدود ۵۵۰۰ سرباز خدمت می‌کردند. لژیون شامل سواره‌نظام و پیاده‌نظام بود. این سربازان به دسته‌های ۵۰۰ نفره موسوم به کوهورت (cohort) و دسته‌های ۸۰ نفره به نام سنچری (century) تقسیم می‌شدند. گفتنی است که واژه centuries، در اصل به معنای صد تایی است. در نبرد، هر لژیون به دنبال سربازانی که پرچم سواره‌نظام را حمل می‌کردند، حرکت می‌کرد. این پرچم‌های زینت‌شده نشانه شجاعت و افتخار هر لژیون بودند.

نخستین سربازان روم در زمان جنگ از میان فرزندان خانواده‌های ثروتمند انتخاب می‌شدند، چون این خانواده‌ها می‌توانستند هزینه سلاح و تجهیزات جنگی را پرداخت کنند. بعدها، سربازان ارتش روم حرفه‌ای شدند. آن‌ها حقوق دریافت می‌کردند و برای خدمت سربازی در لژیون استخدام می‌شدند. در دوران امپراتوری روم، سربازان خارجی بسیاری در نبردهای سپاه روم به کمک گرفته می‌شدند.

زندگی در ارتش سخت بود و مقررات نفس‌گیری داشت. پس از طی مسافتی طولانی و حمل ابزار و چادرها و سلاح‌های سنگین، سربازان خسته و درمانده تازه باید استحکامات دفاعی را آماده می‌کردند. نگهبانی که پستش را ترک می‌کرد تا حد مرگ کتک می‌خورد.



در جنگ

ستون تراژان در روم با صحنه‌هایی از نبردهای داکیا (Dacia) تزئین شده است. این نبردها در ناحیه‌ای روی داد که امروزه رومانی در آن قرار دارد. صحنه‌هایی از این دست، اطلاعات ارزشمندی در مورد سربازان رومی، سلاح‌ها، دشمنان و متحدان‌شان در خود دارند.



یک لژیونر

این مجسمه مفرغی حدود ۱۸۰۰ سال قدمت دارد. او کلاه‌خودی تاجدار به سر و زره مفرغی چند لایه‌ای، که مخصوص آن روزگار است، به تن دارد. لژیونرها آموزش‌های بسیار سختی می‌دیدند و با نظم بی‌رحمانه‌ای تربیت می‌شدند. آن‌ها سربازانی بی‌مانند و نیروهای بودند که می‌شد کاملاً به آن‌ها اتکا کرد.



سوار بر اسب

پیاده‌نظام رومی تحت حمایت سواره‌نظام بود. سوارنظام به گروه‌های ۵۰۰ نفره و ۱۰۰۰ نفره به نام آلاه (alae) تقسیم می‌شدند. حقوق سواره‌نظام ارتش روم از بالاترین دستمزدها در میان سربازان این سرزمین بود.

بلند کردن پرچم سواره نظام

امپراتور کنستانتین با سربازان خود که احتمالاً پیروزمندانه بازگشته‌اند سخن می‌گوید. سربازان پرچم‌های سواره نظام را که نشانه هر لژیون است با خود دارند. پرچم‌ها را با نشان‌های عقاب، دست، تاج گل و پرچم‌هایی طلایی که واکسیل (vexilla) نامیده می‌شدند می‌آراستند. این نشانه‌ها، نماد شجاعت و افتخار لژیون بودند و به هر قیمتی باید از آن‌ها مراقبت می‌شد.



برج و باروی رومی

ارتش روم دور تادور امپراتوری برج و باروهایی سنگی و چوبی بنا کرد. این برج در جنوب بریتانیا ساخته شده است. این استحکامات برای دفاع از ساحل در مقابل هجوم ساکسون‌های شمال اروپا ساخته شد. امروزه، این ناحیه پورچستر (Porchester) نام دارد. این نام ترکیبی است از دو واژه port به معنای بندر و caster که در لاتین به معنای برج و باروست.

دیوار هادریان

بخشی از دیوار هادریان را می‌بینیم که شمالی‌ترین مرز امپراتوری روم است. این دیوار به طول ۱۲۰ کیلومتر در شمال انگلستان، از ساحلی به ساحل دیگر، کشیده شده است. این دیوار در فاصله سال‌های ۱۲۲ تا ۱۲۸ میلادی به فرمان امپراتور هادریان برای دفاع از مرز احداث شد.



سلاح و زره

سربازان رومی سراپا مسلح بودند. سلاح لژیونرها عبارت بود از خنجرى که به آن پو گيو (*pugio*) می گفتند و شمشیر آهنی کوتاهی که گلا دیوس (*gladius*) نام داشت و از آن برای ضربه زدن به حریف استفاده می شد. نیزه لژیونرها پیلوم (*pilum*) نام داشت که از چوب و آهن ساخته می شد. در نخستین روزهای امپراتوری، زره پیاده نظام، جوشنی بود که روی تونیک کوتاه ضخیمی به تن می کردند. افسران ارتش زره بالاتنه (*curias*) می پوشیدند. این بالاپوش مفرغی سینه و پشت آنان را از ضربات دشمن در امان نگه می داشت. در حدود سال ۳۵ میلادی، جوشن جای خود را به زرهی آهنی داد. قسمت های فلزی زره با قلاب یا بندهای چرمی به هم بسته می شدند. افسران بلندمرتبه کلاه خودهای متفاوتی به سر می گذاشتند که

هریک نشانه رتبه نظامی شان بود. سپرهای ابتدایی بیضی شکل بودند و بعدها مستطیل شکل شدند و لبه های آنها گرد شد. برای ساخت سپر، چند لایه چوب را به هم می چسباندند و روکشی از چرم و پارچه کتانى روی چوب ها می کشیدند. گل میخ فلزی روی سپر هنگامی به کار می آمد که دشمن خیلی نزدیک می شد.

سربازان رومی

هنرمندان در طول قرن ها بارها و بارها از صحنه های نبرد لژیون های رومی الهام گرفته اند. آنها سربازان سراپا مسلح رومی را در ذهن خود مجسم می کردند. در این تصویر، افسری جوان را در حال فرمان دادن می بینیم.



حفاظ سر

کلاه خودها طوری طراحی می شدند که اطراف سر و گردن را بپوشانند. این کلاه خود سواره نظام از مفرغ و آهن ساخته شده است. احتمالاً این کلاه خود متعلق به یکی از سربازان خارجی (کمکی) است که پس از سال ۴۳ میلادی در ارتش روم خدمت می کردند. افسران تاجی روی کلاه خود می گذاشتند تا سربازان شان در طول جنگ بتوانند آنها را ببینند.



زره رومی

مقادیر مورد نیاز: یکی دو ورق مقوای نقره ای (رسته به سبزه خودتان)، قیچی، مداد، چسب چوب، قلم مو، ۲ متر طناب، پروگار.



۳. وقتی چسب خشک شد، دو سر نوارها را به سمت هم خم کنید. سمت نقره ای مقوا باید به طرف بیرون باشد. در انتهای هر نوار سوراخی درست کنید و مانند تصویر، طنابها را از سوراخها رد کنید.



۲. نوارها را کنار هم بگذارید و با نوارهای کوچک تر آنها را به هم بچسبانید (مانند تصویر). رومیان برای نگه داشتن نوارهای فلزی پهن از بندهای چرمی استفاده می کردند.



۱. دور سینه خود را با متر اندازه بگیرید. سه نوار به اندازه دور سینهتان و به عرض ۵ سانتی متر از مقوا ببرید. برای بستن این سه نوار به یکدیگر نوارهای باریکتری از همان مقوا ببرید.





تاکتیک لاک‌پشتی

تاکتیک‌های محاصره یکی از بزرگ‌ترین توانایی‌های ارتش روم بود. وقتی سپاه نزدیک برج و باروی دشمن می‌رسید، گروهی از سربازان سپرهایشان را بالای سرشان می‌گرفتند و آن‌ها را به هم می‌جسباندند و زیر این حفاظ فلزی به جلو می‌خزیدند. آن‌ها می‌توانستند تحت حمایت سپرها به سلامت به سوی دشمن بروند. به این آرایش تاکتیک لاک‌پشتی یا تستودو (*testudo*) می‌گفتند. در جریان محاصره، رومیان از منجنیق برای پرتاب کردن گلوله‌های آهنی و سنگ‌های عظیم به آن‌سوی استحکامات دشمن استفاده می‌کردند.



پوشش شانه را از سر بپوشید و حفاظ سینه را هم به سینه ببندید. حال شما لژیونری آماده برای نبرد با دشمنان امپراتوری روم اید. زره فلزی نواری در دوران امپراتور تیبریوس (*Tiberius*) در فاصله سال‌های ۱۴ تا ۳۷ میلادی اختراع شد. در اصل، قسمت‌های مختلف این زره با لولا یا گیره و دکمه و بند به هم متصل می‌شد.



سلاح‌های مرگبار

این سرنیزه‌های آهنی در یک قلعه رومی باستانی در شهر بث (*Bath*) در بریتانیا پیدا شده است. دسته‌های چوبی این نیزه‌ها مدت‌ها قبل پوسیده و از بین رفته‌اند. سربازان رومی هم نیزه‌های سنگین حمل می‌کردند، هم سبک. نیزه‌های سبک را پرتاب می‌کردند و نیزه‌های سنگین را برای بردهای کوتاه به کار می‌بردند.



شمشیر

شمشیرهای بلند و کوتاه را در غلاف نگه می‌داشتند. این غلاف خارق‌العاده متعلق به افسری در ارتش امپراتوری تیبریوس است. احتمالاً شخص امپراتور این غلاف را به وی داده بود. غلاف فوق‌تزیینات ظریف و بسیار هنرمندانه‌ای از طلا و نقره دارد.



۵. با نوارهای مقوایی کوچک‌تر دو نیمه شانه را به هم بچسبانید. سوراخ کردن باید باز بماند. چهار نوار دیگر ببرید. دو نوار باید کوچک‌تر باشند. آن‌ها را مثل تصویر به پوشش شانه اضافه کنید.

۴. چهار گوشه به اندازه عرض سرشانه‌های تان ببرید. با پرگار دایره‌ای به قطر ۱۲ سانتی‌متر وسط چهار گوش رسم کنید. حالا چهار گوش را از وسط نصف کنید و نیم‌دایره‌ها را ببرید.

کشتی‌ها و دریانوردان



ظروف

روغن و شراب اغلب در کوزه‌های مخصوص بزرگی به نام آمفورا با کشتی حمل می‌شدند. در این تصویر، آمفورایی از کشتی‌ای به کشتی دیگر حمل می‌شود. برای محکم نگه داشتن آمفورها در کشتی، اطراف آن‌ها چند لایه شاخ و برگ می‌گذاشتند و محکم می‌بستندشان.

رومیان از کشتی برای حمل و نقل، تجارت و جنگ استفاده می‌کردند. ناوگان جنگی رومیان متشکل از کشتی‌های باریک و تندرویی بود که به آن‌ها گالی (galley) می‌گفتند. این کشتی‌ها را پاروزنایی که زیر عرشه می‌نشستند به حرکت درمی‌آوردند. یک گالی جنگی استاندارد ۲۷۰ پاروزن داشت. گالی بادیان پهن چهارگوشی هم داشت که اگر باد موافق بود آن را برمی‌افراشتند تا سرعت قایق بیش‌تر شود.

همه نوع کالا، از چوب و سفال گرفته تا مرمَر و غلات، باید به همه جای امپراتوری روم می‌رسید. اغلب کالاها، به‌خصوص بارهای سنگین شامل مواد غذایی یا مصالح ساختمانی، باید با کشتی حمل و نقل می‌شدند. کشتی‌های تجاری عمیق‌تر، کندتر و سنگین‌تر از گالی بودند. آن‌ها بادیان‌هایی بزرگ و پاروهای بلند داشتند که موجب سهولت حرکت کشتی می‌شد. کرجی وسیله نقلیه مخصوص رودخانه‌ها بود.

رومیان در تنگه‌های پرخطر فانوس دریایی می‌ساختند. فانوس دریایی برجی سنگی بود که فانوسی بزرگ یا چراغی چشمک‌زن و پر نور روی آن نصب می‌شد. دزدان دریایی، آب‌های ناشناخته و توفان نیز سفرهای دریایی را پر مخاطره می‌کردند.



در امواج رودخانه

شراب و دیگر مایعات اغلب در بشکه نگهداری می‌شدند و بشکه‌ها با کرجی‌ای مثل آن‌چه در این تصویر حکاکی شده مشاهده می‌کنید، حمل می‌شدند. بشکه‌های شراب از تاختستان‌های آلمان یا جنوب فرانسه به نزدیک‌ترین بندر حمل می‌شدند.



روی عرشه

در این نقاشی دیواری که در بندر اوستیا پیدا شده است، یک کشتی تجاری را در حال بارگیری می‌بینیم. کیسه‌های بزرگ غلات به داخل کشتی حمل می‌شوند. دو سکان را در قسمت عقبی کشتی می‌بینیم.

آمفورا بسازید

مواد مورد نیاز: یک بزرگ مقوای نازک، خط‌کش، دو مداد، قیچی، مقوای آکاردئونی - دو دایره به قطرهای ۱۰ و ۲۰ سانتی‌متر، دو نوار ۳۰ × ۴۰ سانتی‌متری و یک قطعه چهار گوش بزرگ - نوار چسب، چسب چوب، روزنامه، قلم‌مو، رنگ اکریلیک خرمایی، ظرف آب.



۳. مربعی به طول ۴۰ سانتی‌متر ببرید. آن را به شکل استوانه لوله کنید. در یک سر آن، چهار خط به طول ۱۰ سانتی‌متر ببرید و آن را مانند تصویر به حالتی تنگ‌تر از قاعده دیگر درآورید. شکاف‌ها را با چسب محکم کنید.



۲. نوارهای مقوایی آکاردئونی را لوله و مانند تصویر آن‌ها را خم کنید. یک سر آن را داخل سوراخ روی گردن آمفورا قرار دهید و سر دیگر را به قاعده بچسبانید. با چسب محکم کاری کنید.



۱. دو نوار به عرض ۵ سانتی‌متر و ۲۸ سانتی‌متر از مقوا ببرید. نوار کوچک‌تر را به دایره کوچک‌تر بچسبانید. مانند تصویر، مقوای بزرگ را لوله کنید تا گردن آمفورا درست شود. در دو طرف آن دو سوراخ ایجاد کنید و انتهای آن را به دایره بزرگ‌تر بچسبانید.





با کشتی به جنگ دشمن رفتن

در این نقاشی، منظره اثرگذار حرکت یک گالی جنگی رومی به سوی نبرد به تصویر کشیده شده است. گالی‌ها را مردان پارو زنی که روی ردیف نیمکت‌هایی زیر عرشه می‌نشستند، به حرکت درمی‌آوردند. سکان‌داران با صدای بلند جهت حرکت را به آنان اعلام می‌کردند. این گالی سه ردیف پارو دارد. کوبه‌ای از زیر گالی جنگی در قسمت جلو بیرون آمده است. در نبردهای دریایی دکل کشتی پایین کشیده می‌شد و گالی با کوبه خود به کشتی دشمن حمله می‌کرد و ضربه می‌زد. وقتی کوبه به پهلوی کشتی دشمن گیر می‌کرد، سربازان رومی به راحتی پا به عرشه کشتی می‌گذاشتند و جنگ تن‌به‌تن شروع می‌شد.

با آمفوری مثل این احتمالاً شراب، روغن یا سس ماهی حمل می‌کردند. قاعده نوک‌تیز و بلند آن را محکم به شاخ و برگ‌هایی که برای محافظت از بارها در داخل کشتی نگهداری می‌شد گیر می‌دادند و به این ترتیب، مانع از ریختن مایع درون آن در جریان حمل و نقل می‌شدند.



۶. وقتی کل کار خشک شد، آن را رنگ کنید. آمفوراها رومی سفالی بودند، پس برای این که کار دستی‌تان طبیعی‌تر به نظر برسد، آن را به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز کنید، صبر کنید رنگ خشک شود.



۵. گردن آمفورا را به بدنه وصل کنید. کل شکل را با نوارهای روزنامه آغشته به چسب بپوشانید. صبر کنید چسب روزنامه خشک شود. آن قدر روزنامه به آمفورا بچسبانید تا بدنه‌ای ضخیم درست شود.



۴. برای این که قاعده آمفورا تیزتر شود، با مقوای آکاردئونی قیفی مانند تصویر درست کنید و آن را به قاعده کوچک‌تر استوانه چسب بزنید. مدادی را در نوک تنگ قیف قرار دهید و با چسب محکم آن را به قیف بچسبانید.

سازندگان امپراتوری

رومیان معماران و مهندسان زبده‌ای بودند. وقتی لژیون‌ها سرزمین‌های بیگانه را فتح می‌کردند، دست‌به‌کار احداث جاده‌هایی برای تسهیل رساندن مهمات و پیغام می‌شدند. جاده‌ها بسیار سراسر بودند و گاه صدها کیلومتر طول داشتند. وسط جاده کمی برآمدگی داشت تا آب باران به دو سوی جاده سرازیر شود. برخی از جاده‌ها سنگ‌پوش می‌شدند و پوشش برخی دیگر ریگ یا سنگ‌ریزه بود. علاوه بر این، مهندسان رومی از مهارت‌های خود برای ساخت آب‌بر استفاده می‌کردند تا به شهرهای خود آب برسانند.

رومی‌ها در سراسر امپراتوری پهناور روم گنبدهای عظیم، پل‌های قوسی شکل و ساختمان‌های اداری بزرگی احداث کردند. آن‌ها برای این کار ذخایر الوار و سنگ همان محل را به کار می‌بردند. سنگ



جاده‌های رومی

در تصویر جاده‌های رومی را می‌بینید که تا چشم کار می‌کند امتداد دارد. این جاده در اوستیا، شهر ساحلی ایتالیا، در روزگار رومیان احداث شده است. تا پیش از سدهٔ نوزدهم، در اروپا هیچ جاده‌ای به‌خوبی جاده‌های روم باستان ساخته نشد.



زور و بازو

در این حکاکی سنگی می‌بینیم که رومیان از چرخیل چوبی بزرگی برای حمل مصالح سنگین ساختمانی استفاده می‌کردند. چرخ بزرگ که بردگان آن را به حرکت درمی‌آوردند باعث حرکت چرخیل می‌شد. با گردش چرخ، طنابی که سنگ‌های سنگین به آن بسته شده بود به حرکت درمی‌آمد و سنگ از روی زمین بلند و جابه‌جا می‌شد.

یکی از مصالح عمدهٔ ساختمان‌سازی رومیان بود، اما باید از معادن استخراج و بعد به شهرها حمل می‌شد. رومیان نخستین کسانی بودند که از بتون به جای سنگ استفاده کردند. این ماده، هم ارزان‌تر از سنگ بود و هم مقاوم‌تر.

حکمرانی رومیان حدود ۱۵۰۰ سال قبل در غرب اروپا رو به افول گذاشت. اما بقایای مهارت و سازمان‌دهی دقیق آن‌ها هنوز هویداست.

گروما بسازید

مواد مورد نیاز: یک قطعه مقوای ضخیم و محکم، قیچی، خط‌کش، مداد، چهار گوش مقوایی، چسب چوب، نواری چسب، چند تکه چوب باریک یا لوله، موم، کاغذ فویل نقره‌ای، نخ، بسوزن بلند خیاطی، رنگ اکریلیک، قلم‌مو، ظرف آب و دسته جارو.



۱. سه تکه مقوا با این ابعاد ببرید: دو تکه به ابعاد ۶×۲۰ سانتی‌متر و یکی به ابعاد ۶×۴۰ سانتی‌متر. برای دسته، مقوایی به ابعاد ۱۵×۱۲ سانتی‌متر ببرید. حالا اشکالی را که در تصویر می‌بینید روی تکه‌های بریده‌شده پیاده کنید.



۲. وسط قطعهٔ بزرگ را مشخص کنید و با مداد بین دو لایه مقوای اضافی ایجاد کنید. این جا محل قرار دادن میلهٔ چوبی است.



۳. مانند تصویر دو تکه بزرگ مقوا را به صورت ضربدری به هم وصل کنید. میلهٔ چوبی را در محل تقاطع قرار دهید. با مقوای چهار گوش امتحان کنید تا مطمئن شوید چهار زاویهٔ حاصل کاملاً قائمه‌اند. بعد مقواها را با چسب محکم در جای خود بچسبانید.



مصالح ساختمانی

رومی‌ها از سنگ‌های مختلف برای ساختمان‌سازی استفاده می‌کردند. معادن محلی مهم‌ترین منبع تهیه سنگ بودند. در پومپئی سنگ آهک و نوعی سنگ آتشفشانی به نام تופا (tufa) از سنگ‌های رایج ساختمانی بود. در بخش‌هایی از بریتانیا از آردواز برای پوشش سقف بناها استفاده می‌شد. مرمر خالص که از آن در ساخت معابد و بناهای عمومی استفاده می‌شد در ناحیه کارارا (Carrara) در ایتالیا استخراج می‌شد و هنوز هم می‌شود. با این حال، گاهی هم از کشورهای خارجی وارد می‌شد.



قرن‌ها پابرجا

این پل رومی بر فراز رودخانه گوادالکونیویر (Guadalquivir) در قرطبه (Cordoba) اسپانیا احداث شده است. رومی‌ها وسایل ساختمانی سنگین یا بولدوزر نداشتند، اما هر چه ساختند، از پل گرفته تا بناهای یادبود، هزاران سال پابرجا ایستاده است.

دیوارهای رم

استحکامات شهر رم در مراحل مختلف تاریخ این سرزمین ساخته شده‌اند. این دیوارهای ستبر در دوران حکمرانی امپراتور مارکوس آنورلیوس (Marcus Aurelius) در فاصله سال‌های ۱۲۱ تا ۱۸۰ میلادی احداث شده‌اند. این دیوارها که به «دیوارهای آنورلیان» مشهورند، هنوز ستبر و مستحکم ایستاده‌اند.



بال‌های گروما را به دسته وصل کنید. با استفاده از شاغول‌ها مطمئن شوید که میله عمودی است. با بال‌ها می‌توانید اشیاء دور دست را در یک خط میزان کنید. رومیان از گروما برای اندازه‌گیری زوایای درست و اطمینان از راست بودن جاده‌ها استفاده می‌کردند.



۴. دو لایه مقوای پایه را از هم باز کنید و یک تکه چوب بالزا را بین دو لایه قرار دهید و با چسب بچسبانید. دسته جارو را نیز به همین ترتیب سوار کنید.



۵. مثل تصویر، به هر یک از بال‌ها، یک شاغول بیاویزید. همه باید طولی مساوی داشته باشند. ۲۰ سانتی‌متر مناسب است. اگر موم خیلی سنگین بود، به جای آن از روزنامه خیلی که دورشان فویل پیچیده شده است، استفاده کنید.



۴. موم را به صورت چهار مخروط کوچک درآورید و دورشان فویل بپیچید. مانند تصویر، رسمانی را از نوک هر چهار هرم رد کنید. این‌ها چهار شاغول گرومابند.

واژه‌نامه

الف

آب‌بر: کانال مصنوعی معبر آب در مسافت‌های طولانی. آب‌رها معمولاً زیرزمینی ساخته می‌شدند یا پلی طاقی روی آن‌ها احداث می‌شد.



آب‌بر

آتریوم: دالان یا حیاط خانه‌های رومی. مرکز آتریوم معمولاً سقف نداشت.

آتشدان: ظرفی مفرغی که آن را پر از زغال داغ می‌کردند و با آن فضاها را گرم می‌ساختند. **آمفورا:** کوزه‌ای سفالی که اغلب به شکل گلدان‌هایی بلند و دسته‌دار با قاعده‌ای نوک‌تیز ساخته می‌شد. این ظرف به شکل‌های مختلف — بلند و باریک و گرد و کوتاه — ساخته می‌شد.

آمفی‌تئاتر: ساختمان روباز بیضی‌شکلی که دورتادورش سکوهایی تعبیه می‌شد. این نوع ساختمان از ابداعات رومیان و جایی برای برپایی نمایش‌ها و جنگ گلادیاتورها و نبرد حیوانات وحشی بود. **آهن‌گر:** صنعتگری که ابزار آهنی می‌سازد و تعمیر می‌کند.

اخرا: نوعی خاک زرد رنگ یا متمایل به سرخ. **ارابه:** کالسکه‌ای

سبک‌وزن که اسب آن را می‌کشید. در میدان نبرد و مسابقه از آن استفاده می‌شد.



ارابه

استولا: لباس بلند زنان رومی که روی تونیک پوشیده می‌شد.

استیلوس: ابزاری نوک‌تیز مثل قلم که با آن روی لوح مومی چیز می‌نوشتند.

امپراتور: فرمانروای امپراتوری.

امپراتوری: سرزمین‌های مختلف و متعدد که تحت سلطه حکومت یا شخصی واحدند.

انبرک جراحی: ابزار جراحی شبیه به گازانبر و انبر.

ب

باسیلیکا: ساختمانی عظیم در میدان اصلی شهرهای رومی، در حد فاصل تالار شهر و دادگاه. **بدن خراش:** ابزاری فلزی که برای پاک کردن بدن و خراشاندن پوست از آن استفاده می‌کردند.



بدن خراش

پ

پاپيروس: نی بلندی که در حاشیه نیل می‌روید و از آن نوعی کاغذ درست می‌کنند.

پاتریسین: عضو یکی از خانواده‌های ثروتمند و اصیل و پر قدرت روم باستان.

پالا: شالی که زنان رومی روی سر و شانه خود می‌انداختند.

پان‌پایپ: سازی متشکل از چندین نی با طول‌های متفاوت.

پرچم سواره‌نظام: پرچمی که سواره‌نظام در جنگ‌ها پیشاپیش سپاه یا در رژه حمل می‌کردند. **پلبین:** عوام‌الناس (آزاد) در روم باستان.

ت

تابلینیوم: اتاق پذیرایی و مطالعه در خانه‌های رومی. **تراکوتا:** سفال نارنجی-سرخ پخته‌شده بدون لعاب.

تریبون: از مقاماتی که برای بیان خواسته‌های مردم عادی در مجامع اشرافی و حکومتی انتخاب می‌شد؛ منصب تریبونی یکی از مناصب ارتش روم هم بود.

تریکلینیوم: اتاق غذاخوری؛ این نام از آن رو انتخاب شده که رومیان عادت داشتند هنگام غذا خوردن به سه (three) کوسن لم دهند.

تمدن: جامعه‌ای که در زمینه هنر، صنعت، علم، حقوق و حکومت‌داری پیشرفت کرده است.

توگا: جامهٔ پشمی سفیدرنگی که اشراف روم باستان به تن می‌کردند.

توستودو یا لاک‌پشتی: روش استتار گروهی

سربازان از تیررس دشمن. این استتار به کمک سپر صورت می‌گرفت.

تونیک: جامه‌ای بلند و ساده و آزاد.

ج

جامعه: طبقات مختلف مردم که در کشور یا محلی خاص زندگی می‌کنند.

جمهوری: دولتی که در آن شورایی متشکل از مردم حکم می‌راند، نه شاه.

جوشن: زرهی زنجیربافت متشکل از حلقه‌های درهم رفتهٔ آهنی.

چ

چرخ پای: چرخ چوبی که با پا به حرکت درمی‌آمد؛ از آن برای گرداندن آسیاب یا ماشین‌آلات دیگر استفاده می‌شد.

ح

حلیم جو: سوپ آرد جو؛ چیزی مثل پوره.

د

داس: ابزاری فلزی با تیغه‌ای منحنی و دسته‌ای چوبی که با آن محصول را درو می‌کردند.

دیکتاتور: حکمرانی با قدرت مطلق.

دیوار نوشته: کلمات و تصویرهایی که در مکان‌های عمومی روی دیوارها کنده می‌شدند.

ز

زره بالاتنه: زره محافظ بالاتنه.

زره ورقه‌ای: زرهی چسبان متشکل از ورقه‌های به‌هم پیوستهٔ فلزی سخت.

س

ساتورنالیا: جشنواره‌ای زمستانی که به افتخار ساتورن برپا می‌شد.

سنا: مجلس قانون‌گذاری روم باستان.

سنجری: واحدی در ارتش روم معادل ۸۰ تا ۱۰۰ سرباز.

سه پایه: پایتختی فلزی که روی اجاق می‌گذاشتند و ظرف غذا را روی آن قرار می‌دادند.

ش

شهروند: فردی آزاد با حق رأی.

ص

صحنه: محوطهٔ ماسه‌پوش وسط آمفی‌تئاتر که

مبارزات و ورزش‌ها در آن اجرا می‌شد.

صنف: مجمعی که از حقوق و منافع افرادی که در

یک پیشه کار می‌کنند حمایت می‌کند.

ط

طرح شبکه‌ای: الگوی متقاطع خطوط مستقیم

با زاویه‌ای قائم، با این طرح شهرها را خیابان‌بندی و

بلوک‌بندی می‌کردند.

ف

فراوری: عمل نگهداری غذا به نحوی که فاسد نشود.

فروم: میدان شهر یا مرکز شهر در روم باستان.

ق

قربانی کردن: کشتن موجودی زنده به افتخار

خدایان.

ک

کتان: گیاهی که از ساقهٔ آن پارچهٔ نخی می‌بافند،

از گل‌های آبی‌رنگ آن رنگ‌دانه می‌گیرند و دانه

آن را می‌کوبند تا روغن بزرگ به دست‌آید.

کجاوه: نوعی وسیلهٔ نقلیه شامل صندلی

یا تختی که عده‌ای آن را به دوش

می‌گیرند و حمل می‌کنند.

کنسول: یکی از دو رهبر جمهوری روم

که هر سال انتخاب می‌شد.

کوبه: تیر چوبی بزرگ و نوک‌تیزی که

معمولاً زیر کشتی (در قسمت جلو) تعبیه

می‌شد و با آن به پهلوی کشتی دشمن

می‌زدند و سربازان به‌راحتی می‌توانستند از

طریق آن وارد عرشهٔ کشتی دشمن شوند.

کوره: اجاق صنعتی؛ آتشدان.

کوریا: شورای شهر در روم باستان.

کوهورت: واحدی در ارتش روم معادل ۵۰۰ سرباز.

گ

گالی: کشتی جنگی پارویی.

گروما: وسیلهٔ کار مساحان رومی برای

اندازه‌گیری زاویهٔ قائم و کسب اطمینان از صاف

بودن جاده‌ها.

گلادیاتور: جنگجوی حرفه‌ای، برده یا

جنایت‌کاری که برای سرگرمی حضار و تماشاجیان

باید تا دم مرگ مبارزه می‌کرد.

گیرانه، آتش گیرانه: شاخ و برگ خشک یا هر

چیزی که با آن آتش روشن کنند.

ل

لژیون: بخشی از ارتش روم متشکل از

شهروندان رومی؛ شهروندان غیررومی

نمی‌توانستند عضو لژیون شوند.

لیبر: سازی از شمار سازهای شبیه

چنگ که نواختن آن در یونان و

روم متداول بود.

م

ماما: کسی که زنان را هنگام زایمان

کمک می‌کرد.

مُر: نوعی رزین برگرفته از بوته‌ای که از آن عطر و

دارو می‌ساختند.

مساحی: اندازه‌گیری و ترسیم نقشه، پیش از

ساخت و احداث پل، جاده یا هر نوع سازه‌ای.

مشمول: کسی که از طرف دولت به خدمت نظام

فراخوانده می‌شود.

ملک: زمین‌ها، خانه‌ها و مزارع متعلق به شخص

یا گروه.

منجنیق: ابزار جنگی بزرگ چوبی که در جریان

محاصره، با آن گلوله‌های سنگی و آهنی به سوی

دشمن پرتاب می‌کردند.

موزاییک‌کاری: تصویری متشکل از

مربع‌ها یا مکعب‌های کوچک شیشه‌ای،

سنگی یا سفالی که روی بتون نرم نصب

می‌شد.

میدان ورزش: زمین بیضی‌شکل مخصوص

مسابقات ارابه‌رانی.

ن

نیزهٔ سه شاخ: نیزه‌ای با سه شاخه که ابزار

گلادیاتورها و ماهیگیران بود.

نیروی امدادی:

سربازانی که از کشورهای

غیر رومی برای خدمت

در ارتش روم استخدام

می‌شدند.

و

ویلا: خانه‌های ویلاقی رومی که اغلب با موزاییک‌کاری

و نقاشی روی دیوار تزئین می‌شدند. ویلاها معمولاً

بخشی از زمین زراعی بودند.



نیزهٔ سه شاخ



لژیون



موزاییک



کنسول

نمایه



آتورلیان، دیوارهای ۲۴۹، ۱۹۹
 آنوسترالوینکوس ۱۷-۱۶، ۵۲-۳
 ابیر ۷-۶، ۲۴۸، ۲۵۰
 ابجو ۱۰۹
 اب و هوا ۱۲، ۲۱-۱۸، ۳۲
 ابیاری ۱۵، ۳۷، ۶۴
 ابیدوس ۱۲۷
 آپولو ۱۶۶
 آپیکوس ۲۱۳
 آتش ۱۷-۱۶، ۲۸-۹، ۴۴-۵، ۱۵۲
 آتن ۸، ۱۳۴-۸، ۱۴۴-۹، ۱۶۶-۸، ۱۷۱، ۱۷۶-۷
 ۱۸۵، ۱۸۰
 آتنا ۹-۱۴، ۱۴۸-۹، ۱۶۶-۷
 آتنی، جشن‌های ۱۴۹، ۱۶۷-۷
 آجر — خشت
 آخابی، نبرد ۱۳۹
 آختانتن ۷۷، ۷۹
 آرایش ۹-۴۸: ~ در روم ۲۱۸: ~ در مصر ۱۱۰، ۱۱۲-۱۳
 آرمیس ۱۶۴
 آرد ۱۴، ۳۷، ۱۰۵-۹
 آرس ۱۴۸
 آرگوس ۱۵۱
 آژاکس ۱۸۸
 آسیاسیا ۱۴۴
 اسکلیپوس ۱۵۹، ۱۸۲-۳
 اسکولاپیوس ۲۲۸-۹
 آسوریان ۷۸
 آسیاب، سنگ ۱۴، ۳۷، ۱۰۵
 آشیل ۱۷۰، ۱۸۸
 آشیلوس ۱۷۲
 آفرودیت ۱۶۵
 آکروپولیس ۱۳۴، ۱۴۸-۹، ۱۶۶-۷
 آگاممنون ۱۴۳
 آگربینا ۱۹۹

آگورا ۱۴۸، ۱۸۵
 آگوستوس ۷۸، ۸-۱۹۷، ۲۰۰-۱، ۲۱۷، ۲۲۱
 آلیگارش ۱۴۴، ۱۴۶
 آلفورا ۱۸۵، ۷-۲۴۶، ۲۵۰
 آمفی تئاتر ۱۹۴، ۲۳۲، ۲۵۰
 آمفیون ۱۷۴
 امنمحات سوم ۹۲
 آمن‌هوتب ۷۷-۸
 آموزش: ~ در روم ۱-۲۲: ~ در مصر ۱۱۴، ۱۲۲
 ~ در یونان ۱۴۷، ۱۶۰-۱
 آمون ۸۰-۱
 آمون-رع ۸۱
 آنتونی، مارک ۹-۱۹۷
 آنخ ۸۰
 آنخرهائو ۸۵
 آنوبیس ۸۱، ۸۳، ۹۹، ۱۰۳، ۱۲۴
 آهموس-نفرتاری ۸۴
 آهن ۱۲۵
 آیین، مذهب ۲۲، ۶۳-۵۸، ۷۵، ۳-۸۰، ۲-۱۰۲
 ۱۲۷، ۷-۱۶۴، ۱۷۰-۱، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۸۳، ۲۰۰
 ۳۱۱، ۲۳۲-۹، ۲۳۸
 آیین ۱۳-۱۱۲، ۱۶۲
 آنورییدس ۱۷۲
 ایریشم ۳-۱۶۲، ۱۸۲، ۲۱۶
 ایزار ۱۴-۱۷، ۲۰، ۳۰-۳۲، ۳۶-۴۰، ۳-۴۰
 ۳-۵۲: ~ در مصر ۸۹، ۱۰۶
 ابوالهول ۷۵، ۹۳
 ابوسمیل ۷۵، ۱۰۳
 آپیدور ۱۷۲
 اثاث خانه: ~ در روم ۲۰۸، ۱۱-۲۱: ~ در مصر ۸۶، ۹۱: ~ در یونان ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۷۲
 اجاق ۶۵
 اجتماع ۱۳۶، ۱۵۲، ۱۵۴
 اجتماعی، ساختار ۳-۲۲، ۱۳۴، ۷-۱۴۶
 ۳-۲۰۲، ۱-۲۴
 اخلاقیات ۱۸۰
 ادفو ۱۰۳
 ادونسوس ۱۳۷، ۱۵۸، ۱۶۹
 ارایه: ~ رومی ۳-۲۳۲، ۲۳۶، ۲۵۰
 ~ مصری ۱۲۰، ۱۲۴: ~ یونانی ۱۷۹، ۱۸۷، ۱۸۹
 ارتش: ~ روم ۷۹، ۱۳۹، ۱۹۶-۷، ۲۰۱
 ۴-۲۰۳، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۹-۵، ۲۴۷
 ۲۵۱: ~ سوارمنظام ۱۸۶، ۲۴۲، ۲۴۴: ~ مصر ۵-۱۲۴، ~ یونان ۱۴۶، ۱۵۰-۹۱۸۶
 ارسطو ۱۴۴، ۱۴۷، ۱۸۰
 ارشمیدس ۱۳۹، ۱۸۱: پیچ ۱-۱۸۰

ارکتیوم ۱۶۷
 اریحا ۱۴، ۵۹، ۶۶
 ازده، دریای ۱۳۵، ۱۳۷
 اساطیر ۱۶۸-۹، ۱۷۲
 اسب ۱۸-۱۶، ۵-۲۴، ۳۴-۵، ۴۴، ۵۴، ۷-۷۶، ۱۸۵
 ۲۳۳
 اسباب‌بازی: ~ در روم ۲۳۶: ~ در مصر ۳-۱۲۲
 ~ در یونان ۱۶۱
 اسپارنا ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۴-۸، ۱۴۶-۱، ۱۵۰-۱۶۰
 ۱۶۵، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۸۶
 اسپارتاکوس ۱۹۷
 استرالیا، بومیان ۱۴، ۴۸، ۵۹-۹۶۸
 استون‌هنج، ناحیه ۱۷، ۶۰-۱
 اسلحه ۴۱، ۷-۵۶، ۵-۱۲۴، ۱۴۳، ۱۴۶-۸، ۱۸۷
 ۲۴۴-۵، ۲۴۲
 اسکندنایوی، ساکنان شمال ۲۰
 اسکندر کبیر ۷۸، ۱۳۶-۹، ۱۳۸، ۱۸۰، ۱۸۹
 اسکیمو ۳۲، ۴۶-۷، ۵۵، ۶۸
 اشلیمان، هاینریش ۱۴۳
 اعداد ۵-۲۴، ۲۲۱
 افروختن ۹-۴۸، ۵-۱۵۴، ۱۶۱، ۱۱-۴۱، ۲۲۴
 افسوس ۱۴۴، ۱۷۲
 افلاطون ۱۳۹
 اقلیدس ۱۸۱
 الفبا ۱۶۱
 المپ، کوه ۱۶۴، ۱۷۰
 المپیک، بازی‌های ۱۳۶-۹، ۱۷۸
 امپراتور ۲۰۳-۱۹۷، ۲۴۶، ۳۳۲، ۲۵۰
 امپراتوری جدید ۷۴-۷۶، ۹۶، ۱۰۰-۱۰۳، ۸۰-۱۰۶
 ۱۱۴، ۱۱۰
 امپراتوری کهن ۶-۷۴، ۹۲
 امپراتوری میانه ۷۴، ۷۶، ۱۱۱
 امریکا، بومیان ۲-۲۱، ۲۵، ۲۷
 اودجات، چشم ۱-۱۰۰، ۱۱۰
 اودیسه ۱۳۸، ۷۰-۱۶۸
 اورفه ۱۷۴
 اوزیریس ۲-۸۱، ۱۰۱-۱۰۳
 ۱۰۹، ۱۲۷
 اوستیا ۱۹۴، ۲۳۵، ۲۴۶
 ۲۴۸
 اومفالوس ۱۳۵
 اونز، سر آرتور ۱۴۰
 اهرام ۶-۷۴، ۷۸-۹۲
 ایران ۷۶، ۷۸، ۱۳۹: جنگ
 با ۷-۱۳۶، ۱۳۹، ۱۴۸
 ۱۵۱، ۱۸۹
 ایزیس ۸۱، ۱۰۱-۱۰۳، ۱۲۲، ۲۳۹
 ایستر، جزیره ۶۹
 ایسوس، نبرد ۱۳۹، ۱۸۹



ایلیاد ۱۳۸، ۱۶۸
 ایسهوتپ ۹۲
 ایسوله ۲۰۶

بازی ۱-۱۲۰، ۶۰-۱۵۷، ۱۸۸، ۲۳۶-۷
 باستان‌شناسی ۱۹۵، ۲۲۸، ۲۳۱
 باسیلیکا ۳-۲۳۲، ۲۵۰
 باغ ۸۶، ۹-۲۰۸، ۲۳۶
 بافندگی ۲۱، ۴۴-۶، ۱۵۸
 بتون ۱۹۶، ۲۴۸
 بجه‌ها: ~ ی روم ۲۰۳، ۲۱۶، ۲۲۰-۱، ۲۲۹
 ۷-۲۳۶، ۲۴۰: ~ ی عصر حجر ۳-۲۲: ~ ی
 مصر ۳-۱۲۲: ~ ی یونان ۷-۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۸
 ۱۶۰-۱
 برج بادها ۱۸۰
 برج و بارو ۲۴۳، ۲۴۵



برده، برده‌داری: ~ در روم ۷-۱۹۶، ۲-۲۰۲، ۲۱۰
 ۱۴-۲۱۲، ۲۱۶، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۴۰، ۲۴۸: ~ در
 مصر ۱۰۴-۱۲۴: ~ در یونان ۷-۱۴۶، ۱۵۰، ۶۰
 ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۷۰، ۶-۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۴
 برزخی، بازی‌های ۱۸۴
 برنز (مفرغ): ~ در روم ۲۰۲، ۲۱۳، ۲۱۹، ۲۲۴
 ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۲، ۲۴۴: ~ در یونان
 ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۸۷: کار با ۱۶
 ۱۴۲
 برینگ، ننگه ۱۵-۱۴، ۱۹
 بز ۱۴، ۹-۳۸
 بزم، ضیافت، مهمانی ۱۵۷، ۲۱۱، ۱۵-۲۱۴، ۲۳۴
 بظلمیوس اول ۷۸
 بظلمیوس پنجم ۱۱۶
 بقرابط ۱۸۲
 بلو: ۱۵، ۵۴: ~ پوستی ۵۴
 بنا، ساختمان ۷-۲۶، ۵-۶۴، ۶۹، ۷۵-۸۶
 ۸-۲۰: ~ در روم ۱۹۶، ۱۱-۲۰۶، ۹-۲۳۸
 ۹-۲۴۸: ~ در مصر ۷۵-۸۶: ~ در موکنا
 ۱۴۲: ~ در یونان ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۶۶-۷
 بودیکا ۱۹۸



دموتی، خط ۱۷-۱۱۶
دموکراسی ۱۲۴، ۱۲۷، ۱۴۴-۶
دوات ۲۲۰
دوایر سنگی ۱۷، ۶۰-۱
دوختن ۷-۴۶
دوگو، پیکره ۶۲
دولت - شهر ۱۲۶، ۱۴۴
۱۸۸، ۱۵۰، ۱۴۸، ۱۴۶
دولمن ۶۰
دیانا ۲۳۸
دیرالمیدینه ۷۷، ۸۶، ۸۸-۹
دیمیتر ۱۵۵، ۱۶۵، ۱۷۱
دیونیزوس ۱۵۷، ۱۶۵، ۲۱۶
۲۲۷

رادیوکربن ۱۲
رامسس اول ۸۳
رامسس دوم ۷۵، ۷۷، ۹۹
رامسس سوم ۷۸، ۸۴
راهب ۸۲، ۱۰۰-۳، ۱۱۸، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۶۶، ۱۷۸، ۲۳۹، ۲۰۰
رای داندن ۱۲۷، ۱۴۴-۵
رژه پیروزی ۲۰۰
رع ۸۱، ۹۶، ۱۰۱، ۱۲۷
رقص ۲۲، ۵۰، ۵۹، ۱۶۷، ۱۷۴-۵
رم ۵-۱۹۴
رنگامیزی ۷-۴۶، ۱۱۰
رودس ۱۷۷، ۱۸۴
روزتا، لوح ۱۱۶
روستا ۷-۳۶، ۵۶-۶۴
روم، امپراتوری ۷۶، ۷۸-۹، ۱۲۶، ۱۳۹، ۱۹۷-۸
روم، جمهوری ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۵۰



جاقو ۴۰، ۴۲، ۵۷
چخماق، سنگ ۱۷-۱۶، ۲۶، ۴۰-۲، ۵۲-۷، ۵۶-۷
چراغ ۲۸، ۱۵۴، ۱۶۱، ۱۱۰-۱۱، ۲۲۴
چرخ ۱۶، ۵۴
چرم ۷-۴۶، ۵۴
چوب ۱۲، ۳-۴۲، ۵۶
چوبخط ۲۴
چیتون ۳-۱۶۲
حارمحب ۷۸، ۸۲
حتیها ۷۷
حجر قائم ۶۱
حرارتی/گرمایشی، سیستم ۱۵۲، ۲۱۰-۱، ۲۳۰
حمام/گرمابه ۱۵۲، ۲۰۳، ۲۰۶-۷، ۲۲۹-۳۲
۲۳۶
حکومت ۶-۱۴۴، ۱۵۱، ۱۸۰، ۲۰۳، ۲۰۰
حیوانات: ~ اهلی ۱۷-۱۴، ۱۹، ۲۱، ۳۸-۴۱، ۸۱
۱۰۴، ۱۰۶-۷، ۱۲۰، ۱۲۰، ۴۶-۵۳، ۶۴
خاکسپاری، تدفین ۱۲، ۱۷-۱۶، ۴۵، ۴۹، ۵۲، ۵۶
۶۳-۵۸، ۶-۷۴، ۸۱، ۷۸، ۸۷-۸، ۹۰، ۱۰۱-۱
۹۲، ۱۲۶، ۱۴۳، ۱۴۶، ۱۷۰، ۲۴۰-۱
خانواده: ~ رومی ۱-۲۴۰: ~ در عصر حجر ۳-۲۲:
~ یونانی ۶۱-۱۵۸
خانه ۷-۵۲، ۶۴-۷، ۸۶-۳، ۱۵۲-۳، ۲۰۴-۱۱، ۲۰۶
۲۵۱: ~ ارواح ۸۷ ~ دراز ۶۴
خایرونیا، نبرد ۱۳۸
خدا، خدای بانو ۹-۵۸، ۳-۸۰، ۲-۱۰۲، ۱۵۲
۵-۱۶۴، ۱۷۰، ۱۹۵، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۸
۲۳۸-۴۰
خشت، آجر ۶۴، ۷۴-۷، ۸۶-۳۰۸
خفرع ۷۵، ۷۸، ۹۳
خوفو، فرعون ۷۵، ۷۸، ۹۳-۵
خوک ۱۹، ۲۸، ۴۴، ۱۵۶، ۲۰۴-۵، ۲۲۶
دادوستد ۳-۵۲
داربوش ۱۳۹، ۱۸۹
داس ۳۶، ۴۲
دام ۱۵، ۲۳، ۳۸-۹، ۲۰۴
دامپروزی ۱-۲۰، ۳۹
دایره ۱۷، ۶۰-۱
دایه ۱۶۱
دربار ۸۴، ۲۰۳
درة شاهان ۷۷، ۷۹، ۸۸، ۹۶-۷، ۱۰۰-۱
دکان ۲۲۲، ۵-۲۲۴، ۲۲۸
دلفی ۱۳۵، ۱۷۲

تجارت: ~ در روم ۱۹۵، ۵-۲۲۴، ۲۴۶: ~ در
عصر حجر ۲۱، ۲۴، ۵۲-۳، ۶۶-۷: ~ در مصر
۷۶، ۹-۱۲۸: ~ در یونان ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۷۶
۵-۱۸۴
تدفین ~ خاکسپاری
ترازان، ستون ۲۴۲
تریسخوره ۱۷۵
ترفین ۵۹
ترموبیل ۱۵۱
تروا ۱۳۵، ۱۴۳، ۱۶۵: اسب ~
۱۳۵، ۱۸۸، جنگ ~ ۱۳۵
۱۲۷، ۱۶۵، ۱۸۸
تریبون ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۵۰
تستودو ۲۴۵
تل خاک ۶۳
توالث ۱-۲۳۰
توتانخامون ۷۷، ۷۹، ۸۸
۱-۹۰، ۹۶-۷، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۰-۱
۵-۱۲۴
توتاموس ۸۸
توتاموس چهارم ۹۳، ۱۲۹
توتاموس سوم ۷۷، ۷۹
توده ۳۳
توگا ۱۷-۲۱۶، ۲۵۰
توندر ۵۱، ۲۴-۳
تیر ۱۹۴
تیروکمان ۳۴، ۴۰، ۵۶-۷، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۸۶
تیشه ۴۲
تیلیمازی ۲۳۶
تیمانیون ۵-۱۷۴



توتانخامون ۷۷، ۷۹، ۸۸
۱-۹۰، ۹۶-۷، ۱۰۱، ۱۱۱، ۱۱۴، ۱۲۰-۱
۵-۱۲۴
توتاموس ۸۸
توتاموس چهارم ۹۳، ۱۲۹
توتاموس سوم ۷۷، ۷۹
توده ۳۳
توگا ۱۷-۲۱۶، ۲۵۰
توندر ۵۱، ۲۴-۳
تیر ۱۹۴
تیروکمان ۳۴، ۴۰، ۵۶-۷، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۸۶
تیشه ۴۲
تیلیمازی ۲۳۶
تیمانیون ۵-۱۷۴
جاده ۱۹۵، ۲۰۶، ۲۴۸
جادو ۴۹-۹، ۵۸-۱۱۰، ۱۱۸
جراحی ۱۱۸، ۱۸۳، ۲۲۸
جرتقیل ۲۴۸
جشن، جشنواره: ~ در روم ۹-۲۳۸: ~ در یونان
۱۴۹، ۱۵۵، ۱۶۴، ۱۶۶، ۱۷۸

پاپا ۲۳، ۴۸، ۶۸
پاپیروس ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۶-۷، ۲۲۱
پاترسین ۲۰۲، ۲۵۰
پارتنون ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۴۸، ۱۶۴-۷
پارچه ۲۱، ۴۴، ۴۶، ۱۵۸، ۱۶۲-۳
پاریس ۱۶۵
پاریتسنگی ۱۴
پانتئون ۹-۲۳۸
پیلوس ۱۶۲
پختن ۲۱-۲۹، ۶۵، ۱۵۲-۳، ۷-
۱۵۶، ۱۴-۲۱۲
پرتورین: گارد ۲۰۱
پرچم ۲۴۳
پرستوس ۱۶۹
پرسفونه ۱۷۱
پروپلا ۱۶۶
پرکلس ۹-۱۳۸، ۱۴۴
پزشکی ۱۹-۱۱۸، ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۸۲-۳، ۲۲۸-۹
پسچنت ۸۳
پشم ۴۴، ۳۶-۳، ۱۶۲، ۱۸۴
پگاسوس ۱۶۹
پلین ۱۹۵، ۲۰۲، ۲۵۰
پلهای خشکی ۱۴، ۱۹
پلوپونزی، جنگهای ۱۳۸
پنبه ۴۴، ۳۶-۳، ۱۶۲، ۱۸۴، ۲۱۶
پنتاکتون ۱۷۸
پنلوپه ۱۵۸
پوزیدون ۱۳۷، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۸۴
پول ۵۲، ۹-۱۴۸، ۱۶۹، ۱۷۶، ۱۸۴، ۱۹۵-۶
۱۹۹، ۲۰۳، ۲۲۴-۴، ۲۴۱
پولیمنی ۱۷۵
پومیی ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۶-۷، ۲۱۶، ۲۲۰، ۲۲۲
۷-۲۲۶، ۵-۲۲۴، ۲۴۹
پونت ۹-۱۲۸
پونی، جنگهای ۷-۱۹۶
پیادمنظام ۸-۱۸۶
پیشکشی ۳-۱۸۲
تئاتر: ~ روم ۷-۱۹۶، ۵-۲۳۴: ~ یونان ۱۳۸
۳-۱۷۲
تالوت ۱۰۱-۹۸
تاج گل ۱۳۶، ۲۰۱
تارکونیوس مغرور ۲۰۰
تاس ۷-۲۳۶، ۱۸۸
تیر ۱۳، ۳۴، ۴۰-۳، ۵۲-۳، ۱۲۵، ۱۴۱
تیس ۷-۷۵، ۸۰-۱، ۸۴، ۸۶، ۹۶، ۱۰۰، ۱۳۸
۱۵۰، ۱۷۴
تبی ۲۱، ۲۷



قانون ۵-۱۴۴-۲۲۲
قایق و کشتی ۱۶-۱۵
۵-۵۴ ~ در روم ۱۹۵
۷-۲۴۶ ~ ۲۵۱
مصر ۷۴-۱۰۱-۱۳۶
~ در یونان ۱۵۱
۵-۱۸۴-۱۸۹
قربانی کردن ۱۳۵-۱۴۹-۱۵۳-۱۵۵

۱۶۷-۸-۱۵۹

قسططنیه ۱۹۹

قشون ۱۸۸

قصر ۸۴-۱۴۱

قفل و کلید ۲۰۸

قلم ۱۱۵-۲۲۰

قمار ۷-۲۳۶

قهرمانان ۹-۱۶۸-۱۷۲-۱۸۸

شهرها، شهرهای کوچک ۱۴-۱۶
۷-۶۵ ~ در روم ۷-۲۰۶
۵-۲۲۲ ~ در مصر ۲۳۰
۷۵-۷-۸۶
شهریوند ۷-۱۴۶-۱۹۶-۱۹۸
۲۵۱-۲۰۲
شیشه ۸۸-۹۰-۲۱۲-۲۱۸-۲۲۶
۲۳۶

سندل ← کفش

صنعتگر ۱۳-۵-۲۴-۴۰-۴۲-۵۰ ~ مصری

۷۴-۹۱-۸۸-۱۲۹ ~ یونانی ۱۴۷-۱۵۴

۷-۱۷۶

ضیافت ← یزم

کاتب ۱۵-۱۱۴-۱۲۲

کاراکناکوس ۱۹۸

کارناژ ۸-۱۹۶

کارترو، هوارد ۷۴-۹۷

کارینت ۱۶۹-۱۷۷-۱۸۴

کاشی، کاشیکاری ۱-۹۰-۱۵۲

۲۰۸

کالابشا، معبد ۱۰۳

کالیگولا ۱-۲۰۱

کانوپوس، کوزه‌های ۹-۹۸

کاویت ۸۵

کاهگل ۶۴

کایاک ۵-۵۴

کتاب مردگان ۱۰۰

کتان ۴۴-۱۱-۱۱۰

۳-۱۶۲-۲۱۶

کرت ۶-۱۳۴-۱۰۱-۱۴۰

کردن پشمالو ۱۴-۱۹-۴۴

کرنک ۷۷-۱۰۳

کروماکتون، انسان ۱۲-۱۶-۴۱

کشاورزی ۱۷-۱۴-۲۰-۲۶-۳۶-۵۶-۵۸-۹

۶۲-۶۴-۶۸ ~ در روم ۴-۲۰۴-۲۱۷-۲۳۸

~ در مصر ۷۴-۱۰۴-۷ ~ در یونان ۵-۱۵۴

۱۸۶-۱۸۴

کفش، صندل ۱۱۰-۱۶۲-۲۱۶-۲۳۰

کلئوپاترا ۷۸-۱۹۷-۱۹۹

کلادیوس ۱-۲۰۱

کلاهیس ۱۱۰-۱۳-۱۱۴-۱۲۳-۲۱۹

کلوجه علی ۷-۱۵۶

کمندی ۱۷۳

کنده کاری ۱۳-۴۰-۴۲-۵۰-۵۴-۵۶-۵۸

عاج ۲۳-۲۰۲-۵۰

عسل ۳۱-۵-۲۰۴-۱۵-۲۱۴

عصای حکمرانی ۴۳

علم ۱۹-۱۱۸-۱۸۰

غار ۱۳-۲۶

غاز ۱۰۱

غذا: ~ در روم ۲۰۲-۵-۲۰۴-۱۵-۲۱۲-۵

۲۲۳-۲۴۱-۲۴۶ ~ در عصر حجر ۳

۱۷-۱۴-۲۰

۹-۳۰ ~ در مصر ۹-۱۰۵-۱۰۷-۱ ~ در

یونان ۷-۱۵۲-۱۸۵

فالسام، سرنیزه ۵۶

فالنوس دریایی ۲۴۶

فراغت ۹-۷۸-۴-۸۲-۹۲-۹۶-۱۰۰-۱۰۴-۱۰۸

۱۱۲-۱۲۴-۱۲۸-۹

فروم ۳-۲۲۲-۲۵۱

فلز، صنعت ۱۷-۱۴-۵۴-۶۶-۶۸-۱۴۷-۱۷۶

فلسفه ۱۲۴-۱۲۸-۱۴۴-۱۸۰

قاببازی ۹-۱۵۸-۲۳۶

قادش، نبرد ۷۷

سفالگری ۱۳-۱۵-۲۲-۳۱-۴۴-۵۱-۴۹-۵۸
۶۲-۶۷ ~ در روم ۲۱۲-۳۱۵-۲۲۴-۶
۲۳۶-۲۴۶ ~ ۲۵۰ ~ در مصر ۷۴-۹۰-۹
۱۰۸-۱۲۸ ~ در مونا ۱۴۲ ~ در مینوس
~ ۱۴۰ ~ در یونان ۱۳۵-۷-۱۴۵-۱۵۲-۱۵۴
۷-۱۵۶-۱۶۳-۱۷۰-۱۷۶-۵-۱۸۸-۱۸۴
۲۳۳

سفر ← نقل وانتقال

سقاره ۷۵-۹۲

سقراط ۹-۱۳۸

سکارا، ساحل ۱۷-۸-۲۷-۴۸-۴۶

سکایی ۱۸۶

سکه: ~ رومی ۶-۱۹۵-۱۹۹-۲۲۴-۲۴۱ ~ یونانی

۹-۱۴۸-۱۶۹-۱۷۶-۱۸۴

سگ ۳۹-۴۴

سلاح ← چخماق، سنگ

سلت ۱۹۵-۱۹۸

سنا ۲۰۰-۲۰۲-۲۵۰

سنتوری ۱۷۳

سنجاق، سوزن ۴۰-۴۲-۴۶-۷

سنگ ۱۲-۲۷-۳۶-۴۰-۴۵-۵۰-۵۲-۵۴-۵۶

۶۹-۱۴۷-۲۴۸

سوارمنظم ۱۸۶-۲۴۲-۲۴۴

سوزن ← سنجاق

سوفوکل ۱۲۸-۱۷۲

سولون ۱۴۵

سیاست ۵-۱۴۴-۱۸۰

سیاهی، عصر ۱۳۶

سیرو ۱۹۸

سیکلادی، جزایر ۲۳-۴۵-۶۶

سیلاب ۷۴-۸۷-۱۰۶-۱۱۸-۱۹

سیمان ۲۰۸

شاخ ۱۳-۲۰-۳۰-۳۴-۴۰-۴۲-۴۶-۵۰-۵۸

۵۸

شادوف ۷-۱۰۶

شامیولون، ژان-فرانسوا ۱۱۶

شبتی، مجسمه‌های ۱۰۰

شخم ۴-۵-۱۵۵-۱۰۴

شراب ۷-۱۵۶-۱۶۱-۱۶۵-۱۸۰-۱۸۴-۶ ظریف

۱۵۰ ~

شعر ۱۲۸-۱۶۸

شکار ۱۲-۱۸-۲۰-۲۲-۲۴-۳۱-۳۹-۴۲-۴۴

۳۶-۵۳-۵۶-۶۲-۶۸-۱۲۰-۱۲۶-۱۵۴

۲۰۵-۲۳۶-۲۳۸

شمارش ۵-۲۴

شمع ۱۵۵

شمشیم ۲۲-۵۸-۹



روم شرقی، امپراتوری ۱۹۹

رومولوس و رموس ۱۹۴-۱۳۹-۱۹۸-۲۰۰

ریاضی ۱۱۸-۱۳۴-۱۳۸-۱۸۰-۲۲۰

زئوس ۶-۱۳۵-۱۴۹-۱۶۴-۱۷۱-۱۷۹

۱۸۴

زبان ۵-۲۴-۱۳۴-۱۴۷-۱۹۴-۱۹۶-۲۰۲-۲۱۸

۱-۲۲۰-۲۴۰

زرد: ~ رومی ۲۴۲-۲۴۴-۲۵۰ ~ موناکیایی

۱۴۲ ~ یونانی ۱۵۱-۱۸۶

زنان: ~ رومی ۳-۲۰۲-۲۰۶-۲۱۶-۲۲۲-۲۲۸

۲۳۴-۲۴۰ ~ مصری ۱۲۲ ~ یونانی ۱-۱

۱۴۰-۱۴۴-۱۶۴-۱۵۲-۱۵۸-۶۳-۱۶۵-۶

۱-۱۷۸-۹-۱۷۰

زولو ۲۳

زیارتگاه (معبد) ۲۱۱-۲۳۹

زیتون، روغن ۱۴۲-۱۴۹-۱۵۴-۱۵۶-۱۸۴-۵

۲۳۰-۲۱۱-۱۲-۳۰۵



زویتر ۱۹۵-۲۳۸

ساتورنالی ۲۳۶-۲۳۸

۲۵۰

ساختمان ← بنا

سارگن، پادشاه آد ۶۷

سارنی-برن-کالد ۶۰

ساعت ۱۹-۱۱۸-۱۸۰

سافو ۱۳۸

سالامیس، جنگ ۱۳۷

۱۸۹

سامی‌ها ۲۰

سان، قبیله ۶۸

سید ۵-۴۴-۶۴

ست ۸۱

ستی‌اول ۷۷-۹۶

سرگین‌گلطان ۸۱

سروپوس تولیوس ۱۹۵

سزار، یولیوس ۲۰۰-۱۹۷



هرا ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۸-۹
هرکول ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۷۰
هرکولایوم ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۰۷
هرمس ۱۶۴، ۱۶۹
هزارتو ۱۶۸
هستیایا ۱۵۲
هفالتسوس ۹-۱۴۸

هلبن ۱۶۵
هندسه ۱۸۱

هنر: ~ ۲۰۲، ۲۱۰، ۲۱۵-۱۶، ۲۱۸-۲۰
۷-۲۲۹، ۲۳۹، ۲۴۲: ~ کندهکاری ۱۳
۵-۲۴۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۹، ۲۰۳، ۲۴-۵
مجسمه‌سازی ۱۳، ۲۲-۳، ۲۴-۵، ۴۴-۱، ۵۰-۱
۵۸، ۶۲، ۶۶-۷، ۲۰۲، ۲۲۶، ۲۳۶، ۲۴۲: ~
مصر ۷۵، ۱-۱۰۴، ۹۰-۱: ~ یونان ۱۴۰-۳
۱۵۲، ۱۵۷-۷، ۱۷۶: ~ نقاشی ۵-۲۳، ۱۵۲-۳
۲۱۰، ۲۱۵-۱۶، ۲۱۸-۲۰، ۲۲۶-۷: ~ نقاشی
روی دیواره غارها ۱۳-۱۲، ۱۵، ۱۹، ۲۴-۵
۲۸، ۳۴، ۴۲، ۱-۵۰-۸۵
هوروس ۷۴، ۸۰، ۸۳، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۲۲
هومر ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۶۸، ۱۸۸
هومو آنوسترالوبیتکوس ۱۶
هومو ارکتوس ۱۲، ۱۷-۱۶، ۲۸
هومو ساینس ۱۷-۱۶
هومو ساینس نئاندرتالسیس ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۱
۴۰، ۵۸
هومو هابیلیس ۱۷-۱۵، ۴۰
هویوک، چانال ۱۵، ۴۵، ۵۸، ۶۵-۶
هیراتی، خط ۱۷-۱۱۶
هیروگلیف ۷۵، ۱۷-۱۱۵، ۱۲۷، ۱۳۴، ۱۴۰
هی‌زی ۱۵۹، ۲۲۸
هیکسوس ۷-۱۱۱، ۱۲۰

یخی، عصر ۱۳، ۱۴، ۱۹-۱۸، ۳۴، ۳۲
یوتریه ۱۷۵
یونان، یونانی ۲۳، ۷۸، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۳-۲۳۸
زنان ~ ۱۴۷، ۱۴۴، ۲۲۰
هابو، مدینه ۸۴
هاتشپسوت ۸-۸۳، ۱۲۸
هانور ۳-۸۲، ۱۰۳، ۱۱۳
هادریان ۱۹۹، ۲۰۴، ۲۱۹، ۲۴۳: دیوار ~
۹-۱۹۸، ۲۴۴: ویلای ~ ۲۰۴
هاراپا ۴۹
هاراپان ۶۷
هانیبال ۱۹۶، ۱۹۸
هاوس ۱۷۱

نان ۷-۱۰۷، ۱۵۷
نخرت ۷۵، ۷۸، ۹۲
نجاری ۸۹
نخیت ۹۱
نخت ۱۰۶
نخریسی ۱۵۸
نرون، امپراتور ۱۹۹
نفتیس ۱۰۱
نقرتی‌تی، ملکه ۷۹، ۱۱۲
نقاشی دیواری ۱-۱۴۰، ۳-۱۵۲
نقاشی روی صخره ۱۳، ۱۵، ۲۳، ۲۹، ۴۲، ۵۰
۵۴، ۸-۵۶
نقره ۲۱۵
نقل‌وانتقال، سفر ۱۶-۱۵، ۵۴-۵، ۱۸۴-۵
ننت ۴۷، ۶۸
نوبه، شهر ۷۶، ۱۲۸-۹
نوت، خدای بانوی آسمان‌ها ۸۰
نوسنگی ۱۴، ۲۷
نوشتن ۱۷، ۲۴-۵، ۷۵، ۱۷-۱۱۴، ۱۳۶، ۱۳۴
۱۴۰، ۱۴۷، ۱۶۱، ۱۹۴، ۱-۲۲۸
نوک ۴۳
نیزه ۲۰، ۲۴-۳۲، ۳۰-۴۰، ۵۷، ۱۲۰: پرتاب ~ ۳۴
۴۰، ۴۲-۴۴
نیل، رود ۶-۷۴، ۸۶، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۱۸، ۱۲۴
۱۲۶
نیلومتر ۱۱۹
نیوگرینج، گور دالاتی ۱۷، ۶۱

واندال ۱۹۹
ورزش ۱-۱۲۰، ۱۴۱، ۱۵۴، ۱۷۸-۹، ۱۸۴
۲۳۲-۳: میدان ~ ۲۵۱
ورسینگتوریکس ۱۹۸
وزن، واحد وزن ۶۷، ۱۱۸، ۱۸۵
وزوو ۱۹۸، ۲۰۶
ونوس، پیکره‌های ۱۳، ۲۲، ۴۴، ۵۸
ویزیگوت ۱۹۹
ویلا ۲۰۴، ۲۱۱، ۲۲۷، ۲۵۱

ماموت ۱۴-۱۳، ۱۹-۱۸، ۲۶-۷، ۴۴-۵، ۴۸
مانتینا، نبرد ۱۳۸
ماهگیری ۲۰، ۳۲-۳، ۴۲، ۱۵۴
منه کماتی ۹-۲۸
مدوسا ۹-۱۶۸
مدیترانه ۷-۱۳۶، ۱۹۵، ۲۰۶
مذهب — آیین
مرگ، دنیای بعد از ۳-۶۲، ۸۱، ۱۰۰-۱۷۰
مژولیتیک ۱۴، ۳۰
مس ۱۵
مساح ۸۹
مسیحیت ۷۹، ۱۹۹
مصر ۱۶، ۵۷، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۸، ۲۳۹
معبد/ معابد ۶۱: ~ روم ۹-۲۲۲، ۲۳۸-۲۴۹
مصر ۵-۷۴، ۸۳، ۸۶، ۹۶، ۱۰۲-۱۰۳: ~ یونان ۱۳۴
۹-۱۴۸، ۱۶۴-۷، ۱۷۲، ۱۷۹
مغازه ۴-۲۲۲
مفرغ — برنز
مقدونی ۱۳۶، ۱۳۸-۹، ۱۷۷
مقدونی، فیلیپ ۱۳۸
مگالیت ۶۰
مقیس ۷۵، ۸۶، ۱۲۷
منکالورع ۹۳
مو، مدل ۸۵، ۱۱۰، ۱۱۳-۱۱۲، ۱۲۳، ۱۶۲-۳
۱۹-۲۱۸
موز ۱۷۵
موزاییک‌کاری ۲-۱۵۱، ۲۰۲، ۲۰۴-۵، ۲۰۸، ۲۱۰
۲۱۴، ۲۱۶-۷، ۲۲۶-۵، ۲۳۳-۸، ۲۳۷، ۲۵۱
موسیقی ۲۳، ۵۰: ~ روم ۲۱۵، ۲۲۰، ۲۲۷
۵-۲۳۴، ۲۳۸، ۲۴۰-۱: ~ ۲۵۱
مصر ۵-۱۶۷، یونان ۵-۱۷۴
موکنایی ۶-۱۳۴، ۲-۱۴۲
مومیایی ۸۱، ۱۰۰-۹۸، ۱۰۳
۱۰۸، ۱۲۷
مهاجرت ۱۴، ۱۶، ۲۰-۱
۵-۲۴
مهر ۱-۱۴۰
مهمانی — بزم
مهندسی ۹-۲۴۸
میترا ۲۳۹
میخی، خط ۱۷-۲۴
میناتور ۱۳۷، ۱۶۸
مینوس، مینوسی ۶-۱۳۴، ۲-۱۴۰
میو ۸۱



نشاندرتال ۱۲، ۱۷، ۲۶، ۳۱، ۴۰، ۵۸
نارمر ۷۸
نازکا ۴۵

کنستانین ۱۹۶، ۱۹۹، ۲۴۳
کنسول ۲۰۲، ۲۵۱
کنوسوس ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۰-۱
کوچ‌نشین ۱-۲۰
کوره ۶۵
کوزه ۱۷۷
کولوسیم ۱۹۴، ۱۹۸، ۲۳۲

کالی ۷-۲۴۶
کاو ۳۵، ۱۰۴، ۱۵۴-۵، ۲۰۴-۵: پریدن از روی
~ ۱۴۱
گلاومیش ۱۲، ۱۹-۱۸، ۲۳-۵۶
گرایمز، مقبره‌های ۱۷، ۴۰
گره ۸۱
گرمایشی — حرارتی، سیستم
گروما ۵۱-۲۴۸
گل ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۷
گلادیاتور ۱۹۶، ۲۳۲، ۲۵۱
گور دالاتی ۱۷، ۳-۶۰
گورگون ۹-۱۶۸
گوزن ۲۰-۱۸، ۴-۲۳، ۴۲-۴۷
گوسفند ۱۵-۱۴، ۱۷، ۲۱، ۳۸-۹، ۴۶، ۷۴
گوگمل، نبرد ۱۳۹، ۱۸۹
گونه‌های منقرض‌شده ۱۹

لئونیداس ۱-۱۵۰
لاتین، زبان ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۱۸
~ ۱-۲۳۰، ۲۴۰
لاسکو، غار ۲۴
لاما ۹-۳۸
لباس ۳۴، ۴۴-۷: ~ رومی
۲۱۰، ۲۱۶-۱۷، ۲۴۰: ~
مصری ۱۰۸، ۱۱-۱۱۰: ~
مینوسی ۱۴۰: ~ یونانی
۱۵۸، ۱۶۲-۳
لژیون ۳-۲۴۴، ۲۵۱
لکی‌توی ۱۷۰
لوتوس، گل (نیلوفر آبی) ۸۰، ۸۴، ۹۰-۱
لوخور ۷۵، ۹۶، ۱۰۲
لیکورگوس ۱۵۱
مارائن، نبرد ۱۲۷
ماستودون ۱۹-۱۸
ماسک ۷-۹۶، ۱۴۴، ۳-۱۷۲، ۵-۲۳۴
ماکیان ۳۸
مالیات ۹-۱۹۸، ۲۰۳، ۲۳۳



دنیای باستان

انسان‌های عصر حجر، مصر باستان، یونان باستان
و امپراتوری روم چگونه زندگی می‌کردند؟

تصویری روشن از اقوام، مردم و تمدن‌ها

آموزش‌های عملی گام به گام برای بازآفرینی
مهارت‌ها و حرفه‌های قدیم

بیش از ۸۰۰ عکس، تصویر و نقشه رنگی

مرجعی معتبر برای آموزش موضوعات
تاریخی به دانش آموزان



۱۸۰۰۰ تومان

ISBN 978-964-185-065-6



9 789641 850656

